شفق
SHAFAQ

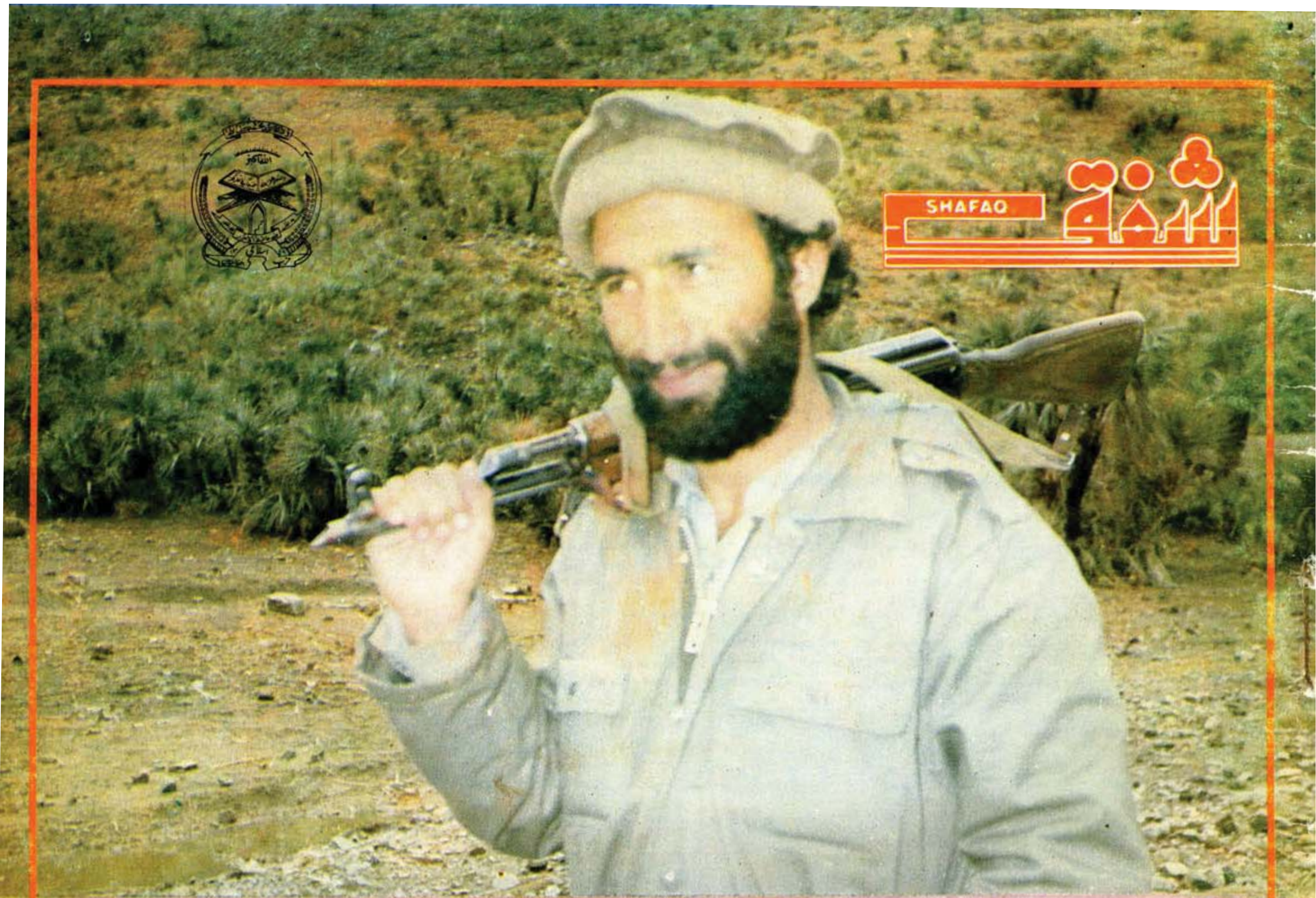

شفق SHAFAQ

بسم الله الرحمن الرحیم

ارگان نشراتی حزب اسلامی افغانستان کمیسیون ارشاد فرهنگ سال تاسیس ۱۳۵۹ هـ ش

دوردوم سال چهارم شماره دهم ویازدهم ثور وجوزای سال ۱۳۶۸ هـ ش

یا یها الذین امنوا اتقوا الله وقولوا قولا" سدیدا ○ یصلح لکم اعمالکم و یغفرلکم ذنوبکم ومن یطع الله ورسوله فقدفا زفوزا عظیما ○ انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه کان ظلوما جهولا ○

لیعذب الله المنفقین والمنفقت و المشرکین والمشرکت ویتوب الله علی المؤمنین والمؤمنت وکان الله غفورا رحیما ○ ع

* ای مؤمنانو! دهغوخلکوپه شان مه کیږی چی هغوی موسی علیه السلامته اذیتونه رسولی وو، بیا الله دهغوی نه جوړوکړیوخبرونه هغه ته براءت ورکړ، اوهغه دالله په وړاندی عزتمندوء .

ای مؤمنانو! له الله نه وویریږی او سمه خبره کوی .

الله به ستاسی عملونه سم کړی اوستاسی ګناهونوځخه به درتیرشی. هرڅوک چی دالله اودهغه درسول اطاعت وکړی هغه لوی بریالیتوب ترلاسه کړ، مونږچی دغه امانت اسمانونوځمکی اوغرونوته وړاندی کړنوهغوی یی پورته کولوته تیارنشول اوورڅخه وویریدل، خوانسان هغه پورته کړ بیشکه هغه غټ ظالم او جاهل دی .

دامانت ددغه پیتی پورته کولولازمی نتیجه داده چی الله منافقونارینه وءاوښځو، اومشرکونارینه وءاوښځوته سزا ورکړی اودمؤمنونارینه واوښځوتوبه قبوله کړی، الله بخښونکی اورحیم دی .

آنچه درین شماره میخوانید :

پیغام شفق ....

۱- اوضاع فعلی انقلاب ومکلفیت های ما ....

۲- امریکادافغانستان داسلامی انقلاب په وړاندی څه کوی ....

۳- دحزب اسلامی افغانستان دمجاهدامیروروحکمتیار د ....

۴- دجنګ په ډګرکی دیوه کشمیری مجاهدسترګولیدلی حال ....

۵- غزوه فتح الاعظم ....

۶- تربیت زن مسلمان درپرتوقرآن وحدیث ....

۷- سفرجهادی ....

۸- سنمهایی ازخون بهاران انقلاب اسلامی ما ....

۹- افغانستان په تیروعیسوی میاشتوکی ....

۱۰- دمورچلونوخبرونه ....

۱۱- معرفی مختصر شهیدان راحق ....

مدیر مسئوول : محمدمعروف "فروغگر"

معاون : مولوی محمدنعیم "تائب"

آریانا آفسیٹ - پرنٹرز

PROPERTY OF ACKU

پیغام شفق

اوضاع فعلی انقلاب ومکلفیت های ما

* * * * * * * * * * * * * * *

درجریان یازده سال جهاد مسلحانه ملت مؤمن ومجاهد ما، مشکلات زیادی بر سرراه انقلاب اسلامی عرض اندام کرد، توطیه های پی هم ومتعددی علیه جهاد ومجاهدین صورت گرفت، تا باشدکه این سیل خروشان عزم وایمان را بارکود مواجه ساخته باشند، درگیری های عظمت طلبانه وخودبزرگ بینانه یی درصفوف جهاد ما رونما گردید، ونتایج تلخی که از ناحیه استبداد دشمنان وتنگ نظری دوستان برملت ما تحمیل شد، واقعا" درخوراشک ریزی است، اما با این همه نارسا ییها، چون معتقدیم که هرانقلاب نقطه های ضعفی ازخودداشته می باشد، این نقطه های ضعیف ووحشت روزافزون دشمن نتوانست چرخ تصمیم انقلاب اسلامی را بعقب برگرداند واامواج توفنده وسرکش آن روزتا روزسنگرهای حاکم دشمن را، در هردوبعد، دربعدنظامی ودربعد اطلاعاتی وسیاسی، یکی بعددیگرزیرورومیکردوبه پیش میرفت تا آخرین سنگردشمن را فتح کند وفاتحانه به کارنوسازی اش ادامه بدهد.

ولی درین اواخر که چشم امید همه بطرف بزرگان جهاد است وهمه ملت انتظار کشایش دری را دارندکه قیادت واحدی از آن سربرون کند، سازشهای وسیعی به سطح ملی وبین المللی علیه انقلاب اسلامی ما به راه می افتد، مثلث شوم هندوایزم، کمونیزم وصهیونیزم درصدد تثبیت نقشش درمنطقه وجهان هست که اکنون نوبت آن رسیده است که با زدوبندهای وحشیانه اش درراه انقلاب اسلامی ما مشکلاتی وموانعی را ایجاد کنند، موانعی راکه مسیر این انقلاب را به بیراهه کشانند، طوری که خیلی ها واضح است، که بعدازانسحاب قوای روسی ازافغانستان ارتش هوایی هندی جای آن ها را پرکردواین دوغول دیگرقضیهٔ افغانستان را منحیث حلقه وصل ونزدهم آیی درروی تختهٔ مشق وحشیانه شان به کارگرفته اندوبا تمامی نیروو قدرت میکوشند، انقلاب اسلامی درهمین راه پر خونی که درطول یازده سال آزمون و مبارزه بهترین نخبه گان وفرزندانش را ازدست داده است، که همین راه برای رسیدن به سرمنزل مقصود، خواسته صددرصد ملت است، چنان دفن شود که دیگرنامی از آن گرفته نشود، کاروفعالیت درین زمینه با تمامی آب وتابش به پیش می رود ودستگاه های تبلیغاتی کفرجهانی ودرراس رادیو بی،بی،سی وعوامل آن درجهت تبلیغ وتصمیم سلبی وایجابی این توطیه شب وروزمصروف کاراست.

ازطرفی عمدا" اسبابی روی دست گرفته می شودکه با معرفی نقاط ضعف مجاهدین که آن قدردرخورتوجه نیزنمی باشد چنان بزرگ نشان داده شودکه گویا روال کارقضیه افغانستان را بصورت کلی تغییربدهد خلاصه استعمار میخواهد که درمراحل پیروزی نهایی انقلاب اسلامی ازکوچکترین حربه یی نیزدرراه عقیم نمودن این انقلاب کاربگیرد و آن رادرمحافل سیاسی ومجامع ملی و بین المللی طوری مطرح سازدکه گویا مجاهدین ازمقبولیت عامهٔ مردم افغانستان برخوردارنیستند، باید حکومتی درافغانستان روی کاربیایدکه تجاران همه ایدیولوژی های غیراسلامی (ازقبیل کمونست های درگیرجنگ، کمونستهای تیپ چینایی ونشنالیست های پشتووفارسی (افغان ملتی ها وستمی ها) ظاهرشاهیان وآن همه گروهکهای بی هویت ومزدوری که ازآغاز

کار به اصطلاح انقلابی ! شان معروف وطن فروشی وتخریب دین هستندوحتی نفسی هم درراه آزادی کشورونجات ملت مظلوم افغانستان نکشیده اند) در آن دکان داشته باشند !!! .

لذا جاهرنظرداشت جناحهای تخریبی انقلاب اسلامی وادار به این می شویم که یکبار دیگر صدای مان را بگوش هوش مسئوولان امور ودر مجموع به قیادت جهادی وهمهٔ ملت وارسته ومظلوم مان برسانیم :

الف : اوضاع فعلی که هرکس درخور استعداد بشری اش خطرات آن را میداند وبه عمق فاجعه راه میبرد مستلزم آن است که دیگر وحدت قیادت مجاهدین، چه درفورم ائتلاف یا اتحاد وچه درشکل حکومت کما فی السابق به سردخانه های فراموشی تحویل داده نشود، چه دراین شرایط وقت آن رسیده است که جزئیترین تخطی و اشتباهی میتواند انقلاب ما را به سرنوشت شوم انقلاب الجزایر وسرنوشت بدفرجام آن نیست که بعد از فیصلهٔ اکثریت و انتخابات اعضای شورای حل وعقد و قناعت فرد، فرد برنده وبازنده !

حرکاتی از ما صادر شودکه درمجموع وقار انقلابی ما را موردسوال قرار میدهد ...

ب : تز انقلاب اسلامی ما که واقعاً درعصرحاضر، درجهان نظیری ندارد، تزی است که از طرف افراد سرشناس، دانشمند، کارآگاه، مدبر وانقلابی کشورما پیشنهاد وبمنصهٔ عمل گذاشته شده است، فرد، فرد ملت مؤمن ومجاهدما، افرادی که واقعاً به محرک وانگیزهٔ ایمان به جهانبینی اسلامی درآن سهم گرفته اند درآن حصه وسهم لازمی گرفته است، قربانی داده است ومنتظرآن است که سعیش درپیاده شدن حکومت اسلامی در کشورمشکورشود، شکوفایی این تزکاریک تنظیم، یک جنبش ویک نهضت نیست، لذا خیلی وقیحانه واحمقانه خواهدبودکه فقط یک منظمه دربرابرهمهٔ ملت ایستادگی کندوبگویدهرچه هستم منم یک فاکتورموجود درانقلاب اسلامی، نارسایی فکری مدعی را نسبت به جهانبینی اسلامی میرساند، چه اگرما باروادار ی کامل اخوت اسلامی گردهم جمع شویم وبرقیام حکومت اسلامی درافغانستان فایزآییم، هیچ مشکلی نیست که بفضل خداوند دربین ما حل وفصل نگردد، زیرا اسلام حقوق همه افرادمسلمان رایکسان اهمیت قایل است ....

ج : بسیج نیروهای نظامی زیریک قوماندہ، کاری است که دراین شرایط حساس انقلاب اسلامی سفریکساله ما را در دوماه، سه ماه خلاصه میکند، طوری که دیده میشود، مجاهدین اکثرولایات بعد ازخروج قوای روسی ازافغانستان، هیچ گونه ابتکارجنگی ازخودنشان نداده اند حتی پوسته هایی که درگردونواح آنها موقعیت دارندکماکان موجودهستندو نسبت به پیش، خیلی ها احساس آرامش میکنند ..

این کار از سه حال خالی نیست :

یک : این که عمداً دست به عملیات بر

درحدیث پیامبراسلام صلی الله علیه وسلم آمده است که معنی عصبیت و قوم پرستی این است که کسی قومش را درعمل ناروا تاییدوپشتیبانی کند، درحدیث دیگری می آید : هرکه باظالم وتجاوزگربه این خاطرکه او را تقویه کندوازاوپشتیبانی نماید، درحالیکه این را هم میداندکه او تجاوزگراست همراهی کند، بدون شک ازاسلام خارج شد ...

قیام مسلمانان آسیای مرکزی دوچار سازد ویاکشورما را به خطهٔ آتش دیگری مبدل سازد که تشبیه آن با لبنان کاری باشد مضحکه آمیزومسخره ! زینرو باداشتن تجارب تلخی که ازاتحادهای شکلی گذشته داریم، دراین روزها، وضع چنان مینماید، که این تشکل اخیرنیزبه طاقی گذاشته شودکه اتحادهای قبلی گذاشته شده بودند !!! نه تحرکی است ونه نشاطی، نه تصمیمی است، نه پلانی نه برنامه یی است ونه عملی، همه عبوس وگرفته معلوم میشوند، معلوم میشودکه باز هم ملت ما منتظریک آیندهٔ مبهم وناپیدا بمانند، لازم است از این فضای بلا تکلیفی بیرون شویم وباچیزی که فیصله کرده ایم وبه ملت مجاهدمان وعده داده ایم مصرباشیم وبانشاط تازه یی واردکارو پیکار انقلابی شویم میپذیریم که درهر تشکل وسازماندهی انقلابی نقایصی وجود داشته میباشد، ولی این خلابه معنای

وبرای فقط تبارزدادن نه منظمه اش، بلکه خودش، تزی را بمیان کشدکه از آن بوی جاهلیت به استشمام میرسدوبرای تبلیغ این تزیک چندتا چاپلوس ذلیل افرادمزدورکوردل، عناصررنگ وروباخته وبی خاصیت واشخاصی راکه برای سرد کردن دوزخ شکم شان حاضراندازهرچیز بگذرند، مامورنماید، واضح است که افرادمتملق بجزاین که دربین نیروهای اسلامی تفرقه بیندازندوفصلی ایجاد نمایند هیچگاه حاضرنیستنددربین این نیروها اتفاق ووصلی صورت بگیرد، زینرو خواست ما ازهمهٔ سران مسئوول همین است که این طفیلی های لجن فساد راازخود دوربرانندکه این ها بجزبرادرشیطان دوست وبرادرهیچ کسی شده نمیتوانند (برچشم چاپلوس ومداح خاک بپاشید) وازطرفی دفاع ازارزشهای جاهلی (چون حقوق پشتونها وتاجیک ها، ازبیک وهزاره ها ....) وعنوان کردن آن بحیث پوسته های دشمن نمیزنندوازطرف تنظیم مربوط شان دریافت قوماندہ نکرده اند وغرض بعضی مصلحت های خاص تنظیمی که نمیخواهیم آن مصلحت را دربن جا افشا کنیم (اگردرآینده ضرورت افتاد این کار راخواهیم کرد) به ایشان دستور داده شده است که باقوای مزدوردولت ملحد کاری نداشته باشیدوبه ... آماده باشید .

دو : تطمیع وتمویل بعضی مجاهدنماها وفعالیت گسترده ستون پنجم دشمن در بعضی ازنقاط کشور ...

سه : عدم وحدت وهم آهنگی قیادت جهادی .....

اگرسران مجاهدما باحوصله وسیع انقلابی، درفضای بازاخوت اسلامی برهمه عقده های نامطلوب پانهندو گذشته را نادیده بگیرندوازته دل توام باوحدت همه جانبه شان قوماندهٔ جهاد را توحیدبخشند وروی خریطه وپلان واحد

جنگی کارکنندوآن را درصفوف مجاهدین پیاده نمایند، موانعی که برسرراه پیروزی وفتح مبین قراردارد،رفع خواهدشد، وآنگاه بعیدنخواهدبودکه قدمی دیگری بسوی تشکیل وقیام حکومت اسلامی درافغانستان ،برداریم !!! و بجزازوحدت قیادت وقوماندہ فکرنمی کنیم که تن ازعذاب خدا جل جلاله و رسوایی دنیا وملامت تاریخ بسلامت بریم.

د : قیام حکومت عبوری مجاهدین ضرورتی بودکه هست تاریخی،اجتماعی سیاسی، ومتحرک ، نگهداشتن ارگانهای این دولت ، ملت راازدومصیبت بزرگ نجات میدهد،

۱- ملت مجاهدما باآرزوهای احیای حکومت اسلامی درافغانستان ،اصل اعتماد به‌نفس وقیادت جهادی شان رادر دل وجان میپرورندوسمپاشیهای روانی وتبلیغاتی دشمن نمیتواندفضای سیاسی کشورما راآگنده ازیاءس کند ، همه‌نسبت به‌آینده مطمئن میشوند ودرانجام هرکار وعمل انقلابی نشاط و دلگرمی خاصی نمودارمیشود، که‌این نشاط ،نشانه‌یی است ازسازنده گی یک جامعهٔ نوین و انقلابی افغانستان اسلامی ....

۲- راه‌بوجودآمدن حکومت منتخب در افغانستان هموارمیشود وآن همه‌تشویش هایی که ازناحیهٔ حکومت های خاندانی استبدادی، کودتایی ومطلق العنانی وطاغوتی، عایدحال ملت ما است ازبرای همیشه رفع میگردد... من بعداگر حکومتی درافغانستان زمام امورمردم رابه‌دست میگیرد حکومتی خواهدبودکه نظربه استعدادایدیولوژیکی وعملی‌اش اعتمادملت راکسب نموده وازراه‌انتخابات بوجودآمده خواهدبود....

ه : حقیقت امراین است که‌اوضاع، بصورت‌کل اطمینان بخش نیست ،باید تجدیدنظری برآن صورت بگیرد، ورنه بیم آن میرودکه نقشه‌ها وعملیات استکبارجهانی برملت مجاهدما تحمیل شودویاکاربه‌منوالی پیش رودکه‌جنگ جهادی ما به‌جنگ جاهلی مبدل گردد و اسباب عضب خدا جل جلاله را بعدازهجرت وجهاد !!!

خود، برای خودفراهم کرده‌خواهیم‌بود..

دراخیرتذکری که‌بایدبدهیم این است که روی سخن ما ، به‌گروه‌خاص ،منظمهٔ خاص وطبقهٔ خاصی نیست ، ما یکبارديگر برائت مان راازتعصبهای جاهلی اعلام میداریم ، واگربااین هم کسی با ما موافقت ندارد ویاسخنان سازندهٔ ما را علیه خودتصورمیکند، مافقط قضاوت را بخودآنها میگذاریم که :

کسی که‌هرآوازاعتراض‌آمیزوبجا را علیه خودتصورکند، حکم‌آن ازروی قرآن چیست ؟ وچه‌خواهدبود؟ آنگاه‌غوغاهای متملقانه وآگنده ازحسدوحقدوغرور و جهالت برما تاثیری نخواهدکردوماهم چنان آوازمان رابه گوش ملت مجاهد و قیادت مجاهدمان خواهیم رساند...

(وما علینا الا البلاغ)

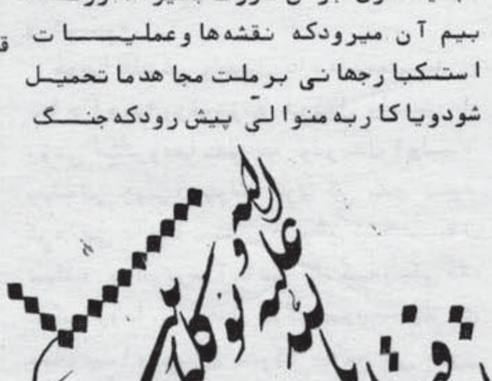

لیکوال: محمدنذیر "بشارت"

امریکا دافغانستان داسلامي انقلاب په وړاندې

پرافغانستان دروس وسلوال یرغل په سیمه اودې سیمې ته په ورڅیرمه منطقه کې دلویدیځ ګټې له مستقیم اومستقیمو خطرونوا وتهدیدونوسره مخامخ کړې.

پرافغانستان باندې دې دروسانوله راختوسره سره مسکودهندتودوا وبوته راوړاندې اوپدې ړول له خیبره دکراچې تربنده ډیرلیږوا تېن ورته پاتې وو . له بل لوري ئې دخلیج طبعي زیرمو ته درسیدو، مهم منزل وواهه اودا پداسې حال کې وچې دایران داسلامي انقلاب په بریالي کیدوا مریکا په هغه سیمه کې خپلې مظبوطې پوځې اوستراتیژیکې اډې له لاسه ورکړې وې، همدا رنګه دافغانستان په پوځې اشغال سره نړیوالولیدل چې د امریکاا ولویدیځ رقیب مسکودخپلې عظمت غوښتنې دتحقق په لوري یوبل ګام واخیست .

که څه هم امریکا دخپلوګټوپه خطرکې لویدل شه درک کول اودهمدې ترڅنګ ئې دویتنام په جګړه کې دروسانوله لاسه دفاحشي ماتي په ګډون دنوروعقبنشینیو دانتقام عقدې یوه څرګنده خبره وه، خو په پیل کې دروسانودیرغل پروړاندې امریکا دشدید عکس العمل ښو دلوته زړه ښه کړای شوای اویوازې ئې پرروسیه دیوې اندازې غلمي اوهم په مسکو کې د اولمپیک په لوبوکې دګډون پرتحریم اکتفا وکړه ، هغوی ددې تصورا وا تېکل نشوای کولای چې افغان ولس به له تولې ناچارې ، بې وسې اومحرومیت سره سره دهغه طاقت په وړاندې مقاومت اومقابله وکړي ، چې څوکاله دمخه ئې دوې ته له خپل ټول طاقت سره سره شرمونکې ماتې ورکړه .

خوچې کله ئې ولیدل دافغانستان مجاهدا ومبارزقوتونه اوټول ولس ،د روسي لښکرومقابلې ته ودریدل اوله پیله ئې روس اوټوله نړۍ ئې پدې پوه کړه چې دافغانستان دپوځې اشغال مسئله په دومره آسانۍ حل کیدونکې نده بلکې روسان په خپل لارکې یوپنولا دی مقاومت اوخونړۍ معرکه په مخ کې لري امریکا دافغانستان له قضیې سره خپله دلچسپي زیاته کړه ، اوبیا چې څومره زموږاسلامي مقاومت آب وتاب وموند ،او څومره روسان په پوځي اوسیاسي بین المللي دوا ړوډګرونوکې له ستونزوسره مخامخ کیدل اوپه مجموع کې دافغانستان قضیې ارزښت اوتودوالی موندهمدومره ئې علاقه اودلچسپي زیاتیدله ،لومړ ی داسې فکراوتبلیغ کیده چې دامریکاد موضع دجدیت عامل دامریکاکورنې سیاسي تحول دی، پدې معنی چې له دیموکراتانو نه اقتدا رجمهوریت غوښتونکوته لیږدیدلی اوجمهوریت غوښتونکي په تیره رونالد ریګان دروس په وړاندې دکلکې اوتوندې موضع پلوی دی، خوورو روسته واقعیتونو وښوده چې ددې بدلون عامل دافغانستان دقضیې هغه ارزښت وچې دمجاهدینو دعظیم مقاومت اومبارزې ورپه برخه کړ، اوامریکایان خپله وائې چې یوه له هغومسئلوڅخه چې جمهوریت غوښتونکې او دیموکراتان ئې په وړاندې په بشپړه توګه یوړول موضعګیری لري دافغانستان بحران دی .

امریکادافغانستان په قضیه کې داسلام دمتعهدوانقلابیونودبنسټیزنقش له واقعیت سره پداسې حال کې مخامخ شوله چې په ایران کې ئې دیوه اسلامي انقلاب دبریالیتوب اودهغوی دفکری ،سیاسي، مشخصاتوترڅه تجربه له نږدې لیدلې وه اودا تجربه ئې دخپلواستعماري ګټوله پاره بې حده ترخه محسوسوله ،امریکا پداسې

حالت کي واقع شوه چي له یوی خوا له خپلو هغو هدفونو چي پاس ورته اشاره وشوه د دفاع لپاره د روسي د پوځي هجوم مقابلي ته ضرورت لري، له بل لوري گوري چي د افغانستان د مسلمان ملت له مبارزي سره د ملاتړ په اعلان په اسلامي امت د ریمه شي او د ټولو هغو چا پیریا لونوکي چي له پردي تهاجم او پوځي یرغل سره کرکه لري محبوبیت تر لاسه کوي او کولای شي روس له تبلیغاتي سیاسي لحاظ په انفعالي حالت کي واقع کړي، خو له بل لوري شي کتل چي د دي مقاومت د ملاتړ هغه انقلابیون جوړوي چي د هغوی فکري او مبارزاتي موضع (د ختیځ او لویدیځ) هر نفي او د یوه بشپړ آزاد او خپلواک انقلاب او حکومت په جوړولو ولاړه ده.

امریکا د افغانستان د قضیي په باب دخپلي مرستي او دلچسپي د پیل او بهیر په ترځ کي د دي هلي ځلي هم شروع کړي چي که وکړای شي د افغانستان د مسلمان ملت د مبارزي بنه، جهت، شعار او آرمان واړولي شي، او دي ته د یوی اسلامي مبارزي او اسلامي انقلاب پر ځای د داسي جدوجهد بنه ورکړي چي ټوله او کلي انگیزه او هدف د روسي یرغل او د دي یرغل ختمول وي، ځکه هغوی پوهیدل چي اسلامي مبارزه او انقلاب یو زور، اوږد، او دینامک حرکت دی چي بیلابیل پړاوونه لري او د هر پړاو لپاره ځانگړي خپله طرحه او مواد چمتو کوي، او د روسانو په ماتي نه یواځي ختمیږي نه، بلکي له هغي نه وروسته ټولو مرحلو لپاره خپل پیغام او آرمان لري او د بل طاقت او پردي مفکوري د ځای نیولو لپاره هیڅ ډول خلا نه پریږدي.

ددي لپاره امریکا او ټول لویدیځ به پر له پسي توگه په بیلا بیلو رنگونو او برخو کي پراخي هلي ځلي وکړي (د ټولو پر تفصیل بحث دلته گران دی) چي وکړای شي زموږ د مقاومت له ساحي نه اسلام وباسي خو امریکایان لدي بي خبره وو چي اسلام دی د روس پر ضد د افغان ولس مبارزي او مقابلي ته وینه او روح ورکوي او زموږ مخلص دوستان او زموږ ټول ملت پدی حقیقت نه پوهیده، امریکایان په خپلو دي هدفو کي له سختي ماتي سره مخامخ شول، ځکه تر یوولسکاله جگړي وروسته نه یواځي هغه جهادي قوتونه چي د سوچه اسلامي انقلاب او اسلامي حکومت پر جوړیدو او بري معتقد او متعهد دي کمزوري نشول، بلکي په هر لحاظ د افغان ولس یو پیاوړی او مسلم قوت وگرزید. ان تر دي چي مسکو، نوي ډهلي، واشنگټن، لندن، تل ابیب او نوري ارتجاعي او استعماري ځلي ئي له قوت او عظمت نه دخپلي ویري په علني ځرگندولو مجبور او بیا ئي د ټکولو لپاره تقریباً په یوه جبهه او یوه خط کي ودریدل، همداسي اسلام هم نه یواځي له محتني ونه ایستل شو، بلکي د افغانستان له اسلامي انقلاب له قوت او پرمختک سره ئي به ټوله نړی په تیره اسلامي امت کي د نوی سوز د ایجاد او نوی روح د پو کولو آهنگ گړندی کړ.

د افغانستان د قضیي په باب د امریکا د مرستو او دلچسپی د بهیر له مطالعي نه دا واقعیت په ډاگه دی چي امریکا په هیڅ توگه د مجاهدینو د گړندي او قاطع وروستي بري غوښتونکي نه وه، بلکي غوښتل ئي یواځي له روسانو سره د یوی استعماري معاملي او سازش د شرایطو برابرولو تر حده پوري مخکي ولاړ شي، داسي ټول طرفونه دا غنیمت وگڼي چي روسان په شا ولاړ شي او یو داسي ځوک رامنځ ته شي چي نه مجاهد وي او نه کمونیست. خو د دي حقیقت په پوځل بیا تثبیتیدو، چي حتمي نده ټولي فیصلي په زور او طاقت کوي بلکي د مبارزینو عقیده، تصمیم او د ملتونو اراده کولای شي د ډیرو زورورو دفیصلو لوری په بله کړي د نړی مستضعفینو ولیده چي زموږ مومن مبارزینو او مجاهد ملت خپل مقاومت او جهاد د روسي پوځونو له بي شرمانه وتلو نه را تیر او دادی د نجیب د مزدور رژیم د بشپړ نسکوریدو او پر ځای ئي د اسلامي حکومت د جوړیدو تر درشله په یوره شورا وځواو را ورساوه، همدلته ده چي گوروا امریکا پدی نړاوکی د خپلو پخوانیو هلو ځلو په ناکامیدو سره پراخو شدیدو ناوړو تصمیمونو او عملیاتو لاس پوری کوی.

ددي لړی پیل د پاکستان د مسلمان او د افغان مجاهد ملت د اسلامي مبارزي له اهدافو سره د زړه له کومي مخلص جمهور رئیس جنرال محمد ضیاء الحق شهیدول دی، ټول قراین، حالات، پو مبني او وروستي واقعیتونه د لمر په څیر ثابتوی چي مرحوم ضیاء الحق د امریکا د هغو پلیتو پلانونو ښکار شو، چي د افغانستان د جهاد د وروستي بری او به پدی هیواد کی د مجاهدینو په لاس د اسلامي حکومت د جوړیدو د مخنیوی لپاره ئي تر لاس لاندی لري.

شهید ضیاء الحق او د هغه ملگري د افغان اسلامي انقلاب پر ارزښت او آرمانونو ښه پوهیدل، د هغوی ستره هیله وه چي په افغانستان کي یو داسي مضبوط اسلامي حکومت جوړ شي، چي نه په روس پوري تړلی وی او نه هم په امریکا پوري، بلکي یواځي اتکا ئي اسلام او مسلمان افغان ولس وي، ځکه ددی دواړو متکاو وطبیعي ایجاب له مسلمان پاکستاني ولس سره بشپړ یووالی او پیوستون او د ټولو هغو چانسونو پای ته رسول دي چي ځوک دي د افغانستان خاوره د مسلمان پاکستان پر ضد د توپ د سختي او یا د فشار د آلي په توگه استعمال کړي، هغوی دا تشخیص کړی وه چي پدی سیمه کي د هند د عظمت غوښتني او قواوو د توازن د له منځه تلو د جلوگیری یواځني لار دا ده چي پاکستان د ایران تر څنگ په خپل څنگ کي یو پیاوړی انقلابي اسلامي افغانستان ولري خو دا هدف امریکا ته د منلو نه وه، او لدي امله ئي په ډیره نامردی له شا په وار کولو سره جنرال محمد ضیاء الحق د کازونو او ښو ملگرو دلیبو خوراک کړ.

د پاکستان پوځي اداري "ای، اس، ای" پر ضد چي امریکا د شهید جنرال ضیاء الحق تر مرگ وروسته په کوم ځانگړي شدت تبلیغات پیل کړل، هدف ئي دا و چي وکړای شي دا هم دیوه داسي خند په توگه چي د افغانستان په بحران کي ددوی ناروا لاسوهني په مخ کي پروت دی، لري کړي، او د خپلو وروستیو پرو خطرناکو شیطاني حرکتونو د ترسره کولو لپاره په لاری برابرولو سره دیوه مسلمان ملت د یو نیم ملیون د شهیدانو پر مبارزو او مبارکو هدیرو باندي د خپلو کفري اهدافو د پوره کیدو مارش وکړي، امریکا همدا اوس داسي قدمونه پورته کړل چي په جگړه کي ستونزي را پیدا کړي، غواړي د جگړي په څه اوږدیدو داسي ذهنیت را ولاړ کړي چي گڼي جنگ له کړکیچ سره مخامخ شو او بیا په روس او امریکا تفاهم لپاره مراجعه وشي، پدی لارکي یو شمیر هغو "مجاهدینو!" چي له جهاد سره ئي روا نیدل د وخت د جبر نتیجه ده خطر او شرارت په هیڅ توگه ـ هیرول نه دی پکار همدا ښي باید تر دی پوری تجربی (د ضیاء شهادت) څخه استفادی سره زموږ ملت دقیقاً هره لحظه دی ته متوجه

(۷۱) ...

د حزب اسلامی افغانستان د مجاهد امیر ورور حکمتیار د یوه مطبوعاتي کانفرانس پښتو متن

دحزب اسلامی افغانستان امیر مجاهد ورور "حکمتیار" څوورځې دمخه دجلال آباد جګړې دسنګرونو دلیدو لپاره ترخپل شپږ ورځنی سفر روسته اسلام آباد ته په راستنیدو یوه مطبوعاتي کنفرانس ته په وینا کې وویل :

ما دننګرهار ولایت لس ورځنی تفصیلی دوره درلوده دننګرهار شپږ ولسوالی او علاقه داری مې له نژدې وکتلې، هلته د پولس کلن وحشیانه جنګ اثرات له ورانو کلو کورونو او ویجاړ شوو تانکونو نه څرګندیدل خواوس پدې خاطرچه ملت د

کابل رژیم فوری نسکوریدو ته امیدوار او ډاډه دی او جنګ له اطرافونه مرکزته راټول شوی خلکو دخپلو ځمکو په کرلو پیل کړی اکثره ځمکې بیرته آبادې شوې که څه هم په کلو، با نډوا ووخت نا وخت د بمباری سلسله روانه وی خوولس ورسره عادی شوی او دمنطقې پریښودل نه غواړی دهجرت سلسله صرف له هغو ځایونو نه راروانه ده کوم پیاده جنګ اودتوپونو وټانکونو داندا خت ترتهدید لاندې دی .

دجلال آباددمحاذ حالت ډیرزیات امید وارکوونکی دی چه کله څوک هغه سترستراو مستحکم مرکزونه وګوری کوم چه ددی جنګ په دوران کی مجاهدینو فتحه کړی او دښمن ئې دجلال آباد ښار په تنګه ساحه کې تر شدیدې محاصرې لاندې نیولی په واضح ډول ورته معلومیږی چه دکابل درژیم عمر ډیرلنډ دی دحزب امیرزیاته کړه :

دجلال آباد مجاهدین دیوې لویې حملې لپاره تیاری نیسی چې انشاءالله ډیر ژر به پیل شی ورورحکمتیار دکابل حکومت دموجودیت دمودی داوږدیدو عوامل ته په اشاری سره وویل :

دکابل درژیم دعمر داوږدیدو صرف څو وجوهات وو :

۱– دژمې په یخنی کی دروسی پوځونو انسحاب دکوم په وجه چه مجاهدینو ونشو کړای په سرو منطقو کی درژیم دنسکورولو وروستی عملیات پیل کړی .

۲– ښارونو ته دکابل رژیم ننوتل او له

ولس نه ځا ن ته سپرا وډا ل جوړول ،په نبا رونوکی دولس موجودیت مجا هدین په نبا رونوله حملونه منع کوی اودی ته ئی مجبوروی چه دحملی په ځای اوږدی محاصری ته ترجیح ورکړی .

۳ ـ دمهما توقلت په تیرو پنځو میا شتو کی مونږ دمهما تولـه ستر مشکل سره مخا مخ وو ، ددی مشکل دوجوها توپه هکله له ځه ویلونه ډډه کوم .

دحزب اسلامی امیرزیا ته کړه : طبیعی ده چه دنبا رونودنیولوجنگ له هغی جگړی نه زیا ت مصا رف غواړی کوم چه یوا ځی ددښمن دتنگولوا وهغه ته په هرمنا سب ځای کی دگوزا رورکولولپا ره ترسره کیږی ا .

انشاءالله دکا بل رژیم په هیځ صورت کی نشی پا تی کیدای هغه دبقا هرچا نس له لاسه ورکړی هیڅ څه دهغه دوا م نشی تضمینولای که څوله دنیا مونږ یوا ځی پریږدی اوځولی دروا زی موپرمخ وتړلی شی اوحتی دوستا ن همدردی کمه اودتعاون په ځای منفی تبلیغا ت پیل کړی مونږ په خپل هیوا دکی داسلامی حکومت ترجوړیدو جها دته ادامه ورکوو ، اودکابل رژیم به ویرژررا نسکورو .

دروسی پوځونوله وتلونه پس دهغودوست نما موږ دینوپه سیا ست کی پوره تبدیلی را غلی کوم چه یوا ځی دروسی پوځونو وتل ئی مقصدوء چا منفی تبلیغا ت پیل کړل چا تعا ون کم اویا متوقف کړی اوچا له روسا نوسره پدی هکله مشترکی هلی ځلی پیل کړی چه دمجا هدینو په لاس دیوه اسلامی حکومت په ځای په افغا نستا ن کی دبهرنیوطا قتونوله خوښی سره سم حکومت تا سیس شی .

ځنونورودکا بل رژیم په نفع تبلیغا ت پیل کړل چه گویا هغه سوله غواړی ، او مجا هدین دجگړی دادا می با عث دی او د جنگ له لیا ری دکا بل رژیم نشی نسکور ولای !!!

حا ل داچه ددی جنگ دشروع اوادا می با عث همدا دپردیو په لاس قدرت ته رسیدلی رژیم که نجیب له اقتدا رنه لاس واخلی وسله په ځمکه کیږدی په کلو ،با نډوبمبارۍ متوقف کړی دسکا دمیزا ئیلونوله اندا ختو نونه منصرف شی او افغا ن ولس ته موقع ورکړی جنگ پای ته رسیږی .

اوپه افغا نستا ن کی سوله قا ئمیږی دا د کا بل مزدوررژیم دی چه دخپل کړغیړن اقتدا رلپا ره دجنگ دادا می سبب گرځی اوهره ورځ په سلگونو افغا نا ن په خپلو وینوکی لت پت کوی .

افغا نا ن دنجیب دسولی ادعا په تمسخر سره ځوا بوی دهغه سکډ میزا ئلونه سولی میزائل گڼی اوهغه دگوربا چوف دنوی تفکر محصول شمیری .

هرورځ په لسها ووسکډ میزا ئلونه فیر کیږی اوپه کلوبا ندودوحشیا نه بمبا ر ی سلسله هومره شدت موندلی چه دگوربا چوف دا قتدا ردلومړی کا ل سره (چه غوښتل یی په همدی کا ل کی له عسکری لیا ری قضیه حل کړی) شبا هت لری ، پدی بمبا ری کی روسی اوهندی پیلوټا ن برخه اخلی .

وروړحکمتیا ر وویل : حتی دا تبلیغا ت کوی چه شا ید دکا بل رژیم دعمردطولانی کیدویوه وجه له حکومت سره دځنوقوماندانانو تفا هم اوسا زش وی دا بی بنسټه پروپا گند دی چه دکا بل رژیم دخپلوا فرادود بـ پریوتی مورا ل داوچتولولپا ره بیـنـر لارا چولی ځوک به دومره سا ده شی چه له داسی رژیم سره په سا زش ځا ن بدنا مکړی چی دنسکوریدو په حا ل کی دی اوهیڅوک ئی دبقا امیدنه شی سا تلای .

اوکا بل رژیم نشی کولای دکوم موثرشخص نوم واخلی حقیقت دا دی چه دروسی پوځونو له وتلونه پس په لسها ووزره دکا بل رژیم مسلح کسا ن مجا هدینوته تسلیم شوی .

روسا ن اوس دکا بل رژیم له بقا نه نا امیده شوی غواړی دنجیب پرځای مخلوع پا چا راولی پدی هکله دانگلستا ن انتلجنت سرویس اودهند حکومت هم له مسکوسره همکا ری کوی :.

دحزب امیرزیا ته کړه : دراوستلونقشه داسی جوړه شوی چه دکندها رهوا ئی میدا ن ددرا نی قبیلی ځنوشا ه پرسته ملکا نوته تسلیم کړی بیا دکندها روالی له دوی سره یوگړای شی اودذی کا رلپا ره وسیع تبلیغات وشی ، اوپدی ترتیب ظا هرشا ه دافغانستان دنا جی په حیث معرفی اودکا بل تخت او تا ج ورته حواله کړی .

دحزب اسلامی امیر څرگنده کړه :چی انشاءالله دا توطیی به شنډیږی او د افغا نستا ن دقضیی حل صرف پدی کی دی چه دنجیب حکومت نسکورشی بهرنی طا قتو نه دافغا نستا ن په داخلی چا روکی له مداخلت نه لاس واخلی .

اوپریږدی چی افغا ن ولس له هرډول بهرنی لاسوهنی ،فشا را وتهدیدپرته د خپلی عقیدی پربنسټ اودخپلوظروفو او شرا یطوله مخی په خپل لاس اوخپله خوښه خپل سرنوشت وټا کی اورا تلونکی ثا بت

اودا یمی حکومت جوړکړی اودا خبره یوځل بیا په ډاگه کووچی نوربه پرافغا نستا ن کی په هیڅ توگه دیوه غیرمنتخب حکومت منلوته تن ورنکړو .

وروړحکمتیا ردکنفرا نس په ترځ کی دیوه خبریا ل دپوښتنی په ځواب کی وویل چی جنرا ل حمیدگل یووطندوست مخلص ،زیا رکښ ،مدبراوجرئتمندجنرا ل هرچیری چی وی موږئی بریالیتوب او سرلوړی غواړو .

وروړحکمتیا ردیوی بلی پوښتنی په ځواب کی څرگنده کړه چی: لودیز آژانسونه دشهیدضیاءالحق (ای،ایس،ای) اوزما پرخلاف پراخ منفی تبلیغا ت کوی گوروبه چی دالله (ج) ارا ده څنگه ده اوله ماسره به څه کیږی خوموږ له هرډول ویر ی اوتشویش نه پرته دخپلی الهی اواسلامی رسا لت ترسره کولوته ادامه ورکوواوپدی لارکی دهرډول پیښی اوحادثی منلوته چمتویو .

* * * * * *

* * * * * *

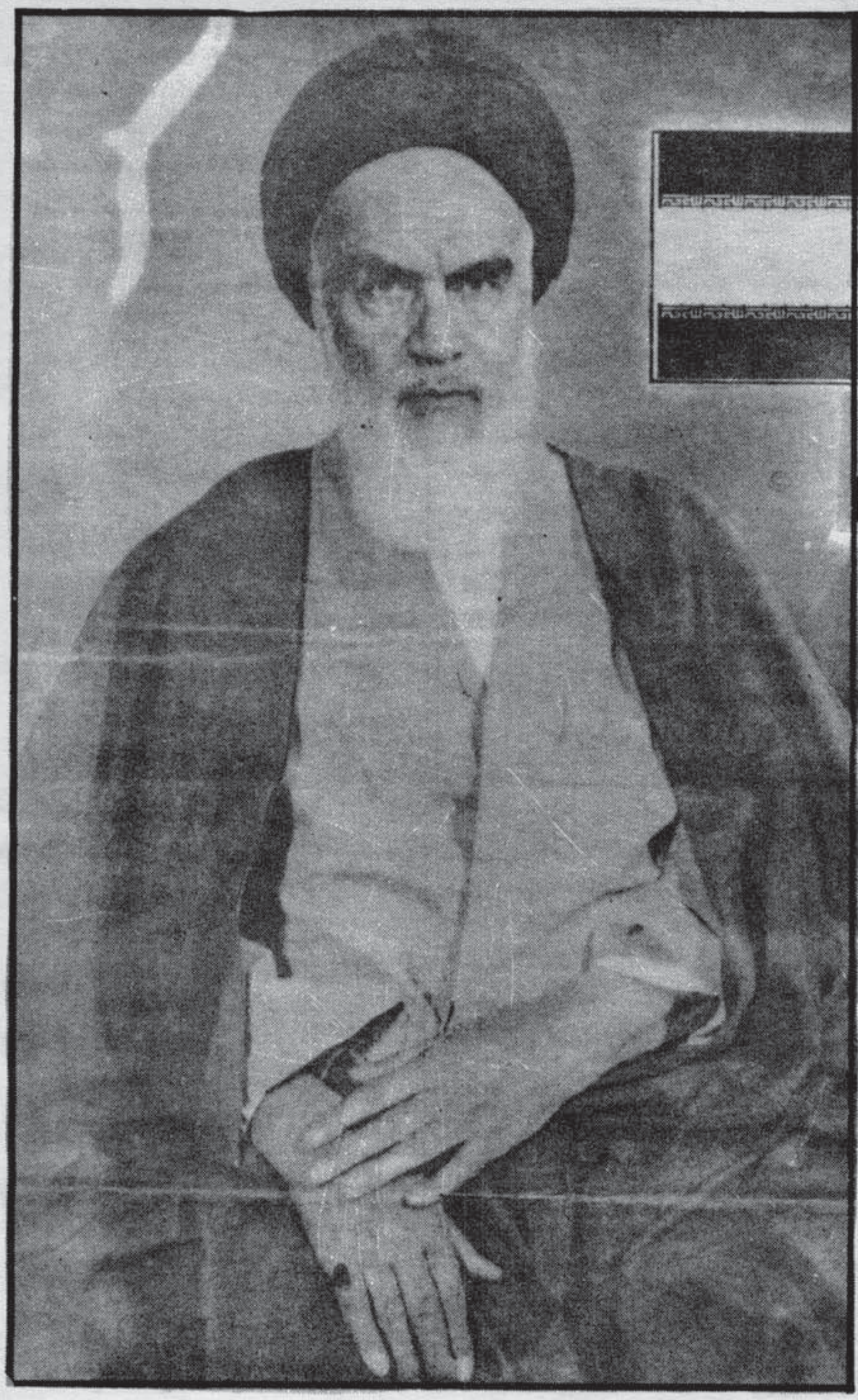

امام خمینی دمیړانی او همت سمبول

شفیقی

امام خمینی دمیړانی او همت سمبول:

دروان کال دجوز؛ دمیاشتی په (۱۴) مه‌شپه اسلامی نړی له‌یوه سترشخصیت حخه محرومه شوه، پردغه‌نیته‌هغه‌زړه‌ودریدچی په‌ملیونونوزړونوکی یی دآزادۍوندانه اومبارزی روح پوکلی وه، هغه‌بدن له حرکته ولویدچی دشلمی پیړی دوروستی نیمائی ستری پیښی ورسره‌تړلی وې اوهغه‌خوله‌له‌خبروولویده‌چی په‌څو جملویی یو حوملیونی ملت دسربازی او مرگ میدان ته‌حاضرولای شو.

هوکی! دجوزا په (۱۴) مه‌شپه‌حضرت آیت الله‌امام خمینی دایران داسلامی انقلاب لاربشودا وپرهغه‌هیوادکی د اسلامی جمهوریت بنسټ ایښودونکی له‌یو عمر، جهادا وپرله‌پسی‌مبارزی وروسته‌له فانی نړی نه دابدیت په‌لورقدم‌واخیست چی اسلامی نړی اوپه‌خاص‌دول دایران انقلابی ملت یی دستروپرا وماتم‌په‌غولی کیناوه.

امام خمینی هغه‌سترفاتح وء چی له یوی خوا یی دنړی په‌گوټ گوټ کی د مسلمانانوزړونه‌فتحه‌کول هغوی ته‌یی دوروری اوسولی پیغامونه‌لیږل اوپه دی دول یی دروحانیت سترر سالت په ریستونی‌شکل ترسره کاوه‌اوله‌بله‌پلوه یی عملا" دطاغوتی مورچلوپه‌له‌منځه وړلوکی دجهاد دڅرگرته‌ملاتړلی وه.

امام خمینی دشلمی پیړی دمبارزی او میړانی دڅرگرله‌سترواتلا نوڅخه‌گڼلی شی چی په‌ډیره میړانه‌یی د(نه‌شرقی نه غربی) جمهوری اسلامی شعارته‌تحقق ورکړا ودایران دفاسد سلطنتی نظام پرکودلوا وویرانویی داسلامی نظام دیوالونه اوچت کړل، امام سترفاتح وء خونه دا وسنی‌زمانی دفاتحانوپه‌څیر، هغه‌سترا ومحبوب لاربشودو، خودا وسنی عصر درهبرانوا ولیډرانوپه‌څیرنه، امام خمینی بیشکه‌چی دوخت له‌سترومذهبی او سیاسی لیډرانوڅخه گڼلی شی خودهغه ژوند، کړه‌وړه‌اوناسته‌ولاړه‌بیابل رنگ وه چی نه‌یی داوسنی نړی له‌غیراسلامی فعلی لیډرانوسره سرخوړا ونه‌دهغه چارچلندچا د کوم سترفاتح په‌کړووړوکی لیدلی و.

اما مخمینی دایران دانقلابی اومسلمان ملت هغه‌خوږ، هبرو چی په‌دری کربښوراډیو

یی وینا به‌یی دملت تګلوری ټاکه ،هغه
سترروحانی مشرو چی په‌زرګونوسرونه
یی په‌یوه قوماندده دقربانی په‌ډګرپه
خاوروپریوتل ، اودهغه‌دلاس په‌یوه اشاره
ټول ملت کفن پرتن دا زمویښت اوامتحان
ډګرته راووت .
امام دیوه فاتح ملت امام وٶ ،دیوه
برمیال انقلاب بریالی لاربښودوٶ اودیوه
لښکرزړورسرغندوی وٶ ،خودهغه
په‌دنیایی ژوندکی څه‌زرق اوبـــرق ،
هوس اوغرورچاونه‌لیدل ، هغه‌خپل فقیر
ډوله‌ژوندانه ته‌تغیورنه‌کړ ،ســاده
جامی یی په‌قیمتی اوفاخرولباسونـــو
پورته شوی، په‌څومره زورا وشوردا سلام
کلمی په‌فضاکی آزانګی وکړی ، په‌دی‌کی‌د
امام خمینی رول دلمرپه‌څیرروښانه‌دی
که‌نن نړیوال دتوریالی اومسلمـــان
افغان له‌لاسه دروسانوله‌شرمه‌ډکه ماتـــه
دشلمی پیړی معجزه اوخارق العــاده
پیښه ګڼی په‌ځای خبره اویوریښتینـــی
حقیقت دی چی سترربتوریالی اومجاهد
افغان ولس ته دغه‌سترویاړورپه‌برخـــه
کـــړی دی .
خوپه‌هغه‌ایران کی چی په‌خلیج فارس‌کی
دامریکا دژاندارم په‌نوم‌یاديده ،په‌هغه
ایران کی چی امریکایی اواروپایـــی
نړی کی‌ستربدلونونه‌راغلی وای ...:
هوکی ! دامریکا ژاندارم پرامریکایی
ضدهډی اومورچل بدل شودالحاد ،فحشـا
اوبی دینی ځاله دعفت ، حیا اوتقـوی
مرکزشو دسازاوآوازپه‌ځای دآذان او
تکبیرانګازی خوری شوی اودیوی عالمانه .
حکیمانه اوسالمی رهبری په‌نتیجه‌کـی
یومسلمان ملت له‌ابدی ذلت اوغلامی نه
دنجات ،اعتلا، شرافت اوعظمت پرجاده
قدم کیښود، ددغه سترپاڅون اواوښتون
سرلاری یوباوقاره ،دنورانی څیری‌خاوند
سپین ږیری وٶ چی دعصرپه‌دغه مقطع کی
یی یوه ستره‌هنګامه جوړه کړه ،دطاغوت

پیـام تعـزیـت برادرحکمتیـار بمناسبت وفـات
رهبـرعـالیقـدرملـت مسلمـان ایـران :
بسم الله الرحمن الرحیم
بـرادرفضیلـت مـآب حضـرت حجت الاســلام
والمسلمین آقـای خـامنـه‌ای رهبـــرورياسـت
جمهـوری اسلامی ایـران .
السلام علیکم ورحمت الله وبرکاتـــه
به مناسبت ارتحال دردناک حضرت امام خمینـی
قـدس سره ،امام عالیقدروبزرگوارملت بــرادر
ایـران ،رهبرانقـلاب وبنیانګذارجمهوری اسلامی.
مراتب تاٴثرات عمیق ، تسلیت وتعزیت خویـش
رابه نماینده‌ګی ازملـت مجاهدافغانستان خدمت
جناب عالی وملت برادرایران عـرض نموده‌ازبـار
ګـاه احـدیـت برای ایشان مغفـرت ورحمت وبرای
شمـا وهمـه ملـت مسلمان ایران اجرعظیم وصبـــر
جمـیل مسئلت می نمایـم .
پیروزی اسلام بزرګ رابرکفرجهانی وبقــای
انقــلاب راازخدا وندکریم آرزومندیم .
حـکمتیـــار
امیـرحزب اسـلامـی افغانستـان

بدلی نه‌شوی دبنګلواومانیوهوس یـــی
ونه‌کړ ، دسیاحتونواوتفریح مینه‌یی په
زړه‌کی ورونه‌ګرځیده‌چی همدغه‌دا مـــام
معنوی اوحقیقی عظمت اوشرافت وٶ .
اوهغه‌دفتحی اوافتخا راتوپه‌اوج کـــی
له‌اعتدال اوتواضع څخه لاس په‌سرنه‌شـو
اونه ددنیایی ژوندانه دغولوونکـــو
شیانوتراغیزی لاندی راغی .
له‌دی حقیقت څخه سترګی نشوپټولـــی
چی له‌کلونوکلونووروسته‌چی په‌نـــړی
کی په‌کوم شوراوزوردا سلام داعیه‌اوچته
شوه ،په‌کوم عظمت اوهیبت دتکبیرنا ری
عیاشان اوخرمستان به‌دخپلوعیاشیوا و
فحاشیولپاره ورته‌راتلل اوپه‌هغه‌ایران
کی چی له‌بنارا وبازارنه‌یی دالحاد، بی
دینی فحشاٴ وغربی مبتذل تمدن بوی –
خوریده دا سلام بیرغ اوچتیدل اود"نـــه
شرقی، نه‌غربی جمهوری اسلامی" شعــار
رستیانی تحقق هم له‌معجزی کم‌نه‌وٶ چـی
دټولونړیوالوخولی په‌حیرت ورته‌وازی
پاتی شوی اوپه‌سترګویی داسی څه‌لیـدل
چی باوریی نشوپری کولی، که‌چیری پـــه
ایران کی اسلامی انقلاب په‌همغه‌آب او
تاب پاتی وای شایداوس په اسلامـــی
یون‌پرلوړبرج یی رانسکورکړی ،اودا سلام
پراروا پال شعاریی یوځل بیا دیـــــر
کانه غوږونه واورول .
هوکی ! امام خمینی وٶ چی له‌قم نـــه
پاڅیدا وبیا ترهغه‌پوری آرام نشوچی پر
قم یی دا سلامی قیام دبری جشن نـــه‌وٶ
جوړکـــړی. داهم په‌یاد باید ولروچی له
دی ټولوښیګڼواونیکیوسره‌سره امام‌خمینی
انسان وٶ او هغه هیڅکله‌هم‌دسهوی او
اشتباه څخه لوړنشوتصورکولای ،کیدای
شی چی هغه‌ځینومسئلوپه‌رابطه‌داســـی
(۳۰)

دجنګ په ډګرکی دیوه کشمیری مجاهد سترګو لیدلی حال

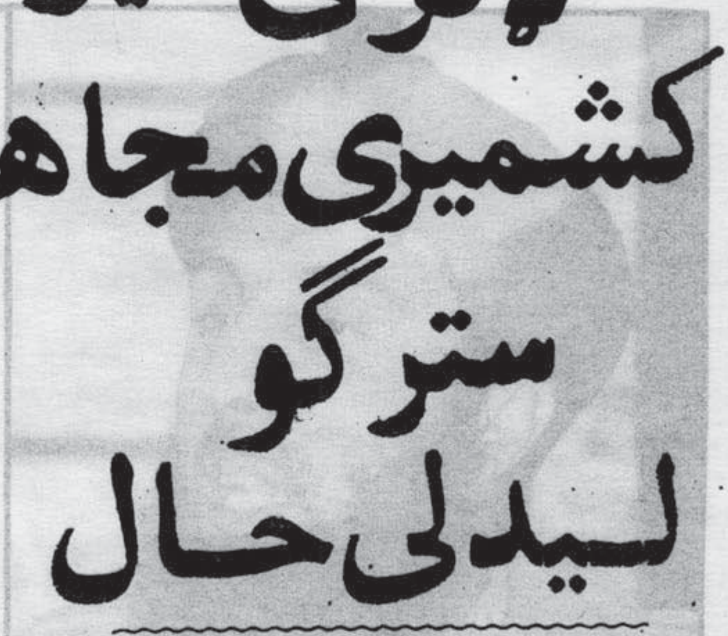

ربوټ : صلاح الدین کشمیری
ژباړن: عوض الدین "صدیقی"

دکشمیردمظفرآباد رسمی په یوه آرام او ګوښې ځای کی خپلوجذبوا ونظریوته دعمل جامې وراغوستلو په باب دزیات فکروروسته می فکروکړ :

کاشکی ځوورځې په خصوصی ډول په کعبی کی دکعبی درب سره تیری کړم .مګرځو ورځی وروسته می محسوسه کړه چی مریان اوبندیان خودجمعی ،عیداوحج څخه معاف دی ،په فکرکی ډوب وم چی آخردا محکوم اومجبورخلک به ،کوم چی ژوندیی په جیلونو، تانوا ومیروکی تیریږی ددی نعمت لذت دکومه ځایه لاس ته راوړی ، کوم چی په آزادی فضا کی ساه اخیستونکو مسلمانانوته دجمعی ،عیداوحج څخه ورپه برخی شوی ، اوبیا داچی آیا مریان ددی نعمت څخه محروم دی؟ آیا همدا مریتوب دهغوی سزاده ؟ آیا مریانوته دخلاصون او پرمختګ موقع میسره نده؟ پدی ډول فکرونوکی ډوب وم چی دجهاد وقتال پوری اړونده قرآنی آیاتوا ونبوی احادیثوڅخه می یوه اشاره وموندده .څو ورځی وروسته زه دپوځی ژوندیوه داسی مرکزته داخل شوم چی دهغه ځای جسمانی اوروحانی روزنه می دروح دتسکین وسیله شوه پدی ځای کی دپنځلسوورځوترتیرولو وروسته یوه داسی ځای ته ورسیدم ،چی هلته زمادوجوددبقاء لپاره ډوډی پخیده دلمونځونوپه خپل وخت اداکول راڅخه پاتی شول ، تراویح مونه کولی دروژی سره سره ژوندبی خونده و ،کله می چی قرآنکریم خلاص کړ .

"ر. ستاسوڅخه بوج کمه وم اوتاسودعزت اووقارسیمی ته داخلوم"

ددی اشاری ترپیداکولووروسته دوهمه ورځ پشاورته راورسیدم ،اودافغان مهاجرینودجلوزوپه کمپ کی می داتحاد اسلامی په جوماتکی پنځه وخته لمونځ کاوه ، خپل ګران وروراانجنیراحمدشاه ته می وویل : زه دحلال آبادجنګ لیدل غواړم هغه وویل : زماپه نظرتاسوهلته مه ځی ، هلته حالات ډیرخراب دی.

ماخپل مشراومهربان وروته وویل : ګرانه! چیرته چی زمادولس لکه دینی ورونه شهیدان شوی که هلته دجنګ په ډګرکی ماته هم ضرورت ولویږی څه تو پیر به ولری، زه دخپلوافغانی ورونوپه دردا وغم کی شریک یم.

په راتلونکی ورځی کی زه دجلال آباد جنګ ډګرته داخل شوم اوهلته می داتحاد اسلامی په یوی قرارګاه کی دخپل مجاهد وروقومانداان بلال سره خبری پیل کړی شریف النفس قومانداان بلال په انګلیسی ژبه وپوښتل : تاسولومړی ځان معرفی کړی اوبیا ووایی چی دکومی جذبی او احساس په اساس دلته راغلی .

موږدواړه دجنګ په ډګرکی ددښمن د مورچوڅخه (١٠٠٠) متره لری په یوه جوماتکی دماښین لمانځه تراداکولو وروسته خبروبانڈی بوخت وو .

ماخپل ګران کوربه ته وویل : زه دخپل قوم یوکمزوری نماینده یم زه دتاسو دقربانی په اړزښت بانډی پوهیږم.

زه غواړم چی دلته ددښمن په لاسونو ووژل شم ترڅودافغان میړنی قوم مصیبت اوبدبختی کمه شی ، مګرکله که تاسوددی جنګ څخه خلاص شی بنایی زموږدمظلوم اومجبورقوم دخلاصون اوآزادی سبب شی. زمادخبروپه اوریدلوسره هغه په فکرکی ډوب شو.

مابنام می دهغه سره ورستی لیدنه اوروژه ماتی پروخت وشوه ،دروژه ماتی او لمانځه تراداکولووروسته موږچای څکلو اودقرارګاه څخه بهردتوپونواوټانکونو ډزی اوریدل کیدی دی ډزوعجیب حالت انسان ته وربانښه .قومانداان بلال کله چی په دوهمه ورځ دجنګ په ډګرکی جنګ بانډی بوخت وو ماورسره تش دمخابری په وسیلی سره دکولی شوخبری وکړم یو مابنام هغه وویل: ماهمدا اوس ،او س (١٢) پوستی فتحه کړی. ددی ورځی څخه اوه ورځی وروسته هغه بیا خبرراکړ :ماشپږ پوستی فتحه کړی کله به چی موږدمجاهدینو دفتحی خبروا وریدنودکابل رژیم جیټ الوتکوبه دشپی اوورځی دغچ اخستلوپه ډګرکی زمادپنځلسوورځوپاتی کیدوپه موده کی ددښمن الوتکو، توپونوا و ټانکونوپه زرهاوګولی دمجاهدینوپر مورچلووا ورولی، اوماپه کامل اطمینان

سره د ا تولې ورځې تېرې کړې .

دجلال آبا د په جنګ کې کلاشینکوف یې کارم ته نظر را ځي مجاهدین د را کټونو پر ته هغو تا نکونو څخه کار اخلې کوم چې له دښمن څخه یې په غنیمت نیولي، مجاهدینو د دښمن څخه زیاتې وسلې په غنیمت نیولي او دښمن یې د اسې وارخطا کړي چې د څلورو خوا و څخه د مجاهدینو په مورچلو باندې د ا لوټکو، توپونو، او را کټونو مرمۍ اوروي، د دا را وویرې پدې چا پېریال کې مجاهدین د ا سې مطمین دي چې هره لحظه خاندي او د الله اکبر نعرې پورته کوي ما لومړۍ ورځ، څلور ورځې پدا سې حالت کې تېرې کړې چې په زړه کې به مې دعا کوله : اې خدایه ! د بلال قرارګاه په خپل امن کې وساتې، د هغه مجاهدین روغ او رمټ لري، او ما ته دا توفیق را کړې چې د دښمن د را کټونو او مرمیو استقبال ته ورودانګم، مګر څلور ورځې وروسته زما د چا پېل شا نې شوه ما مجاهدینو ته د دعا سره سره ځان ته هم دعا کوله د دې پدلون عوامل څه وو؟ پدې باندې پوهېدل په کار دي .

ما فکر وکړ چې زموږ کشمیر د وهم افغانستان دی په شمېرکي هم مسلمان مجاهدین په جها د بوخت دي هلته هم مسلمانان شهیدان کېږي او تېپیان کېږي، خلک جېلونو او د شکنجې ځایونو ته اچول کېږي، هندي استعمار هلته د مسلمانانو عزت تر پښو لاندې کړې، په دې فکر کې ډوب وم او د هغه جوماتو خوا ته روان وم کوم چې یوه ورځ وروسته د دښمن د بمبارۍ له امله شهید شو . د ماسپښین لمونځ تر ادا کولو او قرآن عظیم الشان تر تلاوت کولو وروسته د جلال آباد د ښار په شته غرونو او شنو ښکلیو دلو لیا رو او وتلم کشمیر مې په زړه شو، زړه مې نه قرارېږي او د سترګو څخه مې د غربا دا وښکي وبهېدې نا څا په زړه له تله د کاشنا تورب ته عرض وکړ ای زما د مهربا نه ربه ! د نن ورځې وروسته زما د اجها دی چې ما ته دا توفیق را کړې تر څو د کشمیر په ښکلو غرونو او ښکلو او زمونږ د لو د ونکو د روکي جها د پیل کړم او پدا سې حال کې وو ژل شم چې شورا وولولو ته کیني وبالي او نغمې غږونکې مرغۍ ګوا ه وي . چې زه د خپل هیواد په دا سې ... لکه څنګه چې زموږ ګران پیغمبر ... سره کوله زموږ ګرانې پېغمبر (ص) ... څخه د هجرت په وخت کې خوا به مخ را اړوه او غږي کړچې ... زه تا په ...

خوښې ته پریږدم ، دا د دې ځای د ظالمانو دلاسه دي چې زه نې هجرت ته مجبور کړم . آخوزه ولې د خپل هیواد په آزا دی باندې قربا ن نشم چېرته چې زما په لګها و د ینې وروته د ذلت ژوند تېروی چېر ته چې زما مېندې او خویندې د غما و درد اوښکې تویوی چېرته چې زا هدان او عابدا ن دعا کوي چې اې خدایه ! زمونږ د ملاتړ لپاره څوک ومه د له پیدا کړه .

د بلال په قرارګاه کې د لس یولس شپو تر تېرولو وروسته زه د جنګ په ډګر کې د نورو مجاهدینو سره نوځای شوم او د خپل ګران کور به سره مې د خدای په امانتی په نیت د نورو مجاهدینو خوا ته حرکت وکړ، دروږه مانتی په وخت زه د حزب اسلامي یوې قرارګاه ته ورسیدم ، هلته څو د عرب و مسلمانا نو ورور ته هم و، څو د یمن او شید ونکې هم و او یو فلسطیني څوا ن دا مریکا څخه راغلی و دلته مې د شپې تر تېرولو وروسته په دوهمه ورځ ځای په ځای د نورو مجاهدینو سره ملیدنې وکړې، دا تګ سیمې یوه مجاهد زما پرسر د جا ځ ګولۍ ولګیدو او را سره یې خبرې پیل کړې، هغه وویل : نن موږ څو مجاهدینو د دې ورا ندې مورچو سا ته ګولۍ چې تا ځای د دښمن پنځه شپږ تا نکونو ز موږ شا او خوا محا صره کړه، پدې شرځ کې قوماندا ن بلال او د حزب اسلامي یو قوماندا ن هم مجاهد سره شول سخت جنګ و شبت د تا نکونو ګولې د با را ن په دول وریدې، یوه مجاهد په ډېر افسوس سره وویل :

برون د ری مجاهدین شهیدا ن او شپږ تېپیا ن شول په شهیدا نو کې قوماندا ن بلال او د حزب اسلامي قوماندا ن هم شا مل و . د قوماندا ن بلال د شها دت خبر په اوریدلو سره زه د ېر وخت بې خوده شوم ، د سترګو څخه مې اوښکې وبهېدې . او د زړه له تله مې غږ ووت چې د ګرا ن ورور بلال عظمت ته سلام ، بنا یې بلال به د شها دت هیله کړې وه د ا سې د همت خا وندا ن ډېر کم دي چې په ظا هرا و با طن کې د سرې کور به ښوب وکړي بنا یې بلال په الله (ج) ته دعا کړې وه چې زما دوست او میلمه روغ ، رمټ وساتې مګر د کور به د ځا ن په قیمت . مرحبا اچې د با طنې نړۍ نور ته عشق هم تسلیم دی . بلال دا سې مجاهد و چې د هغه په لیدلو سره مې ... او حنین مجاهدین یا د ته را غلل بلال شهید شو خو په سلها و مجاهدینو کې د غچ اخیستلو جذبه را ژوندی شوه ، د هغه جذبه زه یې په ورځه ولیدله ... او هلته په ...

مهاجرینو او مجاهدینو د هغه د جنا زې په مراسمو کې ګډون وکړ چې په هغوی کې انجنیرا حمد شاه هم و ، هلته د شهید بلال په سلها و ملګرو وروڼه او دوستا ن د هغه په حق کې لاس په دعا شول ، بلال په جلال آباد کې پیدا شوی و ، مګر هغه په پښا ور کې د مهاجرو په یوه کمپ کې ښخ کړای شو . آخر دا ولې؟ هو ! د دې لپاره چې د بلال قبر د بلال قوم ته حرکت ورو بښي .

الله تعالی ما ته د جنګ په ډګر کې هغه جذبه را وبښله چې د خدای په کور کې یې انسان ته میسرېږي ، د عشق لمونځ ... تو زو په ښوري کې اداشو ، د الله (ج) او رسول (ص) سره لیدنه پدې ځای کې کېږي .

هو ! چې قوم آزا دوي د ا من چاپېریال ... مسلکا باندې امرا رجا ئز نه دي بیا د کعبې تر څنګ د رسول (ص) روضې سره لیدل سم او جا ئز کار دي، مګر د مغلوبیت په حال کې د مکې او مدینې سره د اویس قرني غوښتنې معنوي اړیکو ټینګول په کار دي .

د قرآن کریم حکم دی : " را ووځئ ! او د خدای په لارکې په مال او ځان سره جها د وکړئ، که هر څو مره توان لرئ " جها د فرض عین دی زموږ ګرا ن هیوا د پر د یو اشغال کړی زموږ زیات مجاهد وروڼه په اشغالي کشمیر کې د هندوا نو په جېلونو کې اچول شوي، کوم مظلوم او محکوم کشمیر یا ن چې د رسول (ص) د لیدو او شفاعت تمه لري هغوی دې د تورو او ټوپکو په سیوري کې د ژوند تېرولو نیت وکړي ، بیا وروکېږو کوم عبادا نو ته چې خشوع او خضوع په کعبې شریفې کې میسره وي دا فضیلت مجاهدینو ته دا نعمت د جنګ په ډګر کې دګولیو او بمونو په مینځ کې نصیب شوی .

د جلال آبا د جنګ په ډګر کې مجاهدین په اطمینا ن سره لمونځ ، روژه او تراویح کوي، د هغوی زړونه مطمئن او خبرې ښکلې دي، سترګې یې د الهي عرش خوا ته متوجه دي په یوه لاس کې تسبیح په بل کې وسله، ونیستا ن یې له خا وروڅه ، جا مې یې توتې توتې او سترګې یې لمونځ کولوکې ، هلته به د لمونځ ، ذکرا و فکر د پرمخښتیا او ولولې تېښتیا ځای دي، دا یتول د مجاهدینو د ولت دی . او په دې باندې هغوی هم نازېږي .

د جلال آبا د د جنګ په ډګر کې ما تېښته د دې خبرې معلومات هم وشو چې الله (ج) مسا تې لپاره کافي دی ، او پدې کار کې

فرشتي هم خپله برخه اداکوی، دجنګ په
دګرکي هری خواته ماشینداری چلیږی د
ټانکونوا وتوپونوګولی وریږی، الوتکی
بمونه غورځوی، مګرمجاهدینوزیاتره
سیمی الله (ج) ساتی، دجلال آباد په
جنګکی دپښتو، اردوا وعربی ژبودیوتکي
داسی دیوه‌بل سره یوځای کیږی کله‌چی
ګونګیان سره یوځای کیږی، ګونګیان
داشاروا وځینوځاصو غږونو په‌کولوسره یوه
بل ته دزړه خبره رسوی، پدی دول دپښتو،
اردوا وعربی ژبوویونکوهم‌په‌اشاروا وعام
فهمه الفاظو یوبل پوهاوه. مادجنګ په
دګرکی داسلامی‌امت غربت احساس کړ، دا
ملت ددینی اودنیوی علوموځخه شاته
پاتی دی دا ملت نه‌کومه مشترکه‌ژبه‌لری
اونه ورسره داسی ساینسی تکنالوجی

علاج لپاره پشاورته راروان وو، داځومره
دافسوس‌ځای دی چی داسلامی نړی ځخه
یواځی ځلوروهیوادونودمجاهدینوعبوری
حکومت په‌رسمیت پیژندلی، داسلامی نړی
دی بی اتفاقی ځخه ددین دسمنان لاقوی
کیږی داحال دکشمیرهم دی دکشمیر
مجاهدین دځلورویشت کالوراهیسی،
جهادپه‌بانډی بوخت دی، مګراسلامی نړی
ته معلومه‌هم نه‌دی چی کشمیردنړی په
کوم ځای کی دی، اوهلته ځوک اوسیږی
دهغوی ځه‌ستونزی دی آیادوی په‌داسی
حال کی چی په‌خپلوسترګودا سرائیلو او
روسانوګډګزا یم ګوری ولی اسلامی نړی
نه متحدوی؟ آیادوی دهغدودتخریبی
عملونوسره سره‌ولی دهوښیاری ځخه کار
نه‌اخلی؟ الله (ج) دې‌رحم وکړی الکله‌چی

اووی ویل: داپنځلس ورځی می دیاده
نه‌وی وتلی" دی دمحبته ډکی جملی نه
داچی دافغان مجاهدینوځینوکمپودیو
کفاره اداکړه، بلکی دکشمیریانولوا و
افغانانودوستی یی لاټینګه‌کړه.
درنګ اووینی بناڼ ماتکړی په‌یوه‌امت
کی راټول شی.
چی نه‌رانی پاتی کیدونکی دی نه‌ایرانی
نه‌افغانی.
ددی ملت اصلی کاردادی چی‌داسلامی
امت دراژوندی کولولپاره هلی ځلی
وکړی، اودازما دهیلوا وغوښتنو، نهائی
مقصد دی، پدی کی زموږدټولونارو غیو
رازپروت دی، اوپدی کی زموږددنیوی
اوآخروی نجات اورستګاری رازنغښتی

**دجلال آباد جنګ په‌دګرکی مجاهدین په‌اطمینان سره لمونځ، روژه او
تراویح کوی، دهغوی زړونه مطمئن اوځیری روښانه دی، سترګی یی د
الهی عرش خواته متوجه دی په‌یوه لاس‌کی تسبیح په‌بل‌کی وسله، ویښتان
یی له‌خاوروډک، جامی یی توتی توتی اوسترګی یی له‌وښکوډکی، هلته‌د
لمونځ، ذکراوفکردپرمختیا اولوړتیاځای دی، داټول دمجاهدینودولت
دی. اوپدی باندی هغوی هم نازیږی.**

**هو! چی قوم آزادوی دامن چا پیریال میسروی نودآویس قرنی پرمسلک
باندی اصرارجائزنه‌دی بیادکعبی ترڅنګ درسول (ص) روضی سره‌لوید ل
سم اوجائزکاردی، مګردمغلوبیت په‌حال کی دمکی اومدینی سره‌دآویس
قرنی غوندی دمعنوی اړیکوټینګول په‌کاردی.**

شته چی ده‌په‌زرها وځیته‌جګوآلوتنکوآلوتکو
خواب وربانډی ورکړی، آلوتکی راشی
اوپه‌آرامی سره دمجاهدینوپه‌مورچلو
بمونه غورځوی پس‌تش‌که الله (ج)
دمجاهدینوملاترونکړی مجاهدین بی وسی
کیږی دالله (ج) فضل اوکرم‌دهغوی په
حال دی ټول مجاهدین په‌پوره‌اطمینان
سره دجنګ په‌دګرراټول وی.
دجلال آباددجنګ له دګرځخه‌تراستیدلو
وروسته می شل کیلومتره پیاده‌سفر
وکړه‌زماسره دګجرات‌سیمی یومجاهد
اسلم هم وو، اسلم په‌پښتوا وفارسی
باندی هم خبری کولی شوای اسلم دمجا-
هدینوسره ځلورکاله‌تیرکړی وو دعربانو
موټرموټرطورخمه راورسولو، دا سلم‌سترګه
دجنګ په‌دګرکی ټپی شوی وه، دوی دهغه‌د

پشاورته ورسیدم اوځپل ګران کوربه
انجنیراحمدشاه‌سره یوځای شوم نوهغه
په‌غیرکی ټینګ ونیولم اودیرخوشحاله
شو، موږدواړودماښګرلمونځ داتحاد
اسلامی په‌جوماتکی اداکړه، دلمانځه‌ځخه
وروسته ماانجنیراحمدشاه‌دمجاهدینو
ځینوستونزوځخه خبرکړ، اودهغوی د
ستونزودحل لپاره می ځه‌وړاندیزونو
ورته وړاندی کړل، په‌دوهمه‌ورځ ماد
نوروجاهدینوسره‌یوځای دعیدلمونځ د
اتحاداسلامی په‌جوماتکی اداکړه، پدی
جوماتکی تقریبا" دیرش زره‌مجاهدینو
اوهماجرینوپه‌جمعی لمونځ وکړ، عیدپه
دیری سادګی سره ونمانځلی شو، دجلوزو
کمپ ځخه درخصتیدوپه‌وخت زه‌خپل
مشروروانجنیراحمدشاه مخاطب کړم

دی.
جګ شه چی دنړی بزم بل رنګ غوره‌کړی
په‌لویدیځ اوختیځ کی ستادورپیل
شوی.

زموږ مسلمان ملت د ټولو روانو دردوونکو فاجعو او مصیبتونو عامل ظاهرشاه ګڼي

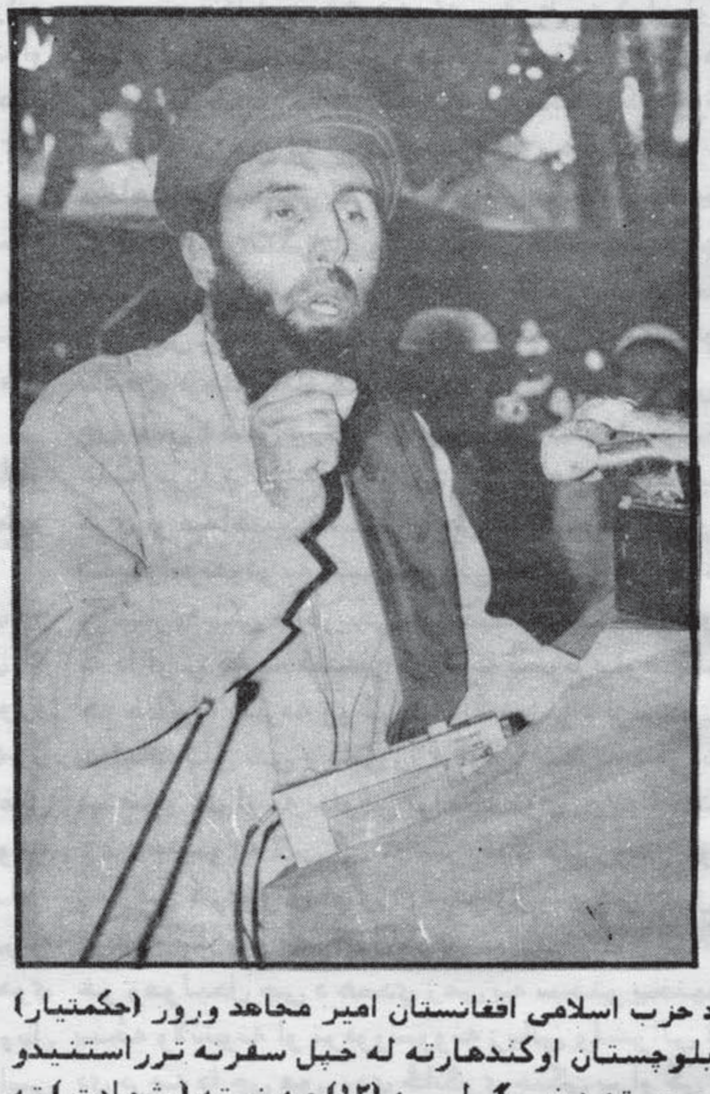

د حزب اسلامي افغانستان امیر مجاهد ورور (حکمتیار) بلوچستان اوکندهارته له خپل سفرنه تر راستنیدو وروسته د خبرګولي په (۱۲) مه نیټه (شهادت) ته دیوي مرکي لپاره وخت ورکړ د یشفق مجلي اداره هم د موضوع د اهمیت له امله مناسب وګڼله چې د نوموړي مرکي بشپړ متن په لاندي توګه ګرانو لوستونکوته وړاندي کړي :

* * *

شهادت : په دي وختونو کي داسي فکر کیږي ، چي د کندهار له لاري افغانستان ته د پخواني پاچا ظرهرشاه د راوستلو توطیه ترکار لاندي ده او لویدیز خبري او اطلاعاتي وسیلي هم پرڅانګړي چټکتیا او دلچسپي سره پدي جهت کي کار کوي او هم په دي ورځو کي لدي واقعیت نه خبري کیږي چي د یوه تنظیم نږدي خپل او همکار له هغي لاري کابل ته تللي و،تاسي چي د حالاتو د نږدي لیدو او چارو د سمون لپاره هلته سفر درلود هیله ده د حقایقو په باب به رڼاواچوي !

(ورورحکمتیار) په دي کي هیڅ شك نشته چي ځیني ملکونه په افغانستان کي د مجاهدینو په لاس اسلامي حکومت جوړیدل د خپلو ګټو لپاره خطر ګڼي او په ټول طاقت هڅه کوي چي د مجاهدینو د حکومت د تاسیس مخه ونیسي روسان هم اوس په دي پوه شوي چي د نجیب حکومت د بقاچانس نلر ي هغه له ډیري مودي را پدیخوا غواړي چي د نجیب حکومت تعویض شي .

روسان پدي ټینګار کوي چي باید کمونیست ګوند په راتلونکي حکومت کي فعاله برخه ولري خو ځیني غربي هیوادونه په دي کوشش کي دي چي ائتلافي حکومت په ځاي یو داسي حکومت جوړ کړي چي نه په کي مجاهدین برخه ولري او نه کمونیستان،د دي دواړو طرفونو له کوشش نه داسي معلومیږي چي د داسي حکومت لپاره دوي له ظاهرشاه پرته بل څوك په اختیار کي نلري .

زما خپل معلومات داسي دي چي د دواړو طرفونو تر مینځ اختلافات پردوو خبرو کي دي:لومړي د دي حکومت جورست او په هغه کي د هر طرف سهم اوبرخه او بل د هغه د راوسپتو لار ـ که ظاهرشاه د ماسکاو یاهند له لاري راځي نو انجام به یي له نجیب سره

تفاوت ونلري او ملت به یي د نجیب جانشین گڼي د ایران له لاري یي هم د راتلو چانس کمزوري دي ، د پاکستان پخواني حکومت دي خبري ته تیارنه و خو د اوسني حکومت په باب په یقین سره څه نشم ویلای؛ ولی دا ویلای شم چي که پاکستان د دي خبري منلوته چمتو شي دا به یي ستره اشتباه وي ـ انګریزان غواړي چي هغه (ظاهرشاه) د نادرخان په څیر کابل ته ورسوي نادرخان یي د (پاړه چنار) له لاري د مسعودو او وزیرو په لاس او دي د کندهار له لاري د ځیني هغو وطنفروشو ملکانو په مرسته ورسوي چي د پخوانیو حکومتو تنخواه خواره وو که څه هم د دي لپاره زیات کوششونه کیږي خو د بري چانس یي ډیر کمزوري دي .

د کندهار مؤمن ولس په تیره د دراني قوم میړني مجاهدین دا تاریخي پیغورنه مني چي د خاین او پردیو د لاس آلي واکمن د تحمیل په توطئه کي دي ملوث او شهادتونه اومجاهديَ یي ضایع شي د کندهار مجاهدین دي قوم فروشانوته حتی د جلسي چانس هم نه ورکوي ـ تاسي به د سرخاب د جلسي په هکله معلومات لري چي مجاهدینو متلاشي کړه . مادا اوس اوس یو ځل بیا د کندهار حالت له نږدي ولید ، زه د کندهار د وضعي په باب بوره داډ او اطمینان لرم د کندهار مجاهدین د اسلامي نظام مخلص پاسداران دي او له اسلامي حکومت نه پرته په بل شي نه راضي کیږي .

ماته په کندهار کي زیاتو قومندانانو په واضحو الفاظو وویل چي موږ به هیچاته د دي موقع او اجازه ورنکړو چي کندهار پداسي توطیو بدنام کړي .

هغه څوك چي له کابل رژیم سره د همدي توطیي په عملي کولو کي ناسته ولاړه کړي خپل اعتبار یي له لاسه ورکړي او مجاهدین تري خواره شوي اونورو تنظیمونو ته روان دي ما څو مطرح او مشهور قومندانان ولیدل چي په همدي خاطر حزب ته راغلل هغه کسان چي کابل ته تللي و ما د ولس اومجاهدینو په مینځ کي د هغوي په باب ژوره کرکه او نفرت احساس کړ او هغه کسان چي تللي و هغوي هم د ځان د تبرئه کولو زیار ایست او کوشش یي کاوه چي وښیي ، لدوي سره چل او خدعه شوي،داسي چي لومړي ورته ویل شوي چي د کندهار والي ورته تسلیمیږي او بیا پداسي حالت کي کابل ته بیول شوي چي زړه یي نه غوښتل .

زما عقیده دا ده چي شاید الله (ج) ته دا منظوره وي چي د انقلاب په وروستي مرحله کي هغه ناولي څیري بربندي کړي چي نن د مجاهدینو په لیکوکي پټي پاتي دي دا د الله (ج) سنت دي چي د جهاد په نتیجه کي به خاماخا مؤمن او منافق سره بیلوي ، دا د تفکیك او تمیز عملیه به ترهغه روانه وي چي د مخلصو مجاهدینو له صفونو څخه د نفاق وروستي جرړي هم قطع شي .

شهادت : د مخکیني اټکلونو او توقعاتو پرخلاف په هیواد کي د مجاهدینو لخوا جګړه ډیره پراخه او تشدید نشوه ، او د نجیب مزدور رژیم لاتروسه ندي نسکور او دغسي حالت د هغو طرفونو د ګټو اواهدافو په مصلحت دي چي دْ مجاهدینو د جګړه ایز او پوځي ځواك اوموقعیت د برلاسیتوب او پیاوړتیا په صورت کي د خپل خوښي د لارو چارو تکلیف په سختو مشکلاتو کي کوري ایا پدي جهت کي خو څه پټو او مرموزو لاسونو کار ونکړ ؟

وروړحکمتیار : د روسي پوځونو د وتوتر بشپړیدو وروسته د کابل د رژیم د فوړي سقوط نه کولو او د څه مودي لپاره یي بقا څو وجوهات لري : لومړي دا چي روسي پوځونه د ژمي په سخته یخنی کي ووتل او معمولاً د ژمي له یخني سره په سړو سیمو کي د مجاهدینو عملیات له مشکلاتو سره مخامخ وي یواحي په کندهار او ننګرهار ولایتونو کي د مجاهدینو لپاره د جګړي شرایط برابروو د کابل رژیم فرصت ترلاسه کړ چي خپل زیات قوت جلال آباد او کندهار ته ولیږدوي او بالآخره د جلال آباد جګړه اوږده شي.دویمه وجه یي دا ده چي اوّس د کابل رژیم په ښارونو کي کلابند شوي دي او هلته یي د ښار له خلکونه د ځان د دفاع لپاره سدجوړ کړي او مجاهدین نه غواړي چي په ښارونو باندي دي د شدیدو بریدونو په نتیجه کي بی ګناه ښاریانوته تلفات ورسیږي،بلکي د تدریجي پرمختګ غوښتونکي دي موږ ته دا اوس هم په کندهار کي لویه ستونزه اومسئله داده چه خلك له ښارنه ووځي او بیا د ښار د آزادیدو لپاره عملیات پیل شي د کابل رژیم اوس فقط په ښارونو کي محصور دي او په سلوکي ترپنځه نوي زیات افغانستان د مجاهدینو په لاس کي دي سره لدي چي روسي پوځونه په ژمي کي ووتل او رژیم مجبور شو چي خپل ټول قوتونه ښارونو ته راټول کړي .

خو وموليدل چي د همدي ژمي په سختو یخنیو کي پنځه ولایتونه او تردووسوونه زیاتي ولسوالي آزادي دي دریمه دا چي موږ پدي ځانګړي جنګي پړاو کي چي د ښارونو د آزادیدو عملیات په مخ کي لرو ترپخوا زیاتو مهماتو ته ضرورت لرو متاسفانه چي موږ د مهماتو له قلت سره مخاخ یو .

پدي باب صریح وایم چي ممکن دا دهغو طرفونو یوه دسیسه وي چي د هغوي سیاست دا دي چي غواړي د

افغانستان قضیه د جګړې په ډګر کې حل نشي څکه د
جګړې په ډګر کې د قضیې حل د بهرنیو لاسو هغه
چانس ختموي هغوي غوښتل چې قضیه دې له مسکو
سره د تفاهم له لارې او د یوه داسې حکومت په راوستو
حل کړي چې په بهرنیو طاقتونوپورې تړلی وي د کابل
رژیم د بقا د ځه اوږدېدو مهم عوامل همداوو .
الحمدالله لدې تولو سره سره ښه پراخ عملیات ترسره
شوي ، په جلال آباد کې ، کندهار کې نیمروز کې
خوست کې ، د کابل شاوخوا او کې شمیر نورو سیمو
کې شدید عملیات شوي او روان دي که زموږ د مهماتو د
کمښت مشکل نه واي اوس به ډیر پوځي پرمختګ شوي
و .

شهادت : څو ورځې د مخه د پاکستان یو مهم
اومشهور علمي شخصیت د یوې لویې غونډې په ترڅ
کې پرخپلو هیواد والو غږوکړ چې نن (حکمتیار) په

شهادت : پداسې حال کې چې اوس موږ له یولړ
مسلمو مشخصاتو سره د مجاهدینو انتقالي حکومت
چې د نجیب ترنسکوریدو وروسته به په هیواد کې د
چارو واګې سنبال کړي خو د پاکستان صدراعظم اوس
هم د یوه پراخ بنسته حکومت له جوړیدونه خبرې کوي
که پدې باب رڼا واچوې ؟
ورورا (حکمتیار) : زموږ حکومت له پراخې قاعدې نه
برخمن دی او تردې نه د پراخې قاعدې حکومت
تصورنشي کیدای په پاکستان کې د یوې دلې حکومت
دې خوموږ د اوو تنظیمونو حکومت جوړ کړي .
ما د پاکستان مسئولینو ته وویل چې زه ګومان نه کوم
چې دومره ایثار او خود ګذرې دې بل څوك ولرې چې
اوه تنظیمه دې پداسې حال کې کډ حکومت جوړ کړي
چې د قوت ، د افرادو نفوذ او موثریت د ټول تفاوت له
پام نه په غورځولو دې ټول د مساوي رایې حق ولري او

موږ ډیر شهیدان ورکړي دي ، د شهادتونو په نتیجه کې دا امت او ملت نه کمزوریدای شي اونه ختمیدای زموږ ډیر باسابقه او برجسته

وروڼه شهیدان شوي ، موږ لاپخوا د قیادت په سطحه شهیدان ورکړي ، خو ګورو چې داتحریك او مقاومت نه یواځې کمزوري نشو؛بلکې لاپیاوړي او پراخ شو نو موږ لدې ناحیې هیڅ تشویش نلرو .

یوه مطبوعـ ... کنفرانس کې وویل چې مجاهدین د
مهماتو له کمښت سره مخامخ دي دا آواز د هرپاکستاني
پرزړه د غیشي په څیر لګیږي او باید هر بیدار
پاکستاني پردې سوچ وکړي چې د پاکستان د پخواني
حکومت پروخت ولې مجاهدین لداسې کړاو سره نه
ومخامخ،آیا تاسې هم لدې سره موافق یاست چې پدې
باب د پاکستان د نوي حکومت د دریځ ځرنګوالي اغیزه
غورځولې ؟
ورورحکمتیار : زه ګومان نه کوم چې دا دې د
پاکستان په سیاست کې د بدلون نتیجه وي ، بلکې زه د
نورو طرفونو په سیاست د تبدیلي اثر ګنم ـ پاکستان
مکرراً ویلي چې زموږ په سیاست کې تبدیلي نده
راغلې .

وزارتونه اوټول امتیازات دي هم مساویانه وویشي
زموږ حکومت پراخ بنسټ لري او تردې د زیاتي پراخې
قاعدې حوك تصور هم نشي کولای .
شهادت :ــ څوورځې د مخه د یوه تنظیم مـمـحـ
پخواني پاچا په باب د یوې بوښتنې په ځواب کې وویل
چې موږ دا مسئله د ملت ارادې ته پریږدو خو زه امید
کوم چې د افغانستان خلك به د ظاهرشاه درناوي وکړي
څکه هغه د خپلې څلوېښت کلنې پاچاهي په دوران کې
داسې کار ندې کړې چې ملت یې خوزولې وي ، ګورو
چې د ملت او مجاهدینو قاطع اکثریت پخواني پاچا د
یوه بدنام خاین اومجرم په توګه پیژني آیا د یوه داسې
مشر لخوا چې په حکومت کې عملاً برخه او رسمي مهم
مسئولیت هم لري دا ډول ځرګندونې به د حکومت

لپاره ستونزي راولاړي نکړي . ؟
وروړ (حکمتیار) : څوك چي د تیر رژیم د احساناتو
مرهون وي طبعي خبره ده چي داسي کس به د هغه رژیم
د بیاراتلو کوشش کوي ، هغه چي د هغه په کتو مزو او
چړچوکي شريك و له هغه نه به بله توقع نشي کیداي
تاسي ولاړ شي دي اطرافوته له خلکونه پوښتنه وکړي
چي د ظاهرشاه پرباب څه وايي دا چي نن افغانستان
ترټولو وروسته پاتي ملك دي ، لوږه ، بې کوري ده
نلپوهي ، ویشونه او فرقي دي دا حالت چاجوړ کړي ؟ د
ي مسؤول څوك دي سره لدومره منابعو ، شتمني ، د
ملت له قوت او استعداد نه زموږ ملك ولي له فقر ،
وږي ، جهل ، نلپوهي او دربدري سره مخامخ دي ـ ؟
ـاور وکړي چي د افغانستان ځمکه ، معدنونه ، د اوبو
خیري دومره دي چي زموږ نفوس د ولس چنده شي هم
بس مودي ، یو عالم شاړي مځکي لرو چي په ډیره
سانی سره په کارلویږي همداسي نور ټول طبعي
نابع ـ خو گورو چي موږ حتی د غلي له ناحیي هم یو
ر بل ته اړیو .
داسي حال کي چي که زموږ نفوس لس چنده هم زیات
ي دا مځکي بښي ورته بس دي ـ تاسي فکر وکړي
لويښت کاله چي یوه حکومت له خیانت ، عیاشي ،
زو چړچو ، د ملت د وینو له چښلو ، فشار او د ځان
پاره څوښکارګاوي اوتفریح ځایونو له جوړولو پرته
ل کارنه وي کړي د هغه په باب به دولس احساس
تصور څه دول وي؟تاسي خو یو ځل دي اطرافوته ولاړ
ي او دا فاجعي وګوري د دي عامل څوك و .
فر روسانو ته دا امکانات او زمینه چا برابره کړه چي
هغه دي زموږ پرملك راننوځي او خپله خاوره راته د
اور په تنوربدله کړي زموږ ولس خو ظاهرشاه د دي
ټولو فاجعو او مصیبتونو مسؤول بولي .
کاشکي د ملت ارادي ته موقع ورکړه شي چي خپل
سرنوشت په خپله وټاکي دا خو نهرني طاقتونه دي چي
افغانستان ته د ظاهرشاه راستنيدل غواړي .
کمونستان ، روسان ، هندوان انګریزان اوامریکایان دي
چي د ظاهرشاه د راوستو لپاره کار کوي د افغانسان
ولس خو ظاهرشاه نه غواړي ـ د یوه چلپه تلو چن څوك
یوه څاحکي اوښکه تویي نکړي اوس به هغه څنګه
بیرته وغواړي .
کله چي یوځلوينښت کلن حکومت د یوي سپیني کود تاپه
ترڅ کي نسکوریږي په ټول ولس او پوځ کي یې څوك
چي په دفاع کي یې یوکارتوس هم ونه ولي وینه خوځه
کوي یوڅاحکي اوښکه یې په همدردي کي تویي نکړي
معلومه ده چي ولس تري ستړي ده .
اوس تریوولس کاله جنګ وروسته چي ملت په لکونو
شهیدان ورکړل د روس په څیرستر طاقت ته یې د خپلو
متواو وینو په زور ماتي ورکړه څنګه کیداي شي د
هغه منلو ته تن ورکړي ـ څوك چي اوس هم دا خبره
کوي چي ظاهرشاه ملت ندي څورولي دا له حماقت او
نلپوهي پرته بل څه نده .
په خپله د مجاهدینو د حکومت دا جوړیدل د دي معنی
لري چي نورد ظاهرشاه لپاره ځاي او فرصت نشته او
زه دا وايم چي که څوك پداسي حال کي چي پدي حکومت
کي شامل هم وي او د ظاهرشاه خبري کوي دا منافقت
کوي او داحرکت یې د حکومت د جوړیدو له اصل او
مفهوم سره څرګند تناقض دي او د حکومت د اصل

زما عقیده دا ده چي شاید الله (ج) ته دا منظوره وي چي د انقلاب په وروستي مرحله کي هغه ناولي څیري بربنډي کړي چي نن د مجاهدینو په لیکوکي پټي پاتي دي،دا د الله (ج) سنت دي چي د جهاد په نتیجه کي به خامخا مؤمن او منافق سره بیلوي ، دا د تفکیك او تمیز عملیه به ترهغه روانه وي چي د مخلصو مجاهدینو له صفونو څخه د نفاق وروستي جرړي هم قطعه شي .

ترکیب په مجموعي ډول زموږ د ټولني یو (موډل)
او بموونه وه . او د دي ترکیب زموږ د ټولني له جوړښت
نه هیڅ امتیاز نه درلود .
که زموږ د اجتماع له هري برخي یو بموونه راواخلي او
یوځاي یي کړي همدا مشورتي شوری به ځیني جوړیږي
پدي کي داسي کسان هم وو چي د ایمان او عقیدي په
باب یي شکوك او شبهات موجود و .
پدي کي د هري طبقي او هر قشر خلك و .
او داسي به په هیڅ توګه نه وه چي د شوری ټول غړي
دي اهل حل وعقدوي او یادي ټول صالح او اهل افراد
وي چي هلته انتخابات کیداي شي نو د ټول ملت په
سطحه څه مانع او اشکال لري؟ چاچي انتخابات په
عملي ډول منلي د انتخاباتو نتیجه یي قبوله کړي او
عملاً یي رایه ورکړي ، زه نه پوهیږم چي هغه به اوس د
مشورتي شوری د فیصلي په وړاندي خپل مخالفت
څنګه توجیه کوي ؟ اوس په اصولي ډول د انتخاباتو په
باب اختلافات ختم شوي . سوال دا دي چي د ترسره
کیدو لپاره یي عملي ګام پورته شي موږ د داسي
حکومت او اساسي قانون د جوړولو لپاره یو منتخبي
شوری ته ضرورت لرو چي کله هم د دي حکومت وخت
پوره کیږي بیا د بل حکومت د جوړولو لپاره منتخبي
شوری ته شدیده اړتیا ده ، په هغه وخت کي چي بیا
مشورتي شوری هم نشته څه به کوو،هلته موبیا ملت
له یوي لویي خلاسره مخامخ کیږي د دي ټولو مسایلو
په پام کي نیولو سره دي ته اړیو چي تنظیمونه د اهل
حل و عقد کسانونه جوړه شوری ولري داسي چي د ملت
د رایو په تناسب وي نه دا چي قوي او کمزوري
ډلو ته یو برابر حق ورکړي شي . زه پردي خبره
ټینګار کوم زموږ دریځ دا دي چي غیر منتخب حکومت
په هیڅ توګه نه منو او دا حکومت موهم په هغه شرط
منلي چي انتخابات به کیږي او د شپږو میاشتو د ننه
به منتخبه شوری جوړیږي موږ خپلو تعهداتو ته وفادار
یو او نور ورونه پرخپلو تعهداتو باندي دریدوته
رابولو .

شهادت : ځیني مبصرین داسي تحلیل کوي چي د
روسي پوځونو د وتو د بشپړیدو پروخت امریکایان لدي
امله چي اټکل یي کاوه شاید د نجیب رژیم ډیر ژر
نسکور شي او د مجاهدینو د پوځي قوت او موقعیت
پیاوړتیا د سازش د عملي کولو ته محتاط وو او د
مجاهدینو د خوښي مخالف حرکت ته یي نه کاوه خو
اوس د نجیب پوځ بقا او د ښارونو د فتوحاتو ځنډمن
کیدو زیات جرئت ورکړ ، او دا تبلیغات چي ګویا د
پاکستان صدراعظمي د امریکا جمهوررئیس د
افغانستان د حالاتو په باب په خپل دریځ کي داسي
بدلون نه وهڅاوه چي د سیاسي حل هلي ځلي وکړي د
دي لپاره زمینه برابرول دي چي امریکا پرعلني توګه
له نوي نقشي سره راوړاندي شي تاسي پدي باب څه
وایاست ؟

ورور (حکمتیار) : زه به داخبره په بل انداز کي
وکړم .
زما ګومان دا دي چي له امریکایانو سره دا شك و چي
شاید د روسي پوځونو له وتلو سره سم د نجیب رژیم د
مجاهدینو په وړاندي رانسکور شي وروسته هغوي د
دي کوشش وکړ چي شرایط داسي عیار کړي چي
مجاهدین دي د جګړي په ډګر کي د کابل رژیم نسکور
نکړاي شي منفي تبلیغات یي پیل کړل په عملي توګه
یي داسي کارونه وکړل چي د مجاهدینو پرحالت یي
منفي اغیزه وکړه د هغو دا تبلیغات لدي نه نمایندګي نه
کوي ـ چي هغوي اوس سازش کوي،بلکي دا د هغوي د
هغه پلان جز دي چي باید مجاهدین عسکري فتحه
ترلاسه نکړي ځکه د عسکري فتحي معنی دا ده چي دوي
له روسانو سره د تفاهم چانس له لاسه ورکوي بیا به
دوي د افغانستان د قضیي پرحل کي نقش نلري او خپله
به مجاهدین تصمیم نیسي،زما هم تشخیص دا دي چي
اوس امریکا د دي کوشش کوي چي د پاکستان سیاست
بدل کړي دا کوشش د مخه هم شوي ، په مرحوم
ضیاءالحق باندي هم فشار راوړل شو چي کله هم هغه
دغه فشارونو ته تسلیم نشو پرضد یي منفي تبلیغات
پیل شول پاکستاني پوځ هم چي د لویدیز د شدیدو
فشارونو په وړاندي مقاومت وکړ غرب یي پرضد پراخ
تبلیغات پیل کړل .

(اي ـ ایس ـ آي) هم یوه داسي اداره وه چي د
افغانستان په قضیه کي د لویدیز د لاسوهني غوښتني
ونه مني همافه و چي پرخلاف یي تبلیغات پیل شول او
ویل یي چي ضیاءالحق او (آي ـ ایس ـ اي) په
افغانستان کي د بنیاد ګرایانو د حکومت غوښتونکي دي
د دوي دا تبلیغات د دي نقش یوه برخه ده او اوس
امریکا زیار باسي چي د پاکستان په سیاست کي تغییر
راولي او داخبره د دوي له مطبوعاتونه هم ښکاري
حرګندیږي ـ له هماغي لومړي ورځي نه چي په
پاکستان کي نوي حکومت جوړ شو غرب همداسي
توقعات څرګند کړل چي اوس به د پاکستان په سیاست
کي بدلون راځي او اوس به بنیاد ګرایان خپه او
ناراضه وي او اوس به نوري دلي راضي کیږي شاید
امریکایان پدي هڅه کي وو چي په پاکستان کي دي د
فشارونو په نتیجه کي څه تبدیلي وشي .

موږ هیله من یو چي پاکستان په خپل سیاست کي ثابت پاتي شي او د خپل سیاست بدلون ته زړه سه نکړي .

شهادت : پر نورو ټولو اقتصادي ، سیاسي ، ژئوپولیتیکي مسلمو عواملو او انګیزو سربیره اوس دروس او امریکا او یا په بل عبارت د ختیځ او لویدیز استعمار ډیر زیات سره نږدي کیدل یو مهم فکتور دي .
د ایران انقلابیون باید په خپل ګاونډ کي د یوه مضبوط باثباته او متحد اسلامي انقلابي افغانستان د درلودو په شدید ضرورت پوه شي .
نو زموږ د انقلاب په وړاندي د دوي له عملي برخو ردنه معلومیږي چي آیا هغوي دا حقیقت ندي درك کړي او که څنګه ؟

حتی څیني وایي چي که ضیاءالحق هم د غرب د غوسي او غضب موږ د کرزیدلي،وجه یي دا ده چي هغه دي ته تیار نشو چي ستاسي له تائید نه لاس واخلي او په تضعیف کي موږ لویدیځ له پروګرامونو سره همګام شي .

ورور (حکمتیار) : پکار داوه چي دا احساس په ایران کي هم واي او په افغانانو کي هم ، مناسبه دا وه چي موږ له خپلو ایراني ورونو سره په پوره قوت او جدیت د یوه اسلامي وحدت او پیوستون په جهت کي د اسلام د لوړتیا او خپلي بقالپاره کارکړي واي ، ولي متأسفانه چي ایران له یوي خوا له عراق سره په جګړه کي بوخت او له بلي خوا د منطقي شرایط شاید هغوي ته داسي برابر شوي وي او یا له ماسکاو سره د ایران د روابطو د نږدي کیدو دا غوښتنه وي چي څه شکوك او شبهات راپیداکړي ممکن څیني نور عوامل هم وي چي ایران ونه شو کولاي پدي هکله مثبت او موثر نقش ترسره کړي ، پکار داوه چي په ایران کي د جهادي تنظیمونو پرخلاف تبلیغات نه کیداي او د مجاهدینو د حکومت په تائید کي یي پراخه مرسته کړي واي ، ایران باید لومړي ملك واي چي دایي په رسمیت پیژندلي واي او دي ته یي خبره نه واي پرې ایښي چي په ایران کي میشته تنظیمونه په کي برخه واخلي ، پکار داوه چي هغه تنظیمونه یي په حکومت کي د ګډون لپاره تشویق کړي واي چي له تنازل او ایثار نه کار واخلي او ایران باید په غیر مشروط ډول د مجاهدینو حکومت په رسمیت پیژندلي واي پردي سربیره باید ایران د افغانستان له قوي اسلامي حزبونو سره له نږدي نه تفاهم او مرسته درلوداي متأسفانه چي تراوسه پدي جهت کي څه د پام وړ ګام ندي پورته شوي ګورو به چي په راتلونکي کي د دي دوارو ورونو ملتونو ترمینځ د مرستي او وحدت په جهت کي څه کولاي شو.

شهادت : ـ هسي خوله پیله لویدیز د افغانستان د اسلامي انقلابي قوتونو او په مشخصه توګه د حزب او ستاسي د شخصیت او قیادت پرخلاف شدید منفي تبلیغات کوي .

خو پدي وختونو کي چي کله هم د لویدیځ په مطبوعاتو کي د افغانستان د حالاتو او پدي باب د نورو طرفونو پردریځونو خبري کیږي نو د حزب قیادت دوی د خپلو **هغو طرحو په وړاندي چي د افغانستان د قضیي د حل او راتلونکي حکومت جوړیدو په باب یي لري ستر خنډ ګڼي ،اوتاسي شهید ضیاءالحق او د (اي ـ ایس ـ آي) اداره په یوه فکري سیاسي جبهه کي ګڼي اوس چي دا خبره ډیره قوي شوي ، چي مرحوم ضیاءالحق امریکایانو شهید کړ ، او د (آي ـ ایس ـ اي) اداري په باب یي هم دریغ روښانه دي پداسي حالت کي انجنیر صاحب تاسي**

څه ډول احساس کوي ؟

وروړ (حکمتيار) : څه چي خداي (ج) ته منظور وي هغه به کيږي ، موږ ځپل ځان د خداي (ج) په لار کي وقف کړي ، موږ د شهادت لار په شعوري ډول غوره کړي ، دا چي د چاپه لاس به وي دا په خداي (ج) پوري مربوطه ده لذي نه ويريږم چي په غرب کي زما پرخلاف پراخ تبليغات کيږي ،او دا شديد تبليغات زما پرخلاف د هغوي له ژوري دښمني او سختي کرکي اوتعصب نه راولاړيږي دا لکه چي قرآن عظيم الشان فرمايي د هغوي د دي دښمني او عداوت يوه برخه ده ، دا چي د هغوي په زړونو کي څه دي ، په پټه کي څه روان دي اوکومي نقشي چي هغوي جوړوي نو خداي (ج) ښه پوهيږي چي هغه به څه ډول او څومره وي ؟! غرب ما د ځان لپاره د يوه لوي خطر په توگه گڼي تردي حده چي حتی ځيني وايي چي که ضياء الحق هم د غرب د غوښي او غضب مورد گرزيدلي،وجه يي داده چي هغه دي ته

پدي مشورتي شوری کي هم چي له ټولو تنظيمونو نه د تساوي پربنسټ جوړه شوي وه ، د انتخاباتو اصل ته له رجوع کولو پرته د مشکل پرحل کولو بريالي نشونو هلته هم بالآخره مجبور شولو انتخابات وکړو او د رايو اخيستو په نتيجه کي خپل مشکل حل کړو .

تيار نشو چي ستاسي له تائيد نه لاس واخلي او په تضعيف کي مود لويديز له پروگرامونو سره همگام شي زه دا محسوسوم چي موږ اوس اوس له يوي ډيري حساسي او خطيري مرحلي څخه تيريږو او پدي وخت کي زه د ډيرو توطئو هدف يم .

خو پدي مي باور دي چي خداي (ج) څه کوي هغه به کيږي زه لدي نه ويره نلرم چي له ماسره به څه کيږي خو د دي تشويش حتماً راسره شته چي له ملت اوانقلاب سره به موځه کيږي .

خو پدي يقين لرم چي انشاءالله زموږ د ملت دا مسئلي له ټول بنسټيز نقش او ارزښت سره سره به وړاندي يي په داسي بي پروايي او بي احتياطي برخورد کيږي ، مشکلات به رامينځ ته نکري ؟

وروړ (حکمتيار) : په اصولي لحاظ خودا مسئله حل شوي ، پدي خبره توافق شوي چي د مشورتي شوري د غوندي له لومړي ورځي نه شپږ مياشتي وروسته

منتخبه شوري جوړيږي او موقت حکومت به له منتخبي شوري نه د يوه کال په موده کي د اعتماد رايه اخلي .

پدي توافق شوي و چي به اتوميا تيشو کي به د اعتماد رايه اخلي خو وروسته حيني ورونو پيشنهاد وکړ چي انتخابات به په خپله موده کي ترسره کيږي خو د اعتماد اخيستو موده دي يو کال شي موږ ورسره ومنله چي داسي ده خوانتخابات به پرخپل وخت ترسره کيږي د مشورتي شوري ترفيصلي وروسته انتخابات د ټولو تنظيمونو لخوا صورت نيسي او اوس ټولو احزابوته په کار ده چي د خپلي فيصلي درناوي وکړي ، که څه ملاحظات هم ورسره وي مناسبه داده چي نور هغه شاته پريږدي او د شوري پررايه عمل وکړي .

او که اوس هم موږ بخواني ملاحظات عنوانوو د دي معنی داده چي موږ ته نه د مشورتي شوري پريکړي ارزښت او اعتبار لري او نه ځپل تعهد .موږ ټولو ته په

کار ده چي د ځپل ملت د ستونزو د حل لپاره په يوه غږ د انتخاباتو په کولو کي تلاش وکړو او لدي پرته زموږ

د قضيي د مشکل لپاره د حل بله عملي لار نشته او بايد دملت رايي ته د رجوع کولو له لاري د منتخبي شوري د ټاکلو فيصله عملي شي .

پدغه مشورتي شوري کي هم چي له ټولو تنظيمونو نه د تساوي پر بنسټ جوړه شوي وه د انتخاباتو اصل ته له رجوع کولو پرته د مشکل پر حل کولو بريالي نشو هلته هم بالآخره مجبور شو انتخابات وکړو او د رايو اخيستو په نتيجه کي خپل مشکل حل کړو او په عملي ډول يي هم انتخابات ومنل دغه د مشورتي شوري لپاره عملي کام ندي پورته شوي ؛ بلکي دا حو ورځي د مخه د يو تنظيم د مشر د وينا رپوټ په پاکستاني مطبوعاتو کي چاپ شو چي په هغه کي يي پرنورو مسايلو سربيره د انتخاباتو د اصل په باب يي هم همافه پخواني ملاحظلات وراندي کړي و که د انتخاباتو مخالفت دي له يوي خوا په حکومت کي شامل وي ، له بل لوري بيا د ظاهرشاه د راوستو په توطيه کي ملوث وي دا بيخي واضح منافقت دي .

شهادت : څه موده د مخه د انتقالي حکومت رئيس محترم (مجددي) دانډين ټرسټ ، له خبريال سره مرکه کړي وه چي په پاکستاني مطبوعاتو کي يي رپوټ پدي بنه خپور شو چي د حکومت رئيس ويل .... داخبره بي ځايه ده چي ظاهرشاه په افغانستان کي نفوذ لري ؛ بلکي د افغاني ټولني زيات قوتونه يي پرخلاف ولاړ دي . دا مسئله د مجاهدينو اومهاجرينو په مينځ کي د يوه مثبت انکشاف په توګه وباله شوه حکه د يوي اختلافي مسئلي په باب يي دمجاهدينو د موضعګيريو د توحيد او حکومت دتينګښت په رابطه ډير سه اثرات غورځولاي شواي خو دوه دري ورځي وروسته مجددي صاحب داخبره په ډيرآب وتاب تکذيب کړه او د ظاهرشاه په باب يي په خپل پخواني ډريځ ټينګار وکړ ، اول خو پکارو چي د اسلام ، ملت ، جهاد او انتقالي حکومت د مصلحت لپاره مجددي صاحب بيرته خپل نظرنه واي بدل کړي ښايي چي کله پدي کار لاس پوري کړنو بايد دايي واضح کړي واي چي دي د جبهه نجات ملي ، د مشر په توګه داخبره کوي نه د حکومت د رئيس په حيث ، تاسي پدي رابطه څه واياست ؟

ورور (حکمتيار) : بهتره ده تاسي داخبره خپله مجددي صاحب ته وکړي .

شهادت : پر انتقالي حکومت د توافق يو اساسي شرط دا و چي پرشپږو مياشتو کي به د يوي منتخبي شوري د جوړيدو لپاره عمومي انتخابات کيږي اوس پدي څلورو مياشتوکي نه يواځي د انتخاباتو د ترسره کيدو

شهادتونه او قرباني په افغانستان کي د يوه اسلامي حکومت پرجوړيدو تماميږي دا چي قيادت به يي د چا په لاس کي وي پدي باور لرم چي انشاءالله د مجاهد په لاس کي به وي دا چي څوك وي مطمئين يم چي انشاءالله مجاهدين به يي په خپله خوښه انتخابوي .

موږ ډير شهيدان ورکړي دي ، د شهادتونو په نتيجه کي دا أمت او ملت نه کمزوريداي شي او نه ختميداي ــ زموږ ډير باسابقه او برجسته ورونه شهيدان شوي ، موږ لاپخوا د قيادت په سطحه شهيدان ورکړي ، خو ګورو چي دا تحريك او مقاومت نه يواځي کمزوري نه شو، بلکي لا پياوړي او پراخ شو نو موږ لدي ناحيي هيڅ تشويش نلرو .

شهادت : ــ انجنير صاحب اوس د دي حساسي او خطرناکي مرحلي د مقابلي لپاره په مشخصه توګه د څه پلان او پروګرام د طرحي او تطبيق تصميم لري که يه؟

ورور (حکمتيار) : پدي ځانګړي حساسه مرحله کي مهم او ستر کارونه:د منتخبي شوري جوړول ، د جهاد او مقاومت تشديدول ، جبهاتو ته د مشرانو تلل،د صالح او نيکو قومندانانو زيات تقويه کول او د هغوي د سنګرونو استحکام،خپل قوتونه او دفاتر به مدار داخل ته انتقالول ، له ملت سره رابطي ته ځانګړي توجه ، د قضاياوو په جريان کي اچول او د حالاتو ، مسايلو او توطيو په رابطه يي ذهنيت روښانول او برخلاف دي توطيوته په ګډه د صالح قوتونو ترمينځ هماهنګي راوستل ، د هغوي ترمينځ د مرستي او (تشريك مساعي) د فضا رامينځ ته کول دي .

شهادت : محترم انجنير صاحب لدي امله چي له خپل ټول مصروفيت سره سره موږ ته کافي وخت راکړ زياته مننه .

ورور (حکمتيار) : له تاسي نه هم تشکر .

غزوه فتح الاعظم

مترجم مولوی اخلاص الدین

"سرخرودی"

از منابع عربی

این غزوه در ماه رمضان ۸ هجری واقع گردیده سبب آن این بودکه قبیله بنی بکر بالای قبیله بنی خزاعه در مورد آب شان که در "الویتر" بودشب هنگام تجاوز نمودو تعداد زیاد شان را بقتل رسانیدند. درحالیکه در صلح "حدیبیه" فیصله به عمل آمده بودکه هرکس که میخواهد در عهدو عقد رسول الله (ص) داخل شود به اختیار خود این کار را کرده می تواند وهمچنین کسانیکه میخواهند تحت عقدو عهد قریش داخل شوند آنها نیز میتوانند مطابق اختیار و میل و آرزوی خود این کار را بکنند.

بنابرآن قبیله بنی بکر در عهد قریش درآمدند و بنی خزاعه در عهدو عقد رسول الله (ص) داخل شدند. بعد از آن قبیله بنی بکر آبی را که در (الویتر) قریب مکه بوددرتاریکی شب رفتندو آب را بالای بنی خزاعه بستندو قطع نمودند و قریشی ها در مورد تهیه سلاح با بنی بکر کمک و معاونت نمودند. وحتی بعض شان بطور خفیه از طرف شب کمک و معاونت نیز می نمودند. بنی خزاعه به حرم شریف پناه بردند وقتیکه بحرم شریف رسیدند بنی بکر به نوفل بن معاویه دیلمی گفتند . واودرآن وقت قائدشان بود. ای نوفل ما یان درحرم الله تو داخل شده ایم واودرجواب شان کلمه بزرگ وعظیمی را گفت :

"امروز برای اوخدائی نیست" ونیز برای شان گفت ای بنی بکر شما امروز انتقام تان را از آنها بگیرید. قسم است آنها درحرم سرقت مینمایند. آیا شما انتقام تان را از آنها درآن نه می گیرید، دراین فرصت عمرو بن سالم خزاعی بر آمده وخودرا بسرعت هرچه ممکن درمدینه نزد رسول خدا (ص) رسانید رسول خدا (ص) دراین فرصت درمسجد شریف با اصحاب کرام نشسته بود. او نزد رسول خدا توقف نموده

سپس رسول خدا (ص) گفت: " ای عمرو بن سالم مددکرده شدم " بعد از آن بدیل بن ورقاء درمیان گروهی از قوم بنی خزاعه برآمد تا آنکه که درمدینه نزد رسول خدا برسیدند وحضرت رسول الله (ص) را به آنچه که به آنها رسیده بود اطلاع دادند و این موضوع را نیز گفتند که قریش با بنی بکر برعلیه مایان کمک مینمایند. رسول خدا (ص) بمردم گفت مثلیکه شما با ابوسفیان مقابل شونده هستید؛ او نزد شما آمده است تا همان عقد وقرارداد را محکم نماید. ومدت آنرا نیز اضافه کند.

وقریشی ها آنرا به همین منظور فرستاده اند. دراین فرصت ابوسفیان آمدو بردختر خود ام حبیبه زوجه رسول خدا (ص) وام المومنین داخل گردید. وقتیکه ابوسفیان میخواست برفرش رسول الله بنشیند. ام حبیبه فرش را از زیر پای او پیچیده وجمع مینمود. ابوسفیان گفت ای دخترم نمیدانم که فرش را از من جمع مینمائید ودور میسازید ویا مرا از فرش میرانید ودور میسازید!

ام حبیبه برایش گفت این فرش رسول خدا است. وشما شخص نجس ومشرک می باشید، پدرش برایش گفت قسم است بعد از من خراب شده وشریز گشته ای. بعد از ابوسفیان از خانه خارج شدو نزد رسول خدا (ص) رفت وبا او (ص) درمورد قرار وصلح سخن زد.

رسول خدا (ص) برایش جوابی نگفت پس از آن نزد حضرت ابوبکر (رض) رفت واز او تقاضاء نمودکه درمورد قرارداد صلح با رسول خدا (ص) سخن بزنند. —

حضرت ابوبکر (رض) برایش گفت: من کنندهٔ این کار نیستم ونه میتوانم دراین مورد با رسول خدا سخن بزنم.

پس از آن ابوسفیان نزد حضرت عمر آمد حضرت عمر برایش گفت که من بشما شفاعت خواهی مینمایم؟

قسم بخدا است اگر بدون مورچه دیگر چیزی نیابم بوسیله آن برعلیه شما جهاد میکنم، پس از آن ابوسفیان نزد حضرت علی (رض) رفت ونزد او وبی بی فاطمه دختر رسول خدا (ص) نیز نشسته بود ودراین وقت امام حسن (رض) بچه صغیر بود که پیش روی شان بازی وساعت تیری مینمود. ابوسفیان گفت: ای علی تو برمن مهربانترین مردم هستی من بخاطر یک ضرورت وحاجت خود نزدتو آمده ام امید است مرا ناامید وخائب وخاسر نگردانی وبرای من نزد محمد (ص) شفاعت خواهی کنی او برایش گفت: وقتیکه حضرت رسول الله (ص) درباره کدام کار عزم وقصد نماید ما نه میتوانیم درباره آن با او (ص) سخن بزنیم، پس از آن ابوسفیان به حضرت بی بی فاطمه (رض) روآوردو گفت ای فاطمه آیا میتوانی همراه پدرت درباره من مشوری کنی تا این خبر دربیـــ

مردم شایع گرددکه ابوسفیان عرض مردم را به رسول خدا (ص) رسانیده است. وتا من همیشه وابدا لاهرپیشوا و بزرگ قوم خودباشم.

حضرت بی بی فاطمه (رض) برایش گفت: آیا پسرم این کاررا کرده میتواند. وبررسول الله (ص) هیچکس جرئت کرده نه میتواند بعدا زآن ابوسفیان گفت: ای پدرحسن من میدانم که کارهای ام سخت شده است. مرا نصیحت ورهنمائی کن.

حضرت علی (رض) برایش گفت: قسم بخداوند که من هیچ راهی را نمیدانم که به دردشما بخورد وبه شما ازآن نفعی برسد. ومدافع توشود توسیدوپیشوای بنی کنانه میباشی برودرمیان این مردم یک گشت وگذرکن وپس ازآن بخانه ووطنت برگرد:

ابوسفیان گفت آیا میدانیدکه این کارمدافع من میشود وبمن نفعی میرساند؟ حضرت علی (رض) برایش گفت نی! قسم بخدا است گمان نه میکنم ولیکن برای توغیرازین راهی نه میبینم بنا" ابوسفیان درمسجدایستاده شد و گفت ای مردم من درمیان مردم کشتم وبعدا" شترخود را سوارشده پس بمکه آمدوقتیکه ابوسفیان نزدمردم آمد مردم برایش گفتندچه آوردی ابوسفیان گفت نزدمحمد (ص) رفتم وبا او (ص) سخن زدم قسم بخدا است هیچ نگفت. بعدنزدابی قحافه رفتم دراوخیری نیافتم. بعدنزدعمربن خطاب رفتم اورا دشمنترین دشمنان یافتم.

نزدعلی رفتم اورا نرمترین مردم یافتم. اوبمن چنین و چنان مشوره داد. طبق مشوره اوعمل کردم. آنها گفتندآیا محمد (ص) نیزمشوره او را قبول فرمود: گفت نی مردم برایش گفتند. افسوس بشما است والله بجزاینکه این مرد باشما بازی نموده است دیگرچیزی نکرده است رسول خدا (ص) مردم را به تهیه وتجهیزاسباب ووسایل جنگ وسفر امرفرمودند وبرای شان گفت: خدایا جاسوسان ومخبرین قریش را بگیر. تاآنکه به آنها دروطن شان اطلاع داده اند. وحاطب بن ابی بلتعه برای قریش مکتوبی نوشته بودوآنها رااز آمدن رسول الله (ص) آگاه ساخته بودوخط را به "ساره" کنیزعبدالمطلب داده بودواوخط رادرمیان موهای سرخودپنهان کرده وگیسوان خودرا برآن بافته بودوپس ازآن زلف های سرخودرا برآن بافته بودوازین اطلاع و خبرازطرف آسمان بررسول خدا (ص) آورده شد. رسول خدا (ص) حضرت علی وزبیر (رض) رابطرف زن فرستاد.

آنها آن زن را درجه "روضه خاخ" دریافتند زن منکر شدآن را تهدیدنموده پالیدندوتفتیش نمودندوسامان و بارجامه آنرا خوب دیدند. نزدش چیزی نیافتند بازهم آنرا تهدید نمودند. پس آنگاه زن خط را ازگوشه سرخود بیرون آورد.

آنها آن زن را نزدرسول خدا آوردند بعدا زآن رسول خدا (ص) حاطب راخواست وبرایش گفت: ای حاطب این چیست؟ حاطب گفت ای رسول خدا برمن تعجیل مکن. قسم بخدا است من بخدا ورسولش ایمان دارم ومرتدنشده ام ودین خودرانیز تبدیل ننموده ام لیکن من شخصی ام که خانه وفامیلم همرای قریش درمکه است. وباآنها ارتباط دارم، من از آنها نیستم لیکن دربین آنها اولاده واهل وعشیره من است من باآنهاکدام قرابتی ندارم که خانه ام را حمایه نمایند کسانیکه باتواندآنها قرابت های باآنها دارند. که خانه واولادشان درآنجاحمایت می شود ناچاردوست دارم که پیش آنها روی داشته باشم وبه تحقیق میدانم که خداوند (ج) غالب کننده رسول خودوتمام کننده امرخودا ست

حضرت عمر (رض) گفت ای رسول خدا (ص) بگذارمرا تاگردنش رابزنم اوباخدا ورسولش خیانت نموده ومنافق شده است رسول خدا (ص) درجواب اوگفت: ،انه قدشهدبدرا" ومایدریک یا عمرلعل الله اطلع علی اهل بدرفقال :اعملوا ماشئتم قدغفرت لکم.

ترجمه :اودرجنگ بدرحاضرشده وچه چیزدانانده است ترا ای عمرشاید خداوند(ج) به اهل بدراطلاع داده باشدوگفته باشدبکنیدآنچه می کنیدبه تحقیق شما رابخشیدم،دراین فرصت چشم های عمر(رض) خجل شده وشرم خورد بنا" گفت خدا و رسولش میدانند.

بعدا زآن رسول خدا (ص) بسوی مکه رفت وخداوند (ج) مخبرین وجاسوسان راکوروکردوخجالت ماندند.

ابوسفیان وحکیم بن حزام ،وبدیل بن ورقا تجسس مینمودند. حضرت عباس (رض) پیش ازین اهل وعیال خودرا درحالت اسلام ومهاجرت کشیده بودودرمقام جحفه با رسول خدا (ص) ملاقات نمود. وقتیکه رسول خدا (ص) در" مرالظهران " نزول فرمودوقت عشاء وخفتن بود ودرحدودده هزارجای آتش افروختند.

حضرت عباس قاطررسول خدا (ص) راسوارشده برآمدتا کسی رابپالد. وشایدکدام هیزم چین ویا یک نفری را دریابدکه به قریش اطلاع دهد. تاآنها امن خواهنده وستامن شونده نزدرسول الله (ص) برآیند، قبل ازآنکه رسول خدا (ص) بزوروغلبه برآنها داخل شود.

حضرت عباس (رض) میگوید: قسم بخدا است من برقاطر میرفتم ناگاه صدای ابوسفیان وبدیل راشنیدم که می آمدند. ابوسفیان میگفت مانندامشب آتش ولشکر راقطعا" ندیده ام. وحضرت عباس علاوتا" گفته است که بدیل میگفت والله این بنی خزاعه است که بخاطرحرب آتش افروخته اند،حضرت عباس (رض) بازهم میگویدکه ابوسفیان می گفت خزاعی هاکمتروذلیل ازین اندکه این آتش شان باشد.

حضرت عباس باردیگرمی فرمایدمن گفتم اباحنظله می باشید؟ اوآوازمرا شناخت وگفت شما ابوالفضل هستید گفتم بلی گفت تراچه شده است دراین جاچه میکنی پدر و مادرم فدایت. حضرت عباس میگوید: من برایش گفتم این رسول خدا است دربین مردم وافسوس است بفردای قریش اگررسول خدا (ص) آمدوبالایت مظفروغالب شد گردنت را

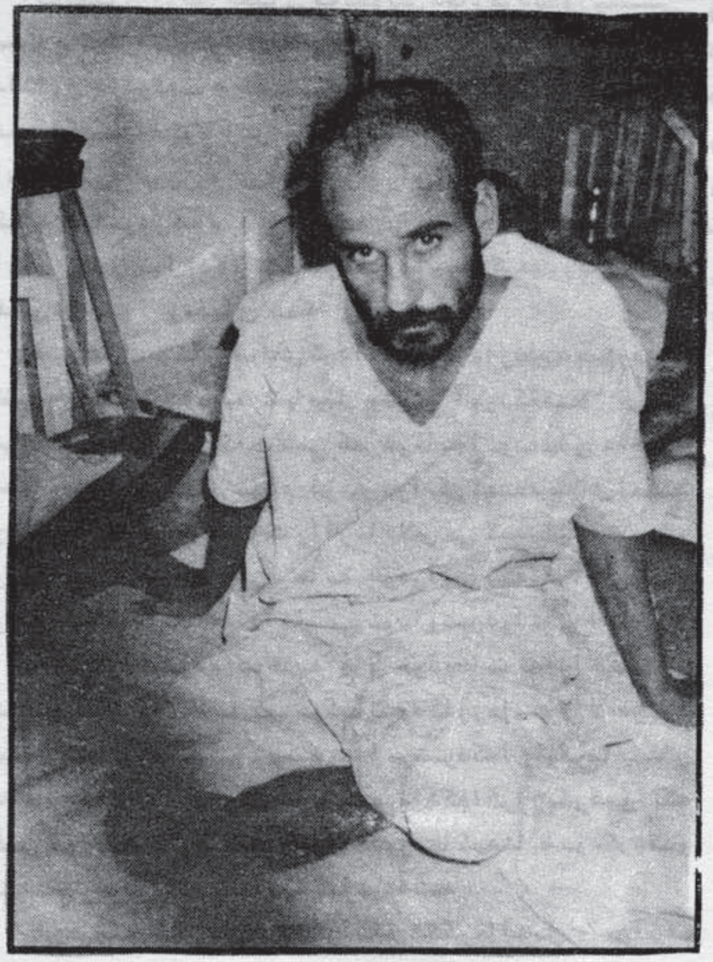

میزند . پشت این قاطرم سوارشو ، تا ترا نزدرسول خدا ببرم وبرایت ازاو(ص)امان بخواهم اوپشت سرم برقاطرم سوارشد . ورفقایش ازاوجداشدند وپس برگشتندومن اورا باخودآوردم ، هرگاه که بریک آتشی ازآتش های مسلمین میگذشتیم می گفتنداین کیست ؟

وقتیکه مارا می دیدندمی گفتند کاکای رسول الله است برقاطرش ، ولی وقتیکه نزدآتش عمر(رض)رسیدیم اوگفت این کیست ؟ وپیش روی من ایستاده شد. ووقتیکه ابوسفیان رادیدگفت ،دشمن خدا است ثنا وستایش خداوند بزرگ راهست که برتوبدون کدام عهدوقرارداد قدرت داد بعدازآن به شدت وسرعت بطرف رسول خدا (ص) روان شد ومن قاطرخودراتندترساختم وازاوپیشتررسیدم وبررسول خدا (ص) داخل شدم ، دراین وقت حضرت عمر(رض) نیزرسیدو رسول خداداخل گردید وگفت ای رسول خدااین ابوسفیان است که خداوند(ج) مرابراوبدون کدام عقدوقرارداد قدرت داده است مرابگذارتاسرش راازتن جداکنم وگردنش را بزنم .

حضرت عباس (رض) گفته است : من گفتم یارسول خدا من اوراپناه داده ام وقتیکه حضرت عمراصرارکردوبسیار گفت برایش گفتم چپ باش ای عمر(رض) قسم بخدا اگر ابوسفیان ازقبیله بنی عدی بن کعب می بوداین سخن را نمی گفتی .

اوگفت چپ باش ای عباس (رض) قسم بخدا است که اسلام تونزدمن ازاسلام خطاب محبوبتراست . اگراواسلام میاورد وبرمن هیچ چیزی نیست صرف اینقدراست که من میدانم که اسلام توبالای رسول خدا (ص) نیزازاسلام خطاب محبوبتر است .

حضرت رسول خدا (ص) گفت ای عباس بباراگاه ات برو وفرداآنرا نزدم بیارهمانطورکردم وصبح آنروزاورا نزد رسول الله (ص) بردم ، رسول خدا (ص) برایش گفت : ای ابوسفیان تراچه شده است آیا بتواین فرصت دست نداد تابدانی که نیست معبودبرحق مگرخداوند است . او گفت پدرومادرم فدایت که ترا بچه اندازه حلیم وکریم ساخته وبرتورحم نموده است . قسم بخدا است گمان نمودم اگرباخداوندغیرآن می بودضرورازمن دفاع مینمودپس ازآن رسول خدا (ص)برایش گفت : ایا بتواین فرصت دست نداد تابدانی که من رسول خدا میباشم ،ابوسفیان گفت پدرومادرم فدایت که توراچه اندازه حلیم وکریم ساخته وبر توترحم نموده است . دراین باره درنفس من چیزی موجود است وتااکنون آنرا میدانم .

حضرت عباس (رض) به ابوسفیان گفت افسوس بتواست مسلمان شوقبل ازآنکه بزنندگردنت را ، همان بودکه ابوسفیان بحق شهادت دادومسلمان گردید وحضرت عباس (رض) حضرت محمد (ص) راگفت : ابوسفیان مردی است که افتخار رادوست دارد ، به اوافتخاربخشید . رسول خدا (ص) گفت بلی کسیکه درخانه ابوسفیان داخل شددر امان است ، وکسی که دروازه خانه خودرابرخودبست درامان است ، وکسیکه درخانه وحرم خدا (ج)داخل گردید درامان است .

وقتیکه ابوسفیان می خواست ازحضوررسول الله (ص) رخصت گرددومنصرف شود رسول خدا (ص) فرمودای عباس اورادرتنگی وادی درحصه انتهاواخیرکوه باخودنگهدار تالشکروجنود خداهمه براوبگذرند .

وابوسفیان لشکروقوت خدارابچشم سرببیند .

حضرت عباس آنرا باخودبیرون ساخت وباخود تحت الحفظ نگهداری نمود ، همه قبایل با بیرق های خود گذشتند ورسول خدا (ص) نیزبابیرق سبزخودبرآن گذشت وباوجودیکه درآن روزقبه های آهنی زیادبودمگرقبه و بیرق رسول خدا (ص) ظاهراً معلوم میگردید ، درزیر بیرق رسول خدا مهاجرین وانصاربه تعدادزیادجمع شده بودند امابدون قبه های آهنی هیچکدام آنها معلوم نمی شد دراین فرصت ابوسفیان گفت : سبحان الله اینها کیستند؟ گفتم این رسول خدا (ص) درمیان مهاجرین وانصاراست ، ابوسفیان گفت ، هیچکس طاقت وتوان مقابله بااینهارا ندارد ، دراین فرصت فیرق انصارهمرای سعد بن عباده بود ، وقتیکه سعدبرابوسفیان گذشت گفت : الیوم یوم الملحمه الیوم ستحل الحرمه الیوم اذل الله قریشاً .

امروزروز گوشت است ، امروزحلال میگردانیم حرمت هارا امروزخداوندقریش راذلیل ساخت .

ابوسفیان ازین سخنان به تشویش دچار گردید وایـــن سخنان سعدرا به رسول الله (ص) گفت : رسول خدا برایش دلداری داد وگفت : کذب سعد ولکن هذا الیوم یوم تعظم فیه الکعبه الیوم اعزالله قریشاً" یعنی سعد دروغ گفتــه است لیکن امروز روزی است که درآن تعظیم کرده میشود کعبه . امروز خداوند (ج) قریش را عزت داده است .پس ازآن رسول خدا (ص) علم شریف را از سعد گرفت وبه پسرش قیس داد ، ابوسفیان بمکه رفت .

وقتیکه قریشیان نزدش گرد آمدند به آواز بلند چیغ وفریاد کشیده گفت : محمد به شما فضل وشرفی آورد که قبلاً" آن ـ شرف به شما نبود ، وگفت کسی که درخانه ابوسفیان داخـــل شد اودرامان است مردم قریش برایش گفتند خدا ترا بکشد وچـــه کســی خانه ات را از ما خلاص می کند باز گفـــت وکسی که برخود دروازه خانه خودرا می بندد درامان است وکسی که به خانه خد! داخل می شود ونیز درامان است .

دراین وقت مردم به خانه های خود وخانه خدا داخــــل شدند ورسول خدا (ص) نیز حرکت نمود تا از جانب بالا درمکه داخل شود . وخالد بن ولیــد را امر نمود که از طرف پایـــان داخل مکه گردد ، وبرای شان حکم داد که اگر از مشرکین مکه کسی به شما پیش گردید آنها را دور نمائید تا نابود گردند و تا آنکه خودرا نزدم به تپه صفا برسانید .

پس هیچکس پیش نگردید مگر آنکه لشکر خالد بن ولید آنها را خوابانید یک تعداد جاهلان ونادانان قریش با عکرمــــه بن ابو جهل وصفوان بن امیه وسهل بن عمرد را لخندمــــه جمع گردیدند تا بجنگند ، وحماس بن قیس قبل از آمـــدن رسول خدا (ص) درصدد تهیه نمودن سلاح بود زنش برایش گفت قسم بخدا که بر علیه رسول الله واصحابش هیچکـــس مقاومت کرده نمیتواند ، حماس گفت قسم بخدا است کــه یک تعدادشان را خدمتگذار میسازم وباز هم گفت :
ان یقبلوا الیوم فمالی علة هذا سلاح کامل واله وذو ـ اغرارین سریع السله .

وبعدا زین خودرا به الخندمه رساند وقتیکه مسلمانـــان ولشکر خالد بن ولید با او ولشکرش ملاقات نموده روبرو شدند آتش جنگ مشتعل گردید .

واز مشرکین دراین جنگ دوازده نفر مورد اصابت واقع شدند وبقیه شکست خوردند حماس خودرا نزد زن خود رساند وبرایش گفت : دروازه را برمن ببند ، زنش برایش گفت چه شد آنچه قبلاً" میگفتی ؟ حماس گفت:

انک لوشهدت یوم الخنـدمه
اذفرصفوان وفرعکرمـــــه
وابویزید قایم کالموشمـــه
واستقبلنا بالسیوف المسلمه
یقطعن کل ساعدوجمجمـــه
ضرباً" فلایسمع الاغمغمـــه
ثم نهیت خلفنا وهمهمــــه
لم تنطقی بالیوم ادنی کلمه'

وحضرت ابوهریره "رض" گفت رسول الله (ص) آمد وبمکــه داخل گردید وزبیر (رض) بریک جانب وخالد را بردیگر جانب فرستاد وابوعبیده بن جراح را برحسر فرستاد .
وآنها بطن وادی را گرفتند ورسول خدا درکیتبه خود قرار داشت وقریش اوباش ها وجواسیس خودرا فرستادند وگفتند :
ما نزد آنها میروم اگر آنها چیزی بدست آوردند ما نیـــز همرای شان میباشیم واگر آنها مورد اصابت واقع شدند بــه آنها آن چیزی را میدهیم که آنرا برای ما توقع دارند .
رسول خدا (ص) گفت. :ای ابوهریره من گفتم لبیــک یا رسول الله (ص) من تیارم ای رسول خدا (ص) .
رسول خدا (ص) فرمود انصار را بخواه وبجز انصاری دیگر کسی نزدم نیاید ابوهریره (رض) آنها را خواست آنها آمدند ونزد رسول خدا (ص) جمع شدند ....

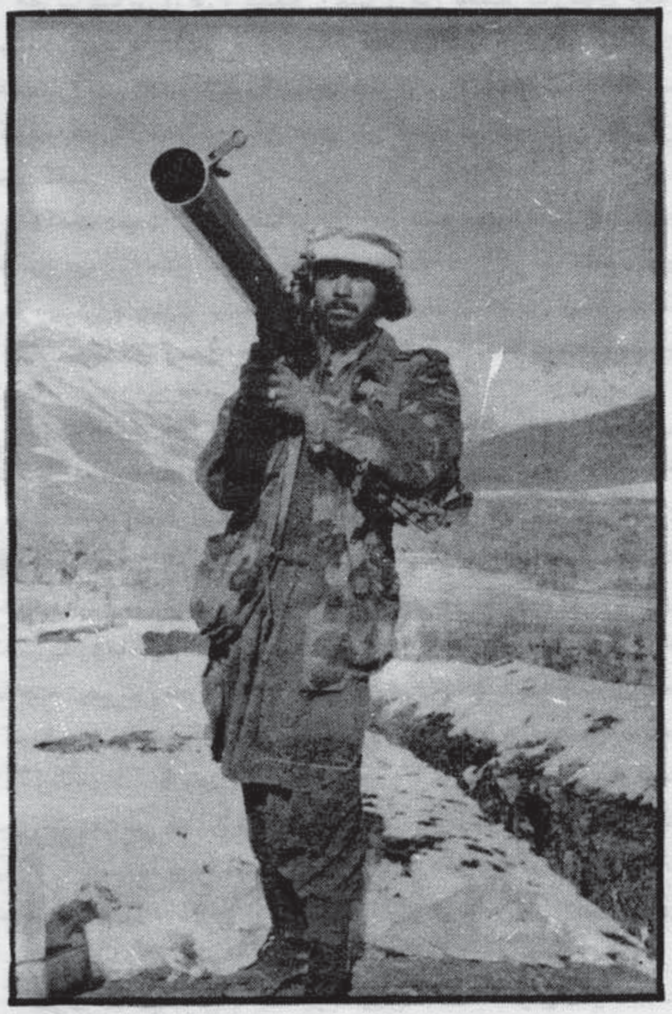

عبدالحفیظ طاهرزاده

تربیت زن مسلمان در پرتو قرآن و حدیث

امام مودودی (رح) این موضوع را چنین تصویر میفرماید: میگردد.

"آزادی زنان در امور معیشت و مشغولیت شان در شوون اقتصادی، آنها را در یک مرحلهٔ از استغناء از مردان قرار داده و مبداء ثابتیکه مرد باید تهیه اسباب معیشت کند وزن تدبیر منزل، تغیر داده و تلقین می نماید تا زن و مرد باید هر دو کار کنند وفامیل هم امور خود را به هوتل ها و شرکت ها بسپارند، که این عمل سبب از بین بردن علاقمندی زن از فامیل و تربیه اولادش گردید و پس از چنین تحولی جز علاقهٔ صلهٔ جنسی دیگر هیچنوع علائقی برقرار نمی ماند و دیگر هیچ ضرورتی به این احساس نمیکنند که زن و مرد جهت رابطه زوجیت هر دو در یک خانه زندگی کنند.

زیرا زن خودش نفقهٔ خویشرا بدست آورده و در زندگی روز مره به سرپرستی ضرورت ندارد تا از وی سرپرستی کند، و در اینصورت او دیگر نمی خواهد وجود خویش را تحت رعایت نفسی و اشغال قانونی ایکه همیشه نباشد قرار دهد؟

درصورت وقوع و بمیان آمدن اینهمه خودسری ها یکی بعد از دیگری آرمان هموزن و همپایه شدن او تحقق یافته و از هر طرف وسائل گمراه نمودن و دور کردن او از مقصد اصلی انسانیت مهیا می گردد."

(حجاب ۳۲ – ۳۴)

زنانیکه تحت شعارهای میان تهی و فریبنده غرب در هر دفتر و دیوان مصروف کار گردیده و مسلک مردان را به پیش می برند منتج به عواقب وخیم و خطرناک میگردد.

بعضی ها می گویند: آیا منظور شما این است که زن را در چهار دیواری محصور نموده و بخاطر اینکه خود به سیاحت، و معیشت و تجارت پرداخته و او را با خریداری تکه های گرانبها برایش تحت سلطهٔ خود قرار دهید؟ چگونه می خواهید جامعه را از نتاج آن محروم سازید در حالیکه زن نصف آنرا تشکیل میدهد؟

زن از جهت اینکه با شوهرش مساعدت کند از خانه بیرون می شود و یا هم جهت حفاظت آبرو و حیثیت خود پس از مرگ شوهرش در تلاش پیدا کردن لقمه نانی برای خود و اولاد خود میگردد.

ما می گوئیم: دین مقدس اسلام هرگز بضد زن قیام نکرده و زن ابداً صاحب عزت و شخصیت نگردیده مگر در سایه اسلام.

هیچ موردی بنظر نمیخورد که در آنجا کرامت زنان متحقق شده باشد مگر اینکه دین مقدس اسلام در آن سبقت جسته است.

اسلام عزت بخش، با گشودن دروازه های علم و معرفت چنانچه از مردان استقبال کرد زنان را نیز در مسجد پذیرائی نمود تا ایشان علم نافع را بیاموزند.

حضرت پیامبر (ص) میفرمایند: " شما زنان تانرا از رفتن بمساجد منع نکنید و خانه های شان بهتر است برایشان"

(ابوداود)

حضرت خداوند (ج) از جهت کثرت ملازمت زنان بخانه، خانه را بزن نسبت میدهد چنانچه میفرماید: "وقرن فی بیوتکن ولاتبرجن تبرج الجاهلیة" (الاحزاب ۳۳)

با وصف اینکه خانه از شوهر است ولی از جهت اینکه زن در آن مسئوولیت بزرگی را عهده دار می باشد با و نسبت شده است.

دین مقدس اسلام درصورتی از کار کردن زن منع نمیکند که ضرورت خود زن و اجتماع آنرا ایجاب کند و آن هم بشرطیکه بدون آرائش و زینت از خانه برآمده و در سلوک و روش خود نیز همه جنبه های دینی و مقررات شرعی را از قبیل عدم خلوت به اجنبی، طوالت کار تا اندازهٔ که به وارسی از امور منزل است در نظر بگیرد تا باعث ضیاع وقت تربیه اولاد او نگردیده و فضای موءدت فامیلی اش نیز صدمه نه بیند.

این یک ادعای کاملاً غلط و بی اساس است که میگویند: زنان باید در رفع مشکلات روزمره سهیم شده با مردان در خارج از منزل دوش بدوش کار کرده و در تهیهٔ نفقه مردان را کمک کنند و یا اینکه بعد از مرگ شوهر مسئوول اعاشه فرزندان خود گردند.

به چنین مدعیان بی خبر از حقوق زن باید تفهیم گردد که امور باید طبق میزان شرع وزن گردد، تا تغییراتیکه این مفسدین خالی از فطرت سلیم انسانی از حقوق زن دارند

[illegible] ن بدترشود، زیرا به همین اندازه بدبختی اینکه نصیب ما وکسانی که پیش ازما بودند شده است بحال ما کافی خواهد بود.

باید گفت: زن آفریده شده تا مصئون باشد، نفقهٔ زن بالای شوهرش فرض است. واگر شوهر ندارد، بالای پدر ویا هم برادرش؛ البته درصورتیکه خودش دارائی نداشته باشد"

خودسازی زن:

جای شکی نیست که مجد وبزرگواری هر امت وابسته به اخلاق آن امت، تاریخ به اثبات رسانیده است هر امتی که به ذلت وبدبختی دچار شده است سبب اصلی آن ضعف وویرانی اخلاق بوده است. لذا تاریخ ثابت نموده که یگانه راه حفظ سلامت وپابرجا بودن یک جامعه وابسته به عادات سلوک اخلاق زن درآن جامعه بوده است.

امام مودودی رحمة الله علیه میگوید: "وقتی یونان مجالس فسق وفساد را توسط زنان ساختند، وازهرطرف آواز های محرک شهوات ورذائل بلندمیشد، ادبا وشعرا هم با کمال وقاحت وبی شرمی، به تصویرپردازی حسن وجمال وبیان عوامل انگیزندهٔ حس شهوانی تاحدی پرداختند که دیگرهمه احساسات فسق وفجور برانگیخته شده وآتش غریزه حیوانیت شعله ورگردید، زنان بدکاره چنان زبان زد مردم گردیدکه همه جامعه ازشخصیت زنان عفیف چشم پوشیده، مسیرانسانیت را به سوی فنا ونابودی کشانیدند، ویا حداقل طفیان را لازمهٔ حیات وزندگی اوگردانیدند.

"حجاب"

تا زمانیکه ازدولت رومانیا اخلاق رخت سفرنه بسته بود ومردان شان به عفت زنان توجه داشتند، قوت وجلال شان نیز مستحکم بود.

دریکی ازمجالس ملی بزرگان رومانیا یکی ازایشان در محضردخترش روی زن خودرا می بوسید عمل مذکوربا نفرت وانزجارشدید اهل مجلس روبروشده واین عمل را یک بی عزتی بزرگ ملی بحساب آوردند، ولی مدتی نگذشت که اخلاق دولت رومانیا ضعیف شده وعلاقهٔ زوجیت بچشم حقارت دیده شد، بالاخره کاربجائی کشیدکه زنان نیمه عریان در بین مردم ظاهرشده وکار ازغیرت گذشت وعلمای شان اباحت فجوررا علناً اعلام کردند!!

(کانو) کسیکه به اخلاق احترام می گذارد! درسال ۴۸ق م ارتکاب فسق وفحشاء را درمرحلهٔ جوانی امرنیک ومستحسن میداند.

همچنان "سیسرون" قانوندان مشهوراعلام میکند "جوانان نباید پابند اخلاقیات باشند! " اینها همه عوامل ملی بودندکه کشوررومانیا را غرق فساد ساخته وهمه مجامع ومحافل شان فاقد اخلاق گردیدو به اصطلاح زینت بخشیدن خانه ها با عکسهای هیجان انگیز وصورتهای محرک شهوات همه وهمه راه دعوت بسوی فجوررا بازکردو با قبول این بی عزتی ها کاربجائی رسیدکه استحمام مشترک مردان وزنان دریک محل دربرابرانظارمردم صورت می گرفت. لذا ادب عاری ازانسانیت وقصه های شهوت انگیز نیزجزء لاینفک این جامعه بشماررمیرفت وبدترازهمه اینکه قبول این رذائل ازجملهٔ حسن اخلاق محسوب می گردید این بی عفتی ها خاصهٔ یک طبقه یی اززنان نبودبلکه در این لجنزار بدبختی همه زنان رومانیا غرق بودند.

حالات فوق الذکرفشرده یی ازقانون وضعی "تایبیرس" قیصربوده وجهت بی عفتی وبی عزتی زنان با فجیع ترین حالت آن وضع گردیده بود.

با اندکی مروربه این حالات ارزش اخلاق وعملکرد جهت صیانت زنان وتربیه یی که ازبدو پیدایش تا اخیرمسیر زندگی ایشان مسلط بوده پی برده می توانیم.

این یک واقعیت مسلم است که زن جهت تربیه جنسی و معنوی خویش نیازمند است، زیرا "زن بزرگترین مرجع رهبری برای تربیت عادات، کردار وزندگی آینده اولاد خود است که درروشنایی رهنمودهای مادر، اولاد مسیرزندگی خویش را تنظیم می کنندکه درنتیجه، همهٔ آثار تربیتی چه نیک باشد وچه بد، مقبول باشد یا مردود، دروجود اولاد تبارزنموده وبجامعه تقدیم می گردد، زیرا طفل نسبت به همه افراد دیگربا مادرخود ملازمت زیاد داشته وآراسته شدن اطفال با اخلاق وسیرت نیک یک نسل صالح وشایسته را ببارآورده که درنتیجه ازدوچارشدن ایشان به انواع فساد اخلاق برای همیش جلوگیری می شود.

طبیعت زن است که نظرمرد آنرا بخودجلب کرده درواقع خود تثبیت شخصیت وغرورمی کند، یکی ازخصلتهای ضعفا این است که همیشه دربرابرسلطهٔ غیرخاضع بوده وجهت کسب رضای عناصرمسلط برایشان دلجویی می کنند، وزن نیزدر راه تحقق بخشیدن هدف واشباع رغبت خویش بهرنوع وسائل فریبنده، ازقبیل عریان کردن تدریجی وجود، عطروپودر پاشی وغیره وغیره دست زده انسانهای ضعیف الاراده را تحت تاثیرقرارمی دهدودیگرحدومرزی نیست تا مانع فریب خوردن مردگردد.

علامه (عقاد) دانشمندشهیرمصری می گوید: زن موجود وفا پیشه وصادق است که وفا وصداقتش برای زندگی است نه برای این مردویا آن مرد، صادق است برای خوش بودن نه برای خوشنودکردن.

اگردقیق شویم می بینیم همانطوریکه زن درراه حفظ امانت زندگی بمردان خیانت می کندبخودنیزخیانت میکند چنانچه برای دوست محبوب خوددرصیانت عهددروغ میگوید بخودنیزدروغ می بندد، یعنی که او وفادارفطرت است راضی باشد یانه، بیان کننده الهامات است بصورت راستی چه خواسته باشدویانه.

"المرءة فی القرآن، استادعباس محمودعقاد"

(ص ۳۹)

حقیقتاً که اسلام همهٔ نیکی ها طبیعت زن را وآنچه راکه احتمالاً شاید مرتکب آن شود تعین واندازه کرده ولی

اگر زنی بحال خودش بدون تربیه و توجه گذاشته شود فاسد نمی گردد مگر اینکه عامل فساد و مردی بوده و یا هم زنی که حرث و نسل با ر آمده ، خود گمراه ، و سبب گمراهی دیگران قبلاً مردانی او را بسوی فساد کرایش داده و این عمل نیز میگردد ، و میراثش برای اجتماع هلاکت و بربادی است .باعث نزدیکی شان بسوی فساد شده است زنها را ! ای مردم !.

وبس .

این یک قضیهٔ پذیرفته شده است که وقایه نسبت به تداوی بهتر و ارزانتر است .

واگر علت و سبب استحکام می یابد دیگر ریشه کن کردن آن و معالجه دشوار و حتی ناممکن میگردد .

جامعهٔ رومانیا را بچشم سر دیدیم از خطر فساد آزادی و بی بندوباری زنان زمانی بهوش آمد ، تلاش در جهت بهبودی وضع هیچ تاثیری نکرد و بنا بر ضرب المثل مشهور تیری که از کمان جست دیگر بر نگردد !!!

یک جامعه سالم علاج واقعه را قبل از وقوع نموده است و به پدران و مربیون اکیداً دستور داده تا جهت تربیه نسل های آینده از خواب غفلت بیدار شده و از هیچنوع بذل مساعی در راه بارور ساختن جامعه و کسب اجر عظیم دریغ نورزند .

حضرت پیامبر (ص) میفرماید " من کان له بنتة فادبها فاحسن تادیبها وربا ها فاحسن تربیتها وغذا ها فاحسن غذاء ها کانت له وقایة من النار .

هرکه را دختریست که او را تادیب نموده و ادب نیک آموخت و او را تربیه کرد به تربیه پسندیده و غذا یش داد غذای نکو هست " این عمل دختر " برای وی نجات و سبب خلاصی از آتش دوزخ "

تاثیرپذیری از اخلاق اسلامی :

توجه و اهتمام اسلام عزیز در رابطه به صیانت و نگهداری شرم و حیاء : یکی از برجسته ترین صفاتی که یک انسان را از دیگران متمایز می سازد حیاء است ، بواسطهٔ حیا انسان از رزائل دور شده از سقوط به پستی های اخلاقی و آتش خانمانسوز تهلکه نجات می یابد و روی این ملحوظ حیا عمدهٔ ترین مشخصهٔ فضائل اخلاقی بوده و باعث عزت بخشیدن انسان میگردد ، پیامبر (ص) میفرماید : الحیاء لایأتی الابخیر " حیا نمی آید مگر به نیکی .

از آنجائیکه حیا مؤثر بزرگی در عروج اخلاق است حضرت پیامبر (ص) میفرماید :" لکل دین خلق وخلق الاسلام الحیاء " رواه مالک فی الموطا

یعنی هر دینی را اسلوب و دستور العمل است اسلوب و دستور العمل اسلام حیاء است .

ازجمله حکمت ها و عنایات خداوند (ج) بالای زن یکی این است که پیدایش و آفرینش زن را توأم با حیاء نموده است و بر مربی و والدین است تا با توجه به این مطلب اصل معنوی زنان را تزکیه نموده و در راه تربیه سالم و نموی شان بسوی کمال قدمی برداشته باشند .

زن هرگز فساد پیشه نمی شود ، مگر اینکه مردی او را بسوی فسق و فساد سوق داده و حیاء او را خدشه دار سازد .

استاد رشید رضا می گوید : هیچ زن مفسدهٔ در جهان سراغ ندارد .

بزرگترین فساد آن است که از راه صناعت و تجارت ، چهره های خبیث و خبیثه در آن شریک شده اند ، نه از جهت خباثت نفسی بلکه از جهت جمع نمودن مال.

"حقوق النساء فی القرآن ص ۱۷۶"

موضوع ذیل تمثیل کننده قیمت و اهمیت حیاء است :

ابوداود روایت می کند : زنی که او را ام خلاد می گفتند بسوی پیامبر (ص) آمد . او در حالیکه سرا پا وجود خود را پوشانیده بود درباره پسرش که با آنحضرت (ص) درجهاد کشته شده بود می پرسید ، بعضی از یاران پیامبر (ص) به او گفتند : چگونه از پسرت سوال می کنی؟ و خود را چنین پوشانیده ئی ؟ در جواب می گوید : اگر پسرم از دست رفته " شهید شده " حیاء هرگز از من نخواهد رفت !

قرآن کریم جوهر حیاء و ادب را در وجود دو تن از دختران یک شخصیت صالح و بزرگوار " شعیب (ع) " که به نزد موسی آمده جهت ایفاء مزدش او را به نزد پدرخویش دعوت میدهند چنین تبارز می دهد که در همه عادات و اطوار یک زن جز حیاء هیچ خلق دیگری از تمجید و توصیف بیکران برخوردار نیست چنانچه میفرماید :" فجائته احداهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما سقیت لنا " قصص "آیه ۲۵ "

پس یکی از آن دو دختران ، در حالیکه با نهایت حیاء راه میرفت به نزد موسی (ع) آمده گفت : یقیناً پدرم ترا می طلبد تا مزد آب نوشانیدن ما را برایت بدهد ، این است نمونهٔ از تربیه زیرا این دختران از خانهٔ بزرگواری بیرون شده که سرا پا عفت است و پاکی .

با وصف اینکه دختران این مرد نیک سیرت جهت رفع مشکلی که بدوش دارند و اردا جتماع شده اند اما در سلوک خویش ابداً راه اخلاق را فراموش نکرده اند .

" از حیاء مگذر که در نا موسگاه اعتبار ، شرم مردان را وقار است و زنان را زیور است "

قرآن کریم پدران را جهت تربیه دختران شان آگاهی داده و متوجه ساخته است . یکی از این ابعاد متانت و سنگینی در لباس است ، زیرا دوشیزهٔ که در سن کودکی و قبل از بلوغ به پوشیدن لباسیکه شرع برایش جواز داده عادت می گیرد دیگر برای همیشه در طول عمر خود با تأنی و احتیاط حرکت نموده ، به نصیحت پدر بزرگان گوش داده رفتار ، سخن گفتن ، استعمال عطریات و سفر خویش را مطابق آنچه که بوی دستور داده است تنظیم نموده و در حالی بجوانی میرسد که توأم با رشد خودش حیاء و عفت نیز رشد نموده و بارور می گردد .

پدران و مربیون ، خوب بدانند و آگاه باشند که داعیون اباحیت "بی بندوباری" هر قبیحی را برای زنان خوشنما جلوه گر ساخته و ایشان را به اقسام گوناگون فتنه ها و فریب

می دهند، ازقبیل نمایش فیلم‌های مزخرف ونیمه عریان داستانهای تحریک کننده، نفس وشهوت تصویرهای فاجره ومنافی عفت وغیره وسائلیکه زنانرا جرئت منفی داده و شخصیت اورا آلوده به فحشاء ساخته، ازاو حیوانی می سازد که به بی حیائی افتخار نموده وجهت رسیدن ورسانیدن بسوی شهوات جهنمی قدم برمیدارد»

پروتوکولها ومعاهدات حکماء صهیونیستی بنابر مشرب یهودیت چنین مینگارد:

لازم است تا درجهت سقوط اخلاق درهمه جا عمل نمائیم تا سطیرهٔ وحاکمیت ما وسیع ترشده وبه زودی چنان علائق جنسی درروزروشن بین مردم برقرار گرددکه دیگر درنظر یک جوان هیچ چیز مقدسی وجودنداشته بزرگترین هدف وآرزویش بسررسیدن غرائزجنسی باشد، آنوقت است که اخلاق شان سقوط می کند.

"التطوروالحیاة محمدقطب صفحه ۵۰"

وراست فرمودندپیامبر (ص) " انما ادرک الناس من کلام النبوة الاولی، اذالم تستحی فاصنع ماشئت (رواه البخاری ومسلم)

به تحقیق آنچه را مردم ازاولین کلام نبوة آموخته اند این است دروقتیکه حیاء نمی کنی هرچه خواهی کن.

مضمون این حدیث مبارک را عارف چنین بیان کرده:

" باحیا باش وپادشاهی کن، بی حیاء باش وهرچه خواهی کن"

کناررفتن ویکسوشدن ازجادهٔ حیاء سقوط کردن به هلاکت است، سقوطی که انسانرا تدریجا" به گودال بدبختی فروبرده عفت، آبروومروت اسلامی راازوی می زداید.

درحدیث است:

بیشک هرگاه خداوند اراده هلاک ساختن بندهٔ رابفرماید ازوی حیاء دورمی شودوقتی ازوی حیاء دورشداورانمی یابی مگرمنفورومذموم وقتی اورانیافتی مگرمنفور و مذموم ازوی امانت دورکرده میشود، وقتی ازوی امانت دورکرده شداورانمی یابی مگرخائن خیانت کننده، دورکرده می شودازوی رحمت وقتی ازوی رحمت دورکرده شدنمی یابی اش مگررانده شده ومطرود، وقتی نیافتی اورارانده شده ومطرود، دیگرازوی عهدوپیمان اسلامی دورمی گردد.

وفا پیشگی زن: یکی ازعناصرمهم وعمده که زن دارای آن خصوصیت باشد عبارت ازوفاپیشگی ووفامندبودنش می باشد، زیراروی این ممیزه است که شوهربه خانم مطمئن شده وباعث خوشبختی طرفین میگردد.

قاعدتا" هرگاه زنی درمعاشره باشوهرخودبرخوردنیک داردهمین بااوپیش آمدنیک داشته ودرجهت حفظ مال و تربیه اولادش خودرا مسئوول دانسته وبرای اجراء واداء حقوقش توجه می نماید، بناء" درک مسئولیت ورسالت زن برای بقاء سالمیت خانواده حیثیت تهداب مستحکمی را داشته ویقینا" شوهرنیزدربرابرش ازتقدیروتفقدبالمثل دریغ نمیورزد.

ولی اگرخدای نخواسته زن دربرابرشوهرگستاخ بوده و منکرفضائل واحسان اوگرددطوریکه درمعاشره باهمی سازگاری نباشد بدون شک مردازبدبخت ترین افراددرزندگی بوده وبدبخت ترزنی اززوجه اوسراغ نخواهدشد.

دررابطه به این موضوع بیجانگفته اندکه:

زن بددرسرای مردنکو، اندرین عالم است دوزخ او

زینهارازقرین بد زینهارا وقنا ربنا عذاب النار.

آمین یارب العالمین

(مترجم)

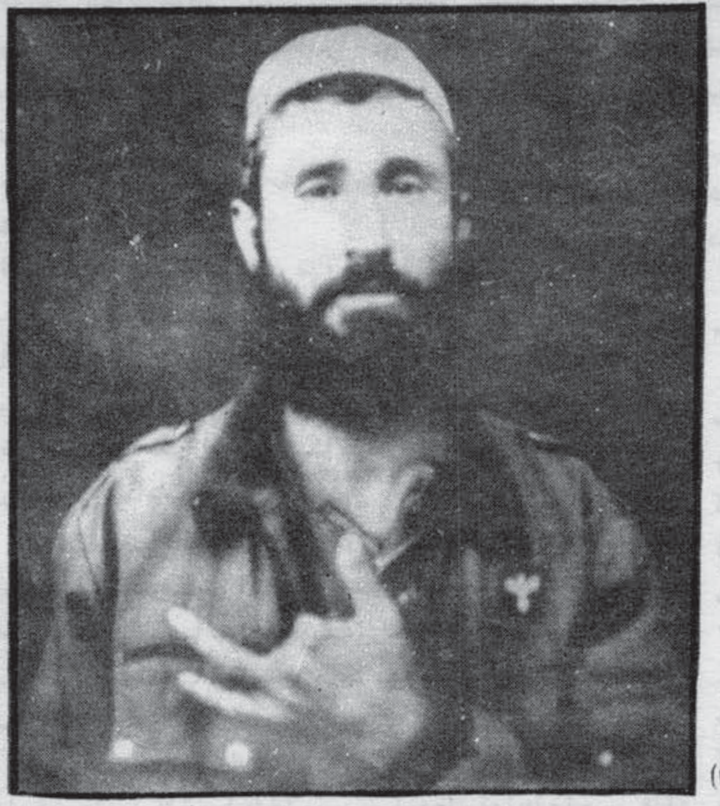

امام خمینی....

دریځ اونظردرلودلی وی چی له واقعیت اوعدالت سره به یی تضاددرلود، هغه ممکن دکومی مسئلی په تحلیل کی تیروتلی وی په خاصه توگه دافغانستان دمجاهدینواو دافغانستان دقضیی په باب وروستی دریځ یی دتایید وړ نه و/او.....

خو په عمومی ډول امام خمینی واقعا" یوستراوتاریخی شخصیت و، چی په خپل تدبیراوپاخه هوډ یی په ایرانی ملت کی ستربنیادی بدلون راووست، هغه له کلونوکلونو غورځوپرځوجهادومبارزی وروسته یی پرخپل ژوندد خپل ملت دبری ورځی هم ولیدی.

بالاخره دایرانی ملت دغه نومیالی مشر پردنیایی واټ له (۸۸) کالوسترې منزله وروسته دخپل خالق اومالک داعیی ته لبیک ووایه اووفات شو.

اناللـه واناالیـه راجعـون

پیوسته به گذشته

سفر جهادی

بقلم «اثیر»

سال ۱۳۶۵ :

ازواقعه مهم این سال عملیات بزرگ تهاجمی دولت برای تصرف اسلام‌دره است دولت از هفت قوا (قوای چهارکابل، فرقه غزنی، مقر غزنی، فرقه‌زابل، قول اردو، قوای پانزده قندهار، وقوای ازهرات وشیندند) لشکر مشترک ساخت و آمادگی میگرفت درین موقع مجاهدین سلاح ثقیله وخفیفه‌خودرا همراه تعدادی زیادی مجاهدین به منظورتصرف ولسوالی دیراوت مربوط اورزگان که‌وطن صاحب جان صحرایی است انتقال داده بودنددرین هنگام دولت قوای خودرا جمع کرده‌بود. مجاهدین فکر میکردندکه‌تجمع این قوا برای شکستاندن محاصره ولسوالی‌مذکور صورت میگیرد. اما قوا بدون توقف در قندهارحمله را بالای اسلام‌دره آغازکرد قله‌های کوه‌وبلندی ها را درقدم‌اول توسط افراد پراشوتی وکماندوی اشغال نمود. مجاهدین درمرحله‌اول پنج‌هلیکوپتر دشمن را بوسیله‌راکت وزیکویک سقوط دادندکه‌هنوزپارچه‌های نعش‌آن ها موجوداست. چندروزی جنگ دوام‌کرد دوهلیکوپتردگرنیزسقوط داده‌شد. گفته میشودکه‌درعقب اسلام دره دامنه‌کوچیکه بطرف غورک بودسیدعبدالحمیدآغا مرکز داشت موصوف باآمدن قوای بزرگ روسها مهمات خودرا پنهان ومنطقه‌را تخلیه نمودوقوای دوست ازآن طرف حمله‌به اسلام دره راآغازکرد دولت درمدت پانزده روزاسلام دره‌را تصرف نمودوبه‌نه تعداد ۶۵ نفرمجاهدشهیدگردیدنیازی معاون جبهه شهیدحاجی محموددرین عملیات جام شهادت رانوشید. دراسلام دره‌جبهات ارغنداب، سعدیه حاجی محمودشهیدوخدام‌القرآن مراکزبزرگ ومقتدری داشتند.

دولت راه های اکمالاتی وکمک را از اطراف دگر بکلی مسدودنمودتامجاهدین دگرنتوانند بکمک برادران شان دراسلام دره برسنددرواقع افرادی که‌دراسلام‌دره بودنددرین جنگ غافل گیرشدندوکمتر از یک ماه‌به‌مقاومت دلیرانه‌خودادامه دادندتلفات وخسارات سنگین به‌نیروی دولتی واردآوردنداگرچه‌خودنیز متحمل خساره مالی وجانی فراوانی شدند.

دولت نتوانست سلاح فعال بدست بیاورد بانهم زیکویک، دهشکه‌بدست نیروهای متجاوز دولتی افتادوهرچه‌کازمجاهدین باقی مانده‌بودسوختانده‌شد. بعدازمین پاشی منطقه نیروهای خودراازآنجا بیرون نموداکنون هم دربعضی مناطق این دره مجاهدین ازبیم مین گشت و گذارکرده نمی توانند. مقارن این عملیات دولت حمله دگری بالای قرار گاه عمده درولسوالی شاه‌ولی کوت‌انجام دادواین قرارگاه دردره‌بنام‌مجاهد دره قرارداشت، دولت دره مذکوررانیز متصرف شد. آنچه‌کازمجموع این عملیات بدست نیروهای دولتی افتاددرنمایشگاهی درقندهاربه‌نمایش گذاشته شدودائره تبلیغات مبنی براینکه مجاهدین(اشرار) بزودی ختم خواهندشدراوسیع نمود. — رادیو محلی قندهاراکثرروزوشب را به تبلیغات علیه مجاهدین می گذرانند، دروغ می بافت هرچه‌می توانست می لافید واظهارمی داشت که‌فلان وفلان قوماندان راجزای اعمالش رسانده‌است.

راه رفت وآمدمجاهدین به‌پاکستان مشکل شدتعدادی ازموترها توسط دولت درمسیرراه تخریب شد، ضعف اقتصادی برحال‌واحوال مردم طاری گردید. لهذا مردم باقی مانده‌هجرت رابرسکونت ترجیح دادند، با... باغ خودراگذاشته باچشم اشکبار بطرف... لن دگران گشتند.

ازطرف دگرزمین ها وباغ هامین شده‌بودکه‌کسی به‌جرئت نمی توانست در آنها به‌فعالیت بپردازدوکاری انجام دهد. دولت طبق پروگرامی که‌ترتیب داده بودولسوالی ارغنداب رامحاصره‌کرد. قوای بزرگی ازکابل وزابل هرات و قندهارجمع آوری نمودوتصمیم‌گرفت تا ولسوالی مذکوررافتح کند. برای تماشای فتح ولسوالی وزرایی‌چون رفیع وزیردفاع عبدالقیوم لوی درستیز، سرتیب صدیق آمرسیاسی آمده‌بودندتادرنظارت‌عملیه شرکت کنند. درنتیجه صدیق وعبدالقیوم که‌چشم برای تماشا بازکرده‌بودندسردار شدند. محاصره ازپانزدهم‌ماه‌برات‌آغاز وبیشترازیکماه دوام نمود. تعدادزیادی مجاهدین برای پاسخ گوئی به‌این عملیات دولت وشکستاندن محاصره‌ارغنداب جمع شدند که‌تقریباً تعدادشان به دوهزارنفربالغ می شد. درین عملیات محاصروی دشمن ۹۵ نفرمجاهدجام‌شهادت سرکشیدند وهم چنان‌تعدادی ازاهالی به صف شهدا پیوستند. بیشترازدوهزارنفر مسلح به‌مجاهدین تسلیم شدند. دولت مردور کسانی راکه‌بجرمی گرفتار شده‌بودندباوعده‌هایی مسلح کرده‌به‌جنگ آوردندآنها به‌مجردرسیدن به‌نزدیکی — مجاهدین تسلیم گردیدند. سرانجام درین عملیات موحش قوماندان های‌مشهور چون حاجی عبدالشکورآغا معلم‌صاحب محمدعمروتورن محمدسعیدازبزرگان — مجاهدین جان درراه‌خداباختند. خون آنها وسائر شهداسیلاب شد دیوارمحاصره راشکست. دولت به‌ناچارعقب گشت و منطقه دگری بنام مالجات را (شاید تلفظ درست آن محله منجات باشد واین‌جا آخرین سنگربست درجنگ مشهورمیوندکه انگلیس ها نابودشدندبی مناسبت نیست که این نام ازآن تاریخ گذاشته‌شده باشد) نزدیک شهرقندهاراست به‌محاصره کشید. تلفات دولت درین حمله‌گسترده اش خیلی زیادبودطیاره‌اش سقوط کرد،

تانک های زیادی سوخت ویا تخریب شد دولت مجبورشدازگازکیمیاوی استفاده نماید. ماه رمضان بود، درقندهار دراین ایام سال باران نمی بارد بفضل خداوند هنگام استعمال گاز باران باریدن گرفت وتاثیرات گاز خنثی شد. درمحاصره مالجات دولت ازملیشه های استفاده کرد که آنها را مردم قندهار جوزجانی میگویند حال آنکه آنها تماما" ازجوزجان نیستند من فکر می کنم برای اینکه دولت خلقی اقوام را علیه یک دگرتحریک کرده باشد افراد تربیه می کندو آنها را به مقابله قومی دگری می فرستدو آنها را به قومی منسوب می کندتا علیه یکدگر عقده مند شوند شاید درجوزجان افرادرا به مقابل آنها به جنگ بگمارد وبه آنها نام قندهاری وبا کدام قوم دگررا بدهد. ازسوی دگر بعیدنیست که این افراد از جمهوریتهای آسیای میانه باشندو بلسان مردم جوزجان صحبت کنندخودرا جوزجانی معرفی دارند مردم قندهار دروصف آنها می گویند : قامت کوتاه وریش های تراشیده دارند وازرحم وشفقت اثری درکاروکردار آنها دیده نمیشود.

چوروچپاول قتل وقتال کارعادی و شرافتمندانه آنها است، بسیار مقاومت می کنندوتسلیم کمتر میشوندتا کشته شوند. کاروان امیرحزب اسلامی که با لباس های مشخص ویونیفورم خاص در قندهار گشت وگذار میکردند عده ای ازآن مردم فکر می کردندکه اینها جوزجانی هایی هستند که تسلیم مجاهدین شده اند.

دراغندا... بجیر صاحب حکمتیار مرا موردخطاب قرارداده گفتند می دانی وقتیکه ازپیش مردم گذشتیم به شما چه گفتند. گفتم نه خیر. امیرحزب اسلامی فرمودند : مردم بطرف مجاهدین قندهار با همان لهجه شیرین قندهاری خطاب می کردندکه معادل دری آن چنین است : " نوش جان تان این جوزجانی ها " یکتعداد ازبرادران مجاهدقندهار همراه ما بودندکه به لباس محلی خودرا داشتند قابل یادآوری است که مجاهدین قندهار لباس محلی خودرا استعمال می کنند از کرتی دریشی وغیره قطعا" استفاده نمی نمایند. امیرحزب اسلامی ازبرداشت آنها متبسم بود. دولت مزدوروهم چنین دراین عملیات ازبلوچ ها شیکه ازدولت بوتو درزمان داودفرارکرده بودنداستفاده کرد به آنها درکوران ومارجه مسکن داده شده بود. مارجه جایی است که بهنگام آماده شدن پروژه هلمند ناقلین وقبائلی را آورده درآنجا مسکن دادند. بلوچ های فراری نیز، همراه باهمین ناقلین دراین جا متوطن شدند. مجاهدین برقوای دولتی تلفات سنگین واردآوردند وتعداد اندک این قوه نجات یافت واین آخرین قوه وفشار روس بودکه برمردم قندهار وارد می آورد. آخرسال ۶۵ واوایل سال ۶۶ بودکه مجاهدین قندهار به سلاح ضد هوائی مسلح شدندازین به بعد وضعیت دولت مزدورازحالت تعرضی به حالت دفاعی انتقال می یابد. هرطیاره بم افگنش می شکنددگرنمی توانند با آرامش برفرازسر مجاهدین پروازکنند. این عملیات که دونیم ماه دوام داشت اواخرسال ۱۳۶۵ واوائل ۱۳۶۶ را دربر می گرفت بعدازین عملیات دولت دگر قوای تعرضی درقندهار نداشته است، در همین سال با قوای دگری پنج وائی را محاصره کردکه با تلفات زیادی به شکست انجامید وتلفات زیادی را متحمل شد این پروگرام خیلی ها وسیع بودبخاطر اینکه همیشه شهرازناحیه مالجات تحت فشارمجاهدین قرارمیگرفت آوروی دولت این بودکه این محله را مشابه چونی عسکری بسازدبرای همین مقصدباسر بند... ارپوسته ها اطراف این منطقه ر بست آب قندهار را بطرف سنگرهای مجاهدین جاری نمود، مجاهدین با اتفاق واتحاد که خاصه مردم قندهاردرظرف یکماه با تعرض محاصره را شکستاندند تانک ها، دومیله ها، وسائل ثقیله دولت یا ازبین رفت ویا به تصرف مجاهدین درآمدوسائل ثقیله ازقبیل تانک ومانند آنرا بخاطر اینکه مبادا سرتقسیم مال غنیمت در میان مجاهدین مخالفت پیدا شود سوختاندندوازبین بردند. این عملیات درقندهار ازعملیات مهم وتاریخی بحساب می آیدوهم چنین عده ای ازبرادران عرب درفتح این کمربندها جام شهادت را نوشیدند یادشان گرامی اجرشان درنزد خداوند محفوظ باد.

سال ۱۳۶۶: درسال مذکورعملیات مهم ویاکدام واقعه که قابل ذکرباشدازهیچ طرف صورت نگرفته است مجاهدین دراین سال به تقویت مواضع خودپرداختند و خویش را اکمال کردند.

سال ۱۳۶۷ :

درسال مذکورمعاهده ژینوبه امضارسید وهمزمان به آن دولت مزدورولسوالی های ارغستان، معروف وشاهولی کوت را خود به خودتخلیه نمودمجاهدین ولسوالی های شورابک وپنج وائی وقرارگاه ژری وبرج با مبل را درسپین بولدک با تعرض وجنگ حین امضای مذاکره ژینوبه تصرف خوددر آوردند که ازقرارگاه ژری چهارتانک سالم به غنیمت مجاهدین درآمدوهم اکنون مورداستفاده مجاهدین قراردارد فعلا" قرارگاه های دولتی درمراکز سپین بولدک، دند، میوندوجود دارد. به تاریخ ۱۴ اسد بعدازخروج نیروهای روسی درقندهارعملیات آغازشد. ماه سنبله ولسوالی بابا فتح گردیدکه در عملیات فتح آن (۱۲۰) مجاهدشربت شهادت رانوشیدوتعدادی زیادی زخمی شدوهمچنان ازطرف دولت (۳۰۰)نفر مردار وبیشتراز (۱۳۰۰) نفرزخمی گردید چهاررزهدار، دومیل توپ بزرگ وهاوان وبیشترازیکصدمیل سلاح خفیف بدست مجاهدین افتاد.

هم چنین پوسته های ناگمان وسن زری فتح شد. پوسته ناگمان بوسیله عسکری که چهارنفرازصاحب منصب خودراحینیکه خواب بودند بهنگام صبح کشت وخودبا شصت نفرافرادآن پوسته تسلیم مجاهدین گردید. درسن زری سه پوسته با تعرض مجاهدین فتح شد. علاوه برسلاح خفیف دومیل توپ دومیله با موترآن به غنیمت گرفته شد. درهمین ماه سنبله مجاهدین بالای قرارگاه سیلوتعرض کردند. این قرارگاه خیلی بزرگ ومستحکم بود، قبلا" روس ها مسئول حفاظت آن بودند وبعد ازخروج آنها افراد دولتی مسئولیت حفاظت آنرا بدوش گرفتند. مجاهدین با عملیات کفرشکن خوداین قرارگاه را کشودند، دوتانک زرهدار یک زره پوش و سه توپ بزرگ بدست مجاهدین افتاد. و پنجاه نفرازپوسته مذکوراسیرگرفته شد تعدادتلفات مجاهدین به پنج نفررسید. به تعقیب آن درماه مذکورعملیات بالای پوسته کوکران آغازشد وبطورکلی فتح شدمهمات فراوان ازآن بدست مجاهدین افتاد. اکنون عملیات بالای پوسته های چهل ادامه دارد.

وازواقعات مهم این سال بازدید

حکمتیار صاحب امیر حزب اسلامی افغانستان از سنگرهای جهاد در قندهار و زابل و ملاقات های ایشان با مهاجرین ولایات مذکور در کویته می باشد.

از جمله نتائج سفر میتوان تحکیم صفوف تشکیل شورای عمومی قضای عمومی و خنثی نمودن توطئه های دشمنان را بشمار آورد، موصوف با این سفر نگذاشت شمرده ساله انقلاب بهدر رود و استعمار مجال آنرا نیابد تا دگر به آبروی مجاهدین و مردم شریف قندهار بازی کند. بعد از ختم سفر ایشان مکروفون های استعمار شکست و دامن تبلیغات آنها محدود شد و مجاهدین قندهار با استقبال از این سفر توانستند که آنچه را میخواهند به مردم دنیا نشان بدهند تا به همگان آشکار شود که تبلیغات دروغین غرب زده ها در مورد قندهار و قندهاریان صادق نیست و آنها نمی توانند جز بحکومت اسلامی که توسط مجاهدین قایم میشود راضی باشند و سلاح خود را به زمین بگذارند.

فعلا" درقندهار عساکر فرقه و خاد به قشله جدید انتقال داده شده است و بندی های سیاسی هم از محبس نقل داده شده اند و تنها عده ای از محبوسین جنایی در محبس باقی مانده و شهر در محاصره کامل مجاهدین قرار داشته حملات کفرشکن آنها ادامه دارد.

پوسته های دولتی در سرپشمل، کشک نخود، ملنگ کاریز، قاضی کاریز و کمربند های اطراف آنها قرار دارد.

در اطراف ولسوالی میوند دولت تقریبا" چهل و پنج پوسته امنیتی دارد. قبلا" مجاهدین درین ولسوالی قرارگاه دائمی نداشتند، عملیات چریکی انجام میدادند

اکنون شروع به ساختن قرارگاه های دائمی نمودند.

تشکیلات مجاهدین :

تشکیلات مجاهدین در قندهار به اساس تنظیم ها بنا یافته است. در هر ولسوالی یک تنظیم هرقدر جبهات داشته یک آمر و یک قوماندان دارد. قوماندان جبهات بزرگ با قدرت است و دارای گروپ های کوچک می باشد. این جبهات یک قاضی و یک مسئول نظامی دارد در بعضی جبهات مسئول مالی و نظامی شخص قوماندان می باشد و هم چنان هرجبهه یک نماینده ارتباطی با مقامات تنظیم ها در پاکستان و یک نفر ارتباطی دگر در داخل شهر دارد که مصروف جمع آوری کمک، ارتباط و غیره میباشد. متاسفانه از آمر و قوماندانانی که به سطح ولسوالی تعیین میشود چندان اطاعت را مرعی نمی دارند. و همچنان در جبهات بزرگ که تنها قوماندان دارد، گروپ های خورد درصورتی از قوماندان عمومی اطاعت می کنند که مذکور اداره قوی و نیروی قوی داشته باشد، در غیر آن خودسر اند و بنام با قوماندان عمومی ارتباط دارند. فیصله ها در مورد دعوای مردم از طرف جبهات صادر نمیشود و حکم آن به عهده محکمه است، در تمام قندهار دو محکمه مشهور موجود است این محکمه ها را در ابتدا مردم و مجاهدین به طیب خاطر خود تعیین کرده اند و تا حال موجود است. افراد مسلح محکمه از جبهاتی جمع آوری میشود که محکمه مذکور را تائید کرده اند، جبهه ایکه محکمه را بیشتر تائید می کند افراد مسلح بیشتر در اختیار محکمه می گذارند.

با اقتدار یافتن محاکم قدرت اجرائی در مورد احکام از جبهات سلب شد و یک محکمه مرکزی بوجود آمد که شهر قندهار، ارغنداب، ماله جات، ارغستان، شاه ولی کوت، دامان شگه ساحه فعالیت آن می باشد و محکمه دگری در ولسوالی پنجوائی تاسیس گردید که فیصله های علاقه های پنجوائی، ریگستان و میوند را بعهده دارد. ولسوالی های شورابک، سپین بولدک و خاکریز محکمه های محلی خود را دارند. درمیان محکمه ها تعهدی مرعی الاجراست که هیچ محکمه حق شکستن فیصلهء محکمه دگری را ندارد. با این هوشیاری نگذاشتند نفاق و شقاق از طریق اصدار فیصله ها به میان بیاید. واقعا" این کاریست عاقلانه و عالمانه. هرچند در قندهار به جز رجم، قصاص و قطع ید فیصلهء جرائم دگر شکل اصلاحی را دارد که مردم و جبهه می توانند به اصلاح مدعی و مدعی علیه بپردازند.

محکمه مرکزی یک نفر قاضی بصفت رئیس داشت و اعضای آن از هر تنظیم یک نفر بود. اکنون درین محکمه تنها رئیس باقی مانده و گفته میشود اعضای ابتدائی آن همه شهید شدند و تا اکنون بعوض آنها کسی دگری تعین نشده است. و فعلا" محکمه برای اجراء امور هیئت ها را تعیین می کند تا درباره موضوع تحقیق و تدقیق نماید. حکم محکمه بالای جبهات کوچک بلا اعتراض قابل تطبیق است اما محکمه در مورد جبهات قوی حالتی را مراعات می کند که تصادم بوجود نیاورد.

در هر ولسوالی تنظیم های جهادی شورای مشترکی دارند که تعداد افراد شامل هر تنظیم در هر ولسوالی فرق می کند مثلا" در ولسوالی پنجوائی از هر تنظیم سه نفر در ولسوالی ارغنداب از هر تنظیم دو نفر در شورای مشترک اشتراک دارند. شورا وظیفه دارد در مورد مسایلی چون جهاد، سیاست و غنیمت بحث و شور کند و نظر دهد. اگر بر سر تقسیم غنیمت قناعت فراهم نشد، محکمه فیصله می کند. از وظائف دگر این شورا ها جواب دهی به درخواست های دولت مزدور میباشد که درین اواخر رائج شد دولت در رابطه به آشتی ملی و غیره پیشنهادها می کند.

در اموال غنیمتی نبردی همان گروپ های عملیاتی شریک هستند که قبلا" در مورد این عملیات باهم مشوره کرده اند و سهیم شده اند. اما در عملیات های تعرضی بزرگ دولت هرکس هرچه گرفت بدست آورد از آن خود اوست.

در عملیات که مجاهدین بالای مراکز دولتی انجام گروپ ها به اندازه مساوی نفر اشتراک کرده باشند غنیمت بالای تعداد گروپ ها و اگر تعداد افراد گروپ ها فرق داشته باشد برسر افراد تقسیم میشود. در هنگامیکه غنیمت برسر گروپ سهیم در عملیات تقسیم میشود فرقی ندارد که از یک تنظیم چند گروپ اشتراک کرده است. گاه گاه عملیات توسط منطقه انجام میگردد در آنصورت غنیمت بالای قریه جات تقسیم و توزیع نبود سپس مردم همان قریه سهم خود را در بین شان توزیع می نماید مهم نیست که افراد آن شامل کدام تنظیم ها اند.

درین اواخر غنیمت مطابق فیصله محکمه علما و قوماندان ها مال بیت المال محسوب میشود و اختیار آن در دست قوماندان است که برای مصارف لازمی و ضروری جبهه برساند.

اسلحه غنیمتی را قیمت می گذارند و بعد توزیع می نمایند مثلا" تانک ها هر عراده تا سه ملیون افغانی و یا کمی بیشتر

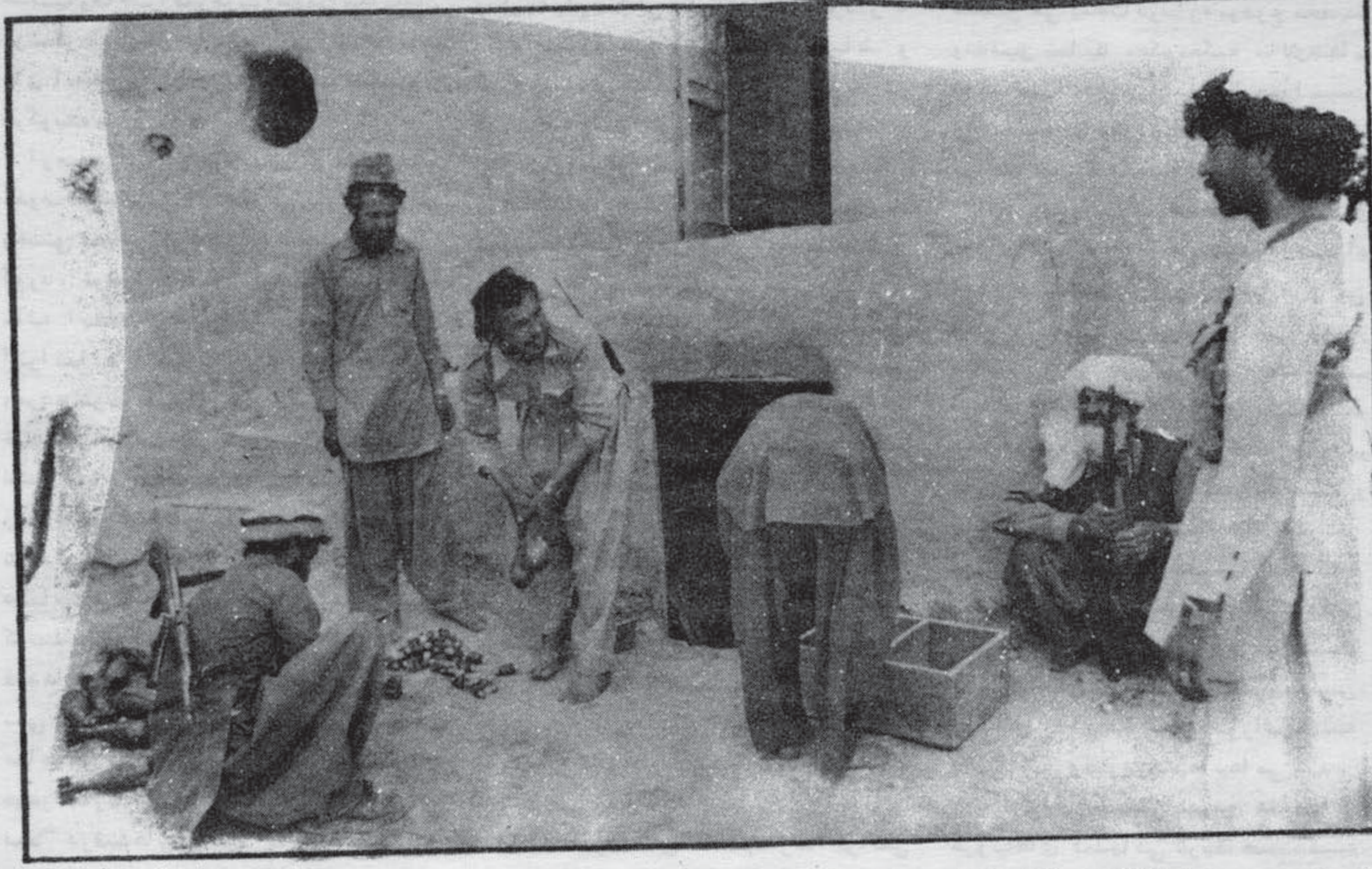

زیکویک پنج صدهزار افغانی ،کلاشینکوف روسی از یکصدهزار تا یکصدوهشتاد هزار افغانی توپ دومیله سه ملیون هشتصد هزار افغانی ،گرینوف از هفتصدهزار الی یک ملیون افغانی ،تفنگچه های میکاروف وتی تی از یکصدهزار تا یکصدوپنجاه هزار افغانی قیمت گذاشته میشودوسپس توزیع میگردد.

مجاهدین اگر موءفق شودسلاح روسی را غنیمت بگیرد می تواندقبل از توزیع آنرا با سلاح دست داشته اش عوض کند.

محکمه وتنظیم ها برای رهائی مجاهد محبوس که بوسیله پول می تواندرهائی بیابد امر فروش سلاح را به آن جبهه می دهند .همچنان تبدیل مجاهدین محبوس با روس ها درقندهار رواج داشته است مثلا" مولوی محمدصابر رئیس قضای مرکز گرفتارشددرسال ۱۳۶۵ یک به یک در دهانه شهرطی مراسم تبادله ای صورت گرفت روس ها درقطاری وبعضی قوماندان های مجاهدین درقطاری مقابل آنها بفاصله یک صدمترقرارگرفتندوبعدبواسطه نفر ارتباطی که قبلا" ذریعه آنها بردآورد نامه ها وموافقه مبادله صورت گرفته بودتبادله به شکل ذیل صورت گرفت ،که نخست روس ها مولوی محمدصابررا به مجاهدین تسلیم کردندوسپس محبوس روسی به آنها تسلیم داده شد.

کامره های تلویزیونی ازهردوطرف عکاسی می کردندوبعدازاجرای مراسم هرکدام به جای خودرفتندوکدام حادثه ای صورت نگرفت درین منطقه چهارواقعه تبادله محبوسین صورت گرفته است.

لالا ملنگ قوماندان حزب مولوی خالص بواسطه تبادله روسیکه توسط مجاهدین تنظیمی دگراسیرگرفته شده بودمبادله شدوهمچنان عبدالرحیم حقانی قوماندان حزب اسلامی یک روسی را از تورجان سرگروپ مربوط اتحاداسلامی به قیمت سه ملیون خریدودرمقابل آن شش نفرمجاهدین را آزادنمود که سه نفرآن ازگروپ حقانی و باقی ازتنظیم های دگربودند.

مجاهدین درقندهاربه اثرتوافق با قوماندان باوی یک جا می شوند و اکثرا" ازقوم قوماندان مذکورمی باشند وهمچنان اشکالی نداردکه مجاهدازجای دگری باشد درجای دگرمجاهدیا قوماندان شود، مثلا" لالاملنگ که ازولسوالی ارغنداب است قوماندان گروپ هایی بود ازحصص دگرقندهاربودندویا مولوی محمد صابرمسئول قضا ازولایت هلمنداست و همچنین مولوی سیدمحمدمسئول قضا محکمه دوم ازقندهاررئیس وحاجی محمدکه از ولسوالی معروف است قوماندان جبهه درپنجوائی است ، مسئله ازمنطقه بودن ودرمنطقه دگری فعالیت کردن بفضل حضرت الهی درقندهاربی اهمیت است علت این خوش بختی آن است که مجاهدین تکیه برحاصلات وعایدات منطقه ندارند تا اسباب مزاحمت فراهم شود.

محکمه ها درقندهارحدودشریعت رااجرا نموده اند. درمالجات بعدازاقراری زانی وزانیه حکم محکمه به رجم صادروعمل رجم به اشتراک مردم درپهلوی دریاب ارغنداب درناحیه پنجوائی اجرا شد و این حکم چندبار اجرا شده است .حکم قصاص بیشتراز ۳۰ مرتبه درمالجات وپنجوائی انجام شد . عمل قصاص طور ذیل صورت میگرد. نخست حکم محکمه به قاتل شنوانده میشودودرخواست ومطالبه اورا می شنوند و سپس اورا درپهلوی دیواری می نشانند و تفنگ را بدست وارث مقتول می دهند، تفنگ فقط یک مرمی بیشترندارد .اگر قاتل به یک مرمی هلاک نشدبه ورثه مقتول اجازه مرمی دوم داده میشودتاآنکه قاتل هلاک شود. اگربه یک مرمی قاتل هلاک شد ورثه مقتول حق فیرمرمی دوم راندارد.

و اکنون نوبت آن رسیده است که به عمل کرد مجاهدین درقندهاردرموردآشتی ملی اشاره مختصری نمایم: بعدازآنکه جلساتی در پشاوروکویته انجام گرفت ، مجاهدین

بطور مشترک بالای تمام پوسته های دولتی درقندهار به عملیات پرداختند و به این وسیله عکس العمل خودرا درمقابل آشتی ملی ابراز داشتند. بعد از این عملیات هیچ قوماندان از هیچ تنظیمی در -- حاضر نشد که اظهار بدارد در مورد آشتی ملی ملاحظه دارد. تمام تنظیم ها در رد آشتی ملی اتفاق نظر و عمل داشتند.

آن عده افرادکه در آشتی ملی اشتراک کردند اکثراً خان ها و ملک ها و یا وکیل ها بودند (مرحوم شهید سید قطب درذیل آیه: ومن الناس من یقول آمنا بالله وبالیوم الاخر وما هم بمومنین.

چه خوب تحقیق کرده است برای اینکه از زیبائی کلامش کاسته نشود متن عربی آنرا تحریر می دارم.

" لقد کانت هذه صوره واقعه فی المدینه ولکنا حین نتجاوز نطاق الزمان والمکان نجدها نموذجاً مکروراً فی اجیال البشریه جمیعاً نجد هذا النوع من المنافقین ومن علیه الناس الذین لایجدون فی انفسهم الجراه لیواجهوا الحق بالانکار الصریح وهم فی الوقت ذاته یتخذون لانفسهم مکان المرتفع علی جماهیر الناس، وعلی تصورهم الامور..."

راستی اکثراً منافقین از طبقه علیای جامعه اند دیده میشود آنها ئیکه به آشتی ملی موافقت نشان دادند از همین گروه بودند توسط عملیات چریکی مجاهدین عده از آنها به جزای اعمال ننگین شان مثل سناتور عبدالرزاق خان از ولسوالی دند حاجی حبیب از ولسوالی دامان وغیره رسیدند. دولت برای قانونی نشان دادن رژیم و موثریت آشتی ملی افراد شناخته شده را انتخاب کرد آنها این انتصاب را پذیرفتند و به کابل رفتند بعضی از ترس مجاهدین درکابل مخفی شدند و بعضی دگر به قندهار نارسیده توسط مجاهدین در -- مسیر راه مردار گردیدند و بعضی دگر از خانه ها یشان ربوده شده وتاکنون لادرک اند.

تعدادی از قوماندان ها با توصیه های بزرگان شان مبنی بر اینکه قندهار بنام ظاهرشاه فتح شود مخالفت کردند آنها عقیده داشتند که قندهار بنام خود آنها فتح شود و بعد ظاهرشاه می تواند بیاید. این اختلاف میان قوماندان ها و بزرگان شان هنوز باقیست درحالیکه توان چنین کاری را ندارند فتح قندهار نیز واقعیت نگرفته است و با سفر امیر حزب اسلامی به قندهار زمینه چنین ساخت و باخت ها بکلی از بین رفت موقف مجاهدین تقویت شد به مجاهدین استقلال بیشتر داده شد تا هر عملی را انجام می دهند مکافاتش مربوط خود آنها باشد. یک مجاهد نباید مانند مزدور عمل کند سر بباز دو خون بریزاند و نتیجه اش را برای دگران بسپارد چنین روش از شخصیت مجاهد کاسته و از صف مجاهدین بیرونش می اندازد در خاتمه برای اینکه از جانبازان قندهار قدری کرده باشیم نام عده از مسئولین جهادی را که شهید شده اند ذکر می نمایم از اینکه موفق نشدم نام تمام آنها را بدست بیاورم معذورم و برای تمام شان از خدا وند قادر ذوالجلال مسئلت مینمایم که مقام و منزلت شان را رفیع دارد و از نعیم جنت برخوردارشان گرداند.

اسم	سکونت	وظیفه	تنظیم
لالاملنگ	جوی لاهور ولسوالی ارغنداب	قوماندان	حزب مولوی خالص
حاجی لالک	مرکز قندهار	قوماندان	اتحاد اسلامی
حافظ عبدالکریم	ارغستان	قوماندان	حرکت اسلامی
قاری عزیزالله	اصلا"لغمان	امیرجهاد	حرکت اسلامی
مولوی محمدزی	قلعه شاپرمیوند	قاضی وقوماندان	حرکت اسلامی
عبدالله جان	لوی ده ارغستان	معاون	حزب اسلامی افغانستان
معلم عبدالباری	سندزری ارغستان	معاون	حزب مولوی خالص
معلم میرحمزه	خوگیانی میوند	قوماندان عمومی	حزب اسلامی افغانستان
تورن عبدالحی	تولوکان پنج وائی	قوماندان	اتحاد اسلامی
ملاعبدالواحد	ارغستان	معاون جبهه	حزب مولوی خالص
مولوی حمدالله	بندتیمور میوند	قوماندان	حرکت اسلامی
ضابط نورمحمد	شن زری	قوماندان	حزب اسلامی افغانستان
ملا عبدالهادی	بندتیمور	قوماندان	محاذ ملی
انجنیر عبدالجبار (انجنیر بزرگ)	تابین ارغنداب	قوماندان عمومی مرکز قندهار	حزب اسلامی افغانستان
ملاصلاح الدین	هلمند	قوماندان	حزب اسلامی افغانستان
نجیب الله	ناحیه پنج قندهار	معاون جبهه (سعدیه)	حزب اسلامی افغانستان
محمدگل	مرکز قندهار	قوماندان عمومی (جبهه سعدیه)	حزب اسلامی افغانستان

معلم محمد عمر	چهارباغ ارغنداب	آمر عمومی	حزب اسلامی افغانستان
نیاز محمد (نیازی)	شهر کهنه	قوماندان جبهه (شهید حاجی محمود)	حزب اسلامی افغانستان
حاجی عبدالشکور	ارغنداب	آمر جبهه	محاذ ملی
تورن محمد سعید	ارغنداب	آمر جبهه	حزب مولوی مولوی خالص
مولوی الله داد (حقانی)	ارغستان	آمر عمومی	حزب اسلامی افغانستان
حیات الله	پشمل پنجوائی	قوماندان نظام (القرآن)	حزب اسلامی افغانستان
مولوی محمد علی	شیردان پنجوائی	معاون جبهه	حزب اسلامی مولوی خالص
مولوی فیض محمد (خنجریار)	پنج ده دند	قوماندان حوزه (جنوبی)	حزب اسلامی افغانستان
حاجی محمود	مرکز قندهار	آمر جبهه که فعلاً سرکاتب قوماندان است	حزب اسلامی افغانستان
عبدالغفور جان	دند	قوماندان عمومی	اتحاد اسلامی افغانستان

(۱)
شهید خیرالذکر حاجی عبدالغفور جان شش ماه قبل از شهادتش شخصاً آشنائی حاصل کردم او قبل قوماندان حزب اسلامی بود. مذکور از کاکه جوان های قندهار بود که به اصطلاح پای لچ مردم آنها را می شناسند. در مورد عمل و کردار این کاکه مردم اطلاع دارند.
این کاکه جوان شهید از اثر جهاد حلیم بردبار و پای بند احکام شرع بود که از کشیدن سگرت و چلم امتناع میکرد و مجاهدینش نیز در محضر او زین عمل ها استفاده کرده نمی توانستند.
چیزیکه در قندهار رواج عام و تام دارد چلم حاکم هر مجلس است و با غم غم که از

(۲)
گلوپایان دارد مانند ظاهر شاهیان — فهمیده نمی شود که چه منظوری دارد اما وقت مردم را تلف و صحت شانرا متضرر می سازد.
خدا یش ببخشاید او در کمپ سرخاب واقع در کویته از طرف شخص نا معلومی به شهادت رسید.

پایان

الله تعالی ما ته دجنگ په دګرکی هغه جذبه را وبښله چی دخدای په کورکی انسان ته میسریږی؛ دعشق لمونځ دتورو په سیوری کی اداشو د الله (ج) او رسول (ص) سره لیدنه پدی ځای کی کیږی.

صلاح الدین کشمیری

خونبهار سمنهای از انقلاب اسلامی ما

لهــــون

وارخطانشي زلميه !

دتوحـيد دګالي بـنـيازه　　دخپلواک ژوندون آوازه
دفطـرت نغموته سـريـي　　تولوازونـه ستالـه سـازه
دايمان توغ دي لوړكړ ی　　ای دهسکوغروشهبـــازه
بي‌سرخيل دننګليالـيـو　　بي ننتليوزړو ته‌پـا زه
دامت دسبالـمـــريـــي　　دپاخون اوديښتيا رازه
وارخطانه‌شي زلميه‌حوصله‌دي ټينګه سـاته
ددښمن په دروغودربوچا منلي نه‌ده ماتـه
طاغوتيان دزته‌يوشـــوی　　شيطانان درته يوشــوی
ستا په مخکي كندي‌باسي　　دښمنان درته يوشـــو ی
غواړی لاردي كړی بدلـه　　بي دينان درته يوشـوی
څوک دوستي‌څوک‌دښمني‌كړی　　پټ‌پنهان درته يوشو ی
تانه لارورکېدل غـواړی　　ظالمان درته يوشـــوی
وارخطانشي زلميه كړه‌اسره لـه‌يو ذاتـه
ددښمن په دروغودربوچا منلي نه ده‌ماته
ددوستي پاره‌ماران د ی　　په‌خولـه روغ په‌زړه‌ټګان دی
ظاهروا بي غوړی نرمـــی　　په‌باطن كي سره لـيوان دی
که‌انګريز، فرانس امريكا ده　　که‌يهود، هنود،روسان دی
کفرواړه يوملــــت دی　　داسلام يودښمنـــــان د ی
چل دوكه، فريب بي كاردی　　دماديا توبنده گـــان دی
تل هوښيار اوسه زلميه ،مخکي دروم‌ه‌ګوره‌شاتـه
ددښمن په دروغو، دربوچا منلي نه ده ماتـــه
دوی اختي خپل مقصد دی　　بي تميزله‌ښه اوبــد د ی
دخپلوی هيلـه تری مه‌كـړه　　مار، لرم،منګوراو ددد ی
ستا په‌ښه بديي كارنشتــه　　په‌ټکـون دخپل سبـــدد ی
دموء من چيچل بي كــار دی　　كه‌كافردی كه‌مرتـــد د ی
اعتبارورباندی مه‌كـــړه　　تول دخدای (ج)له‌درګاه‌ردی
پـــــه‌لـهون دحق قايم شه خدای بي دركړی نن سباته
ددښمن په‌دروغودربوچا منلي نه‌ده‌مـــــه تـــــــه

ددی ملت اصلي كاردادی چی داسلامی امت‌دراژوندی‌كولولپاره‌هلی‌ځلی وكړی، اودا زما دهيلوا وغوښتنو،نهائي مقصددی، پدی كي زموږدټولـــو ناروغيو رازپروت‌دی، اوپدی كي زموږددنيوی اوآخروی نجـــات او رستګاری رازنغښتي دی .

جګ‌شه چي دنړی بزم بل رنګ غوره‌كړی‌په‌لويديځ اوختيځ كي ستا دوربيل شـــوی .

هلته — دلته

دملحد دمرگ خبر یم کەوی هلتەکەوی دلته
دمسلم دلاس خنجر یم کەوی هلتەکەوی دلته

دمظلوم حساب تری غواړم کەپەنن کەپەسباشی
دمومن دحق باور یم کەوی هلته کەوی دلته

دالحاد دلوتلوته اعلان کوم پەڅر ده
دملحد قاتل دسر یم کەوی هلتەکەوی دلته

چی دنیا پەغیږکی اوس دهغەلمن بەسوزی
یم پەحقه زوروریم کەوی هلتەکەوی دلته

چی حامی دکمونست وی دشخصی دوستی لپاره
دهغو دزړه پرهر یم کەوی هلتەگەوی دلته

کەپەهرلباس کینی پټ وی عاقبت راځی پەگوتو
وریسی پەسم اوغریم کەوی هلتەکەوی دلته

چی تطبیق دقرآن غواړی هم پەځان اوپەجهان کی
زەیی وروراوبرادریم کەوی هلتەکەوی دلته

دالله ددین لپارەچی ونەسپموی سرخپل
دهغەڅلمونوکریم کەوی هلته کەوی دلته

دخدای مینەپەدنیاکی تردنیادەراتەغوره
بی پروالەسیم اوزریم کەوی هلتەکەوی دلته

کەمی سرځی کەمی مال ځی داللەپەپاکەلارکی
خوش قسمته بختوریم کەوی هلتەکەوی دلته

نەدی شرق شی نەدی غرب شی قرآنی قانون دی راشی
کلک ولاړ پەدی نظریم کەوی هلته کەوی دلته

دجهاد دلاری وروندەاسی وایی ملنګیار ته
چی ملاتړدی دسنگریم کەوی هلتەکەوی دلته

تـــوره اوتـــدبيـــر

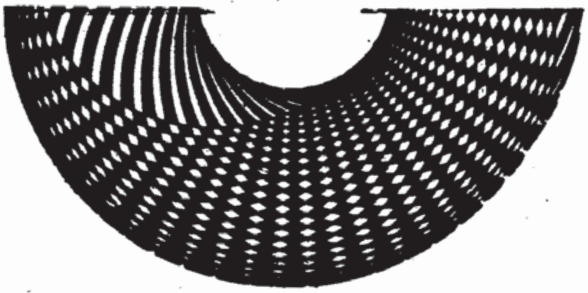

تورەدى وكــرە خوساتنەئى تدبيرغوارى
دپاخە عــزم او !
پخو ارادو !
يوخوكامونەمخ پەوراندى !
دهوريالـيويوبهيرغوارى !
دبىمن دى نە پريردى !!
چى تە دفتحى جشن ولمانحـى !
غوارى چـى بيرتە دى پە ويركينوى !!
نەغوارى ستاچـى دغە سوى گلشن !!!
بهاتاندبا خونە وكرى !
رنگينىگلونە راورى !
اوبلـبلان پرى تـهول شـى !!!
لــرى وړمى دخوارە بوى خورى كـرى !!
پەدرديدلوزرونـو !!!
دبىمن دى نە غـوارى چـى !
پەسرولبنوكى سوځيدلى كوردى !
داپە بمونونرپدلى كوردى !
پەسروسيليوشرپدلى كوردى !
دژوندخورەغوندى خنداخورە كرى !!
او !
دغە ويجارە سوځيدلى ځالـە !
يوځوخورى ووينى !
دآرام شپى ووينى !
ښكلى شپى ووينى !
دځوانوهيلويوځومستى خاطرى ووينى !!
دبىمن دى نەپريردى !
ستاتيرەتورە پځـول غوارى !

حل يي پەشپوكى وركول غوارى !
سترستروياړونە دى
لەخلكوپتول غوارى !
تاتورە وكــرە !
خودنورى حفاظت بە كــوى
اوحفاظت يــى !!
دپاخە عزم !
پخوارادو !
پاخەگامونە يوخ تدبيرغوارى !!!

محمدزبير "شفيقى "

"شفيقى "

مـن دشمـن !!!

لنـــوەكيســـــە :

دبا رپەيوەپخوانىړاولـــە مودەلويدلى برخەكى يــــى دوكان وو ،هلتە بەپەشيــك اولوكس لباس كى خلكلږ. تر نظركيدل ، محكە شاوخوازياترە دموترودپرزودوكانونەاو د ترميم وركشا پونە وودنسبتاً اوردى كوځى دوا ړوخواوتەبە لەسها رەترتيرما ښام پـــور ى داوسپنوكرنگا راودما شيـــن غږغوږونەځورول يوازى دكوځى پـــە وروستى برخـەكىكومە چى دشخصى كورونوخواتــە او ستر عمومى سرک لورى تە، ور-نږدى وەيوەنانواپى وەچىلە هغى نەدتودى دودى ورمپـــە وږوگيدوزلزلى راوستى .... هلتە بەمدا مپەتوروخيرنــو اوغوږبيجنوجا موكى كســا ن ترستركوكيدل چى دموبلا يلو اودبزلوددوزى بەترى پورتە كيدى اوكەبەنوى دلومـــرى ځل لپارە څوک هلتە وردننە شول ددول دول تيلولەبويـو-نوځخە بەپەكافى انداز ەپـە تنگ راغى ....
نن سبا پكى دموتردپرز ى ورځ پەورځ پەدبريدو وى خو بازاربيا ددى پرخلاف مخ پـر سريدوروان وو ،عجيبەاضطراب اوتشويش پرښارمسلط وو او بيا دښارپەدغەبازارهمدوير مايوسىاوويرى ديوانووزر و غوږول ، هغەبەچى لەدوكان نەراووتاوپەتيلوخيرن او غوږكالى اوبدن بەبى دلمر پەوړانگوكى ديوە مسخرەشوى انسان څيرە غورە كړى وەد شاوخواوركشا پونواودوكانـو نوخلكوبەظاهراً پەنرمـــواو ښكلوكلـمواستقبال كړ .
گل محمداستاذەځنگەيـى، جال احوال ،خيرت دى، ....
اوگل محمدپەبى پرواگدخنهلى كلــيوالى سادگى پەمختصرو كلموكى لەغوږە ماليودكـــو خوشا مندوتەځواب وركړ :
دخداى (ج)فضل دى روغيـو تاسى ځنكە ياست ؟!
گل محمدديوە مشهورمسترى شاگردوؤ چى ترا وسەپورى يـى دنتپاوبولټ توپيرنشوســـرە كولى خودشاوخوادوكاندا ران اومستريان سخت ورځخەويريدل محكە يى لەويرى ورتەاستـــاذ وايە .
لەهغەنە دټولومستريانـو او دوكاندارانوسختەكركەكيـــدە اوهيچاپەښە سترگەنەورتـــە كتل ، حتى خپل استادىي تـر

پزی ورسره راغلی وء خوله
ویری نه‌یی څواب نه‌شوورکولی
ګکه پوره میاشت به‌کیدله‌چی
هغه‌دعمومی سرک پرسردپوستی
له‌بیگانه عسکروا وقوماندا ن
سره دوستی ټینګه کړی وه .

دعمومی سرک پرسرپوستی
اوقوماندا ن یوه میاشت مخ
کی ناڅاپه ددغه له‌سترګو
لویدلی اوزاړه‌بازارپه‌کوڅو
کی یوپه‌یوداسی راپیدا شول
لکه له‌ځمکی چی راشنه‌شوی
وی ، په‌یوه اوبل دوکان،
ننوتل اوبیرته وتل په‌چابه
یی چی دڅه‌شی شک راغی په
نا مانوسوکلموکی به‌یی چنغی
کړی باسماچی باسماچی ...
دشمن دشمن!

اوبیا به‌یی یوه‌کلکوف ورته
په‌تنده‌کیښودا ویوبل به‌زر زر
جیبونه وریلټل اودخپلی‌خوښی
شیا ن به‌یی تری واخستل. د
ګل محمدا ستا دمستری ښه‌وارخطا
شوی وء خوهغه‌دا دورکړی وءچی
استاده بی غمه اوسه‌زه‌یی
څواب ورکوم بلکل بی غمه
اوداډه اوسه ،اوبیاچی ددو ی
دورکشا پ مخ ته‌راغلی ووګل
محمد ددوی دبسماچی بسماچی
چیغوپه‌څواب کی ورته‌ویلی وو
«نیت نیت تواریش»(دوست
دوستا)وبیا یی دهغونا بللیو
میلمنودقوماندانی په‌لاس کی
دخیرن چرم دیوی نسبتاً پندی
بوتی په‌څیرڅه شی ورکیښودل ،
قوماندا ن چی خپلی آبی سترګی
په‌خپل ورغوی کی په‌همغه‌شی
وربرندی کړی دومره خوشاله
شوی وء لګه کل محمد چی
ددی شاوخوا بازاردوکانونو
اوورکشا پونوقباله‌ورکړی
وی .

ګل محمدله‌همغی ورځی نه د
بازارپه‌اوسیدونکوکی دیوه
خطرناک سړی په‌څیروپیژندل
شوا وله‌همغی ورځی ورځخه
تول داسی وویریدل لکه
چی له‌هغووسله‌وا لوبیګانه
پوځیا نونه‌ویریدلی وو ...

دبازارپه‌منح کی دیوه
دوکان په‌مخ کی یوڅاهم وه‌او
دغه‌څا ته‌نږدی دبازاردوکان
دارانو لږ‌خښتی راټاوکړی
وی اویوکوچنی جومات یی
جوړکړی وء په‌دغه‌جومات
کی به‌هم ګل‌محمددبازارتر
هرچازیاتی سجدی لګولی خو
خلکودِاکارهم دهغه‌دمضریت
اوخطرناک توب دلیل ښود .

بازاردسپینوا وبی ریاخلکو
استوګن ځای وء ،دهیچاپکی د
اوسنی‌زمانی له‌چل ول او
مکاری نه‌برخه نه‌وه ،نه‌چاته
دپاچاهی په‌کارونوکی تبصری
خوندورکا وه اونه‌یی په‌داسی
خبروسرخلاصیده دلته دپنج
بولټ ، کمانی، اکسل اوټایر
ټیوب خبری کیدی یوازی ګل
محمد ددغه بازاردخلکو په
اذهانوکی یوه‌رټل شوی څیره
وه‌اویوازی هغه‌ددوی په
ګومان دبازاردخلکودغوښتنو
اوانګیرنونه‌بیګانه‌سړی وء
اوګل محمدیی دحکومت یوستر
اومضرجاسوس ګڼلی وء .

له‌کومی ورځی نه‌چی دعمومی
سړک له‌پوستی نه‌دغه‌له‌مو ډه
لویدلی بازارته‌شین سترګی
پوځیا ن راغلی ووبس له‌همغه
ورځی ګل محمدهم‌دا ندیوالی‌
امزی ورسره‌وغړل دری‌ورځی
نه‌وی وتلی چی هغه‌دپوستی
قوماندا ن اودوه‌تنه‌نورعسکر
ورسره ټیا راغلل قوماندان
چی سره‌سره ویښتا ن یی له‌خړی
عسکری خولی‌څخه راوتلی وو
اودمخ په‌وچه‌کلکه‌نری‌کاسه
کی یی دوی شنی شنی سترګی

یوی اوبلی خواته‌داسی اړولی
لکه چی دیوه‌ډیرمهم شی په
لټه‌کی وی،دواړه لاس یی پر
تورچرمی کمربندچی په‌چپه
خواکی یی ترزنګون پاس یوه
تومانچه ورپوری تړلی و ه
نیولی وو .

هغه داځل نیغ دګل محمدد
ورکشاپ په‌دروازه ورننوت‌او
ګل محمدته‌یی په‌خندا خندا
څوبیګانه جملی زرزرتکرار
کړی .

ګل محمدچی دوی ولیدل تر
شوندولاندی یی څوسپکی سپوری
ورته وویلی داحرامیا ن خو
بیا راغلل، دانوا موخته‌شول
دبی دینه زامن به‌هره ورځ
راروان وی، خودهغه‌استادپه
زړه‌کی دا منلی وه‌چی هغه
هسی ماته دوکه راکوی نویی
له‌ویری وویل :
خیردی میلمانه‌دی، خیرد ی
خیردی ورشه‌اوس یی خوشاله
کړه اوبیاګل محمدپه‌خندا له
دری وا ړوپوځیا نوسره‌راووت
هغه‌ددوی په‌خبروا وغوښتنونه
پوهیده خودومره به‌یی خدای
(ج) خبردی چی له‌چانه زد ه
کړی ووچی له‌څوبیګانه‌جملو
وروسته به‌یی په‌ګوتواشا ر ی
کولی اوګل محمدته‌به‌یی‌ویل
چرس چرس ....

ددوی دلاس په‌اشاروخبری
دبازاردیروخلکولیدلی او
ټولوپرګل محمدا ودغودری وړو
پوځیا نوذخپل ژورنفرت‌کانی
اورول ...

هغه څوځلی بیا بیا دغه‌له
موډه لویدلی بازارا وکوڅی
ته‌راغلل اویوازی به‌یی له
ګل محمدسره‌راشه‌درشه‌اوخبری
اتری درلودی دهمدغی بازار
ټولودوکاندارانوا ومستریانو
ته‌داپوره معلومه وه‌چی د
سړک پرسرپوستی څوڅوځلی د
ښاری موټروپرتش لاسوسپرلیو
دخپلوماشیندا رودک زړونه
تش کړی وواودیرښا ریبا ن
یی په‌خپلووینوکی‌لښولی وو
څوځلی یی په‌سپین میدا ن
په‌رده‌رنا ورځ دپوستی ترڅنګ
موټردرولی ووا وله‌سپا رلیو
نه‌یی ساعتونه اوپیسی‌اخستی
وی خودلته به‌بیا ددوی معامله
یوازی له‌ګل محمدسره‌وه‌نور
یی بیا په‌چا نه‌کا رپیدا کړی
وء اونه‌یی څه‌شی تری اخستل

ګل محمدبه‌دشپی لخوا دخپل
مستری استاذ په‌ورکشاپ کی
پاتی کیده نوځکه دبازارټول
خلک په‌ده‌باندی بدګومانه‌وو
چی‌کومه‌ورځ په‌دوکانونوکی
څه‌فسا دښا مخا جوړوی اوپه
هغه‌پسی دا آوازی همګرمی
شوی وی چی ګل محمدټوله
شپه‌دسړک پرسرله‌روسانوسره‌په
پوسته‌کی‌تیروی ...

یوه ورځ ګل محمدخپل استاد
ته‌یوڅوداسی خبری ورکړی چی
داستادیی نږدی له‌ډیری
خوشالی زړه‌دریدلی وء خو
ظاهره‌یی ځا ن دیرخواشینی
اوغمجن ښود ،ګل محمدیی
استادته‌ویلی ووچی نورمی
خپل کورکلی ته‌ځما وښایی
سباته‌دلته نه‌وم ،هغه‌یی له
استادنه‌دکومی سهوی‌خطا ښښنه
هم‌غوښتلی وه اواوستادپه
هغه ورځ پټ پټ له‌ډیری
خوشالی دزاړه‌اوله مودې
لویدلی بازارپرټولودوکان-
دارانوا ومستریانوزیری کړی
وءچی دګل محمدله‌شره‌خلاصیږو
نوپه‌هغه‌ورځ ټول دګل محمد
په‌لوری متوجه ووډخلکو
زړونوته‌یودول تشویش او -
خفګان هم لویدلی وء ویل یی
چی په‌همدی وروستی ورځ څه
فسادونکړی نوپه‌چاچی ځان
ترمال ډیرګران وء له‌ویری یی
په‌سپین سهاردوکان تړلی وء
اوتښتیدلی ووخوله‌چاسره‌به
چی دمال اودوګان ډیرغم وء
هغوبیا لاپه‌زړه‌کی ورګرځول
چی شپه‌به‌هم په‌دوکان کی
تیروی، په‌هغه‌ورځ ګل محمد
نږدی یودوه‌ساعته‌له‌دغه‌موډه
لویدلی بازاره‌ووت استادته
یی ویلی ووچی حسو دا
اخلم‌خوا ستا داودبازارنورو
دوکاندارا ن په‌دی پوره‌باوری
ووچی هغه به‌اوس له‌قوی سره
راځی اودوی به‌ټول له‌یوی
مخی ووژنی ، دموټروسا ما
نونه‌به‌ټول روسا ن په موټرو
کی واچوی اوپه‌بل ځای کی به
یی خرڅوی .... خوچی دوه
ساعته وروسته‌ګل محمدیوازی
له‌یوی کوچنی‌غوټی سره‌بیرته
دنانوایی له‌لوری ښکاره شو
لږ‌لږ‌بیا ددوکاندارانوپه‌بدن
کی ساوچلیده ګل محمدهم‌په
هغه‌ورځ دپخوا په‌څیرنه‌وء یو
ډول ناآرامی یی په‌څیره‌کی
ښکاریده لږ‌لږ‌چورتی غوندی
هم‌وء چی دی حالت یی دبازار
په‌خلکوکی ډیرتشویش راپیدا
کړی وء ویل به‌یی ښایی چی
زمونږ‌په‌عامه وژنه‌به‌یی پوره
رضانه‌وی ...

مازدیګرمهال وء خولمر
لاخپلی سپینی وړانګی دبازار
له‌اوږدی کوڅی نه‌نه‌وی ورټولی
کړی چی دعمومی سړک دپوستی

قوماندان یوازې دبازار په خیرنه او په زنګ خوړلو لیوا و وړوا وسپنوډکه کوټه ورننوت هغه دا ځل یوازې و، خو په یوه ټوټه کې څه شي ورسره وو غږیې وکړ ګول ماماد، ګول ماماده او دګل محمد دا ستا ددورکشاپ په لوری ورروان و، ګل محمد چې دپریشانۍ او واړخطایۍ آثار یې په څیره کې له ورایه ښکاریدل ددوکان په مخ کې ښکاره شو په لاس کې یې همغه کوچنۍ غوندې غوټه وه چې نن یې له بازاره ورسره راوړې وه، روسي قوماندان ګل محمد ته په خندا خندا غږ ورکړه ګول ماماد دوست دوست ها ها ... ها ها.

او ګل محمد دخپل غوړا و خیرن واسکټ له بغل جیب نه یو ځل بیا خیرن چرم ته ورته یوه نسبتا" لویه ټوټه روسي ته ورکړه او روسي هغه ته له ټوټې څخه یوه توره غټه تومانچه ونیوه، ګل محمد په خوشالۍ تومانچه واخسته په لاس کې یې واړوله او له روسي نه یې دلاس په اشاره دډزو کولو چل زده کول وغوښتل هغه هم سمدستي دتومانچې جاغور ورته ډک کړ مرمۍ یې ورتیره کړه او دکوټې په منځ کې یې پنځوس شپیته ګامه وړاندې یوه زنګ وهلې اوسپنه نښه کړه، ډز ډز درې ډزې یې وکړې او د زنګ وهلې اوسپنې نه هم چې دموټر د ماشین کومه لویه پرزه وه کړنګا رپورته شو.

دا ځل ګل محمد تومانچه واخسته مرمۍ یې ورتیره کړه او پر همغه اوسپنه یې درې ډزې وکړې په خندا شو او له روسي نه یې دڅو نورو کارتوسو غوښتنه وکړه هغه په نازنا زخوله کړه وړه کړه او بیا یې له خپل کمربند نه شپږ اووه کارتوس راواېستل او ګل محمد ته یې ونیول ګل محمد هغه ته تومانچه ونیوه چې پخپله یې ډکه کړي روسي تومانچه ډکه کړه او ګل محمد ته یې بیرته ورکړه هغه په یو ډول معنی دار ډول دکوټې په دواړو خواو، دوکانونو نظر ور غلاوه بیا یې دخپل استاد دوکان ته وکتل او یوه شیبه یې سترګې پکې خښې کړې، دوکان دارانو او مستریانو پټ پټ ددوی ټول اعمال تر نظر لاندې نیولي وو چې ناڅاپه ګل محمد له روسي نه دوه درې ګامه شاته شو او تومانچه یې دروسي سینې ته ونیوه په زوره زوره یې ورته وویل :

دوستي ختم، دوستي ختم ... دشمن!!

او بیا درې څلور ګولۍ سرپرسر دګل محمد له تومانچې نه ووتې او دروسي په سینه کې ځای په ځای شوې دهغه له خولې یوه غټه چیغه ووته او په ځمکه ولوید څو لغتې یې ووهلې او بیا په کراره شو داسې په کرار چې تا به ویل ددې زنګ وهلو شا و خوا اوسپنو په څیر دا هم دبې روحه اوسپنې یوه کوټنده ده، ګل محمد بیا یو ځو دا الله "اکبر" چیغې وکړې چې دناستوا یې له لوری یوې اوږدې ضربې هغه هم په ځمکه وغورځاوه.

دوه تنه روسي عسکر په منډه قوماندان ته راورسیدل او چې هغه یې دمرګ په غیږ کې چوپ ولیدیو ګل بیا یې پر ګل محمد یو پو دکلاکوف جاغور تش کړ بیا یې قوماندان په اوږو واخست او تیز تیز دخپلې پوستې په لوری ورک شول ...

دګل محمد پر بدن بې حسابه ګولۍ لګیدلې وې هغه له پیژندګلو وتلی و، او دغوښو او هډوکو یوې سوری سوری او ټوټې ټوټې ستې ته ورته وچې ترڅنګ یې په وینو لنده خیشته لونګۍ په یوه دستمال کې تړلې پرته وه هغه دشهادت په خواره او درانه خوب ویده شوی و، او نور یې دله موده لوید لی بازار دا وسپنو کړنګا رنه اوریده خو ددغه بازار دا ستوګنو اوسیدونکو په ذهن کې نوی را ژوندی شوی بلکل نوی او د پخوا پرخلاف دیو مجاهد غازي او ننګیالي شهید په څیر.

پای

امریکا د ...

وی چې ممکن امریکا او روس په ګډه دهغو قوتونو دقیادتونو پر ترور لاس پورې کړی چې هغوی په افغانستان کې یوازې دخدای او اسلام حکومت غواړی او دنه "ختیځ نه لویدیځ بلکې اسلامي امت" شعار پورته کوی، شاید دواړ طاقتونه دویلی او تل ابیب په ګډون دموږ منو قوتونو دمتلاشي کیدو او واړخطائی په پلیت نیت دهغو شخصیتونو دله منځه وړو تلاش وکړی چې زموږ ملت او انقلاب ته ئی خط او جهت ورکړی ؟

زموږ دټول انقلابیون او ملت باید په ټول شورا و ځوږ ددې مظاهره وکړی چې آرمان مودخدای (ج) رضا او په ګران افغانستان کې دخدای (ج) دنظام واکمنول دی او دی ته مو د رسیدو دمبارزاتي ستراتیژی دبنسټ ډبره "یا شهادت یا بریالیتوب" شعار وی او باید امریکا ته عملا" وښودله شي چې له یوه داسې قوت او داسې جبهې سره په دښمنۍ کولو لدی پرته چې له روس سره په رسوائي کې شریک شي بل څه به ئی تر ګوتو نشي.

انشاءالله

افغانستان په تیرو عیسوی میاشتو کی

ټولونکی اولیکونکی: عوض الدین "صدیقی"

افغانستان په تیرو عیسوی میاشتوکی:

دشفق مجلسی درنولوستونکو!

په لاندینوکرښوکی به ناسو د افغانستان په باب دهغوسیاسی جریاناتو نیټه په نیټه راټول شوی مطالب ولولی چی دروان عیسوی کال داپریل او مئ په میاشتوکی پیښ شوی دا هم دیا دولوړ بولم چی دا مطالب زیاتره دبهرنیو هیوادونودراډیوګانوا وخبرونوڅخه لاس ته راوړل شوی اوپکښی دځینونیټوتیر اوبیریدل دامکانه لری نه بولم په دی خاطر خپل معذرت دهغودلوستلوڅخه مخکی درته وړاندی کوم.

"صدیقی"

اپریل :

۱ اپریل ۱۲ وری: دایران دبهرنیو چارووزیر "ولایتی" په ماسکوکی دروسی مقاماتوا وګوربا چوف سره ترلیدووروسته دتهران په هوایی ډګرکی خبریا لانوته وویل ؛ په ماسکوکی دروسی مقاماتوسره دافغانستان مسئلی په باب خبری وشوی

۱۲ اپریل ، ۱۳وری : دمجاهدینو د عبوری حکومت صدراعظم استاد سیاف دیوی خبری شوی وینا په ترڅ کی وویل: روسان اوس هم په افغانستان کی خپلی مداخلی ته ادامه ورکوی .

هغه وویل : سکا دمیزائیل اوس هم روسی پوځیان ولی .

۱۲ اپریل – ۱۳ وری : دمجاهدینو عبوری حکومت شورا داتحا دپه دفترکی دافغانستان داخل ته دعبوری حکومت دانتقال په باب غونډه وکړه اولازم – تصمیمونه یی ونیول .

۱۳ اپریل – ۱۴وری: په اسلام آباد دکی دکاناډا سفیر دمهاجرینودستنیدلو په خاطردزراعتی پروګرامونودپرمخ وړلو لپاره دیوملیونه ډالردمرستی اعلان وکړ.

۱۳ اپریل – ۱۴وری : معتبروخبری منابعوروپوټوورکړچی (۱۹) تنه ماشومان

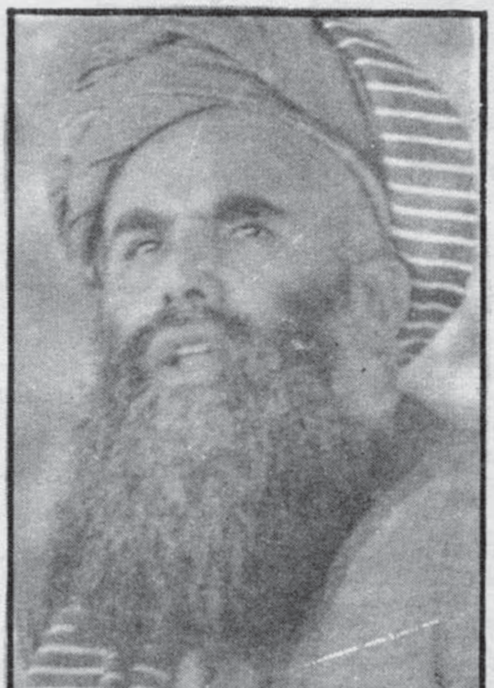

اوښځی هغه وخت ووژل شول چی غوښتل یی دجلال آباد ښارڅخه دپاکستان پرلور هجرت وکړی مګردکابل رژیم یی مخه ونیوله اوشهیدان یی کړل .

۱۴اپریل – ۱۵ وری: دکابل دګوډاګی رژیم دبهرنیوچارووزیر عبدالوکیل دامنیت شورا دمشر " الیګزیندسیلونو ګوف " په نوم یولیک واستاوه چی پکښی په اصطلاح دپاکستان دمداخلی څخه دسمدستی مخنوی په خاطرداامنیت شورا دغونډی رابللوغوښتنه شوی وه .

۱۵اپریل – ۱۶ وری: دپاکستان دبهرنیو چارووزارت یوه وینډوی دمطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی دکابل رژیم ټول تورونه کوم چی پرپاکستان یی لګولی وو رد کړل اوهم یی دامنیت شورا دمشر په نوم د "عبدالوکیل " لیږل شوی لیک وغانده کوم چی پکښی دافغانستان مسئلی په باب دامنیت شورا دسمدستی غونډی جوړیدوغوښتنه شوی وه .

۱۵اپریل – ۱۶ وری : دمجاهدینو دعبوری حکومت مشر په کویټی کی دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل :دروژی میاشتی په وروستیووورځوکی به حکومت دافغانستان داخل ته انتقال شی .

۱۵ اپریل – ۱۶ وری: دافغان مهاجرینو لپاره دملګروملتودمرستی کمیتی رئیس صدرالدین آغاخان په جینواکی دخپل کارپه دفترکی دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل : په افغانستان کی د جنګ دشدت له امله زموږکارونوپه پر مختګ کی خنډونه پیدا شوی .

۱۶اپریل – ۱۷ وری: دروسی مشرګوربا چوف انګلستان ته سفروکړا وهلته یی دروسیی په سفارت کی دانګلستان صدر اعظمی "مارګریت تاچر "سره دافغانستان مسئلی په باب خبری وکړی .

۱۶اپریل – ۱۷ وری: امریکا یی مقاماتو دافغان مجاهدینولپاره دسفیرپه رتبه دیوه غړی دلیږلوفیصله وکړه دامریکا د بهرنیوچارووزارت وینډوی داهم وویل : دا به ددی معنی ونلری چی موږدمجاهدینو حکومت په رسمیت پیژندلی، موږبه تر هغی داحکومت په رسمیت ونه پیژنوترڅو چی دافغانستان په زیاتروسیموتسلط نه وی ټینګ کړی .

۸ اپریل – ۱۹ وری: دپاکستان دبهرنیو چارووزیر صاحب زاده یعقوب خان دامنیت شورا مشرته دوکیل دخط په ځواب کی یو خط ولیږه اودوکیل داغوښتنه چی د افغانستان په باب ددامنیت شورا غونډه جوړه کړی وغندلــه .

۸ اپریل – ۱۹ وری : دآزادکشمیر مشر سردارقیوم خان دټولو اسلامی هیوادونو څخه وغوښتل چی دهندسره خپل روابط قطع کړی، ځکه هنددکابل رژیم سره مستقیمه مرسته‌کوی اودا پرافغانستان باندی مستقیم یرغل دی .

۹ اپریل – ۲۰ وری: ورورحکمتیار د حزب اسلامی امیر اودعبوری حکومت دبهرنیو چارووزیر دبنګله دیش هیواد ته سفروکړ اوهلته یی دجمهوررئیس حسین ارشاد سره ولیدل اوورڅخه یی غوښتل چی‌دمجاهدینو حکومت په رسمیت وپیژنی .

۸ اپریل – ۱۹ وری: دکابل رژیم ، دطورخم سرحد سره نژدی دسکاد په توغندی باندی دپاکستان یوه پوسته‌خانه وویشله اوزیات ځانی او مالی تاوان یی ورورساوه .

۹ اپریل – ۲۰ وری: دپاکستان په سیمه کی دسکاد توغندی دلګیدواخطار ور کړ .

۱۰ اپریل – ۲۱ وری: دامریکا دسناغړی اوپه‌سناکی دمجاهدینوکلک ملاتړکوونکی (همفری) دکابل رژیم داغوښتنه‌چی دکابل څخه دلیدنه وکړی ردکړه .

۱۰ اپریل – ۲۱ وری: دشوروی دبهرنیو چارووزیرشوراناد زی په ماسکوکی دپاکستان دصدراعظمی سیاسی مشاوریحیی بختیار سره ولیدل اودافغانستان مسئلی په باب یی ورسره خبری وکړی .

۱۰ اپریل – ۲۱ وری :معتبروخبری منابعوراپوټ ورکړچی امریکانه غواړی دکابل رژیم دبهرنیوچارووزیرته‌ویزه ورکړی ترڅوددامنیت په شوراکی ګډون و کړی اودا ځلورمه ورځ دی چی" وکیل "په ماسکوکی دویزی اخیستلوته په‌تمه‌دی .

۱۶ اپریل – ۲۷ وری: باخبرومنابعو دپاکستان دجمعیت علماء اسلام دعمومی منشی له‌خولی خبرورکړچی جمعیت علماء اسلام یوشمیردینی اوسیاسی مشران د وری په (۳۱)مه اسلام آباد ته‌راغوښتی او غواړی دهغوی سره دافغانستان مسئلی په‌باب خبری وکړی .

۱۷ اپریل ۲۸ وری: داسلامی کنفرانس نماینده دامنیت شوراغونډی ته‌دوینا په‌ترڅ کی وویل دکابل غیرقانونی رژیم بایدحکومت دمجاهدینوعبوری حکومت ته‌پریږدی ځکه چی هغه‌دملت له ملاتړڅخه برخمن ندی .

۱۷ اپریل – ۲۸ وری: دپاکستان دبهرنیو چارووزیرصاحبزاده یعقوب خان دمجاهدینو دعبوری حکومت مشرانوته‌دبهرنیوچارو وزارت کی یوه میلمستیا ترتیب کړه‌چی پکښی مجددی، استادسیاف اودعبوری حکومت دکابینی غړوګډون کړی وُ .

۱۸ اپریل – ۲۹ وری: دعبوری حکومت مشرمجددی اوصدراعظم استادسیاف د اسلام آباد په " ستهاوس " کی د پاکستان دجمهوررئیس غلام اسحق خان، دبهرنیوچارووزیرصاحبزاده یعقوب خان اودصوبه سرحداعلی وزیرآفتاب احمد شیرپاوسره دافغانستان مسئلی په‌باب خبری وکړی .

۱۸ اپریل – ۲۹ وری: دعبوری حکومت صدراعظم سیاف دافغان نیوزایجنسی سره په‌مرکه کی وویل : ملګری ملتونه‌که د افغانستان دبیاآبادولولپاره مرسته کوی نودعبوری حکومت دلاری دوکړی نه دمشکوکوذریعولولاری .

۱۹ اپریل – ۳۰ وری : دعبوری حکومت صدراعظم استادسیاف دملګروملتو د عمومی منشی په‌نوم یولیک ولیږه‌چی پکښی ددی غوښتنه‌شوی وُچی ملګری ملتونه دکابل ګوډاګی رژیم پرځای د مجاهدینودعبوری حکومت له‌لاری خپلی مرستی مهاجرینوته ورسوی، ځکه‌چی د افغانستان ملت دعبوری حکومت ترشا دریدلی .

۱۹ اپریل – ۳۰ وری: دپاکستان‌دجماعت اسلامی مشرقاضی حسین احمدپه‌اسلام آباد کی دیوه مطبوعاتی کنفرانس په‌ترڅ کی دپاکستان حکومت څخه وغوښتل چی د مجاهدینوعبوری حکومت په‌رسمیت وپیژنی

۱۹ اپریل – ۳۰ وری : دمجاهدینویو هیئت دا ستادربانی په‌مشری ایران ته سفروکړترڅوپه‌ایران کی دمیشتواتنه ګونی اتحادسره دعبوری حکومت په‌باب خبری وکړی اوهغوی دی ته‌چمتوکړی چی په‌عبوری حکومت کی ګډون وکړی .

۱۹ اپریل –۳۰ وری: دپاکستان دنشنل عوامی پارتی مشرخان عبدالولی خان د جنګ ورځپانی سره په‌مرکه‌کی وویل : افغانستان ته دروسی قواووبیاراتلل دقیاسه لری کاړندی .

۲۰ اپریل – ۳۱ وری: دعبوری حکومت مشر "مجددی" دپاکستان تلویزیون سره په‌مرکه‌کی وویل : عبوری حکومت به‌په څوورځوکی افغانستان ته‌منتقل شی .

۲۰ اپریل – ۳۱ وری: دجمعیت علماء – اسلام درخواستی ګروپ مشرسمیع الحق د وحدت اخبارسره په‌مرکه‌کی وویل: دافغانستان اوپاکستان پرسرحدی پوله باندی دملګروملتودنظارت پوستواچول روس ته دمجاهدینودلاس اوپښوتړلومعنی لری .

۲۰ اپریل – ۳۱ وری :په‌کابل کی د روسیی پرسفارت باندی دمجاهدینوراکټو نه‌ولګیدل او مالی تاوان یی ورواړاوه .

۲۱ اپریل – ۱ ثور : په‌ماسکو کی د روسیی یوه ویندوی اعلان وکړ: په کابل زموږپرسفارت باندی دلګیدلو توغندیوانتقام به‌واخستل شی .

۲۲ اپریل – ۲ ثور : ورورحکمتیار د حزب اسلامی امیر اودعبوری حکومت دبهرنیو

چا رووزیردخوهیوا دونوځخه ترلیدنـــــی وروسته په اسلام آباد کی دیوه مطبوعاتی کنفرانس په ترڅ کی وویل :په افغانستان کی دامنیت را وستلو یوا ځنی لاردعبوری حکومت په رسمیت پیژندل دی .

۲۲ اپریل ـ ۲ ثور : دپاکستان دبهرنیو چارو وزیر صاحبزاده یعقوب خان دبی بی سی راډیو سره په مرکه کی وویل : دمجاهدینو دعبوری حکومت په رسمیت پیژندلو کی دځه شرایطو پوره کولو ضرورت شته .

۲۳ اپریل ـ ۳ ثور : دمجاهدینو دعبوری حکومت مشر مجددی دپاکستان صدراعظمی بی نظیر بوټو سره دهغی په سکرتریت کی تقریباً یوساعت خبری وکړی پــد ی خبرو کی نصرالله بابر هم ګډون درلود .

۲۳ اپریل ـ ۳ ثور: دپاکستان صـدر اعظمی بی نظیر بوټو دپشا ورځخه دلیدنی په وخت هوا یی ډګر کی خبریا لانو ته وویل : دنجیب حکومت دله مینځه وړلو پرتـــه د افغانستان مسئلی سیاسی حل امــکان نلـــری .

۲۳ اپریل ـ ۳ ثور : دپاکستان دبهرنیو چارو وزیر صاحبزاده یعقوب خان دارد ن دولتی مقاماتو سره دافغانستان مسئلی په باب خبری وکړی .

۲۳ اپریل ـ ۳ ثور : دعبوری حکومــت مشر مجددی دپریزدکوئیا رپه نوم خـــط ولیږه چی پکښی راغلی و، په هیڅ شرایطو کی به دکابل رژیم سره دمخلوط حکومت جوړولو ته چمتو نشو ځکه هغه دافغانستان ددی ټولو بدبختیو مسئول دی .

۲۴ اپریل ـ ۴ ثور : دپاکستان دافریدو قبایلو مشرانو درخان دعبوری حکومت مشر مجددی سره ولیدل ،او ددی ژمنه یـــی وکړه چی قبایل به دنجیب حکومت تـــر نسکوریدو پوری دمجاهدینو ترڅنګ وی .

۲۵ اپریل ـ ۵ ثور : دامنیت شورا غونډه دلنډی وقفی وروسته بیا پیل شوه دغونډی دپیل کیدو په لومړی ورځ د نیپال او بنګله دیش نمائنده ګانـــو د کابل رژیم دا ادعاء چی ګواکی پاکستان دافغانستان په چاروکی مداخله کوی رد کـــړه .

۲۵ اپریل ـ ۵ ثور : دنیویارک تایمز ورځپانی خبرورکړچی دکابل رژیـــم د مجاهدینو ځینو قوماندانانو سره خبری کړی اودهغوی سره یی اوربندا علان کــــری . ورځپانی داهم لیکلی دجلال آباد جګړی سره جوخت په نوروسیمو کی دجګړی نه پیـــل کیدل هم دهمدی خبرو نتیجه ده .

۲۵ اپریل ـ ۵ ثور : معتبرو خبری منابعو رپوت ورکړچی دکانادا هیوا دیوه ډلـــه ښځینه ماهرینی به داوه ورځی وروستــــه پشاور ته راورسیږی ترڅو په کیمپونو کـــی د مهاجرینو ښځو ته دمینو نو دخنثی کولو چارو وروښیی .

۲۶ اپریل ـ ۶ ثور : دپاکستان جمهــور رئیس غلام اسحق خان په پاکستان کـــی د امریکا سفیر "اوکلی" سره ولیدل او د افغانستان مسئلی په باب یی دهغوی سره خبری وکـــړی .

۲۶ اپریل ـ ۶ ثور : دعبوری حکومــت مشر په اسلام آباد کی دشهید ضیاء الحـــق زامنو اعجازالحق او انورالحق سـره د افغانستان مسئلی په باب خبری وکړی .

۲۶ اپریل ـ ۶ ثور : معتبرو خبـــری منابعو رپوت ورکړچی دکابل رژیم بیا د ځینو دفترونو لیږل مزارته پیل کړی، او په نظرکی لری چی پایتخت مزارته منتقل کـــړی .

۲۷ اپریل ـ ۷ثور : دایران جمهور رئیس خامنه ای دمجاهدینو دعبوری حکـــومـــت هیئت سره چی داستادربانی په مشـــری ایران ته تللی و، دلیدو په وخت وویـــل : دافغانستان مسئله دایران لپاره زیات ارزش لری، او موږ به هیڅکله دلیدونکـــی په سترګه ورته ونه ګورو .

۲۷ اپریل ـ ۷ ثور : دملګرو ملتو دامنیت شورا غونډه چی دکابل رژیم په غوښتنــــه رابلل شوی وه ترڅو دهغوی ددی تورچـــی پاکستان دافغانستان په چاروکی مداخله کوی په خاطر دافغانستان او پاکستان پــه سرحدی پولو باندی دنظارت پوستی واچوی دکومی نتیجی پرته پای ته ورسیده .

۲۷ اپریل ـ ۷ ثور : دثور اوومه دورسک په کمپ کی دحزب لخوا دغندل شوه اود ـ غونډی برخوالوته وروزحکمتیار وینـــا وکړه ، ددی پرته پرکابل باندی هـــم مجاهدینو ددی ورځی دغندني په خاطـــر راکټونه وروېشتل .

۲۸ اپریل ـ ۸ ثور : په ایران کی میشته مهاجرینو دثور دا وومی ورځی دغندنی پـه خاطر یوه درنه مظاهره وکړه .

۲۸ اپریل ـ ۸ ثور : دپاکستان صـــدر اعظمی بی نظیر بوټو د "دیلی سنتمیـــن" ورځپانی سره په مرکه کی وویل: پـــه افغانستان کی دیوه پراخ بنسټیـــزه حکومت په جوړیدو سره امنیت راتلی شی.

۳۰ اپریل ـ ۱۰ ثور :وروزحکمتیــار د راولپنډی په مطبوعاتی کلوپ کـــی د ژورنالستانو او اخبارونو نمائنده ګانـــو یوی غونډی ته په وینا کی وویل :دهنـــد مداخله دافغانستان په چاروکی یـــوه ستره اشتباه دی ځکه داافغانستان دی نه سری لنکا .

مـــی ۹ :

۱ میٔ ـ ۱۱ ثور : دعبوری حکومت مشـر مجددی په هغه ما ښامنی ملمستیا "افطار پارټی" کی ګډون وکړچی دپاکستـــان د افریدو قبایلو مشرانو درخان لـه خوا ورته جوړه شوی و، او هغی ته یی دوینا کولو په ترڅ کی وویل : کمونیزم یوآفت و، چـی پښی لوخوا فغانانو دماتی سره مخامخ کړ.

۲ میٔ ـ ۱۲ ثور : دپاکستان دجمعیت علماء اسلام مشر مولانا فضل الرحمـــن د کراچی په هوایی ډګرکی دوروزحکمتیـا ر سره دلیدو په وخت دخپلی مرستی پرتداوم باندی ټینګار وکړ.

۳ میٔ ـ ۱۳ثور : دپاکستان دجمعیـــت علماء اسلام مشر مولانا فضل الرحمـــن د جنګ ورځپانی سره په مرکه کی وویل :موږ په افغانستان کی دیوه سوچه اسلامــــی حکومــت دجوړیدو غوښتونکی یو .

۴ میٔ ـ ۱۴ ثور : معتبرو خبری منابعو دامریکا " شیکاګو تربلیون"جریدی پـــه حواله خبرورکړ چی داسلامی ملی محاذ دنجیب حکومت سره خبری پیل کــــړی جریدی لیکلی : څوورځی دمخه احمدضیا دپیرسیداحمدګیلانی زوم، دکندهار لـــه لاری کابل ته، لاړ اودنجیب سره یی خبری وکـــړی .

۶ میٔ ـ ۱۶ ثور : په ملګرو ملتوکـــی د پاکستان سفیرشاه نواز دملګرو ملتـــود مشرپریزدکوئیا رپه نوم یولیک ولیکه چـی پکښی راغلی و، ، دکابل ګوډاګی رژیـم مستقیماً دجینوا معاهدی څخه سرغړونـــه کوی هغه داهم وویل : په تیره ورځ چی د مهاجر په کمپ باندی کوم دسکوټو غنـــدی ولګید (۴) تنه یی ووژل اودا دجینــــوا معاهدی څخه سرغړونه دی.

۷ میٔ ـ ۱۷ ثور :دوروزحکمتیار دحـزب امیراو دعبوری حکومت دبهرنیو چارو وزیر دحزب داجرائیه شورا ځینو غړو سره یوځــای په پشاورکی دټیپانو درو غتونونو څخــه لیدنه وکړه او ځینو ټپیانو ته یی نقـــدی پیسی ورکـــړی .

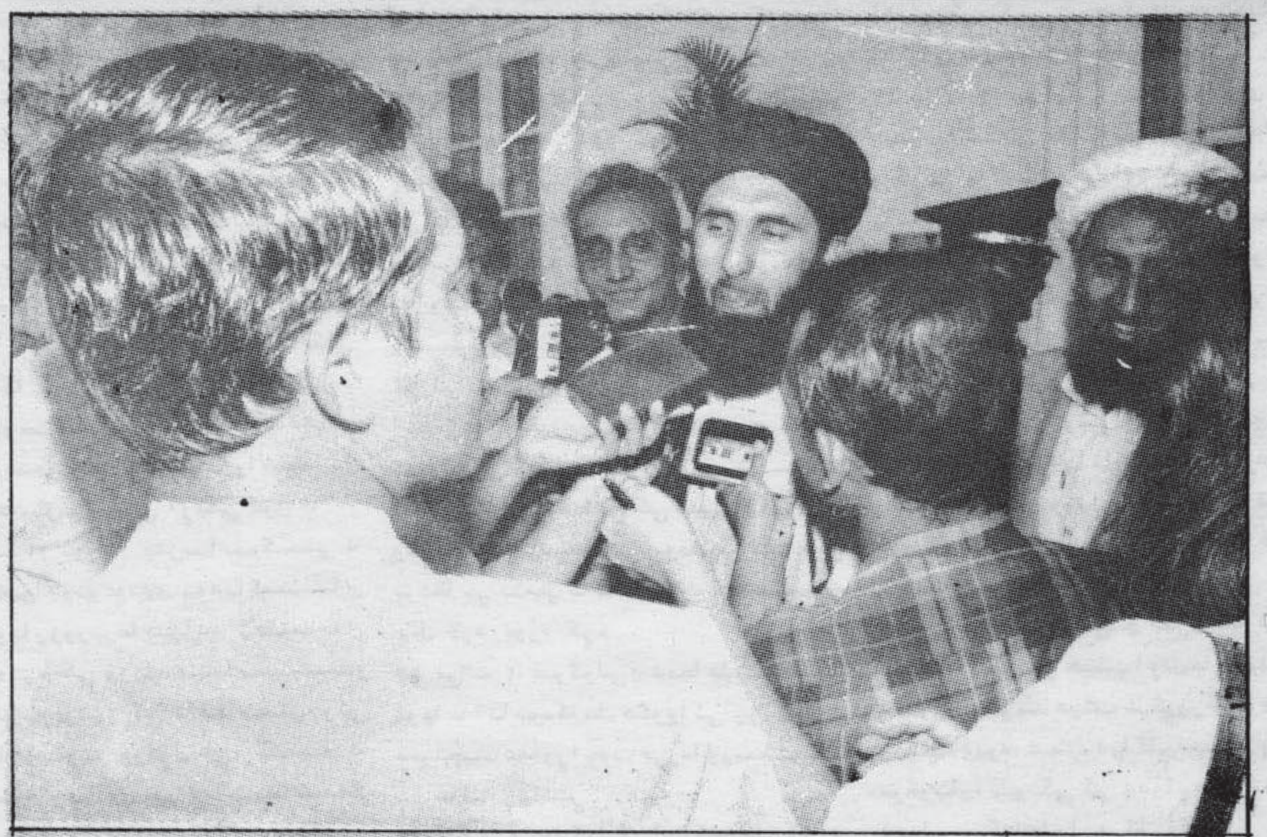

۹ مۍ – ۱۹ ثور : په ملګرو ملتو کې د پاکستان سفیر شاه نواز د ملګرو ملتو د عمومي منشي پریز د کوئیار سره ولیدو په وخت غوښتنه وکړه چې باید د روسیې او افغانستان پر سرحدي پوله باندې د ملګرو ملتو د نظارت پوستې واچول شي ځکه چې هره ورځ په زرها و درندې اوسپکې وسلې کابل ته د دې لارې راځي .

۱۵ مۍ – ۲۰ ثور : د مجاهدینو د عبوري حکومت منابعو خبر ورکړ چې په نظر کې لري د عبوري حکومت ځیني وزارتونه د کنړ ، خوست ، ارګون ، شمرخیلو ، او سپین بولدک سیمو کې ځای پر ځای کړي .

۱۱ مۍ – ۲۱ ثور : معتبرو خبري منابعو رپوټ ورکړ چې د کابل ګوډاګي رژیم پدې وروستیو کې د کیمیاوي ګازاستعمال لول بیا پیل کړی ، او پدې وخت کې د جلال آباد او ځینو نورو سیمو کې د اکار کړی .

۱۱ مۍ – ۲۱ ثور : ګراسیموف د روسیې د بهرنیو چارو وزارت وینډوی اعلان وکړ چې د روسي بندیانو د خوشې کولو لپاره یې هلې ځلې پیل کړی ، او پدې هکله یې د ملګرو ملتو ، کاناډا ، غربي آلمان ، صدرالدین آغاخان او یاسر عرفات څخه د مرستې غوښتنه کړی .

۱۲ مۍ – ۲۲ ، ثور : په کویټ کې د پاکستان د بهرنیو چارو وزیر صاحبزاده یعقوب خان د پاکستان د لوی درستیز مرزا اسلم بیګ د پوځیانو تربیتي غونډې ته په وینا کې وویل : مجاهدینو د خپلو مټو په زور روسان دهیواد څخه تیښتې ته مجبور کړل او نور زر به وي چې انشاءالله بریالیتوب ترلاسه کړي .

۱۳ مۍ – ۲۳ ثور : د جمعیت اسلامي مشر استاد برهان الدین رباني د ایران څخه تر راستنیدو وروسته د عبوري حکومت مشرته د خپل سفر رپوټ وړاندې کړ .

۱۴ مۍ – ۲۴ ثور : معتبرو خبري منابعو رپوټ ورکړ چې هند افغانستان ته د خپل یوه غونډ د لیږلو تیاری نیسي چې د هغوی شمیر (۳۰۰۰) تنه دی .

۱۵ مۍ – ۲۵ ثور : د پاکستان د بلوچستان صوبې وزیر اعلی بګټي دیوې مرکې په ترځ کې پدې باندې اعتراف وکړ چې پخوا یې د مجاهدینو څخه ملاتړ نه کاوه او دا غلط روش و ، هغه دا هم وویل : چې ما او س خپل سیاست ته تغییر ورکړی . او خپل سیاست مې پریښې .

۱۶ مۍ – ۲۶ ثور : د پاکستان د اسلامي جمهوري اتحاد یوه وینډوی په لاهور کې دیوې وینا په ترځ کې وویل : په افغانستان کې د هند د مداخلې په صورت کې به پاکستاني ولس او ورپه او ره د مجاهدینو تر څنګ وي .

۱۶ مۍ – ۲۶ ثور : پولینډ کې د کابل د ګوډاګي رژیم نظامي آتشي جنرال صبور "نظري" د خپلې کورنۍ سره یوځای په سوئزرلینډ کې سیاسي پناه واخیسته هغه خوور ځې د مخه د پولینډ حکومت څخه هم دا تقاضا کړې وه مګر د پولینډ حکومت نه وه منلې .

۱۷ مۍ – ۲۷ ثور : د مجاهدینو د عبوري حکومت سرچینو خبر ورکړ چې د مجاهدینو د عبوري حکومت د کابینې دریمه غونډه د افغانستان په داخل کې دائره شوه او د عبوري حکومت د کارونو د پرمختګ لپاره یې لازم تصمیمونه ونیول .

۱۷ مۍ – ۲۷ ثور : د پاکستان د بهرنیو چارو وزارت یوه وینډوی اعلان وکړ چې پاکستان به د ناپلیوهیوادونو او ملګرو ملتو په غونډو کې د مجاهدینو د عبوري حکومت څخه ملاتړ وکړي ، وینډوی وویل : صاحبزاده یعقوب خان د ناپلیوهیوادو غونډې کې د ګډون لپاره "زمبابیو" ته تللی او هلته به د دې هڅه وکړي چې د افغانستان چوکۍ د مجاهدینو عبوري حکومت ته ورکړل شي .

۱۸ مۍ – ۲۸ ثور : د کابل د ګوډاګي رژیم بله قلابي لویه جرګه جوړه کړه او په هغې کې د مجاهدینو قوماندانانو ته هم بلنه ورکړه مګر د مجاهدینو قوماندانانو دا غوښتنه رد کړه .

۱۸ مۍ – ۲۸ ثور : د پاکستان د اسلامي جمهوري اتحاد د مشر نواز شریف په چترال کې یوې انتخاباتي غونډې ته په وینا کې وویل : که بې نظیر بوټو حکومت پر ځای زما حکومت وی نو د مجاهدینو عبوري حکومت به مې په رسمیت پیژندلی و .

۱۸ مئ – ۲۸ ثور : دروسیې دعدلیې وزارت مرستیال او دروسیې دبهرنۍ پالیسي جوړونکې کمیټې غړي "ستروشنګې" دجنګ ورځپاڼې سره په مرکه کې وویل : که مجاهدین جلال آباد یا کابل فتحه هم کړي او دنجیب حکومت دمینځه یوسي بیا به هم روسان خپل پوځونه راونلیږي .

۱۹ مئ – ۲۹ ثور : دبرتانیې د "مینز دیفنس" اونیزې خبرورکړچې ددې امکان شته چې دکابل رژیم پوځیان په خپله د نجیب حکومت له مینځه یوسي، ځکه دهغوی اکثریت دنجیب حکومت څخه ناراضه دي او دمجاهدینو سره پټې اړیکې لري .

۲۰ مئ – ۳۰ ثور : په زمبابیوکې د ناپلیو هیوادونو غونډې ته دپاکستان دبهرنیوچاروو زیرصاحبزاده یعقوب خان دوینا په ترڅ کې وویل : دناپلیو هیوادونو په غونډه کې دافغانستان چوکې باید مجاهدینو ته ورکړل شي، ځکه د مجاهدینو حکومت دی چې دملت نماینده ګي کولی شي .

۲۰ مئ – ۳۰ ثور : په پشاورکې دمجاهدینو دائتلاف په حویلي کې دایران داته ګوني اتحاد هیئت اودعبوري حکومت هیئت په عبوري حکومت کې داته ګوني اتحادګډون په باب چې مرکزیې په ایران کې دی دری ساعته پرله پسې خبرې وکړې .

۲۱مئ – ۳۱ثور : دکابل ګوډاګي رژیم دلوی جرګې په دوران کې یودری کسیزه هیئت ددې په خاطروټاکه ترڅو دظاهرشاه له طرفدارانوسره دیوه ائتلافي حکومت دجوړیدوپه باب خبرې وکړي .

۲۲مئ – ۱ غبرګولی: دپاکستان دبهرنیو چارووو زیرصاحبزاده یعقوب خان د "سنا" غونډې ته په وینا کې وویل: په افغانستان کې باید دجینوا معاهدې سره سم یوپراخ بنسټیزه حکومت جوړشي هغه داهم وویل : په اوسنیوحالاتوکې دعبوري حکومت په رسمیت پیژندل دوخته مخکې کاردی .

۲۳ مئ – ۲ غبرګولی: دپاکستان صدر اعصمی بی نظیربوټودواشنګټن پوست سره په مرکه کې وویل : تردې وروسته د افغانستان په مسئلې کې بنسټیزرول – ولوبولې، اودپخوانې موقف پرعکس چې پرنظامي بنسټ باندې ولاړو، دسیاسي حل لاره غوره کړم .

۲۳ مئ – ۲ غبرګولی: دمجاهدینو قوماندانانودکابل دګوډاګي رژیم د مشرنجیب هغه وړاندیزچې داوربند غوښتنه یې کوله ردکړ .

۲۵ مئ – ۴ غبرګولئ دپاکستان د "آئی، اسی، آئی" اداري مشرجنرال حمیدګل دوظیفې ایسته کړای شواوپرځای یې یومتقاعدجنرال ته دادنده وسپارل شوه .

۲۵مئ – ۴ غبرګولی: وروررحکمتیار دحزب اميرا ودعبوري حکومت دبهرنیو چاروزیردپکتیا ، اوننګرهارولایتونو د آزادوسیموترلیدلووروسته چې تقریبا" (۱۵)ورځې پکښې تیرې کړې بیرته پشاور ته راورسید .

۲۶ مئ – ۵ غبرګولی :معتبروخبری سر چینودپاکسانی مقاماتوله خولې ګذارش ورکړچې پاکستان غواړي دافغانستان په مسئلې کې دبهرنیوچاروو زارت نقش زیات کړي اوپدې هکله دمجاهدینوته ویلي چې ټول کارونه دبهرنیوچار و وزارت له لارې سرته ورسوی نه دبیلابیلو خاصوادارولہ لارې .

۲۷ مئ – ۶ غبرګولی : دمهاجرینولپاره دپاکستان له خوا ټاکل شوي کمشنردیو ی وینا په ترڅ کې وویل : دروسیې قواد تروتلووروسته تر (۶۰) زروزیات خلک پاکستان ته را مهاجرشوي .

۲۸ مئ – ۷ غبرګولئ : په ایران کې د میشته اته ګوني هیئت اودمجاهدینو دعبوري حکومت هیئت ترڅوورځینوخبرو وروسته دیوه هیئت دټاکلوفیصله وکړه ترڅوپه راتلونکې کې ددواړوخوادخبرو ددوام ورکولولپاره کاروکړي .

۲۸ مئ – ۷ غبرګولی :دپاکستان صدر اعظمې بی نظیربوټودیوی وینا په ترڅ کې وویل د"آی ،اسی، ای " اداري مشر لري کول به دافغانستان په مسئلې کې دپاکستان په دریځ کې څه بدلون رانولي

۳۰ مئ – ۹ غبرګولی: دپاکستان جمهوررئیس غلام اسحق خان د"ملي دفاع کالج" فارغانوته دوینا په ترڅ کې وویل پاکستان دافغانستان مسئلې په باب

خپلې تګلارې ته تغیرندی ورکړی او پدې باب قیاس غلط دی .

۳۱ میٔ – ۱۰ غبرګولی: دپاکستان دجماعت اسلامی مشرقاضی حسین احمد د "انستیتوت آف افغان افیرز" له خوا جوړې شوې غونډې ته په وینا کې وویل : دعبوری حکومت دپه رسمیت پیژندلو لپاره په یوعوامی تحریک پیل کړم، ترڅو د پاکستان دهری کوڅې څخه دآوازاوچت شي چې دمجاهدینو عبوری حکومت په رسمیت وپیژني .

۳۱میٔ – ۱۰ غبرګولی: دپاکستان معتبرو سرچینو خبرورکړچې دسه شنبې په ورځ چې دجوزا (۱۶) سره سمون خوری یوه درنه غونډه دغلام اسحق خان په مشری دافغانستان مسئلې په ارتباط جوړه شوې وه ...

نستان مسئلې په ارتباط جوړیدونکې دی پدې غونډه کې به دبې نظیربوټوسره څېنې نورپاکستاني لوړرتبه مامورین هم ګډون وکړي .

۳۱میٔ – ۱۰ غبرګولی: دلندن دنیترل ایشین استدیزیز" رپوټ ورکړچې دا خبره ربښتیاده چې اوس هم په کابل کې روسان موجوددی اودنجیب رژیم دبقا لپاره کارکوی .

دسورچلونوخبرونه

طیاره میګ (۲۷) مربوط روسیه توسط مجاهدین دربلغ سرنگون گردید .

بلخ :

طیارات روسیه هنوزهم دربمباردمان سنگر های مجاهدین غیورومسلمان کشورما سهم فعال گرفته وازهیچ عمل فجیع وضد انسانی دریغ نمی ورزند .

طبق گزارشهای واصله ازحوزه حضرت بلال (رض) حزب اسلامی افغانستان درولایت بلخ اخیراطیارات جنگی میگ (۲۷) روسیه ازمیدان نظامی شهر ترمز پرواز نموده درساحات چمتال ، یلمان وعبدالرحیم زائی سنگر های مجاهدین راتحت بمباردمان شدیدقراردادند .

مجاهدین غیور درسنگر قاضی سراج الدین باکاربرد سلاحهای ضدهوائی خویش توانستند یکی ازطیارات روسیه راکه دربمباردمذکو رسهم گرفته بود مورد هدف قرارداده ودرساحه پشت باغ سرنگون سازند .

گزارش می افزاید : بعداز سقوط طیاره مجاهدین ومردم محل بمحل سانحه رفته بدنه پارچه های طیاره سرنگون شده رامشاهده کردند درجریان آن ازجیب پیلوت طیاره که تبعه روسی وکشته شده بود (۵۳۲) روبل واسناد دیگر نیز دریافت شده که هویت روس بودن وی را مبرهن می ساخت .

طبق یک گزارش دیگر : مجاهدین بیدارحوزه حضرت بلال (رض) ولایت بلخ عده ازافراد خاد وجاسوسان رژیم ملحد کابل را درمناطق ازادشده ولایت بلخ هنگام فعالیت به نفع رژیم ملحد دستگیرنموده بعدازتحقیق وبررسی اسنادعمده ازانها بدست آمده که اکنون تحت محاکمه قرارگرفته اند .

###

په سریلانکا کې (هندي اشیاو وپراخیستوبندیز لګولو اعلان

راولپنډی – دجوزا ۲٤مه :

دسریلانکا یوه تنظیم په هغه هیوادکې اعزازي پاسپورت درلودو نکو هندي اوسیدونکوته له سریلانکا څخه دوتلو خبرداری ورکړی دی .

ددی اخطار له مخې ټول هندي سفارت کاران یوه هوټل ته انتقال شوي او ټولو هندي اوسیدونکوته هم هوټلونو ته دانتقالیدو هدایت ورکړل شوی دی .

همدارنګه نوموړي تنظیم دټولو هندي اشیاو پراخستیلو دبندیز لګوني اعلان کړي او دراتلونکې چهارشنبې په ورځ ئې دعام اعتصاب غوښتنه کړې ده .

ددې هیوادیوه بل مذهبي تنظیم له سریلانکاڅخه دهندي لښکرودژرترژره وتنې غوښتنه کړې اودهندي لښکروپه لاس متاثره شویو کورنیو ئې دهندي حکومت له خوا دمعاوضې ورکولو غوښتنه کړې دی .

به مظاهره کنندگان خلاف حکومت چین سزای مرگ داده می شود (دینگ سیاوپنگ)

پیکنگ ۲٦ جوزا :

رهبری حکوم ، موجوده چین گفته است که جهت ختم کردن تظاهرات احتجاجی سراسری ،رهبران عمده تظاهرات سزای مرگ داده شودبه همین منظوردرچین دستگیری های زیادی صورت گرفته است .

طبق خبر ، دینگ سیاوپنگ رهبرفعل حزب کمونست احکامی صادرکرده که مطابق آن بایدبه اغتشاش کنندگان وتخریبکاران سزای سخت داده شود .

قراریک خبردیگر روز گذشته دریک محکمه ریاست شنگهای به دوتن ازکارکنان دولت ویک شخصیکه شغل رسمی نداشت سزای مرگ داده شد گفته

شده که این (۳) تن به جرم تخریب کاری درقطارآهن که درنتیجه آن (٦) تن هلاکت رسیده بودند محکوم به اعدام گردیدند .
ازجانب دیگر حکومت آلمان غرب ازچین مطالبه نموده تا به سلسله اعدام ها پایان دهد .
***

امریکا بعدازین به مهاجرین افغانی ویزه نمی دهد .
لندن ـ ۲۷ جوزا :
ایالات متحده امریکا دروازه های خودرا بروی مهاجرین افغان مسدودنموده گفته می شودکه حکومت ایالات متحده به سفارت خانه ها وقونسل خانه های خود سفارش نموده تابعدازاین درخواست های افغانها را مبنی برپناه سیاسی درامریکا قبول ننمایند .
یکتن ازمبصرین نظرداده است که فیصله ندادن ویزه به مهاجرین افغان بعدازدیدارپی نظیربوتو ازایالات متحده امریکا صورت گرفته .
***

مذاکرات روسیه وامریکا برموضوع افغانستان درماه آینده آغازمی گردد .
راولپندی ۲۷ جوزا :
دفتر امورخارجه امریکا درواشنگتن اعلان کرده است که مذاکرات روس وامریکا روی مسئله افغانستان درماه آینده دوباره آغازمی یابد .
قرارگفته رادیو (بی بی ـ سی) بعداز خروج ارتش روسی از افغانستان این اولین دورمذاکرات بین امریکا وروسیه خواهدبود .
گفته میشودکه فیصله مذکوربعدازملاقات هفته گذشته بین جورج بش رئیس جمهورامریکا وبی نظیربوتو صدراعظم پاکستان صورت گرفته است .
***

سیاست اصلاح گرانه درچین ادامه خواهدیافت
پیکنگ ـ ۲۷) جوزا .
سخنگوی دولت چین درپیکنگ گفته است که کشوروی سیاست اصلاحات راادامه می دهد وباوجود وضع موجوده وبحرانی درچین دروازه های این کشور بروی سرمایه گذاران خارجی بازاست .
موصوف ضمن مصاحبه باپک شبکه تلویزیونی ایالات متحده امریکا اظهارامید واری کرد که تاجران وسرمایه کاران امریکائی که دردوران شورش فعل چین ازآن کشورخارج شده اند پس ازدریافت حقیقت جریانات وعادی شدن اوضاع دوباره برخواهند گشت .
ترجمان مذکور علاوتاً گفته است که اگر افراد خارجی وضع درست درچین را بپذیرند پس یقیناً آنها سرمایه کاری خویش رادرچین افزایش می دهند .
***

یورش روس برافغانستان مجرمانه بوده است .
سخاروف
اسلام آباد ـ۲٦ جوزا .
درجریان جلسات کانگریس روسیه مسئله افغانستان نیز تحت بحث قرارگرفت .
گفته شده که دراین بحث «سخاروف» یکتن ازرهنمایان ناراضی روسیه راجع به مسئله افغانستان بیانیه ایراد کرد ولی عده ازاعضای کانگریس که درآن جمع عده ازمعیوبین جنگ افغانستان نیز حضور داشتند ، بربیانات وی انتقاد گرفتند .
سخاروف گفت : هنگامیکه مابخواهیم روی مسئله افغانستان بحث نمائیم بایدکوشش نمائیم تاثابت سازیم که

تروهیت حمله روس برافغانستان مجرمانه بوده است که برای مابشرم آوراست وختم شدن قطعی این سلسله لازمی است

امضاء رسیده فراهم نگردیده باشد ارتش هندوستانی ازسریلانکا خارج شده نمی تواند .
قابل یادآوری است که تقریباً (٤٥) هزار تن سرباز هندی بنام «آرتش امن وصلح» درسریلانکا زندگی دارند
***

دپرینکوف دنجیب سلاکار دی ، دمغه هیڅ خبره هیڅ کله هم نده ردشوې .
نوی ډیلي ـ دجوزا ۲٤ مه :
دکابل مزدوررژیم له پرځ حضه پوه راتلاډیدلی صاحبمنصب ویلي چې یو روسي جنرال دنجیب ، سلاکاردی اوهغه ته مشوره ورکوي ، اوترڅنګه پوري داسي ندی شوې چې دمغه خبره نه وي منل شوی .
نوموړي پرځني صاحب منصب «محمداکبرندا» ددې مشاور نوم «دپرینی کوف» وښود .
محمداکبر په نوي ډیلي کي پوه مطبوعاتي کنفرانس ته په خپله وپناکي وویل چې دیلي ته ترراتلو دمخه ده دتورین جنرال ، رتبي ته ترفیع کړې ده او ادعاوکړه چې ده ته دمزدوررژیم دپرځ مخفي اسناد و په لاس ورغلل و اودغه مخفي اسنادوله مخې د(۱۹۸۸) کال دسپتمبرله میاشتي څخه د(۱۹۸۹) کال دمارچ ترمیاشتي پوري له دوه نیم لکه پرځ څخه (٤۰۰۰۰) تنه دستګیرشوي دي دافغانستان د(۳٦۰۰۰) کلیوالوبانددوځخه پرازي (٤۰۰۰) دنجیب ترسلطي لاندي دي دجنګ په نتیجه کي لس زره کلي وران شوي اوپه پاتي نورو باندي دمجاهدینو تسلط دی .
ده همدارنګه وویل چې نجیب پرخپل ګوندکي له پوره ملاتړ څخه برخمن ندی اوکه دده روسي مشاوروسره نه وي نوردپاسته په کرسي کې پاتې کیدل ګران کاردي .
***

چهارتن صاحب منصب کشته وهشت نفرعسکراسیرگردیدند
اخبارواصله ازولایت بلخ می نگارد : که دراثر عملیات های پیهم مجاهدین ولسوالی چمتال به تاریخ (۱۳٦۸/۲/۱۸) دربالای پوسته های قریه سرآسیا چهارنفرصاحب منصب خادکشته وهشت نفرعسکربه اسارت درآمدند .
گزارش می افزاید : که این عملیات مدت چهارساعت به طول انجامید وسرانجام دوپوسته دشمن فتح گردیده سه میل کلاشینکوف ویک میل ماشیندار خفیف به غنیمت مجاهدین درآمد .
وهکذا طی عملیات دیگری دربالای خادستان قریه سرآسیا چهارمیل سلاح غنیمت گردید .
***

دشکردري په سیمه کي ددښمن «ممتاز» نومي ګوندمومنو مجاهدینو په لاس فتحه شو .
کابل : دحزب اسلامي اتلو مجاهدینو دکابل ، چاریکارپرکرپه کړ دشکردري ولسوالي په سیمه کي ددښمن «ممتاز» نومي غونډ فتحه کړه .
دکابل ولایت څخه په رارسیدلو خبرونوکي ویل شوي چې مجاهدینو دځوورځو راهیسي دشکردري په سیمه کي ددښمن «ممتاز» نومي غونډترمحاصري لاندي نیولی و اوبلاخره یې دمحاصري کړی په تنګولو سره دروان کال دغبرګولي میاشتي په (۱۰)مه نیټه په نوموړي غونډباندي تعرض پیل کړ چې دڅوساعته پرله پسې عملیاتو وروسته نوموړی غونډ دمجاهدینو په لاس فتحه

اودغه په ترڅ کي مجاهدینو ددښمن (۷) ټانکونه (۳۰) تلفیه وسیل او(٦۰) تنه صاحب منصبان بیره دوسلو ژوندي ونیول
بلخ : دشولګر ولسوالي اتلو مجاهدینو دپیکاندري ، په سیمه کي ددښمن امنیتي پوستي وځپل .
دبلخ ولایت څخه په رارسیدلو خبرونوکي ویل شوي چې دشولګر ولسوالي اتلو مجاهدینو دروان کال دشورمیاشتي په (۲۹) مه نیټه دپیکاندري ، په کنل کي ددښمن امنیتي پوستي ددرندو وسلو تراورلاندي ونیول چې دغه په ترڅ کي ددښمن دزیات شمیر افراد و دوژل کیدو سربیره دوتنو دوسلو سره یرغمای څانونه مجاهدینوته تسلیم کړل .
خبرزیاتوي : پدې عملیاتوکي مجاهدین ته سوم څانتي لومالي تاوان ندي رسیدلی او عملیات اوس هم روان دي .
***

دبغلان ولایت د(۱۰) (۱۱) (۱۲) نمبر سرك امنیتي پوستي مومنو مجاهدینو فتحه کړي .
بغلان : مامورخپورددبغلان ولایت اتلو قوماندان دڅوساعته عملیاتو په ترڅ کي ددښمن د(۱۰) (۱۱) (۱۲) نمبرسرك امنیتي پوستي فتحه کړي .
دبغلان ولایت څخه په رارسیدلو خبرونوکي ویل شوي چې مجاهدینودروان کال دغبرګولي میاشتي په (۱٦) مه نیټه دمامورخپورترقوماندي لاندي ددښمن د(۱۰) (۱۱) (۱۲) نمبر سرك امنیتي پوستي ددرندو وسلو تراورلاندي ونیولی . چې دغه په ترڅ دنوموړو سرکونو دری امنیتي پوستي دمجاهدینو په لاس فتح شوي .
خبرزیاتوي : ددې عملیاتو په ترڅ کي ددښمن دوژل شو افرادو سربیره (۲۰) میله کلاشینکوف ، یوه میل زیکاویك اویوه میل هاوان مجاهدینو په غنیمت ونیول .
خبرپه پای کي لیکي : ددې عملیاتو په ترڅ کي ددښمن څوارلس تنه ژوندي نیول شوي اودمجاهدینو څخه یوتن دشهادت لوړ مقام ته رسیدلی اوپنځه تنه ټپیان شوي .
اناالله وانااليه راجعون
***

عملیات موفقانه مجاهدین درولایت بلخ :
بلخ :
مجاهدین دلیرغند شهید صوفی امیرگل مربوط حوزه حضرت بلال بلخ حزب اسلامی افغانستان درساحه مختلف ولایت بلخ عملیات دلیرانه وموفقانه انجام داده است .
طبق گزارشهای واصله به اداره شهادت : این مجاهدین پاکدل اخیراً ساعت یکی روز برپوسته های دولت ملحد واقع قریه گرمك درمسیرشاهراه عمومی کابل حیرتان عملیات شروع نمودکه الی پنج عصردوعراده تانك زرهي وشش عراده موتر تکیه ازبین برده شد ودوموترد یگر باسلاحهای متنوع به غنیمت گرفته شده است .
همچنان این مجاهدین باشهامت برپوسته دولتی درمرگین تپه بلخ عملیات نموده که درنتیجه آن (٤) تن ازکمونستها کشته وعده دیگران زخمی شده اند .
گزارش حاکیست دریکی ازعملیات دیگر یک درطول شاهراه توسط همین مجاهدین انجام پذیرفت دوعراده موترنقلیه نظامی به آتش کشیده وتخریب گردید ، سرنشینان ان نیز ازبین رفته است .
***

یك صاحب منصب و(۱۲)نفرعسکردرولایت پروان اسیرشدند .
راپورهای رسیده ازولایت پروان حاکی است که مجاهدین مرکز پروان به تاریخ ۱۳٦۸/۲/۷ دریك حمله

غافلگیرانه یک موتر نفربر رژیم کابل راکه حامل یک صاحب منصب و(۱۲) نفرعسکر بودند درجوارشهرچاریکار غنیمت نمودند و صاحب منصب مذکوربا سائرعساکردراسارت مجاهدین درآمدند دربن عملیات مجاهدین (۲۵) میل کلاشینکوف ، (۳) میل راکت (آر- پی - جی (۷) (٤) میل ماشیندار ثقیل (٤)میل سلاح نارنجک انداز ، (۱۲) میل تفنگچه رابه غنیمت گرفتند.
درگزارش علاوه گردیده که اسراتحت تحقیق قراردارند.

***

چهارعراده تانگ باسرنشینان آن طعمه حریق گردید.
گزارشات رسیده ازولایت بغلان مشعراست که مجاهدین مومن ولسوالی پلخمری به تاریخ (۲۰) جوزا (۱۳٦۸) دربالای پوسته های به اصطلاح امنیتی کاروان های رژیم کابل درشاه راه عمومی کابل حیرتان عملیات گسترده راانجام دادنددرنتیجه این عملیات چهارعراده تانگ وتعداد زیادموترهای نقلیه تخریب وطعمه حریق گردیدند.
درگزارش علاوه می کند که سرنشینان وراکبین آن نیز به هلاکت رسیدند.

روسا نودکا بل رژیم تەکیمیا وی وسلی ورکړی :
کەڅەهم چی ځینی کسا نوا وځینیٔمنابع لەا فغا نستا ن څخه دروسا نودوتلوسره جوخت خپل فکرونەا وقضا وتونەبدل کړ ی اودروسا نودا عمل یی دهغوی دوا قعبینی اودمسکوپەسیا ستکی دبدلون را تلونبنه بللی اوپەهمدی تنا سب یی دا فغا نستا ن دمجا هدوخلکودمبا رزی تدا ومنا جا یز انگیرلی خووا قعیت بل څەوا یی،روسانو سربیره پرهغووسلوچی دا فغا نستا ن د تخلیی پەوخت یی خپل مزدوررژیمتە پریښودلی لگیا دی ترپخوا لاوژونکی او خرا بوونکی وسلی دکا بل رژیمتەچی دڅو محدودولەخلکورتهل شویوٴسړی وژونکوځیرو څخه جوړشوی ورکوی، پەهمدی لړی کی
روسا نوپەدی وروستیوورځوکی دکا بل کمونیستا نوتەکیمیا وی وسلی ورکړی .
دا وحشتنا کی وسلی عبا رت دی لە (سکا ډ۳) را کټ ا وډول ډول لاسی بمونوڅخەچی د چا ودیدلوپەوخت کیمیا وی گا زتری راوځی (سکا ډ۳) را کټ چی د ...۵متروپەشعا ع ا ثر کوی دچا ودیدلووروستەیوډول کیمیا و ی گا زخپروی چی دهغو پەا ثردلسودقیقو لپا رە دسیمی ا کسیژن ورکیږی ا وهر ا نسا ن چی پەهغی سیمی کی وی لەخولی اوپزی یی وینی راځی ا ومرکیږی. د کا بل مزدوررژیم تەددی ډول ډا روونکو اوا نسا نی ضدوسلوبرا برول څرگندوی چی روسا ن لاهما غسی زموږدملت پەوژلوبوخت دی ا ودهغوی پرضدجها دزموږدمظلوم ملت مسلم حق دی .

معرفی مختصر شهیدان راه‌حق

(ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله امواتا بل احیاء ولکن لاتشعرون)

(صدق الله العظیم)

۱۰۱– شهیدرفیع الله "نصرت" :

شهیدرفیع الله "نصرت" فرزندنصرالله خان ۲۲ سال قبل دریک خانواده متدین درقریهٔ ذیولات علاقداری جلریزولایت میدان وردک چشم بدنیا کشود. موصوف باروی کارآمدن دولت کمونستی در افغانستان به‌فعالیتهای تحریکی ضد کمونستی دست زدودرسال ۱۳۵۹ به‌جهاد مسلحانه‌دست برد درسال ۱۳۶۲ راه‌هجرت درپیش گرفت وبنا برمشکلات اقتصادی مدت شش ماه بحیث انضباط دردفترحزب اسلامی افغانستان ایفای وظیفه نمود وبعداً عازم ایران گردید پس ازگذشت یک سال واپس عازم پشاورگردیده‌و در مکتب سیدجمال الدین افغانی شاگرد صنف هشت گردید. پس ازختم سال تعلیمی عازم جبهه حق علیه باطل گردیده‌مدت سه‌سال بااستواری وپایمردی در برابرحملات ددمنشانه‌روسها ومزدوران شان ایستاددرسال ۱۳۵۷ بنا برمعاذیری بضوب پشاورهسپارگردیداً ما قبل از رسیدن به‌پشاوردرعرض راه‌به‌کمین ناجوانمردانه عمال دولت مزدوردچار شده دراوایل ماه‌مبارک رمضان ۱۳۶۷هـ‌ش جام شهادت نوشید.

روحش شادویادش گرامی باد

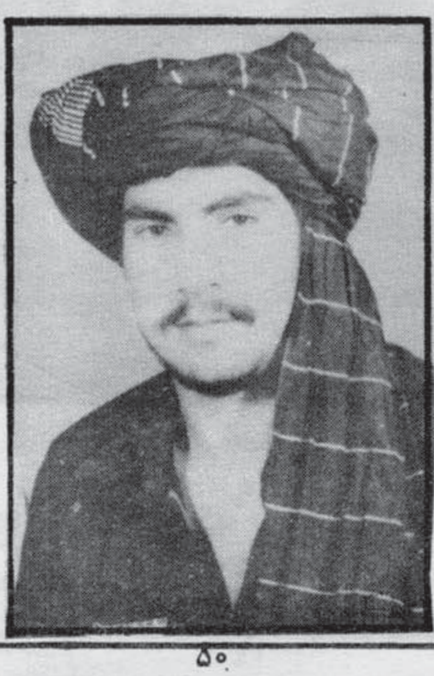

– شهیدجان محمد "جهادوال" دمرحوم نورمحمدخان زوی دننگرهارولایت د رودا تودولسوالی دکوټ دطاوس خیلو د کلی په‌یوه دیندار ه کورنی کی — زیږیدلی ابتدایی زده‌کړه‌یی دکوټ په‌ابتدایی سوونځی اوثانوی زده‌کړه‌یی تردولسم ټولګی پوری داسمعیل خان په‌لیسه کی ترسره‌کړه‌اوکله‌چی ددولسم ټولګی ځخه خلاص شونودکمونستانولخوا بندی شواودیوی مودی بندی خانی تیریدوځخه وروسته‌خلاص شواوبیا یی د شهیدنادرخان سره‌یوځای په‌وسله‌وال جهادلاس پوری کړه دخپل جهادپه‌اوږدو کی یی زیات فتوحات ترلاسه‌کړه‌اوزیات کمونستان یی دجهنم داورخوراک کړه‌دغه وروردا مام ابوحنیفه دقرارګاه دتکړه اوسرتیرومجاهدینوځخه‌شمیرل کیده‌بالاخره دلس کلن وسله‌وال جهاد ځخه وروسته دشمرخیلوپه‌سیمه‌کی دیوی اوږدی اودوام داره‌جګړی ځخه‌وروسته د۱۳۶۷ کال دحوت په ۱۲مه‌نیټه‌په‌شهادت

ورسید او خپل تاریخی یادگاری ملت
ته په زرین لیک پریښود.

انا لله وانا الیه راجعون

۵۲ – شهید مول الدین :

شهید معلم مول الدین فرزند حاجی
خیرالدین مسکونه قریه غریب آباد مرکز
ولایت بامیان درسال ۱۳۳۰ دریک فامیل
متدین چشم بدنیا کشود. ودرسال ۱۳۴۸ از
صنف ۱۲ لیسه بامیان فارغ وبحیث
معلم درمربوطات ولایت بامیان ایفای
وظیفه می کرد.
موصوف درسال ۱۳۵۶ با نهضت اسلامی
ارتباط قایم کرده بود.
برادر شهید از زمان آوان جهاد مسلحانه
علیه ملحدین با همکاری همه جانبه با
سنگرهای جهاد وظیفه اسلامی خودرا انجام
میداد وبالاخره درحین محاصره مرکز
ولایت بامیان بتاریخ ۲۰ر ۵ ر ۱۳۶۷ به
اثر بمباردمان قوای کفرجام شهادت
را نوشید.

انا لله وانا الیه راجعون

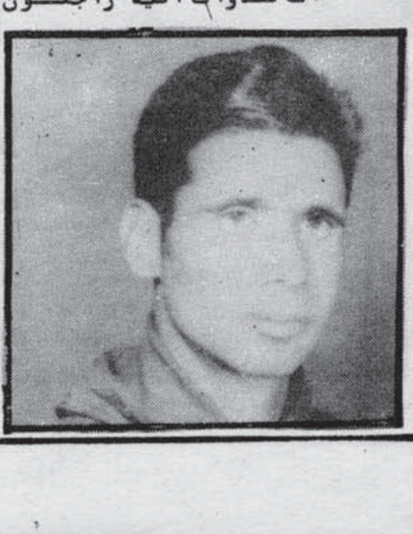

۶۴ – شهید عبدالباعث دعبدالمغیم
زوی دلغمان ولایت دبدیع الابا داوسیدو
نکی چی په یوه دینداره اومذهبی
کورنی کی زیږیدلی که څه هم دغه وروړد
کوم لوست اولیک خاوندنه وخوبیا هم د
پوره ایمان اوکلکی عقیدی خاوندو او
دسرتیرومجاهدینوڅخه شمیرل کیده
دغه مجاهددهغه قهرمان شهیدشحرگل
وراره وٴ چی په ۱۳۵۸ کال کی یی دپیل
چرخی په سړی خورزندان کی یی کامیاب
عملیات سرته ورسول، اودخپلی کورنی
دوهم شهیددی بالاخره دڅوکاله عملی
جهادڅخه ورسته د۱۳۶۷ کال دعقرب په
څلورمه نیټه دمنگودولسوالی دفتح کولو
نه وروسته ددښمن دیومین دچاودنی په
واسطه دشهادت لوړي درجې ته ورسیدا و
خپل یادگاریی ملت ته په زرین لیک
پریښود.

انا لله وانا الیه راجعون

شهید سید عتیق الله فرزند مرحوم سید
محمدکبیر درسال ۱۳۴۳ درقریهٔ میرهاء
ولسوالی چاردهی ولایت کابل دریک
خانواده متدین چشم بدنیا کشود. درسال
۱۳۵۰ به سن هفت سالگی شامل لیسه
محمود طرزی گردید نظر به شوق وعلاقهٔ که
داشت بعدازصنف دهم شامل حربی شونځی
گردیدکه بعدازدوسال تحصیل درسال ۶۲
شامل حربی پوهنتون کابل گردید. وی
درصنف دوهم پوهنتون بودکه کمونستان
وحشی کوشش میکردندکه این برادرهدفمند
را دستگیرنمایند. اما برادرمبارزوآگاه
ازچنگال خودفروختگان فرارنموده
با برادران مجاهدمنطقهٔ خودبه جهاد
مسلحانه پرداخت که بعدازسه سال جهاد
مسلحانه بالاخره بتاریخ اول سنبله
۱۳۶۷ دریک عملیات شدید دردرهٔ پشه ئی
ولسوالی پغمان بالای پوسته پچک بعداز
دوشب وروزنبرد که منجربه فتح سه پوسته
دشمن گردیده دراثرانفجارمرمی هاوان
دشمن بمقام والای شهادت نایل گردید
وبه کاروان شهدای عزیزانقلاب پیوست تا
درروزرستاخیزشاهدازمظلومیت ملت ما
به بارگاه ایزدمتعال باشد.
روحش شاد یادش گرامی وراهش مستدام
باد

– شهید محمدصابر :

شهید محمدصابر دمولوی عبدالله جان
زوی دپکتیا دځکمنیو ولسوالی اوسیدونکی
په ۱۳۵۷ کال دلیسی څخه فارغ اوپه جهاد
کی پیل وکړ په ۱۳۵۹ کال کی داسد په ۲
نیټه دملحدوکمونستانو لخوا د ۱۸ ملگرو
سره یوځای ونیول شوا وپه همدی تاریخ
یی په دیرظلم اوبربریت په شهادت –
ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

– شهیدحمیدالله :

برادرحمیدالله ولدمدیرامان الله ساکن قریه دولت زئی مرکزگردیزولایت پکتیا درسال ۱۳۴۵ دریک فامیل متدین چشم به‌دنیا کشودبعدازچندسال جهاد مسلحانه بتاریخ ۲ قوس ۱۳۶۷ دربرخورد رویاروئی سینه‌اش هدف مرمی قرارگرفت وبه‌مقام والای شهادت نایل گردید .

انالله‌وانا الیه راجعون

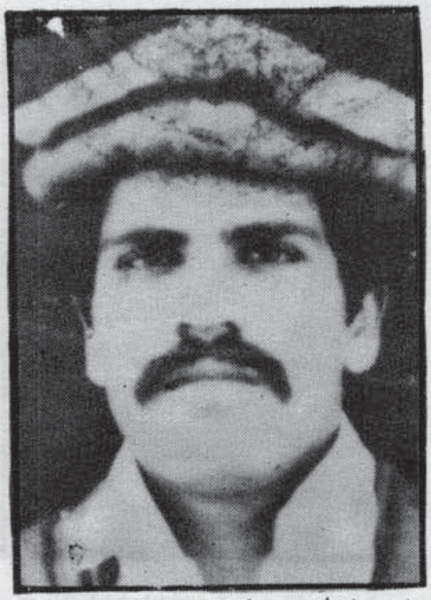

شهیدفضل حق ...

شهیدفضل حق دډاکترمحمدامین زوی دننگرهارولایت دروداتوولسوالی دباندی دلوی کلی اوسیدونکی چی په‌یوه‌دیندار کورنی کی زیږیدلی ابتدایی زده‌یی تر پنځم ټولگی پوری دناصرباغ په‌شاهی مدرسه کی ترسره کړه څرنگه‌چی نوموړی ورورد جهاد اوشهادت آرزودرلوده‌نوکله چی دمدرسی څخه رخصت شودجهاد دلپاره د ننگرهارولایت ته‌ولاړ بالاخره د ۱۳۶۸ کال دثورپه ۲۵ نیټه‌ددوشنبی په‌ورځ دچپرهار په‌سیمه‌کی ددښمن دهاوان پواسطه په شهادت ورسیدا ودنوموړی دواده دری – میاشتی تیری شوی وی .

خپل تاریخی یادگاری کورنی اوملت ته په‌زړین لیک پریښود.

انالله‌وانا الیه راجعون

یادی از ذکرالحق شهید !!

ملت قهرمان وشهیدپرورما برای ایجادعدل الهی وحکومت خداوندی ودرهم کوبیدن استکبارجهانی درراءس آن روس های وحشی بپا شده ،جان باخته وخون ریخته تانهال انقلاب اسلامی بارور گردیده وثمرآن کام تلخ شلاق خوردگان وزجرکشیده ومستضعفان دردمندراشیرینی وحلاوت بخشد .

حقا" کسانیکه درین جانبازی وقربانی درصف اول حسین وارایستاده‌اندوبی خوف وپابرجا ، لب‌خندزنان ازشهادت استقبال نموده انداین هاکسانی اند که‌تاریخ یک ملت رارقم‌زده‌وبانثارخون شان جامعه مرده‌را حیات بخشیده‌اند ، نمی شودبازبان قال ازآن صحبت به عمل آورد .

ازجمله این راهیان منزل زده‌قافله نوریکی هم ذکرالحق قهرمان میباشد که‌هزاران دیده رااشکبا روهزاران‌هزار قلب راجراح دا روصدهافامیل رادرسوگ نشانده‌وسیاه پوش ساخت .

آری ! نسیم دلاویز سحراین بارازسنگر های فتح وظفربه‌مهاجران سینه سوخته مادردشت های سوزان هجرت قصه غم‌انگیز جوانی پرآرمان ماراکه‌پارچه‌های بم هواپیمای غولپیکرسنگ دلان وحشی بدنش راپاره‌پاره وسینه‌پاکش رادریدخواندکه شماراد رین جابخوانند ،گوشه ازز ندگی نامه آن عاشق سینه سوخته مکتب خون وشهادت دعوت میداریم :

شهیدذکرالحق "نجرابی"فرزندجگرن فضل الحق مسکونه ولسوالی نجراب ولایت پروان ، درسال ۱۳۴۴ دردهمزنگ ولایت کابل دریک خانواده متدین وشهید پرورديده بجهان پرآشوب گشود ،درسال ۱۳۴۹ پابمکتب "ابتدائیه بریکوت " نهادوازآنجاجهت ادامه تحصیلات خویش شامل لیسه حبیبیه کابل گردیددرجریان تحصیل بودکه کمونست های وحشی درنتیجه کودتای نامیمون ثوربه‌اریکه قدرت تکیه‌زنند .

اودردامان فامیل کاانجنیر حبیب الرحمن شهیدرابجامعه‌دردمند مادردشوارترین شرایط تقدیم داشته ، رشد ، پرورو تربیت یافت،کجا میتوانند درحالیکه ملت اش درمجمربیداد دستم بسوزدوا وخاموش ماند ،لب نکشاید وتدبیرنه سنجدبنا" دست به‌مبارزه شدید ولی خیلی ها مخفی وباتدبیر می زند ،که‌خاطرات مبارزات اش درمرکز کابل دردل زمان نقش بسته‌وزبان زد – همرزمان وفامندش می باشد .

این مجاهدآگاه ومبارز ،باتدبیر برای اینکه بهترتوانسته‌باشددشمنی‌که دشمن راضربه‌بزند درسال ۱۳۶۱ شامل پوهنحی انجنیری حربی پوهنتون می گردید .درین ایام جوانان زیادی راجهت واژگونی نظام وابسته‌به‌استعماربسیج نمودند .

اودرسال ۱۳۶۳ ازپوهنتون فارغ وبلا درنگ هجرت رادرپیش گرفت .

[illegible] ۱۳۶۴ به‌حیث مسئول مالی غند [illegible]رت عمرفاروق تعین گردید .

اونظربه شوق وعلاقه سرشارکه‌به مبارزه وجهادداشت درمحیط هجرت قرارش نگرفته به‌سوی سنگرهای خونین جهاد شتافت ومدتی رادرجبهه جهادوال شهید درسال ۱۳۶۴ سپری نموده ودرعملیات شدیدی که‌قوای روسی به‌پکتیا درهمان سال داشت دلیرانه رزمیدوموافقانه برگشت .

درسال ۱۳۶۷ جهت فتح ولایت جلال آباد چوعاشقان سینه سوخته ناقرارپرخروش شتافت درفتح چهارپوسته‌سهم فعال داشت بالاخره بتاریخ ۲۴ حوت ۱۳۶۷ روزچهار شنبه ساعت ۱۰ بجه وپانزده‌دقیقه‌با سینه چاک وجامه پرخون درحالیکه ۲۳ – بهاری زندگی راعقب گذاشته‌بودبسوی علیین اعلی پرکشودوبه‌کاروان نور پیوست .

رو[illegible]ویادش گرامی وراهش پررهرو

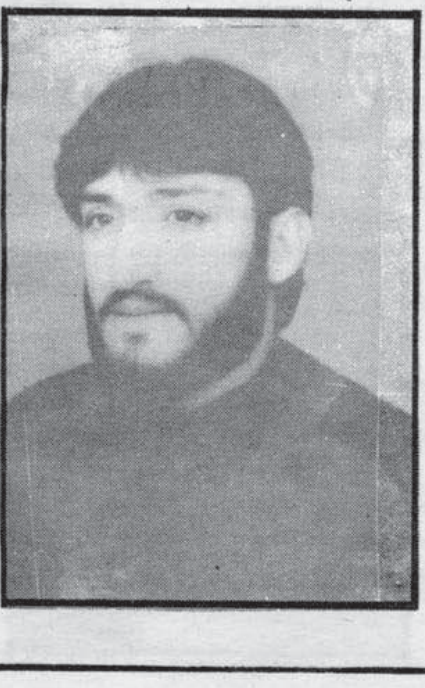

محمدعارف :

شهید محمدعارف دصوفی شیرجان زوی د لغمان ولایت دشیخانودکلی اوسیدونکی چی په ۱۳۴۰ هجری شمسی کال په یوه غربیه دین پاله ومذهبی کورنی کی زیږیدلی او د کوچینوالی څخه دنیکوا خلاقو په لرو سره زیات شهرت درلود ودا سلامی انقلاب دسر تیرو مجاهدینو څخه شمیرل کیده څرنګه یی چی پلار په سپین ږیرشرکت یی کی وظیفه درلوده نوموړی وروړهم خپله ابتدایی او ثانوی زده کړه تردولسم ټولګی پوری د شیرخان په لیسه کی سرته ورسوله او کله چی کمونستان په افغانستان کی قدرت ته ورسید ل نوموړی وروړ په وسله وال جهاد لاس پوری کړ دخپل جهاد په اوږدو کی یی زیات کمونستان دجهنم داورخوراک کړه او هم یی ډیر غنیمتونه ترلاسه کړه دا هغه مجاهد دی چی دبت شکن سلطان محمود غزنوی یادیی دتل لپاره تازه کړ.

بالاخره دڅوکاله مسلسل اودوام دار ه جهاد څخه وروسته د۱۳۶۳ کال ددلوی دمیاشتی په ۲۳ مه نیټه د۲۳ کالو په عمر په یوه مخامخ جګړه کی دخان آباد ولسوالی ته نژدی دشهادت لوړ مقام ته ورسید.

او خپل زرین تاریخ یی کورنی او ملت ته دیادګار په توګه پریښود.

انالله وانا الیه راجعون

شهیدلمر :

شهید برادر لمر فرزند جگرن فضل الحق مسکونه ولسوالی نجراب ولایت پروان درسال ۱۳۴۰ درکلا لی دهمزنگ ولایت کابل دریک فامیل خدا پرست وشهید پرورديده بجهان بازکرد.

درسال ۱۳۴۶ شامل مکتب ابتدائیه بریکوت گردید ودرسال ۱۳۵۱ جهتادامه تحصیل پا به متوسطه کارته سه نهاد.

بعدا زفراغت ازصنف نهم شامل حربی ښوونځی گردید.

درهمین دوران درصف نهضت اسلامی کشور پیوست، دررشد، تربیت وتعلیم جوانان وآگاهی آنان ازمکتب انسان دشمن کمونیزم لحظه آرام نگرفت.

وبا بوقوع پیوستن کودتای نامیمون ثور به مبارزات خویش شدد بخشید. نسبت شناختکه ازا ومزدوران بی آرزم کمونست داشت وی راتحت تعقیب قرارداده، ثور ۱۳۵۸ بودکه اسیر پنجه های خونین ستم گران وحشی زمان گردید.

وبالا درنگ خفاشان شب گرددست های گنه خیزخویش رایکبار دیگر به خون بهترین فرزندنهضت ونونهال رشیدمیهن درحالی رنگین ساختند که آن جوان مظلوم متعلم صنف ۱۲ بود.

ننگ ونفرین باد به ستمگران بیرحم ووحشی.

شاد باد روان پاک فرزندان صدیق اسلام.

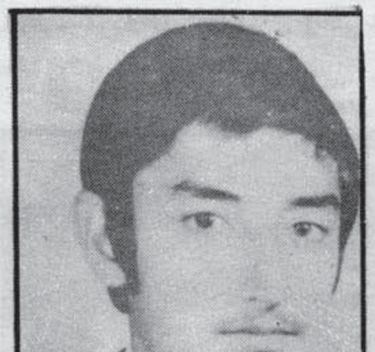

شهیدنوراکبر :

شهید نوراکبر دسیدمحمدزوی دلغمان ولایت اوسیدونکی چی په یوه دین دوسته کورنی کی زیږیدلی ابتدایی زده کړه یی تردولسم ټولګی پوری دروښان په لیسه ترسره کړه اوبیا دکانکوردآزموینی څخه وروسته دارالمعلمین ته کامیاب شو پدی وخت کی کمونستان قدرت ته ورسیدل اونوموړی وروړهم وسله وال جهادپیل کړ بالاخره دڅوکاله مسلسل جهادڅخه وروسته د۱۳۶۶ کال دحمل په دوهمه نیټه دیوی مخامخ جګړی په ترځ دچاردهی په منطقه کی په شهادت ورسید.

انالله وانا الیه راجعون

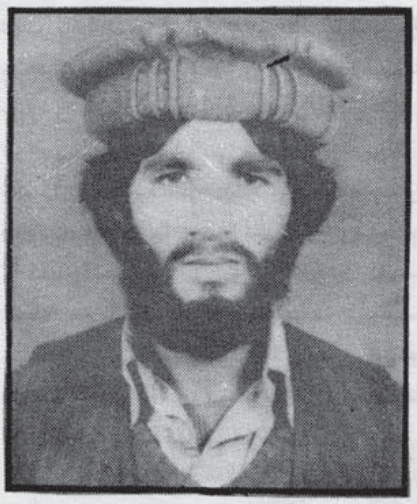

شهید دل آغا :

برادرشهید دل آغا ولد ملنگ که درسال ۱۳۴۶ دریک خانواده متدین ومجاهدپرور درولسوالی قره باغ ولایت کابل درقریه قرباغ بازارچشم به جهان کشودازهمان آوان طفولیت تحت تربیت داعی مجاهد انجنیر مسجدی "ابرار" (ماما یش)قرار گرفت شهید دل آغادرذکاوت، شجاعت و اخلاق حمیده دربین همسنگرانش مشهور بود دردهها عملیات خونین دوشادوش ماما مجاهدش (ابرار)پروانه وار شرکت جست تا بالاخره توسط انفجار مین گذاشته شده ملحدین مزدوربتاریخ ۲۷ سرطان ۱۳۶۷ درسن ۲۲ سالگی جام شهادت راسرکشید وروح پاکش بسوی علیین صعود کرد.

انالله وانا الیه راجعون

۴۹- شهیدعبدالقدیر :

برادرشهیدعبدالقدیر" راکت "فرزند فقیرمحمددرسال ۱۳۴۰ دریک خانواده متدین دردره قندقستان غوربندولایت پروان دیده‌به‌جهان کشود.

برادربا جذبه ایمانی که دروجود او نمایان بودبا مجاهدین هم سنگرش پیوست ودرجریان جهادش همواره سلاح راکت را بدوش داشت ودرراه هدف مقدسش لحظهٔ هم غفلت نکردبه عملیات های متعددی دوشادوش برادران شان چون ځارنوال عبدالروف شهیدمی رزمیدتا بالاخره دریک کمین دژخیمان با چهل تن ازمجاهدین همرزمش به تاریخ ۱۰ر۶ر۱۳۶۲ واقع درسنجددره جام شهادت رانوشید

اناللّه‌واناالیه‌راجعون

روحش شاد ویادش گرامی باد

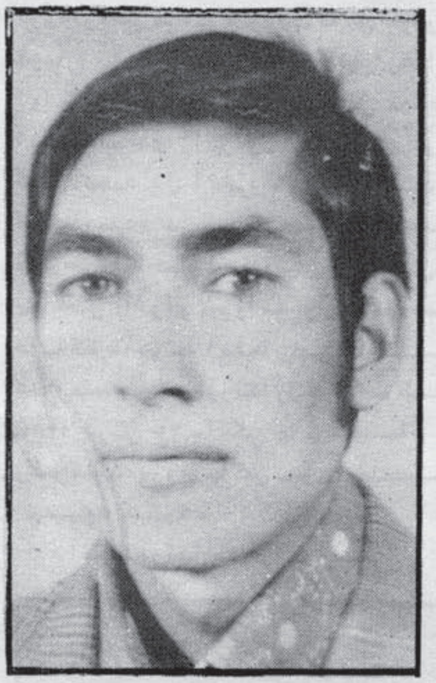

۶۶- شهیدطالب العلم‌یارمحمد :

شهیدطالب العلم‌یارمحمددخان پیر زوی چه په ملاپیرئی شهرت درلوده تقریباً ۱۵ کاله مخکی دپکتیا ولایت دارگون په ولسوالی دگیانی په‌کلی کی په‌یوه غریبه کورنی کی پیداشوی ./

لومړی پخپل کلی ددینی علماووڅخه زده‌کړه کوله او وروسته په‌جامعه‌علوم اسلامیه لنوی ارباب دینی زده‌کړی ته دوام ورکړ.

دخپلی زده‌کړی سره‌سره به‌کله‌کله‌دجهاد عملی میدان ته دخپلوطالبانوورونو سره تللوځوچه‌په‌کال ۱۳۶۷ دمیزان د میاشتی ۲۷ نیټه دیوعملیات دسرته رسولوڅخه وروسته بیرته خپلومرکزونو ته‌دراستنیدوپه‌وخت کی په‌سینه‌کی‌دجالی دچپه‌کیدوپه‌اثردشهادت لوړمقام ته ورسید.

اناللّه‌واناالیه‌راجعون

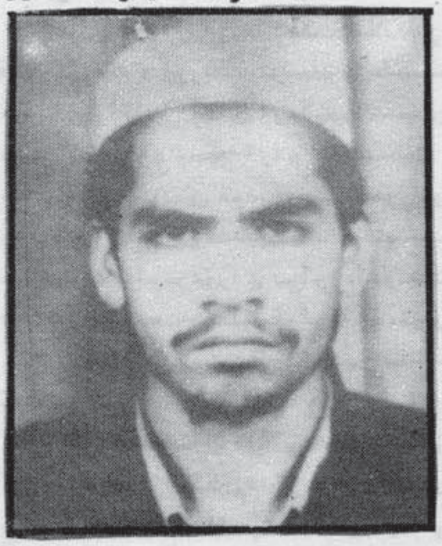

۱۴۹- شهید محمدسائیدباختری :

شهید برادرمحمدسائیدباختری‌فرزند بازمحمدباختری مسکونه‌گردیزپکتیا واجداخلاق حسنه وتقوی بوددرطول جهاد مسلحانه خودازصرف هیچ نوع انرژی‌خود درجهت سرکوبی دشمن دریغ نورزیده بالاخره دریک نبردباقوای وحشی دشمن به‌کاروان شهداپیوست .

اناللّه‌واناالیه‌راجعون

۳۰- شهیدقلم الدین "حقانی"دحاجی روزالدین زوی دپکتیا ولایت مرکزد ابراهیم خیلواوسیدونکی دعمرپه‌پنځه کلنی یی ددینی علوموپه‌زده‌کړه‌پیل وکړ دثوردکودتا نه‌وروسته‌دخپلومجاهدو ورونوسره‌یوځای شوپه‌بیرواوبی ساری عملیاتوکی یی ونډه‌درلوده‌بالاخره‌دروان کال دلړم دمیاشتی په‌۱۳نیټه‌ددرنو عملیاتوپه‌اوږدوکی دعمرپه‌۱۶کلنی د شهادت لوړمقام ته‌ورسید.

اناللّه‌واناالیه‌راجعون

شهیدمحمدامین :

شهیدمحمدامین دعیسی خان زوی دکندز ولایت دعمرخیلودکلی اوسیدونکی چی د اسلامی انقلاب دځلانده‌ستوروڅخه‌شمیرل کیده‌اودیوی اوږدی مودی جهادکولو څخه وروسته‌په ۱۳۶۷ کال داسدپه ۱۳ مه نیټه‌دکمونستانولخوا ددری نوروموجاهدینو سره‌یوځای ژوندی ونیول شواوبالاخره په‌ژوندی تری لاسونه‌اوپښی غوڅی کړی اومړی یی ورته‌په‌سینه‌لاهوکړه.

اناللّه‌واناالیه‌راجعون

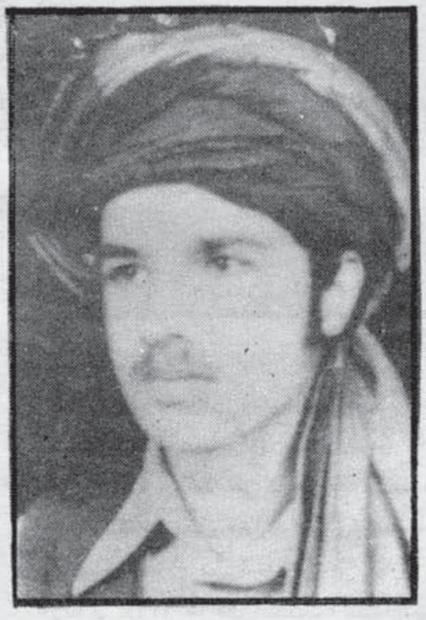

شهیدمعلم سیدرحیم :

شهیدمعلم سیدرحیم دسیداسلام زوی دلغمان ولایت دبی بی حجری کلی اوسیدونکی چی په یوه دینداره اومذهبی کورنۍ کی زیږیدلی په کورا وکلی کی یی په نیک نوم سره شهرت درلود ابتدایی زده کړی یی، دلغمان ولایت په نمره اول مکتب کی ترشپږم ټولگی پوری تر سره کړه اوثانوی زده کړه ئی دروښان په لیسه کی ترسره کړه او بیا وروسته ئی دمعلم په صفت وظیفه اجراکوله دغه وروردپخوانیو تحریکی ورونوڅخه و، کله چی کمونستان په افغانستان کی قدرت ته ورسیدل نوموړی ورورهم په ۱۳۵۸ کال په وسله وال جهاد لاس پوری کړ څرنګه چی نوموړی دسرسخته مسلمانانو څخه وهمدا رنګه دکمونستانو دسرسخته قاتلانو څخه هم شمیرل کیده دی دسرتیروا وفعالو مجاهدینو څخه وودخپل جهادپه دوران کی یی زیات کمونستان دجهنم داورخوراک کړل د ماینو په جوړولوکی ئی زیات مهارت درلود، بالاخره په ۱۳۵۸ کال دجوزا په میاشت کی دهغه مین دچاودنی په واسطه چی پخپل لاس ئی جوړکړی و، په ویښوسور ټپریی داجل داعی ته لبیک ووایه او د دوونوروومجاهدینوسره یوځای په شهادت ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

ـ شهیدضیاء الحق :

شهیدضیاء الحق فرزندبرومند مولوی عبدالظاهر مسکونه قریه قلعه قاضی ولسوالی قره باغ ولایت کابل درسال ۱۳۴۷ دریک خانواده خداپرست ودین دار دیده به جهان پرآشوب گشودودرفامیل متدین واهل علم پرورش یافت درطفولیت تحت تعلیمات اسلامی پدرمشفق خویش قرار گرفت با رویکار آمدن حکومت مارکسیستی درافغانستان با برادران بزرگ خویش هریک مولانا "سلیم" وشهیدانجنیر عبدالهادی " حلیم " درتطبیق پروگرامهای مقدس حزب اسلامی مخفیانه کار می کردتا اینکه درسال ۱۳۵۸ که شروع جهاددرولسوالی قره باغ بود با برادران بزرگ خودیکجا درمقابل ملحدین وروسها سلاح برداشته وبجهادمقدس شروع نمود درسال ۱۳۶۵ به پشاورمهاجرت نمودچون ذوق وعلاقه اش بجهادزیادبودعازم جهادبه جاجی گردیدتا بالاخره دریک عملیات علیه دولت ملحدبتاریخ ۱۹ ثور ۱۳۶۷ جام والای شهادت رانوشید .

انالله وانا الیه راجعون

ـ شهیدعبدالخالق :

شهیدعبدالخالق ولدمحمدجمعه مسکونه قریه دشتک دهنه غوری ولسوالی پلخمری ولایت بغلان دریک خانواده متدین چشم به جهان کشودوی دوره طفولیت رادردامان پاک ومهربان والدین مومنش به سررسانیددرایام جوانی برای کسب روزی به پیشه آزاد دست یازید

پس ازروی کارآمدن کمونستهاوتحمیل رژیم منحوس کمونستی برملت مظلوم افغانستان باشوروجذبه وایمان راهی سنگرهای جهادگردیدایمان ،اخلاص، دلیری ، شهامت واخلاق حمیده اش صفاتی بودندکه بزودی اورا سرقافله دارگروپی ازمجاهدین گردانیدوحیثیت قوماندانی گروپ حزب اسلامی رادردهنه غوری احرازنمودپس ازسالها پیکار و مجاهدت دریک برخوردرویاروبی با وحشیان کمونیزم به رفیق اعلی پیوست روحش شادویادش گرامی باد

ـ شهیدحاجی گل آقا :

شهیدحاجی گل آقا دعبدالخالق زوی په ۱۳۳۳ کال دلغمان ولایت دقرغیو ولسوالی دزیړانیو په کلی کی زیږیدلی په ۱۳۵۸ کال یی په وسلوال جهادلاس پوری کړی اوداول ته تراوسه یی دګروپ قوماندانی په غاړه درلوده کله چی سږ کال داسدپه ۲۶ نیټه یی دقوماندان پتک سره یوځای ددښمن په خلاف دعملیاتو پروگرام جوړ کړ دموفقانه عملیاتو نه ترڅ کی ددښمن ددرنووسلودا نداخت په وسیله دقوماندان پتک سره یوځای په شهادت ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

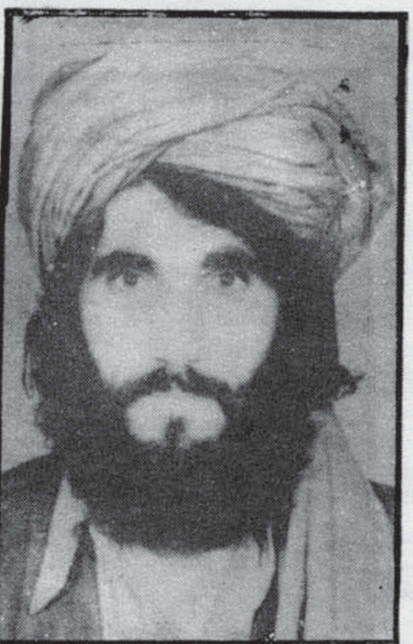

شهیدرحیم شاه :

شهیدرحیم شاه دپکتیا ولایت دحاجی آریوب ولسوالی اتل قوماندان چی

د (۱۳۶۳) کال په‌دوران کی دوحشی دسمن سره په‌یوه‌مخامخ نښته کی په‌شهادت ورسید.

اناللهوانااليه‌راجعون

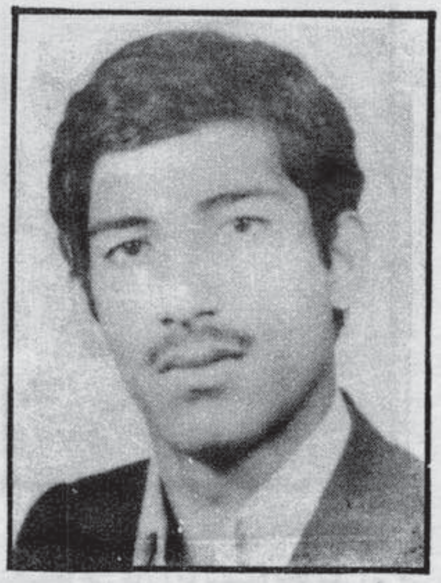

۳۸- شهیدوروولی‌محمدبدین محمدزوی دپکتیکا ولایت دگوملی ولسوالی دزری قلعه اوسیدونکی دنصرت قرارگاه‌سرتیری اوتکړه‌مجاهدوکه‌څه‌هم دعمرنه ډیرکم وخود۶۳ کال څخه راپدیخوایی ټول ژوندپه‌جهادکی تیرکړی اوپه‌ډیرو عملیاتوکی یی ونډه‌اخستی څود۱۳۶۷ کال دجوزا په ۳۰ نیټه پداسی وخت‌کی دارگون دژامی دپوستی دمحاصری په‌وخت‌کی چی جګړه گرمه‌روانه‌وه او د. زیکاویک مورچه‌یی جوروله‌په‌شهادت ورسید.

اناللهوانااليه‌راجعون

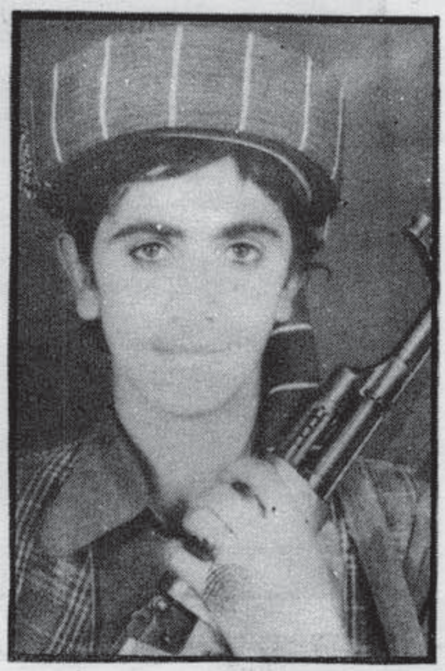

- شهیدمحمدرحیم دعبدالرشیدزوی د پکتیا ولایت دزرمت ولسوالی اوسیدونکی د۱۳۶۰ کال نه‌وروسته‌یی په‌جهاد لاس پوری کړه‌په‌ډیروعملیاتوکی یی ونډه اخستی دروان کال دتلی دمیاشتی په ۱۷ نیټه‌په‌شهادت ورسید.

اناللهوانااليه‌راجعون

- شهیدمحمدعاطف :

مبارزهدفمندومکتبی محمدعاطف (نظریار) فرزندحاجی محمدیوسف در قریه عبدیبای مرکزولایت پروان درسال ۱۳۳۵ دریک خانواده متدین وخداپرست چشم به‌جهان کشودولی‌بعدازسپری نمودن مرحله طفولیت درسال ۱۳۴۴ درمکتب متوسط دهقاضی شامل گردیدوی که‌دارای نبوغ فکری واستعدادسرشاربود،تاصنف نهم همیشه بدرجه اول نتیجه‌خودرا به دست می آورد ،درسال ۱۳۵۳ درمرکز تربیوی مخابرات شامل ودرهمین وهله باعلمبرداران نهضت اسلامی کشورتماس حاصل نمود، ودراکثرمجالس ومحافل نهضت فعالانه شرکت می ورزیداومرکز تربیوی مخابرات راهمراه‌بادیگر همرزمانش به محکم‌ترین سنگرعلیه‌فلسفه ونظریات الحادی ومارکسیستی مبدل ساخته بوددرسال ۱۳۵۷ ازصنف ۱۴مرکز تربیوی مخابرات فارغ گردیدوبا به میان آمدن کودتاه ننگین هفت ثور ماموریت راترک وراهی سنگرهای گرم نبرد گردیددرقدم‌اول نخست به‌بسیج نمودن مردم منطقه خودپرداخت وباعشق سرشارازایمان وامیدکامل به‌نصرت الهی به‌ایجادسنگرمستحکم‌علیه‌رژیم‌دست نشانده ومزدورمبادرت ورزید"نظریار" شهید درراه احقاق اهداف اسلامی خود، تلاش های بیکرانه انجام دادتااینکه دژ محکمی دربرابرخصم سفاک ساخت نظربار شهیدعملیات متعددی برعلیه‌چکمه پوشان سرخ ومزدوران بی مزدشان‌انجام داد وضربات کوبنده‌را برپیکرکمونیزم جهانخوارواردنمودوی صاحب ایمان قوی ،تقوی ، صبر، واخلاق حمیده اسلامی بود، درهمه قلب‌هاآشیانه داشت وهمیشه همرزمانش را به‌تقوی صبرواخلاق حمیده ،پرهیزگاری،ثبات ، امانت‌داری توصیه‌وتشویق می نمودو همچنان به‌تعلیم وتربیه‌سالم‌فرزندان میهن توجه‌خاصی داشته‌محمدعاطف شهید تایک مدت به‌صفت قوماندان منطقه‌بود وسرانجام همراه با برادرش مهرآغا یکجا ازدست ایادی روس های ددمنش به‌تاریخ ۲۰ر۷ر۱۳۶۲ درمنطقه‌قبرستان قلعه میران به‌مقام رفیع شهادت‌نایل گردید وجام شهادت را سرکشید.

روحش شاد یادش گرامی وراهش مستدام باد

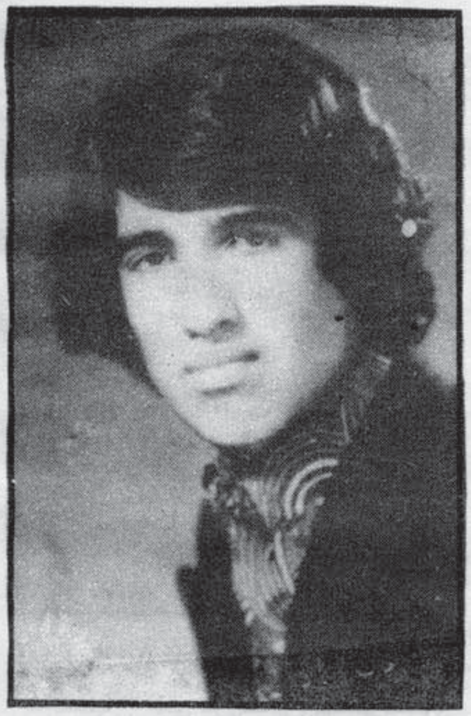

شهید عبدالسلیم "فرقاني":

پر افغانستان باندې د وحشي روسانو د تجاوز او د هغې په وړاندې د افغان مومن ملت د مقاومت په بهیر کې له اوږده موده کې زموږ د هیواد نږدې یو نیم ملیون نر، ښځې، بوډاګان او ماشومان په شهادت رسیدلي او دغه د شهادت لړۍ لا پسې روانه او نه شلیدونکې ده. د دغه اوږدو پرله پسې قربانیو په سر کې ډیر پوهان، استادان، لیکوالان او شاعران هم د کمونستانو د وحشیانه تاړاکونو ښکار شول او یا د ځرخي پله د تورو کوټو په سیاچالونو کې لادرکه.

د ورکو او زنداني شهیدانو له ډلې څخه دیني عالم، فاضل او لیکوال، مولوي عبدالسلیم "فرقاني" دی. مولوي عبدالسلیم "فرقاني" چې په ۱۳۱۷ هـ ش د وردګو ولایت د سید آباد ولسوالۍ د حفتو علاقه دارۍ د دیني کلي په یوه دینداره او علم دوسته کورنۍ کې سترګې وغړولې، له هماغه ماشومتوب څخه د خپل فاضل او عالم پلار مولوي عبدالغفار تر روزنې او دیني تربیې لاندې ونیول شو او د دې تر څنګ یې د سیمې د نورو علماوو او مدرسینو نه د دیني تعلیم زده کړه پیل کړه، هغه د خپل خاص او خدای ورکړي استعداد په برکت وکولای شول تر ۲۰ کلنۍ پورې د مروجو علومو زده کړه بشپړه او د یو مدرس او عالم په حیث په کار پیل وکړي.

شهید فرقاني یوازې عالم او مدرس نه بلکې لیکوال او مبلغ هم وو او د سیاست په برخه کې یې هم پوره مطالعه درلوده. څرنګه چې نوموړي د لیکوالۍ سره زیاته مینه او علاقه درلوده نو په کال ۱۳۴۴ کې د اطلاعاتو او کلتور په وزارت کې د تنویر افکار څانګې د نماینده په حیث مقرر او وروسته یې د اصلاح په ورځپاڼه کې په کار پیل وکړ.

شهید مولوي سلیم د دغه مطبوعاتي کار په جریان کې د ډیرو نوو او تازه افکار او جریاناتو او وارد شوو پوچو کمونستي افکارو او عقایدو نه خبر او د پردو پالو په اهدافو ښه پوه شو. همدا وجه وه چې د شرقي او غربي تالیفاتو او پوچو فلسفو د رسوا کولو او د مسلمانانو د راویښولو لپاره یې په ۱۳۴۹ هـ ش کې د ګهیځ د اسلامي جریدې مسئولیت په غاړه واخیست تر څو وکولای شي له دې لارې د کفر او کمونیزم په وړاندې آګاهانه مقابله وکړي. شهید فرقاني د دې درنې وظیفې تر څنګ د کتابونو په لیکنه او تالیف هم لاس پورې کړ. د لیکل شوو کتابونو څخه یې (فروغ جاوید ایمان به خدا) او (اجتهاد در فقه اسلامی) په نامه کتابونه چاپ او خپاره شول خو ځینو نورو ته یې د ظاهري او داودي حکامو له خوا د چاپ او نشر اجازه ورنه کړای شوه.

مولوي فرقاني که څه هم د حکومتي فاسدو حکامو خلقیانو او پرچمیانو د توطئو له امله لږ موده وروسته د ګهیځ جریدې له مسئولیت څخه ګوښه کړای شو خو قلمي مبارزه یې پرې نه ښوده او په مختلفو جرایدو کې یې په مختلفو موضوعګانو سره مضامین خپرېدل، د همدې قلمي مبارزې په وجه کمونستان د هغه ډیر سخت دښمنان و او هره لحظه او ساعت یې هڅه کوله چې په یوه نه یوه بهانه هغه له سیمې بوسي او یا لږ تر لږه د مطبوعاتو او سیاست له میدان نه یې ګوښه کړي. شهید "فرقاني"

دکمونستانو دښمني ښه محسوس کړي وه . او همدا وجه وه چې دخلقیانو دکودتا اودثور داووم دشومې فاجعې نه وروسته هغــــه د هجرت لاره ونیوه اودنهضت دمشرانــــو د لیدولازمو مشوروا وهدایاتو داخستولپاره پېښور ته راغی اوله ډېری لږمودې وروسته نوموړی دحزب اسلامي له خوا موء ظف شوچې دکابل په ښارکې په فعالیت پیل وکــړي او په اردوکې مسلمانان سره منظــــم او منسجم کړي . خوځرنګه چې وحشـــي کمونستانو دشهید دنیولو لپاره په پراخ فعالیت لاس پوری کړی وونوکابل تــــه دهغه درسیدو سره سم د۱۳۵۷ کال دسنبلــي په ۱۱ نیټه چې دروژې له میاشتې سره برابره وه دکمونستي خادیانو له خـــوا دستګیرا ودتورجیل توروکوټوته واچول شو . نه یوازې هغه جیل ته واچول شو بلکې ټول کورنی دکمونستانو تر پلټنــــي او نظارت لاندې ونیول شوچې څه موده وروسته یې وروروحاجي عبدالفتاح ، ۱۴ کلن زوی عبدالرحمن اووراره معلم عبدالکبیـــر او عبدالکریم ټول یوپه بل پسې زنـــدان ته واچول شول اوسربیره پردې دنوموړي

شهید ډېری قلمي نسخې او اثاردکمونستانو پواسطه یاداورخوراک شوه اویا په ځاورو کې وراسته اوله مینځه تللي دي .

مولوي فرقاني په جیل کې دسختو شکنجـو او ناخوالوسره مخ شواودوحشي حکومـت له خوا دهیح ډول ظلم کمی پری ونه شــو . خوهغه هرڅه په ډېر صبرا وزغم تحمل کــړل بالاخره دخلقیانو دظلم له لاسه مولــوي عبدالسلیم "فرقاني" اودهغه یو وراره عبدالکبیر په شهادت ورسیدل او زوی ، ورورا وبل وراره یې لااوږدې مـــودې زندان تیرولووروسته راخوشي کـــړای شــول .

شهید قاري عبدالولي :

شهید قاري عبدالولي دمحمداجـــان زوی دننګرهارولایت دچپرهار علاقه داری اوسیدونکی چې په یوه دیندار ه کورنــي کې زیږیدلی نوموړی وروروپه جبهه کـــي دنیکوا خلاقو یوه نمونه وء ابتدايي زده کړه یې دچپرهار په لیسه کې تردولســم ټولګي پوری ترسره کړ دسیاسي علومو په څنګ کې یې دیني زده کړه هم کولــــه کله چې کمونستانو په افغانستان کـــې قـــدرت ترلاسه کړ نو پدې وخت کې قاري عبدالولي هم په وسله وال جهادلاس پوری کړا ودخپل جهاد په دوران کې یې زیات کمونستان دجهنم داورخوراک کړه او هـم یې زیات غنیمتونه ترلاسه کړه او په جبهه کې یې دسرګروپي وظیفه په غاړه درلوده دبتي کوټ او فارم هډې دپوستې فتــح کولو په وخت کې یې دمعلم احمدسره ګډون درلود اودچپرهار علاقه داری یې څوځلــه پخپل لاس فتحه کـــړي .

بالاخره د۱۳۶۷ کال دحمل په ۲۸ مه نیټه دیوې مخامخ جګړې په ترڅ کې دخپل مشر وروربا زمحمدا وصفت خان سره یوځـــای دشهادت جام نوش کړ .

انا لله وانا الیه راجعون

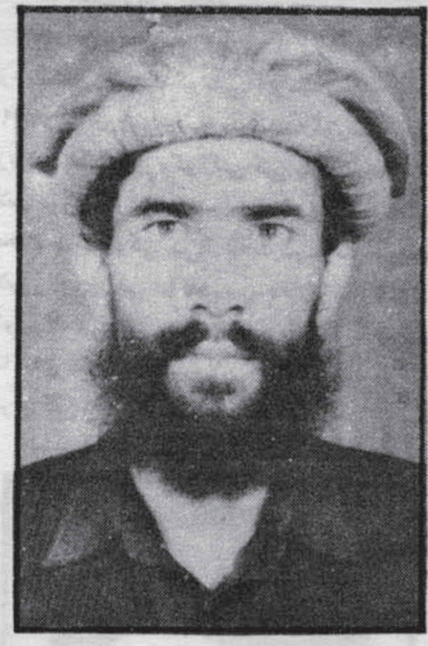

شهید میرولی

۱۳۵ـ شهیدعبدا لبصیر فرزندملامحمدعمر درسا ل ۱۳۴۱ درولسوا لی تیوره دریک خا نواده متدین چشم بجها ن گشود.
نا مبرده وا جدا خلاق نیکو وحمیده بود تحصیلات خودرا تا سا ل هشتم به ا تمام رسا نیدبا آ غا زجها د مسلحا نه به صفوف مجا هدین شتا فت بعدا زشرکت درعملیا ت های متعددی بخا طرهمکا ری با مجا هدین هرا ت رهسپا رآ نجا گردیدبعدا زعودت ا ز هرا ت درما ه میزا ن ۱۳۶۳ درحا لیکه توسط پهره دا ری ا زمجا هدین خویش حرا ست میکردتوسط شخص نا شنا س وخدا

نا ترس به شها دت رسید.
ا نا للـه وا نا ا لیه را جعون

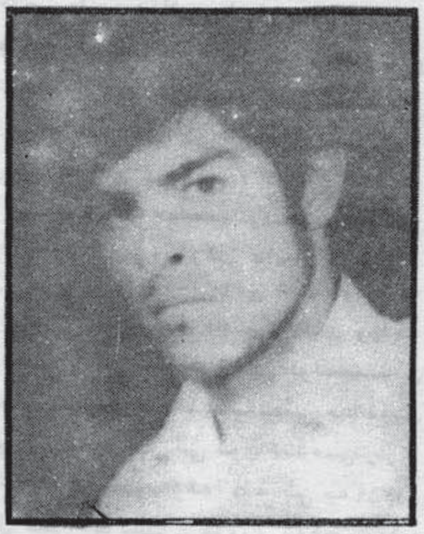

ـ شهیدورورمحمدجا ن :
شهیدورورمحمدجا ن دا لحا ج عبدا لواحد خا ن زوی دموزه خیلودکلی ا وسیدونکی د ملحدرژیم درا منځ ته کیدووروسته یی له همسنگروورونوسره په جها دلاس پورې کړاودنهه کلن جها دپه موده کی یی پرډیرو عملیا توکی برخه درلوده دجها دپه نهم کا ل دسرطا ن دمیا شتی په ۱۶ نیټه په ۶۶ کا ل کی دلوګرولایت دپلعلم دښلک سیمی په دښته کی دکمونیزم دمزدوروقوا وولخوا دیوه کمین په ترځ کی دیوبل ملګری سره یوځا ی په شها دت ورسید.
ا نا للـه وا نا ا لیه را جعون

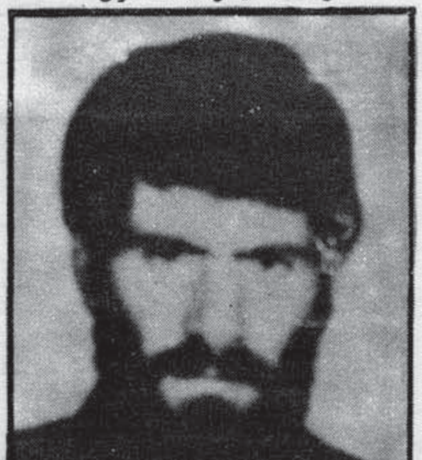

ـ شهیدفضل خا ن دمددګل زوی دجا نی خیلودا بوبکرصدیق دقرا رګا ه مجا هد ډیروخت یی دجها دپه ګرم سنګرکی تیری کړی، زیا ت کمونستا ن ا وروسا ن یی له منځه وړی ا وډیروفتوحا توکی یی برخه ا خستی دځمکنو دغندپه فتحه کی یی فعا له ونډه درلوده ا وزیا ت غنا یم یی ترلاسه کړو

ا وپدا سی حا ل کی چی دجګړی په جریا ن کی له کمونستا نوسره لاس ا وګریوا ن شو دشها دت لوړمقا م ته ورسیده.
ا نا للـه وا نا ا لیه را جعون

ـ شهیدغلام سرور :
شهیدغلام سروردخا ن محمدزوی دپکتیا ولایت دزرملی ا وسیدونکی چی دجها د له پیله یی خپل زیا ت وخت دکفرپه خلاف دمقا بلی په توددوسنګرونوکی تیرکړ نوموړی ورورپه ۱۳۶۶ کا ل په زرمت کی د حزب ا سلامی دمجا هدینوپه سنګرونوبا ندی ددښمن دپرا خی حملی په ترځ کی دشها دت لوړمقا م ته ورسید.
ا نا للـه وا نا ا لیه را جعون

ـ شهیدملاسیدا جا ن دسیدمحمدزوی د بغلان ولایت ددوشی ولسوا لی دکیله ګی د سیمی په یوه دیندا ره کورنی کی زیږیدلی دښوا خلاقو، تقوی، ا ما نت ،ا خلاص ا و صدا قت څښتن و.
د۱۳۵۷ کا ل دشوردنا ولی کودتا له را منځ ته کیدوسره یی له فا میل سره

انداب ته هجرت وکړ او د کیله ګۍ په سیمه
کې یې خپل جهاد ته ادامه ورکوله په ۱۳۵۹
کال پاکستان ته په هجرت کولو مجبور شو
او په پاکستان کې یې د شیرګړ په مدرسه
کې په داسې حال کې په زده کړه پیل وکړ
چې پلار یې سید محمد او ورور یې محمد دا
جان په جهاد کې وو او پلار یې د قوماندانۍ دنده په غاړه درلوده کله چې پلار
ورور او تره یې د کیله ګۍ په سیمه کې د
اتو نفرو مجاهدینو سره یو ځای په شهادت
ورسید ل خپله زده کړه یې پرېښوده او د جهاد
ګرم سنګر ته بیرته ستون شو د ډیرو
عملیاتو وروسته د روسانو په کاروان د یوې
حملې په ترڅ کې د ماین د چاودنې په
ذریعه د شهادت لوړ مقام ته ورسید .
انا لله وانا الیه راجعون

– شهید قاضي باباګل :
شهید قاضي باباګل مشهور په قاضي
روح الله د باز محمد خان زوی د حزب
اسلامي یو تکړه باغیرته مجاهد وه د کنړ
ولایت د نورګل علاقدارۍ د مزارددرۍ د
مرورۍ د کلي په یوه اسلام مینه کورنۍ
کښې زیږیدلی دی. په ۱۳۳۷ د مزارددرۍ
په ابتدائیه ښوونځي کښې شامل شو ا و
ابتدائی تعلیم ئې په ۱۳۴۳ کال سرته
ورساوه ځرنګه چه قاضي صاحب ابتداء "د
اسلامي تعلیماتو سره مینه درلوده نو په
۱۳۴۴ کال کې د اسلامي تعلیماتو ترسره
کولو لپاره د کابل په عربي دارالعلوم
کښې ځان شامل کړ او د فراغت سند ئې
په ۱۳۵۳ کال کښې ترلاسه کړ او بیا د خپلو
عالي تحصیلاتو لپاره د کابل د شرعیاتو
پوهنځي ته ولاړ او د شرعیاتو د پوهنځي د
څلورمې دورې په اخري سمستر کښې د ثور د
۱۳۵۷ فاسدې کودتا د راتلو سره سم د ده سبز
په ولسوالۍ کښې بندي شو.
قاضي صاحب چه د بې بې مهرو په مسجد کښې
امام و، د مسجد ټول غیور مسلمانان
د قاضي صاحب د خلاصون لپاره د احتجاج
په شکل راووتل تر څو قاضي صاحب د نوموړي
بندخانه آزاد شو د همدې شپې په سهار
قاضي صاحب د خپل کور سره خپل لومړنۍ
د زیږیدلو ځای ته راغی.
قاضي صاحب ته چه د ملحدینو منحوسې خیرې
په داکه شوې وې د نورګل علاقدارۍ مربوط
د زیرې بابا په شولټ نومې ځای کښې چه
یو غرنۍ سیمه ده خپل استوګن ځای وټاکه
او سم دستي ئې د شهید شاهین مولوي
عبدالمتین سره یو ځای په عملي جهاد پیل
وکړ او خپله ورسپارلې شوې دنده یې ترسره
کوله د ډیرو ستونځو له امله ئې په ۱۳۵۹
کال کښې د پاکستان خاورې ته هجرت وکړه
د هجرت نه وروسته ئې د پخوا په شان جهاد
في سبیل الله ته ادامه ورکړه بالاخره یې
د کنړ ولایت د فتحې څخه وروسته د خیوې
ولسوالۍ په عمومي عملیاتو کښې برخه
واخسته د ولسوالۍ د فتحې څخه وروسته په
۱۶ ار ۱۰ ار ۱۳۶۷ د جمعې په ورځ د سهار په
لسو بجو د بډیالي په خوړ کښې د محلدو قواو
د توپ د مرمۍ د اصابت په واسطه د شهادت
لوړ مقام ته ورسیده او په خپله پلارنۍ
هدیره کښې د خپل مشرورور محمد صابر
شهید په څنګ کښې خاورو ته وسپارل شو
یاد ګاربه ئې زمونږ په تاریخ کې د زرینو
کرښو درج وي .
انا لله وانا الیه راجعون

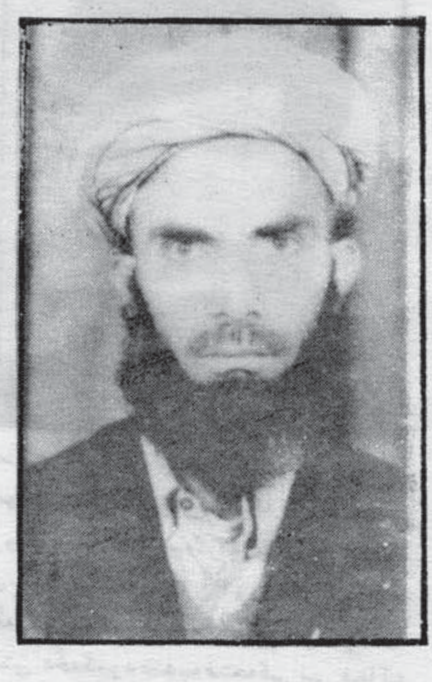

– شهید ولي محمد :
شهید ولي محمد چې په (ولک) مشهور
و د پکتیا ولایت د ګوملي اوسیدونکی په
۱۳۴۹ کال کې د دین محمد په کورنۍ کې
زیږیدلی په وړوکوالي کې یې په جهاد
لاس پورې کړ او د وحشي روسانو سره په
مخامخ نښتو کې یې زیات بریالي تو بونه
لاس ته راوړي چې بالاخره د ۱۳۶۷ کال د غبر
ګولي د میاشتې په ۲۸ نیټه په ارګون
باندې د یو تعرضي پلان د سرته رسولو په
ترڅ کې د ۱۸ کالو په عمر په شهادت ورسید
انا لله وانا الیه راجعون

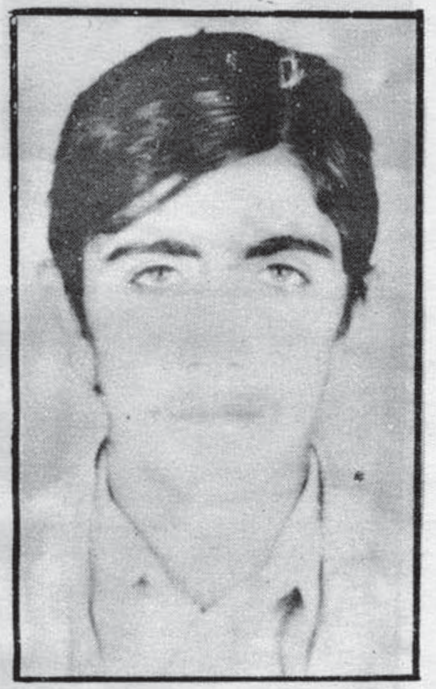

دا یثار لښکر لمړنی شهید :
شهید محمد عظیم "حقیار"
شهید محمد عظیم "حقیار" د ذکریا خان
زوی دور دګوا و میدان ولایت د سید آباد
ولسوالۍ انخۍ د باد ام په کلي کې په کال
۱۳۴۶ په یوه دیندار ه کورنۍ کې فاني
دنیا ته سترګې خلاص کړې د خپل ګران عمر
په اووه کلنۍ کې یې د هغې سیمې په
ښوونځي کې په لیک لوست پیل وکړ ،شهید
محمد عظیم حقیار چه له کوچیني والي نه
ئې د دینې زده کړې سره مینه درلوده د ښوونځي
سره سم ئې دیني زده کړه هم د کلي په
جوماتکې پیل کړه . ډیر زیرک ،پوه او
د ښوا خلاقو خاوندو ، د کلي مشران او د منطقې
نور خلک یې د ښوا خلاقو ترجماني کوي ،
د خپلې پوهې او علم په در شل کې ئې د
علماوو او مشرانو توجه ځانته واړوله
او بل به د علماوو سره په دینې بحثونو لګیا
او خپله زده کړه ئې پرمخ بیوله .
شهید محمد عظیم حقیار ، د ښو خویونو په

نتیجه کی دخپلی کورنی توجه ځانته واړه وله او د پوهنتون د ملګرو، ټولو دوستانو، کلیوالو او د منطقی د خلکو د سترګو رڼا وګرزیده. شهید محمد عظیم حقیار د خپل ژوند په هره لحظه کی د ښوونی او روزنی په ډګر کی او هم د ارشاد او تبلیغ په ډګر کی د لوی خدای دین ته دعوت ورکاوه. پوهنتون ته له تللو وروسته دی په اسلامی مبارزی ته احساسات او پاریدل او تل به د خپلو همصنفو ملګرو سره په جهادی بحثونو او کړنلاروکی لګیا و. ډیر ملګری ئی دی مقدسی لاری ته دعوت کړل، شهید محمد عظیم حقیار کله چه په افغانستان کی د ثور کرغیړنه کودتا د خوکمونستانو دوحشی او انسان وژونکو روسانو په قوماندہ ترسره شوه.

د اسلامی انقلاب را تګ ته نور هم ډیر متوجه شو. خو کله چه شهید انجنیر متین او ورسره ملګری دوردګو د سیدآباد د ولسوالی د انخی سیمی ته داخل شول شهید حقیار د خپل پلار او تره سره یو ځای په انقلابی صف کی ودریدا و په مسلح جهادئی لاس پوری کړ، دلږ وخت په تیریدو سره د شهید انجنیر عبدالمتین جبهه دومره فعاله شوه چه کمونستانو داسی راپورونه ترلاسه کړل چه که نوموړی جبهه له پښو نوره پاتی شی نو مقابله ئی ګران کار دی همدا وجه وه چه د هری غلامانو د ځلورو میاشتو په اوږدو کی د انخی سیمه ترسختو بریدونو او فشارونو لاندی راوسته ولی د نوموړی جبهی د قوماندانو او مجاهدینو تقوی او ثبات دومره ساوړی ووچه وئی نه شوای کړای د خپل مقدس جهاد نه ئی واړ وی، د شهید محمد عظیم حقیار احساسات له همدغه ورځی نه د جهاد لپاره ثابت پاتی وه او د جهادی کارونو په سرته رسولو کی ئی د ژوند تر وروستی سلګی پوری ډډه ونه کړه.

د تیر کال نه را په دی خوا د شهادت ډیر تږی و او تل به ئی په هره خبره کی د لوی خدای نه د شهادت غوښتنه کوله او ددی مطلب ښکارندوی ئی ډیر ملګری دی. پنځه میاشتی مخ کی له افغانستان نه خه راغلی او د اپښاور لښکر په غونډکی د سپاه رضاکار د غړی په صفت دنده په غاړه واخیسته او له هری منبع نه ئی سربیره په اسلامی تعلیماتو په نظامی ساحه کی عام وتام مهارت ترلاسه او د رسلاح او جنګ په فنونو ئی ځان پوهه کړ.

د شهید محمد عظیم "حقیار" د ښو اخلاقو او خویونو سره له په کنفرانس کی د غونډ د منسوبینو له خوا قرائت شوه او زیاته ئی کړه چه شهید حقیار د موږ له خوا د عملیاتو لپاره مانع شوولی ده په وار وار خپل لاسونه جګ کړی او را به ئی تکرار وله چه یا فتح او یا شهادت په ژبه او زړه کی ئی د شهادت غوښتل لیک شوی و، همدا وجه وه چه د کب د میاشتی په ۲۳ نیټه د یو کندک ملګرو سره د جنګ لپاره د ننګرهار ولایت ته واستول شو. شهید حقیار د تعرضی ګروپ سرتیری و. کله چه په عملیاتو ئی پیل وکړ د دښمن دری عرادی ټانکونه ئی ویجاړ او سپاره روسی غلامان ئی د جهنم ابدی کندی ته ولیږل او کله چه د بیا لپاره د عملیاتو تیاری نیسی او د موضع په کندلو ئی شروع وکړه په دی لړکی د دښمن له خوا د توپ مرمی راغله د شهید محمد عظیم "حقیار" ځیره ئی په وینو رنګینه او د الله اکبر په نارہ سره د شهادت لوړ مقام ته ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

– شهید زلمی :

شهید زلمی خان ځدراڼ د حاجی میرو خان زوی چه په کال ۱۳۲۹ کی د پروان کاپیسا ولایت د نوآباد د کلی په یوه دینداره کورنی کی زیږیدلی په ۱۳۳۸ کال کی د نوآباد په لمړنی ښوونځی کی شامل شو په ۱۳۴۰ کی د نوآباد د له لمړنی ښوونځی څخه په عالی درجه فارغ او په ۱۳۴۱ کی د محمود راقی په منځنی ښوونځی کی شامل شو په ۱۳۴۶ کی د نهم ټولګی نه فارغ خود څه مشکلاتو په وجه ئی خپله زده کړه نیمګړی پریښوده کله چه د غوائی د میاشتی کودتا رامنځ ته شوه نوموړی وروسته له دی څخه د تحریک ورونو سره ارتباط پیدا کړ. خو کله چه د کوهستان – کاپیسا په سیمه جهاد پیل کیده ده خپل ټوپک په غاړه او په جهادئی پیل وکړ وروسته د کم وخت ځینی د مشرانو ورونو په مشوره د سرګروپ په توګه وټاکل شو.

نوموړی شهید تر آخری سلګی پوری د اسلام د دښمنانو د سترګو اغزی و بالاخره د یوی مخامخ جګړی په ترڅ کی د ۱۳۶۱ کال د لړم د میاشتی په ۱۵ مه نیټه د شهادت لوړ مقام ته ورسیده.

روح دی ښاد وی

انا لله وانا الیه راجعون

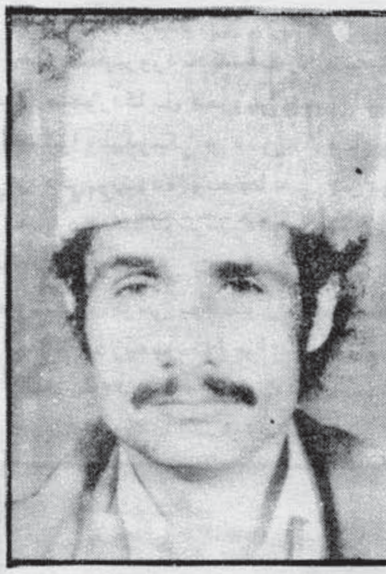

– شهید عتیق الله :

شهید عتیق الله "صاحب زاده" د شهید قاضی عبدالودود صاحب زاده زوی په ۱۳۴۷ کال د ننګرهار ولایت د خیوی ولسوالی د دره نور علاقداری کی زیږیدلی لمړنی زده کړه یی د بدیالی په ابتدایی مدرسه کی ترسره کړی په ۱۳۵۹ کال یی پاکستان ته د هجرت لار غوره کړه، د هجرت په محیط کی یی د سید جمال الدین لیسه کی خپل تعلیمات تکمیل کړو د زده کړی په وخت کی به هم د جهاد تود و سنګرونه د عملی جهاد لپاره شو، د اسلامی تعلیماتو سره د زیاتی مینی له کبله د جهاد پوهنتون اصول دین پوهنځی کی شامل شو او تر دریم ټولګی یی تعقیب کړ، د جهاد په میدان کی یی هم له هیڅ ډول ستونځو نه سر نه غړاوه خود ۱۳۶۷ کال د جوزا د میاشتی په ۲۹ نیټه د یکشنبی په ورځ د

ننگرها رولایت دکا شکوټ پهسیمهکی لــــه
ملحدینوسره دیوی نښتی پهترځ کــــی د
شها دت لوړمقا م تهورسید .
انا للهوانا الیهرا جعــون

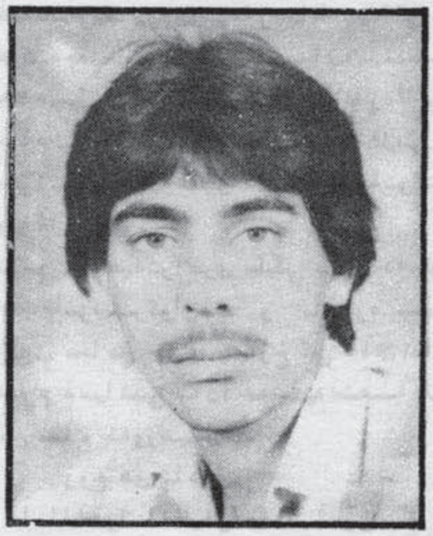

ـ شهیدمحمدسرور :
شهیدمحمدسرورد محمدسعیدزوی پهبشیر
احمد مشهوردکابل دسروبی ولسوالی د
هودخیلوا وسیدونکی و دشوردکودتاوروسته
یی زدهکړپریښودها وپهجها دیی لاس پوری
کړپهنوروعملیا توبرسیرهدروان کال په
هغوعملیا توکی چی پههوایی میدان ،
مکروریان ،حربی پوهنتون ،څلورمهقوه
اودخاک جبار پهپوستوا جراء شووشرکـــت
درلودځوپه ۱۴ر۵ر۶۷ نیټهپهشها دت ورسید
انا للهوانا الیهرا جعـــون

ـ شهیدورورغلام حیدر :
شهیدورورغلام حید"خزان" دشیخ حسن
جان زوی دننگرها ردخوګیا ڼیودشیخا نو
پهکلی کی زیږیدلی دافغانستان کی د
کفری نظام د[illegible] کیدوسرهیی په

جها دلاس پوری کړپهډیروعملیا توکی یی
برخهاخستی اوملحددښمن تهیی ډیـــر
ځانی اومالی تاوانونهاړولی بالاخره
د۱۳۶۱ کال دسنبلی دمیاشتی په۱۳نیټه
ددوشنبی پهورځ دملحدینولخوا دځای په
ځای شوی مین پهذریعهپهشها دت ورسید .
انا للهوانا الیهرا جعــــون

ـ شهیدما مورا حمدشاه :
شهیدما مورا حمدشاه دملک علی گــل
زوی دوردګومیدان ولایت دنرخ علاقدا ری
اوسیدونکی په ۱۳۳۰ کی زیږیدلی زدهکړه
یی دنرخ پهلیسه کی سرتهرسولی۱۳۵۲
کال کی دنرخ دلیسی څخهفا رغ اوپــــه
۱۳۵۳ کال کی دبهسودودحصهاول پـــه
ولسوالی کی دما مورپهتوګهوټاکل شــو
دنرخ دعلاقدا ری دآزادی نهوروستهیی
پهخپله سیمهکی پهجها دی امورو پیـــل
وکړ په ۱۳۶۶ کال کی دروسانودوحشیانه
بمبا ردلهکبلهپهشها دت ورسید .
انا للهوانا الیهرا جعـــون .

سهید ملامحمد :
شهید ملامحمدفرزند ملاا دهمدرسال۱۳۲۵

درقریهسفیدا رک ولسوالی تیورهتولـــد
یافت باآغا زجها دمسلحا نهبهصفـــــوف
مجا هدین پیوست وی شخص دلاورومخلـــص
بـــود درعملیا ت متعددی شرکت ورزیـــد
بالاخره درمیزان ۱۳۶۵ درچغچران ـــ
نمو دریک نبردرویا روئی با قوای درنده
صفت روس با پنج تن ا زهمسنگرانش بـــه
درجه رفیع شها دت نایل گردید .
انا لله وانا الیهرا جعـــون

ـ برا درشهیدا حمدسعید :
برا درشهیدا حمدسعیدفرزندپیروزخان
درسال ۱۳۳۸ درقریهباغ عارق ولسوالی
قرهباغ ولایت کابل دریک فامیل متدین
چشم بهجهان گشود . درابتداء عمرخودبـــا
هدایت پدرش دروس دینی آموخت بعـــدا"
شامل مکتب ابتدا ئیهگردیدچون علاقـــه
خاص بهجها ددا شت بدین ملحوظ درکمیته
نظامی حزب ایفای وظیفهمی نمودســــر
انجام درسال ۱۳۶۶ کهعا زمجها دمقـدس
گردیدهبود درقریهباغ عارق مورداصابت
مرمی دشمن سفاک قرارگرفت وبهکاروان
شهدا پیوســـت .
انا للهوانا الیهرا جعـــون

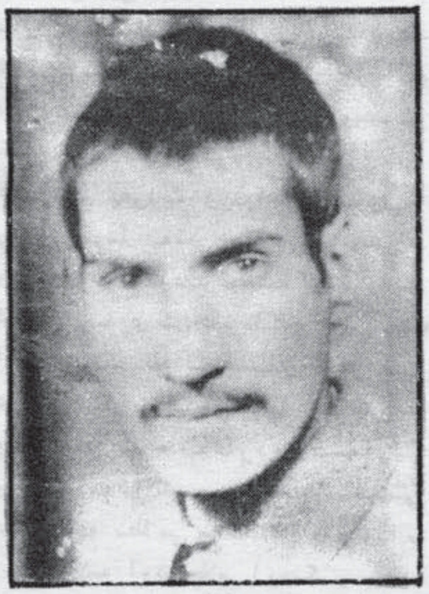

- شهید استاد عبدالغفور "موفق"

شهید استاد عبدالغفور "موفق" فرزند حاجی ملابابه درسال ۱۳۳۰ درقریه مارمل ولسوالی نهرشاهی ولایت بلخ دیده بجهان گشود. درسال ۱۳۳۷ شامل مکتب ابتدائیه نارمل گردیده وبدرجه عالی سندفراغت را بدست آورد وبعداً شامل لیسه باخترمزارشریف گردیدچون استاد عبدالغفور موفق نتایج عالی وممتاز از امتحانات خودرا بدست می آورد ازاین جهت وی را بنام موفق مسمی ساخته بودند استاد موفق درپهلوی اینکه تحصیلات ثانوی خودرا تعقیب می نمود ازمبارزه اسلامی علیه کمونیزم لحظه ئی غافل نبودودرموردبه مشوره وهدایت برادربزرگش استاد عبدالقادر توانا عمل می نمود استاد موفق بعداز بدست آوردن سندفراغت تحصیلات ثانوی شامل دارالمعلمین مزارشریف گردید. بعدازفراغت ازدارالمعلمین نظربه لیاقت سرشاری که داشت بحیث استاد دردارالمعلمین مذکورتوظیف گردید.

درسال ۱۳۵۳ بخاطراخذهدایت وانجام یک سلسله مشوره های تحریکی ازبرادرش توانا عازم کابل گردیددرهمین سال بابرادرش یکجا تحت محاصره شدیددولت وابسته روس قرارگرفت استاد موفق بازرنگی که داشت توانست خودرا ازقید محاصره رهاسازدولی استادتوانا بدست اجیران روس دستگیروروانه زندان شد استاد موفق بعداً بولایت بلخ تشریف برده وبرادرخودڅارنوال عبدالعزیز را ازموضوع مطلع گردانید آنها باروحیه ایثاروفداکاری همه مشکلات را تحت شعاع خودقراردادند.

درسال ۱۳۵۵ یعنی دوسال بعدازایفای وظیفه معلمی بحیث معاون دارالمعلمین مقررگردیدبه تعقیب آن درسال ۱۳۵۶ - سمت مدیریت دارالعلمین را احرازنمود درجریان دوره مدیریت خودتوانست دارالمعلمین رابه مدرسه اسلامی تبدیل نمایددرتمام دارالمعلمین یک فردهم بنام خلق وپرچم درطول دوره وی - تطاهرننمودعلاوه برانیها استاد موفق با برادران تحریکی که درزندان بودند تماس حاصل می نمود وی بشمول برادرش عبدالقادرتوانا ازبرادران تحریکی جهت پیشبردکاردستوروهدایت می گرفت درنتیجه فعالیت های قهرمانانه شان درسال ۱۳۵۷ توسط سازمان های اجیر روس دستگیروروهسپار سیاه چال های زندان گردید استاد موفق درزندان توسط حکومت مزدوروقت به شکنجه های گوناگون تعذیب گردید ناخن های شان کشیده شد.

استاد موفق بعدازسپری مدتی از زندان رهائی یافته عازم پشاورگردید وپس ازچندی بنابرهدایت مقام رهبری حزب اسلامی دوباره به افغانستان عزیمت نمودولی درمسیرراه جلال آباد - کابل توسط اجیران روس دستگیرودوباره به زندان برده شددراین بارمدت پنج ماه را درتحت شکنجه های گوناگون دولت مزدورگذرانیدتا بالاخره بوسیله جانیان خلقی به مقام والای شهادت رسانیده شد.

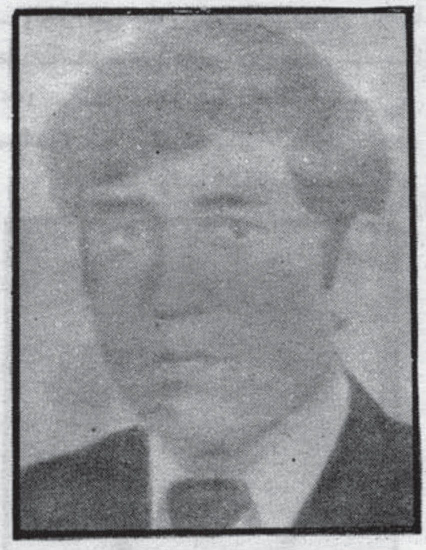

شهید میرزا محمد :

شهید میرزا محمدولدنور محمدمسکونه تره خیل ولسوالی ده سبزولایت کابل د، سال ۱۳۴۳ دریک فامیل مسلمان ومتدین چشم به جهان کشود تحصیلات ابتدائی را تاصنف شش درمتوسطه تره خیل به پایان رسانید پس ازآنکه غلامان حلقه بگوش روس درسال ۱۳۵۷ زمام حکومت را بدست گرفت ،وی همراه مجاهدین منطقه به طور مخفی به فعالیت آغازنمودودربخش کشف اسراردستگاه های دولتی وظیفه گرفت طبق دستوریکعده قوماندانان شامل کورس غندتعلیمی قوای څارندوی گردید وبعدازفراغت به صفت ضابط تولی ماموریت دشت برچی معرفی گردیدوبعدازاجرای یکسال وظیفه به مجاهدین آن منطقه یعنی قوماندان(دیدار) ارتباط گرفت چون دراینجاافشاء شدنتوانست به کمونستان ضربه واردکند وظیفه خود را ترک کردچون یک حکومت بی بندوبار بودبازدرقریه خودبامشوره مجاهدین منطقه خودبه پوسته خادستان نمبر (۳) که مشهوربه پوسته پهلوان زمری بودخود را به صفت سربازداوطلب شامل آن پوسته ساخت.

یک ماه بعدپلان عملیات خودرا مکمل ساخت ودرشب دوم عیدرمضان المبارک **سال ۱۳۶۳ درحالیکه به مجاهدین حزب اسلامی خبرداده بودوبرادرش نیزمجاهد مسلح آن گروپ بودبمجردیکه ازمحاصره پوسته توسط مجاهدین مطمین شدتوسط سلاح دست داشته خودقوماندان پوسته و۸ نفرخادستان راکه مشغول شراب نوشی بودندبه جهنم فرستادو۱۲ نفردیگرشانرا به اسارت درآوردوبعداً دروازه پوسته مذکوررا بروی مجاهدین بازکردخادستان را همرای ۲۵ میل سلاح مختلف النوع بدست مجاهدین تحویل دادخودنیزراهی جبهه حق گردید وبعدازمدت چهارسال جهاد مسلحانه دریک برخوردروباروبی باروس های خون آشام درمنطقه سنگ آب ده سبز در۱۵ اسدسال ۱۳۶۷ به درجه شهادت نائل گردید.**

روحش شادویادش گرامی باد

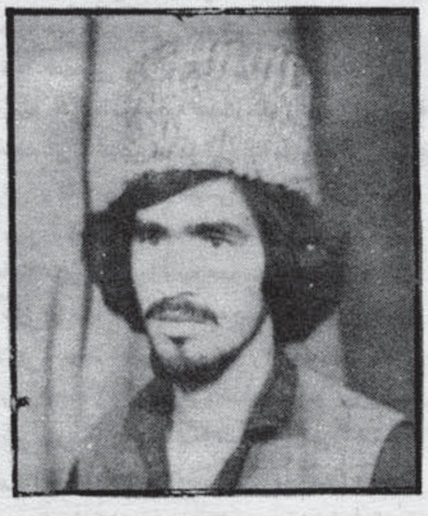

شهید مامور :

مامورشهیدد ننگرهارولایت دشینواری د نازیانودولسوالی په یوه دیندار ه کورنی کی زیږیدلی نوموړی شهیدقاری صاحب موء من دمستقیمی رهبری لاندی روزل شوی دی اوخپل ټول عمرئی دخدای (ج) په لارکی قربانی کړی وء نوموړی شهید ۱۳۵۳ کال کی دنازیانودلیسی دد ولسم ټولگی څخه په ډیره ښه درجه فارغ شواود فارغیدونه وروسته دفارم غازی آباد په

مکتب کې د ما مورپه صفت مقررشوا و د
ما موریت په دوره کې به ئې دخپلو ټولو
ورونو سره اسلامي غونډوکې برخه اخيستله
او کله چه په ۱۳۵۷ کې د تره کي کرغیړنه
کودتا منځ ته راغله نود کمونستانو له خوا
ونیول شوا و محبس ته وا ستول شوا وځو
ورځې به محبس کې تیرې کړې او کله چه
د محبس څخه خلاص شونو پاکستان ته په
۱۳۵۸ کال کې را مهاجر شو او
بیا افغانستان ته لاړنود نادرخان د
قوماندې لاندې ئې په عملي جهاد پیل وکړ
عملي جهادئې د افغانستان د ننګرهار
دنا زیا نود هسکو غرونوڅخه شروع او تر
شمرخیل پورې وجنګید او خومودہ
په جبهه کې دنا زیا نود ولسوالی د سر
کروپ په حیث مقرر شوا و خپله وظیفه ئې سر
ته ور سوله نوموړی شهید یو زیات امانت
کارا و عادل شخص و دیو مجاهد د قول څخه
چه نوموړی شهید کله د سرګروپی وظیفه
اجرا کوله نود، دخپلو مصا رفو په کتابچه کې
لس پاکستانی روپی لیکلی وی او په هر
وخت به ئې دقرآن شریف زیات ترجمه هم
کوله او کله به چه د جهاد څخه راغی نو د
تبلیغ سره ئې زیات علاقه درلوده او
وخت چه به ئې پیدا کړ د دری ورځونه تر
څلورو میاشتو پورې به ئې تبلیغ کې خپله
ونډه اخیستی وه او بیا د شهید محمدګل په
مدرسه کې د معلم په حیث مقرر شو . او خپله
وظیفه ئې د شهید محمدګل په مدرسه کې شروع
کړه او کله به چه د رخصتی وخت را غی نو
نوموړی شهید دخپلو همسنګرو ورونو سره
جهاد ته روان و او په عمومي عملیاتو کې
به ئې برخه اخیستله کله چه نوموړی شهید
۱۳۶۷ د حوت د میاشتې په (۱۷) نیټه د
مدرسې څخه روانیده نو خپلو ټولو ورونو
ته ئې وویل چه په افغانستان کې د جهاد
آخری پړا و ته رسیدلی دی او د ګټې وخت
تیرېږی نو ددې خبرونه وروسته دخپلې
مدرسې د ټولو معلمینو څخه رخصت واخیست
او په تلوار خپل تا و ده سنګر ته روان شوا و
په دوهمه ورځ بانډې ۱۸ر۱۲ر۱۳۶۷ کال
د ما سپښین دوه بجې د شهادت
لوړمقام ته ورسید البته نوموړی ورور
د تحریک د مخکښانو څخه شمیرل کیدی .
انا لله وانا الیه راجعون

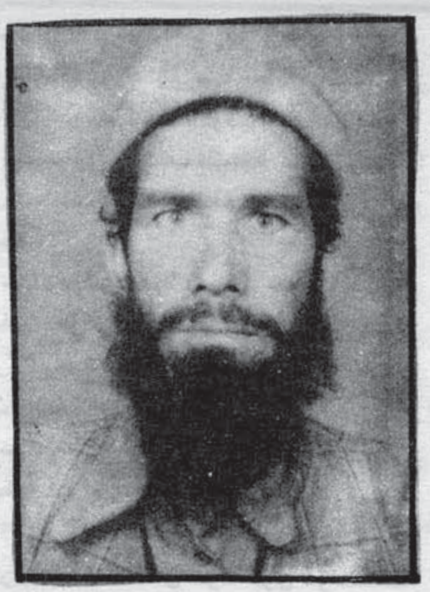

شهید معلم جمال الدین :

برادر مجاهد شهید معلم جمال الدین
فرزند میرزا سراج الدین مسکونه قریه
نبوولسوالی اندراب ولایت بغلان ازآغاز
جهاد به صفوف مجاهدین پیوست درسال
۱۳۶۶ دریک حمله وحشیانه قوای روس
دستگیر وبشهادت رسید .
انالله وانا الیه راجعون

شهید قوماندان محمدرسول

(ذبیح الله) د پکتیکا ولایت دبرنۍ
سیمی اوسیدونکی چې د ۱۳۳۳ کال په
اوا یلوکی زیږیدلی او دشوروی د کرغیړنې
کودتا سره سم یې په وسله وال جهاد لاس
پوری کړی، شهید محمدرسول دزیاتې
زړورتیا او هوښیارتیا په وجه د عدالت حوزې
د شهادت کندک قومانده پرمخ بیوله . او
په دوران کې یې زیات بریالیتوبونه
لاس ته راوړی ، چې بالاخره د ۱۳۶۷ کال
د تلې میاشتې په ۱۲ مه نیټه ددښمن په
یوه مخامخ نښته کې د شهادت لوړمقام ته
ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

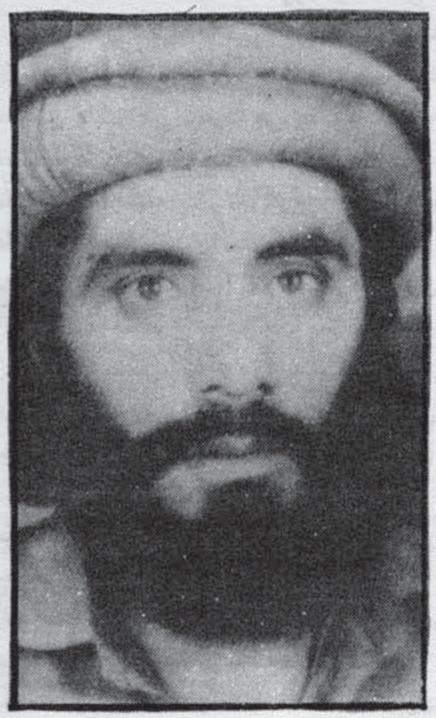

شهید قاری احسان الله :

شهید قاری احسان الله د مولوی شیر
علي خان زوی د ننګرهار ولایت د رودات د
ولسوالی د کوټ دلاغر جو قریې اوسیدونکی
چه په یوه دینداره کورنی کې زیږیدلی او د
وړوکتوب نه ئې په نیکوا خلاقو شهرت
درلوده، دخپل عمر په اته کلنی کې ئې
قرآن کریم حفظ کړ، نوموړی دقرآن
شریف دحفظ سربیره نور دینی علومو
درسونه د باړی په " دارالعلوم هاشمیه او
اشاعت العلوم" کې سرته ورسول .
په ۱۳۵۸ کال کې ئې په وسله وال جهاد
لاس پوری کړ، چه د جهاد په لومړیو وختو
کې ئې د هسکې مینې ولسوالی، د پا یین
مکتب ، د حصارک مکتب او د وه نور مکتونو
نه د کمونستانو د تسلط څخه خلاص کړل . او له
دې څخه وروسته ئې د نورو مجاهدورونو
په ګډون د رودات په ولسوالی، د کامې په
ولسوالی ؛ د نازیان په ولسوالی او د بټی
کوټ په علاقداری فاتحانه حملې وکړې
چه په نتیجه کې ئې د رودات او ولسوالی فتحه
شوه چه په کې یې ډېر زیات غنیمتونه
ترلاسه کړل ، د غه وروسته په کال ۱۳۶۳ کې
د ابوحنیفه (رح) د قرارګاه د معاونیت دنده
ورو سپارل شوه او په ۱۳۶۷ کې کله چه
د قرارګاه تشکیل بدل شونو نوموړی ورور
د قرارګاه د مالی مسئول په توګه وټاکل

انداب ته هجرت وکړ او دکیله ګۍ په سیمه کې یې خپل جهاد ته دا مه ورکوله په ۱۳۵۹ کال پاکستان ته په هجرت کولو مجبور شو او په پاکستان کې یې دشیرګړ په مدرسه کې په داسې حال کې په زده کړه پیل وکړ چې پلاریې سید محمد اوورور یې محمد دا جان په جهاد کې وو او پلار یې دقومانداني دنده په غاړه درلوده کله چې پلار ورور او تره یې دکیله ګۍ په سیمه کې د اتو نفرو مجاهدینو سره یوځای په شهادت ورسیدل خپله زده کړه یې پریښوده او دجهاد ګرم سنګر ته بیرته ستون شو دډیرو عملیاتو وروسته دروسانو په کاروان دیوې حملې په ترڅ کې دماین دچاودنې په ذریعه دشهادت لوړ مقام ته ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

– شهید قاضي بابا ګل :

شهید قاضي بابا ګل مشهور په قاضي روح الله دبازمحمد خان زوی دحزب اسلامي یو تکړه باغیرتي مجاهد وه دکنړ ولایت دنورګل علاقداري دمزاردري د مروري دکلي په یوه اسلام مینه کورنۍ کښې زیږیدلی دی. په ۱۳۳۷ دمزاردري په ابتدائي ښوونځي کښې شامل شو. او ابتدائي تعلیم ئې په ۱۳۴۳ کال سرته ورساوه څرنګه چه قاضي صاحب ابتداء "د اسلامي تعلیماتو سره مینه درلوده نو په ۱۳۴۴ کال کې دا سلامي تعلیماتو ترسره کولو لپاره دکابل په عربي دارالعلوم کښې ځان شامل کړ او دفراغت سند ئې په ۱۳۵۳ کال کښې ترلاسه کړ او بیا دخپلو عالي تحصیلاتو لپاره دکابل دشرعیاتو پوهنځي ته ولاړ او دشرعیاتو دپوهنځي د څلورمې دورې په اخري سمستر کښې دشورد ۱۳۵۷ فاسدی کودتا دراتلو سره سم ددې سبز په ولسوالۍ کښې بندي شو.

قاضي صاحب چه دښې بې محروپه مسجد کښې امام و، دمسجد ټول غیور مسلمانان دقاضي صاحب دخلاصون لپاره دا حتجاج په شکل راووتل ترڅو قاضي صاحب دنوموړي بندخخه آزاد شو دهمدې شپې په سهار قاضي صاحب دخپل کورسره خپل لومړنی دزیږیدلو ځای ته راغی.

قاضي صاحب ته چه دملحدینو منحوسي خیری په ډاګه شوی وی دنورګل علاقداري مربوط دزیري بابا په شولټ نومي ځای کښې چه یو غرنی سیمه ده خپل استوګن ځای وټاکه او سمدستي ئې دشهید شاهین مولوي عبدالمتین سره یوځای په عملي جهاد پیل وکړ او خپله ورسپارلې شوې دنده یې ترسره کوله دډیروستونځو له امله ئې په ۱۳۵۹ کال کښې دپاکستان خاورې ته هجرت وکړه دهجرت نه وروسته ئې دپخوا په شان جهاد في سبیل الله ته ادامه ورکړه بالاخره یې دکنړ ولایت دفتحې څخه وروسته دخیوی ولسوالۍ په عمومي عملیاتو کښې برخه واخسته دولسوالۍ دفتحې څخه وروسته په ۱۶ ر ۱۰ ر ۱۳۶۷ دجمعې په ورځ دسهار په لسو بجو دبډیالي په خوړکښ دمحلدوقوا و دتوپ دمرمي دا صابت په واسطه دشهادت لوړ مقام ته ورسید او په خپله پلارني هدیره کښې دخپل مشرورور محمد صابر شهید په څنګ کښې خاورو ته وسپارل شو یادګار به ئې زمونږ په تاریخ کې دزرینو کرښو درج وي.

انا لله وانا الیه راجعون

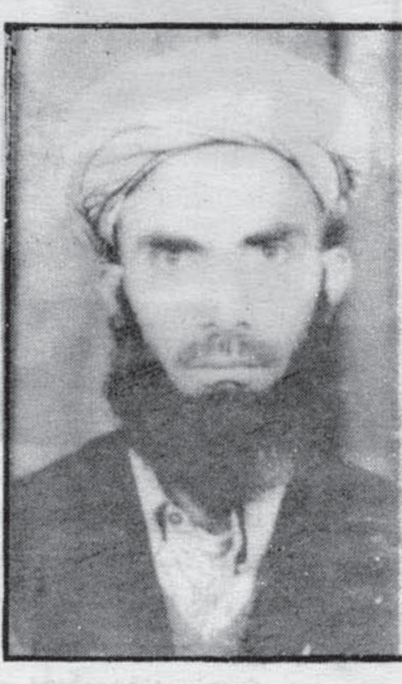

– شهید ولي محمد :

شهید ولي محمد چې په (ولک) مشهور و دپکتیا ولایت دګوملې او سیدونکی په ۱۳۴۹ کال کې ددین محمد په کورنۍ کې زیږیدلی په وړوکوالي کې یې په جهاد لاس پوري کړ او دوحشي روسانو سره په مخامخ نښتو کې یې زیات بریالي توبونه لاس ته راوړي. چې بالاخره په ۱۳۶۷ کال دغبر ګولې دمیاشتې په ۲۸ نیټه په ارګون باندې دیو تعرضي پلان دسرته رسولو په ترڅ کې د۱۸ کالو په عمر په شهادت ورسید

انا لله وانا الیه راجعون

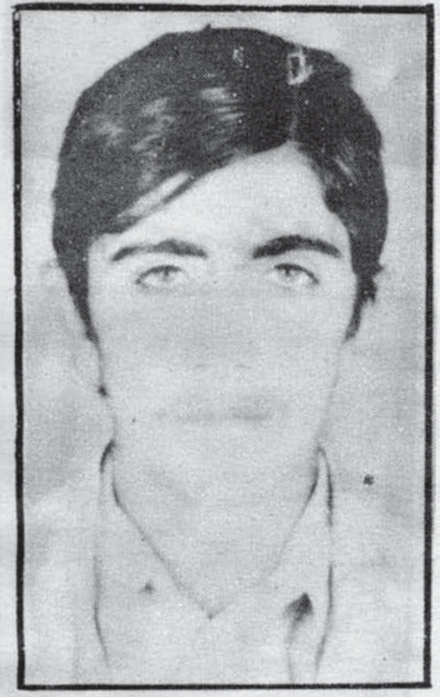

دا یثار لښکر لمړنی شهید :
شهید محمد عظیم "حقیار"

شهید محمد عظیم "حقیار" دذکریا خان زوی دوردګو او میدان ولایت دسیدآباد ولسوالۍ انخی دباډام په کلي کې په کال ۱۳۴۶ په یوه دیندار ه کورنۍ کې فاني دنیا ته سترګې خلاص کړي دخپل ګران عمر په اووه کلنۍ کې یې دهغې سیمې په ښوونځي کې په لیک لوست پیل وکړ، شهید محمد عظیم حقیار چه له کوچیني والي نه ئې ددیني زده کړې سره مینه درلوده دښوونځي سره سم ئې دیني زده کړه هم دکلي په جوماتکې پیل کړه. ډیر زیرک، پوه او دښو اخلاقو خاوندو دکلي مشران او دمنطقې نور خلک یې دښو اخلاقو ترجماني کوي، دخپلې پوهې او علم په درشل کې ئې د علماوو او مشرانو توجه ځانته وا ړوله او بل به دعلماوو سره په دیني بحثونو لګیا او خپله زده کړه ئې پرمخ بیوله.
شهید محمد عظیم حقیار، دښو خویونو په

بلکه پخپله یی دهاوان او ۸۲ توپ د انداخت وظیفه په غاړه اخیستی وه او وروسته له هغی چی یوشمیر کمونستان ئی په سپینه تها ته کی جهنم ته ولیږل د دښمن د درندو وسلو دانداخت په نتیجه کی دشهادت لوړ مقام ورسید . انا لله وانا الیه راجعون

- شهید محمدالله :

شهید محمدالله فرزند غلام نبی باشنده ء ولسوالی امام صاحب ولایت کندز در یک فامیل خدا پرست چشم به جهان کشوده و در محیط اسلامی تربیت یافته است با روی کار آمدن رژیم کمونستی وهجوم وحشیانه روسها به خاک مقدس افغانستان به جهاد مسلحانه آغاز نموده و مدت مدیدی در سنگر های داغ جهاد علیه دشمنان دین اسلام وناموس وطن رزمید تا بتاریخ ۱۲ر۳ر۶۶ در برابر کمین روسها در مسیر پاکستان در منطقه اوچکان ولایت لوگر جام شهادت نوشید .

انا لله وانا الیه راجعون

شهید معلم داجان :

شهید معلم داجان د جمعه گل زوی په ۱۳۳۱ کال کی دپکتیا ولایت دخاځی ولسوالی په حسن خیلوکی زیږیدلی، دشور دکودتا وروسته یی په جهاد لاس پوری کړ وروسته دگروپ قوماندە وروسپارل شوه، ډیربریالی توبونه یی لاس ته راوړل او د ۱۳۶۷ کال دجنگابش په ۳۱ نیټه دمین د چاودنی په ترڅ کی په شهادت ورسید .

انا لله وانا الیه راجعون

۱۱- شهید الله گل دشهید جرنیل زوی ۲۵ کاله دمخه دلغمان ولایت مرکز دماشه خیلوکلی په یوه متدینه کورنی کی زیږیدلی ترشپږم ټولگی پوری یی زده کړی اودخپلی اسلامی جذبی سره سم یی له خپل پلار سره اوږه په اوږه له وروکتوب نه جهاد پیل کړی، دلغمان دمرکزا وقرغیو دولسوالی په ډیرو عملیاتوکی یی برخه اخیستی ترڅو په ۱۳۶۷ کال دجنگابش په میاشت کی د روسانو سره په یوه نښته کی چی دشهیدانو په سیمه کی را منځ ته شوه دشهادت لوړ مقام ته ورسید .

انا لله وانا الیه راجعون

شهید میرفضل الدین :

شهید میرفضل الدین فرزند میرسیف الدین مسکونه قریه خواجه چاشت ولی ولسوالی ده سبز ولایت کابل درسال ۱۳۴۲ دریک فامیل متدین چشم به جهان کشود درسن هفت سالگی شامل مکتب ابتدائیه خواجه چاشت گردید و تحصیلات خویش را تا صنف ششم درآنجا به پایان رسانید درسال ۱۳۵۷ بعداز ینکه کودتای هفت ثور صورت گرفت یکجا با سایر برادران خویش بر ضد ملحدین دست به مبارزه مسلحانه زد . در عملیاتهای متعدد بر علیه دشمنان اسلام اشتراک ورزید .

بالاخره دریک عملیات رویارویی در قریه بندیخانه ولسوالی ده سبز بتاریخ ۱۵ - اسد سال ۱۳۶۷ بعد از آنکه چندین تن روسها وغلامان شان را روانه جهنم ساخت خودش نیز جام شیرین شهادت را نوشید .

روحش شاد ویادش گرامی باد

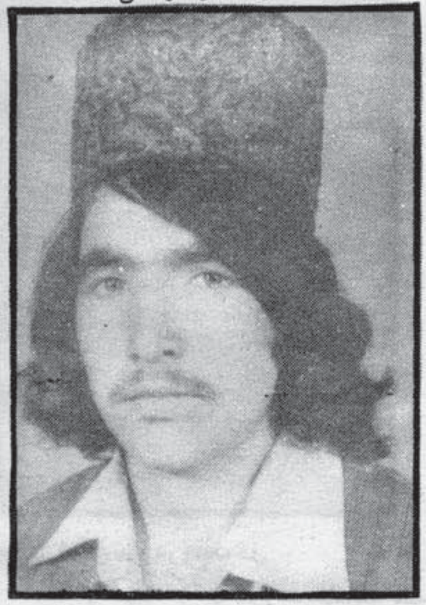

شهید سید رسول :

شهید سید رسول دمحمد رسول زوی د لغمان ولایت دمرکزا وسیدونکی په ډیرو جنگونوکی یی برخه اخستی خو د ۱۳۶۵ کال د میزان دمیاشتی په اومه نیټه دشهادت لوړ مقام ته ورسید .

انا لله وانا الیه راجعون

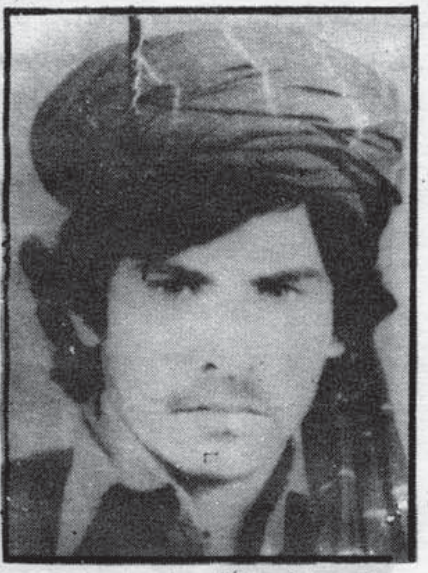

شهید حاجی جان محمد :

برادرمجاهد حاجی جان محمد فرزند حاجی گل محمد درسال ۱۳۴۰ در ولسوالی محمد آغه ولایت لوگر چشم به جهان گشود بعد از تحصیل عازم بیت الله شریف گردید با روی کار آمدن حکومت کمونیستی دوباره به کشور مرد خیز خود عودت نموده و در پهلوی

برادران مجاهددست به جهاد مسلحانه زد که بعدازطی چندسال جهاددرماه اسد ۱۳۶۶ به مقام رفیع شهادت نایل گشت.

انا لله وانا الیه راجعون

۲۹ ـ شهید محمد اسمعیل :

شهید محمد اسمعیل ولد بهاء الدین در قریه سفیدسنگ ولسوالی محمدآغه ولایت لوگرچشم به جهان گشود زمانیکه متعلم صنف ۱۲ بودکودتای ننگین هفت ثوربه وقوع پیوست برادرشهیدمکتب را ترک گفته وبه جهاد عملی ومسلحانه پرداخت وبالاخره درفتح ولسوالی محمدآغه بتاریخ ۱۰ر۴ر۶۷ به اثر بمباردمان دشمن به شهادت رسید. روحش شاد یادگرامی باد

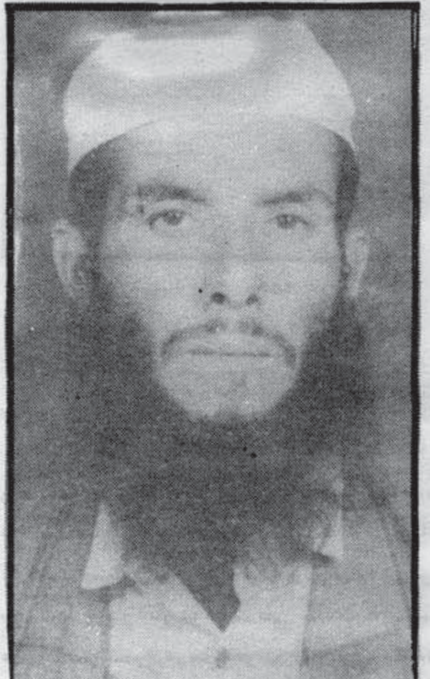

شهید عبدالواجد :

شهید عبدالواجد دشهیدفرمان خان زوی په ۱۳۵۰ کال دننگرهار ولایت د کامی ولسوالی دگخ کلی په یوه دیندار او خدای مینه کورنی کی دنیا ته سترگی پرانیستی څرنگه چی دنوموړی وروردمشرانو مینه ددین سره بی کچی وه نوشهیدعبدالواجدلا د ۷ یا ۸ کالو عمرته نه وو رسیدلی چی پلاریی شهیدفرمان مشهورپه خان دخان علی خان زوی په ۱۳۵۸ کال دمرغومی په ۱۵ مه نیټه د دکامی ولسوالی مکملی فتح کولوڅخه وروسته کوم وخت چی روسانوا ودهغوی گوډاگیانودخپل انتقام اخستلوپه غرض دوه ځله کامی ته قوا راولیږله نوددوهم ځل په یوه مخامخ نښته کی په پورتنی نیته پداسی حال کی چی دوه تنه نورورونه یی هریو محمدعمراو معلم دادخان سخت زخمیان وو دشهادت لوړ مقام ته ورسید.

شهیدورور عبدالواجدپه ډیرکم عمر دخپلو نورومجاهدینو وورونوسره او ږه په اوږه په عملی جهاداو مبارزه پیل وکړاو په ډیروزیاتو عملیاتوکی یی عملا" برخه واخسته. بالاخره دگوشتی ولسوالی ـ دحملی په ترڅ کی د۱۳۶۷ کال دقوس په ۲۸ مه نیټه دشهادت لوړمقام ته چی وروستی هیله او آرزویی وه ورسیدا وخپل تاریخ یی ملت ته په وینوکی ورنگاوه.

انا لله وانا الیه راجعون

ـ ملا عبدالغفار شهید :

شهید عبدالغفار "محمودی" ولد حاجی عبدالله ۲۶ سال قبل ازامروزدردهکده دوغلط کلان "ارگو" مرکزولایت بدخشان دریک فامیل متدین وخداپرست دیده به جهان هستی بازکرد، دوره ٔ ابتدائیه را به پایان رسانید، درفراگیری وپژوهش علوم دینی که قلبا" دل داده وعاشق آن بودمجدانه تلاش می ورزید، با روی کار آمدن حکومت دست نشانده ٔ روس درکشور درصف جهادقرارگرفت وعملا" مردم رابه اسلام دعوت به سوی دین خدا (ج) واقامه جهاد مسلحانه علیه حکومت مزدورتشویق می نمود، سال ۱۳۶۰ غرض تجهیزواکمال نظامی به پشاورآمد، بعدازتوقف کوتاه درپشاورد وباره رهسپارجبهه ٔ جنگ گردید ومجددا" سلاح دعوت وجهاد رابدست گرفت سال ۱۳۶۳ بنابرلزوم دیدقوماندانی عمومی جبهه البدرلوگرغرض فراگیری علم ودانش به پاکستان اعزام گردید.

ازآن وقت تاکنون درمدارس مختلف پاکستان مصروف کسب علم بودکه ناگاه قاصداجل به سراغش شتافت ودریک حادثه ترافیکی بتاریخ ۲۹ر۱ر۶۷ درحصه "نوی اده" واقع پشاوربه شهادت رسید.

روحش شاد، یادش مستدام وراهش پررهرو باد

انا لله وانا الیه راجعون

ـ شهیدضابط عبدالغفار :

دپکتیکا ولایت ددنگو غرونوا ورغونوزمری داسلامی انقلاب رښتنی پاسدار دقافله سالار ځوان او باشهامته قوماندان د پکتیکا ولایت فاتح او قهرمان شهیدضابط عبدالغفار دعبدالغفورزوی چی دپکتیا ولایت دخواجه خیلو دعلی خان دکلی په یوه متدینه او دیندار کورنی کښی زیږیدلی او ابتدائی تحصیلات ئی دخواجه خیلو په ابتدائی ښوونځی کښی سرته رسولی وروسته بیا دیوه ممتاز شاگرد په صفت په حربی ښوونځی کی شامل شو خپل تحصیلات یی په پوره لیاقت او دیانت سره سرته ورسول خو د ۱۳۵۷ کال دغوائی دمنحوسی او بدمرغه کفری کودتا له رامنځ ته کیدو سره سم نوموړی په خدای مین شهیدد خدای دښمنه کمونستانو له خوا زندانی کیږی بیا د څه وخت زندان څخه وروسته نوموړی ورور دقندهار دفاشمول سیمی ته ددی په خاطرهجرت کوی چی په هماغه ځای کښی داسلامی تحریک له نورومبارزو او مجاهدوورونوسره یوځای شی څرنگه چی د

عمر په‌لحاظ دا کوچنی خودا سلامی غیر ت له‌مخی همدغه غیرتی وروزضا بط صا حب دا سلامی نهضت له‌مشرا نوورونوسره یو ځا ی دپا کستا ن دکوټی ا وپښین طرف ته هجرت کوی ا ود۱۳۵۷ کا ل په‌ا وږدوکی ئی په مسلحا نه‌جها دلاس پوری کړا وله خپلونوروبا شها مته‌ورونوسره یوځا ی د پکتیکا ولایت په‌څینوسیموکښی عملی‌جها د پیل کوی ا ودهمدی ولایت په‌سپنڅک نومی ځاۍکی‌یی‌دا نجنیرجمعه‌گل ترقیادت‌لاندی جبهه‌جوړه‌کړه‌ا ولدی څخه مخکی ئی هم دا ورگون ، گوملی په‌ا ولنی عملیا تو کښی فعا له برخه‌ا خیستی ده‌چی وروسته ئی بیا دیوسف خیلوعلاقدا ری فتح کړه وروسته له‌څه مودی څخه‌بیا دغزنی ولایت په‌کنصف نومی ځا ی کښی جبهه‌جوړه‌ا و د نوموری جبهی دنظا می مسئول قومانداﻥ په‌صفت ئی وظیفه ا جرا کوله‌په‌دی ولایت کښی ئی هم ډیرځوا ن مردا نه فتوحا ت وکړل چی دفتوحا تو له‌جملی څخه‌ئی یو هم دکنصف کلی ا ودصا حب خا ن کلی له خدا ی دشمنه ملیشی ا وکفری خلقیا نو څخه خلاص ا وپوستی ئی دهغوی فتح کړ ی ا ودغزنی دولایت په‌مرکزا وشا وخوا سیمو کښی ئی هم دزړه‌ورمتقی ،ا مین ا وبا شها مته‌قوما ندا ن په‌صفت په‌ډیر وجبهوی ا وچریکی عملیا توکښی برخه‌لرله‌ا و همدا رنگه ئی بی شمیره‌فتوحا ت نصیب شول دوخت له‌تیریدوسره‌نوموړی دخپلو نیکوا خلاقو ، صدا قت ، دیا نت ا وتقوی په‌نتیجه‌کښی چی یوا مین شخص وونود غزنی دولایت دځوجبها توپه‌موا فقه‌دغزنی دښا رپه‌دا خل کښی دچریکی گروپونود عمومی قوما ندا ن په‌صفت وټا کل شووچی بیا هم په‌ډیرا خلاص ا ومیړا نه‌دکفر ا و الحا دپه‌مقا بل کښی وجنگیده‌ا وډیربی سا ری عملیا ت ا وفتوحا ت ئی نصیب شول وروسته‌بیا دپکتیکا ولایت دا سلامی حزب دښرنی دجبهی دموء منو مجا هدولخوا مجبورشوچی نوموړی جبهی ته‌را شی چی‌په دی سیمه‌کښی ئی دا سلامی مسئولیت ـ موء ثریت زیا ت لیدل کیده‌په‌هرحا ل نوموړی فداکا را ومجا هدورور دوروښودفشا رپه‌نتیجه‌کی دښرنی جبهی ته را غی ا وپه‌دی سیمه‌کی ئی قهرما نا نه ا وتا ریخی جها دپیل کړپه‌دی جبهه‌کی ئی هم دیوه ا تل قوما ندا ن دنده‌پغا ړه لرله‌ا وخپله وظیفه‌ئی په‌ډیرمتا نت ،

دیا نت ،ا خلاص ا وشها مت سره‌ا جرا کوله‌ا و په‌بی شمیره‌جبهوی ا وچریکی جنگونوکی ئی برخه لرله دمجا هدینوپه منځ کښی ئی دیوه‌متقی ا مین ا وبا شها مته‌قوماندان په‌نوم له‌ا ندا زی زیا ت محبوبیت نصیب شوا ومجا هدین ورته دیوه‌ښها دروا ا تل قوما ندان په‌حیث قا ئل شوا ودمجا هدینو زړونه‌یی‌دعملی دعوت له‌مخی ښکا رکړل ځرنگه‌چی نوموړی یوا مین ا وصا دق شخص وو روسته‌له‌یوه‌کا له دا فغا نستا ن د ا سلامی حزب دا ما رت لخوا دښرنی دجبهی دمسئول په‌صفت تعین شوځونوموړی وویل چی نوروړونه موء ثردی چی دوخت په ـ تیریدوسره بیا دجبهی دا ما رت دهمکا ر ا ومعا ون په‌صفت تعین شو دجها دپه‌د ی مقدس‌اوله‌اهمیته‌ډک‌دورکښی ئی هم خپله مقدسه‌وظیفه‌په‌پوره‌ا خلاص سره‌سرته‌رسوله خوکله‌چی دا سلامی حزب دا ما رت لخوا دا فیصله وشوه‌چی جبها ت منظم ا و یو ځا ی کړی نوپه‌نوموړی‌سیمه‌کښی څوگروپونه‌ا وجبها ت سره‌یوځا ی ا وپه‌حوزو با ندی تبدیل شول چی نوموړی جبهه د عدا لت دحوزی په‌نوم‌بدله شوه، نومحترم ا وقدرمن وروزضا بط په‌نوموړی حوزه‌کی د اطلاعا تودمسئول ا وچریکی گروپونو د عمومی قوما ندا ن په‌صفت وټا کل شو چی بیا ئی هم ډیربی سا ری جبهوی ا وچریکی عملیا ت دپخوا په‌شا ن سرته‌ورسول ا وبرخه ئی په‌کښی وا خیسته .

ضا بط صا حب عبدا لغفا رچی دښوا خلاقو لرونکی، پرهیزگا ر ، ا وا تل قوما ندا ن و نوهمیشه به‌ئی دنا خوا لوا ومشکلاتو ورسره مخامخ‌به‌شیه‌وخت‌کی‌داسی‌ویل‌چی‌ناخوالی ا ومشکلات دژوند متعلقا ت دی خوجها دبه نه‌پریږدوځکه دجها دلیا ر دخوندونوا و ا بدی گټوا خروی خوشحا لیولیا رده عزت ا وخوند په‌جها دکښی ده هیڅ نوع نا خوا لوا ومشکلاتوهغه‌دجها دله‌گرم‌ا ومقدس سنگرڅخه را ونه‌گرځول ځکه‌ویل به‌ئی چی مشکلات ا وکړاوونه‌زموږا یما نونه‌نورهم با یدقوی کړی نوموړی دپاک ا یما ن خا وندا ووا قعی مجا هدورورد۱۳۶۷ کا ل دمیزا ن دمیاشتی په ۱۱ نیټه‌دپکتیکا ولایت په‌فتحه کښی چی ددین ډیردښمنان ئی دجهنم کندی ته‌وسپا رل ا ود ــ قوما ندانی‌وظیفه‌ئی په‌عملی سنگرکی په غا ړه لرله‌دولایت دفتحی په‌ا خیری‌وخت کښی له‌دښمن سره‌په‌مخا مخ جگړه‌کښی

دشها دت عا لی مقا م ته‌وصل ا وا بدی نبی کړه‌ئی په‌برخه شوه .

ا نا للـه‌وا نا ا لیه‌را جعون

شهیدولاړی له‌دنیا نه‌له آ رما نه‌سره ځه‌ملاقا ت دی مبا رک شه‌له سبحا نه سره

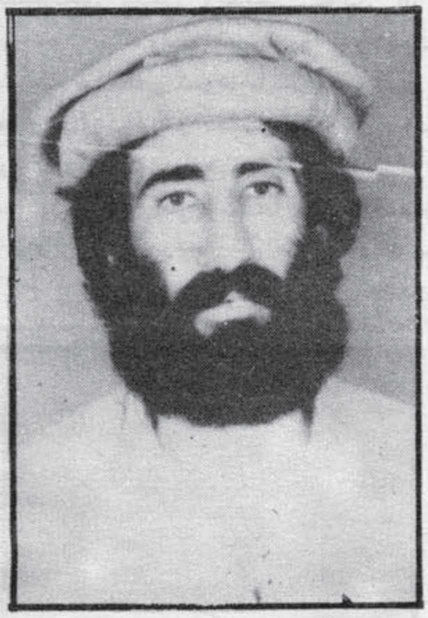

برا درشهیدخا ن محمد :

برا درشهید خا ن محمد ۲۲ سا ل قبل ا ز ا مروزدریک فا میل متدین درقریه‌با غ پهلوا ن ولایت بلخ دیده بدنیا کشود تحصیلات خودرا تا صنف هفتم به‌ا نجا م رسا نیدمدت هفت سا ل را درپهلوی‌مجاهدین درسنگرها ی جها دسپری نمودمدت چا رسا ل به‌حیث مسئول گروپ ا یفا ی وظیفه‌نمود سرا نجا م برا درموصوف طی یک توطیه مکا را نه‌دشمن درما ه‌حوت ۱۳۶۶جا م‌شهادت را سرکشید .

ا نا للـه‌وا نا ا لیه‌را جعون

شهیدمجنون دسیدا گل زوی دنن نه ۲۴ کا له دمخه دکا بل ولایت دده‌سبز د ولسوا لی دهوت خیلوپه‌کلی کی په‌یوه دیندا ره‌کورنی کی سترگی دنیا ته‌پرانستی

وی نوموړی شهید په ۱۳۵۸ کال کی د
دهری حکومت ته په هجرت مجبور شو د غه
وروره ۵۸ کال نه په لغمان
ننگرهار او د کابل په مختلفو سیمو کی مسلسل
او نه ستړی کیدونکی جهاد وکړ نوموړی
وروره مسلسل جهاد په نتیجه کی بی شماره
کمونستان مړه او د مزدور دولت ډیری
فوځی ماشی ئی ړنگی کړی د دری کاله
راهیسی نوموړی ورور د خپل لیاقت او
سربښندنی په اثر د هوت خیلو د جبهی د معاون
په صفت وټاکل شو دی ورور د زیاتی مینی
له کبله خپل کور د ځان سره جبهی ته نقل
کړ او د ژمی په ساړه او یخ موسم کی ئی هم
د عملیاتو نه ډډه ونکړه یوه میاشت
د مخه ئی د مزدور دولت یوه پوسته په خیر
خانه کی فتح کړه بالاخره د غه نومیالی
شهید د حوت د میاشتی په لمړی نیټه د
قره باغ په سیمه کی پداسی حال کی چه
د سودا درانیولو لپاره بازار ته روان وه
د روسانو دیونا معلوم مزدور له خوا په
ډیره بی رحمی سره په شهادت ورسیده.
روح دی ښاد وی.

انا لله وانا الیه راجعون

شهید علی الله:

شهید برادر معلم علی الله فرزند
شهید حاجی غلام حضرت، درسال ۱۳۲۷ در
یک فامیل متدین در قریه کاریزک
ولسوالی پغمان دیده بجهان کشود. در
سال ۱۳۳۳ پا بمدرسه نهاد بعداز فراغت
ازدار المعلمین بحیث معلم در ابتدائیه
آقا علی شمس ولیسه خواجه مسافر ایفای
وظیفه نمود.
موصوف علاوه ازدروس مکتب توجه شاگردان

را به علوم اسلامی نیز مبذول میداشت.
روی این ملحوظ با رویکار آمدن مزدوران
دون همت "ماسکو" مورد تعقیب عمال
شان قرار گرفته مجبور به ترک وظیفه
کردید. در یکی از روزها جهت انجام
وظیفه‌ای توظیف شده بود، دستگیر و به
زندان جهنمی پلچرخی کشانیده شد.
بعداز مدتی آزاد و دوباره به صف جهاد
پیوست.
بالاخره بتاریخ ۱۹/۶/۱۳۶۷ سینه‌اش را
پارچه‌های مرمی هاوان روسهای سفاک
درید و به کاروان شهدا پیوست.
انا لله وانا الیه راجعون

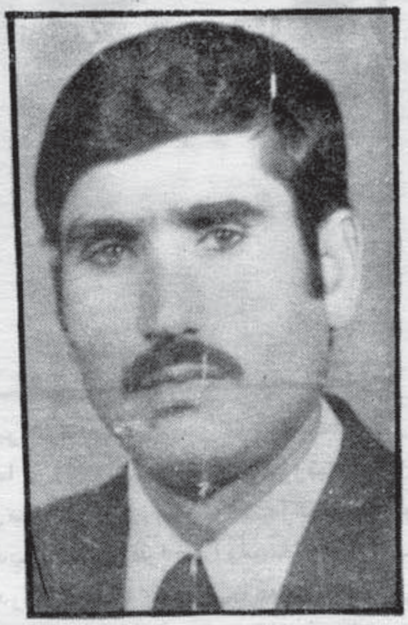

- شهید سرمعلم ثواب شاه:

شهید سرمعلم صاحب ثواب شاه ۳۸ کاله
پخوا په ۱۳۲۹ کال د غزنی ولایت د قره باغ
ولسوالی د کسونومی کلی په یوه مسلمان
کورنی کی پیدا شو، له کوچنی والی نه
دا زموبستونو په ټال ځنګیدلی او د وړوکتوب
په اوایلو کی ئی پلار له لاسه ورکړ. نوموړی
شهید له ماشومتوب نه حلیم الطبع او د متواضع
شخصیت خاوندوه. خپل لومړنی تحصیلات
ئی د جامرا د په ابتدائی ښوونځی کی سرته
ورسول او بیا په ۱۳۴۶ کال د قره باغ د
سلطان محمود له متوسطی نه فارغ شو. هغه
وخت چه په افغانستان کی د اسلامی تحریک
اساس د شهدا لویو کاروان د لومړنیو پرافتخاره
قوماندانانو په واسطه کیښودل کیده نوموړی
شهید د خپلو ثانوی تحصیلاتو سرته رسولو
لپاره په ګردیز دارالمعلمین کی په
زده کړو بوخت وه. کله چه په ۱۳۴۹ کال له
نوموړی دارالمعلمین نه په بریالیتوګه
فارغ شو د اقتصاد د ضعف له کبله ئی خپل

تحصیلات نیمګړی پریښودل او د معلمی
وظیفه ئی په غاړه واخیسته. د تدریس په
دوران کی ئی په مختلفو ښوونځیو کی د
هیواد د ځوان نسل په ښه توګه تربیه او
زیات شاګردان ئی له خپلو ښو اخلاقو او
نیک برخورد نه متاثر کړل.
شهید سرمعلم صاحب ثواب شاه د اسلامی
اخلاقو، زړه ورتوب، دیانت او سخاوت په
وجه په منطقه او هم صنفانو کی خاص شهرت
درلود.
په ۱۳۵۸ کال کی چه د کمونیزم د جلادانو
لخوا د هیواد د ټول زندانونه د افغان
مجاهدو لس د مومنو ځوانانو په وینو
رنګیدل نوموړی شهید هم د زندانیانو
د دی ویاړلی کاروان ملګری وه چه
وروسته د خدای (ج) په فضل د پلچرخی
له زندان نه خلاص او منطقی ته له رسیدلو
سره سم ئی په عملی جهاد لاس پوری کړ.
له هغه وروسته د شهادت ترنیټی پوری د
مجاهدینو د صف یو با تدبیره ملګری او د
جهاد په مختلفو برخو کی ئی فعاله ونډه
درلوده.
د ۱۳۶۷ کال د ثور د میاشتی په آخرو ورځو
کی کله چه د قره باغ ولسوالی د مجاهدینو
له مسلسلو حملو وروسته د کمونستانو له
ناولیو ځیرونه آزاده شوه نوموړی شهید
هم د نورو مجاهدینو په څنګ کی د ولسوالی
د تعمیراتو او بازار پاسداری کوله.
رښتیا چه د مجاهدینو د ایمان قوت او د
فداکاری لوړه روحیه له دی نه ښه څرګند-
یږی چه د کوچنی اختر په دی نیکمرغه ورځو
کی چه د ولسوالی په آزادیدو د دی ورځو
خوشحالی څو چنده شوی وه بیا هم د اسلام سر
تیرو مجاهدینو د اختر د نویو کالیو په ځای
سپیری جامی په تن له خپلو خپلوانو نه
لری په وړی ګیډ مجاهدی مورچلو څوکیداری
کوی، دا هغه وخت دی چه شهید سرمعلم
صاحب ثواب شاه له خپل ځینو کورنه د
ابدی آرام ځای په لور وروستنی ګامونه
اوچت کړی او بل ځل به هغه خپلو وررو نو
او یوه دی مورته په سر وجامو او د شهادت
په ویاړلی جنازه کی ورتلونکی وی، هو
دا ځل بیا د اسلام د ښمنانو د مجاهدینو
په جامه کی خپله پټه د ښمنی ښکاره او په
ناڅاپی توګه ئی د مجاهدینو په سنګرونو
حمله وکړه او شهید سرمعلم صاحب ثواب
شاه ئی له پنځو تنو نورو مجاهدینو سره د
کوچنی اختر په دریمه ورځ په شهادت

ورساوه .
انا لله وانا اليه راجعـــون

شهيد عبدالقادر :

برادر شهيد عبدالقادر فرزند قلندر در سال ۱۳۲۵ در فاميل متدين ومؤمنی در قريه بويه شيشمن ولسوالی قادس ولايت بادغيس ديده به جهان بازکرد با به قدرت رسيدن مزدوران روس درکشور ، علم جهاد ومبارزه رابدوش کشيده قهرمانی های قابل وصفی ازخود به يادگار گذاشت ، بالاخره دريک برخورد جام شهادت را به سرکشيد .

انا لله وانا اليه راجعـــون

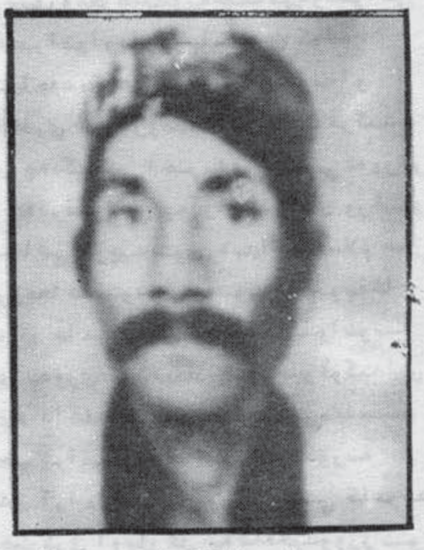

شهيد محمد قاسم (گلاب) دحبيب الرحمن زوی دلغمان ولايت دده زيارت دکلـــی اوسيدونکی وؤ چی د داوددکودتا څخه وروسته دننگرهار په ښارکی اوسيده .

کله چی کمونستان په افغانستـــان کی قدرت ته ورسيدل نوموړی وروړ په وسله وال جهاد لاس پوری کړچی دتبوک دقرارگاه دسرتيرومجاهدينو څخه ودنيکو اخلاقوله کبله يی زيات شهرت درلود دخپل جهاد په اوږدوکی يی زيات کمونستان او دهغوی اندولان دجهنم دا ورخوراک کړه اودددښمن څخه يی زيات غنيمتونه ترلاسه کړه بالاخره د۱۳۶۷ کال دحوت په ۲۴مه نيټه دبهسودو دپوستی دفتح کولـــو وروسته دددښمن سره په يوه مخامخ جګړه کی دشهادت لوړی درجی ته ورسيد .

انا لله وانا اليه راجعـــون

شهيد محمدحسن :

برادر شهيد محمدحسن فرزند عبدالحنان درسال ۱۳۴۴ ديده به جهان بازکرد ،درسن شش سالگی شامل مکتب ابتدائيه بنـــو گرديد ، بعدا زفراغت ازليسه اندراب ، درسال ۱۳۵۹ درصف مجاهدين قهرمان حزب اسلامی قرارگرفت ،بالاخره بتاريخ ۲۱ر۷ر۱۳۶۷ توسط عده جنايتکار ربـــه ظاهـــر مجاهد به شهادت رسيد .

انا لله وانا اليه راجعـــون

ـ شهيد محمد ياسين جان :

شهيد محمد ياسين جان دميراکبرخان زوی دسيدآباد ولسوالی دسالاروړدکلی په يوه ديندار کورنی کی زيږيدلی وؤ دکمونستانو درا تلو سره سم يی کله چه هم دده سن وړوکی وؤ په وسله وال جهاد پيل وکړ ، ډيرزړور او باشهامته مجاهدو .

شهيد محمدياسين جان اوورسره دوه نوروډسنگرمجاهدوورونويی هريو خالـــد جان اوعبدالله جان د۶۶ کال ددلـــود مياشتی په ۲۷ نيټه دسروو ځشی روسانـــو قطار ته دمداينونو ايښودلو پروخت دری واړه دشهادت لوړ مقام ته ورسيدل .

انا لله وانا اليه راجعـــون

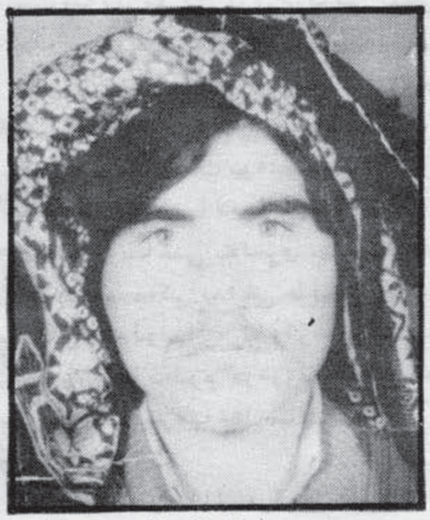

ـ شهيد ملاعبدالحليم "مستقيم"

شهيد قهرمان وفاتح عبدالحليـــم "مستقيم" ۲۷ سال قبل درکنارساحلی دريای کوکچه درده کده کاکان ارگـــو مرکزولايت بدخشان دردودمان مردی خدا پرست ومؤمن چشم به جهان هستی گشود .

والدمحترم بانشان اپرگش بای که درميان اهليان قريه اش بديانت شهرت داشت ، فرزند فرزانه وگرامی اش راشامل مدرسه دينی نمودتا درس آزادگی ، مجاهدت و قربانی بياموزد ، اين طفل که باگذشت هرروزبذرهای استعدادش رشدونمو ميکرد پدروا داشت تا درجهت تربيه وتعليم هرچه بيشتراوهمت گمارد .

مستقيم شهيددوره ابتدائيه را در مدرسه دينی قريه مربوطه اش به اتمام رسانيد متعاقب آن رهسپارمدرسه لنگر درايم ولايت بدخشان گرديدودرمـــدت کوتاهی به صفت شاگردممتازونمره اول مدرسه مذکورعرض اندام وتبارزنمود ، ذوق علمی ونبوغ فکری اوباعث شدتـــا همه استادان دست نوازش به سرورويش بکشند .

شهيد مستقيم بعدازکودتای ثور ۱۳۵۷ ترک تحصيل کرده چون سپاهی رزم آور وقهرمان درپهلوی سايررزمندگان راه

خدا (ج) قرار گرفت در سال ۱۳۶۱ یکجا با مولوی خردمند امیرجهاد بدخشان غرض تجهیز و اکمالات نظامی عازم پشاور شد . با توقف کوتاه در محیط پشاور دوباره رهسپار سنگرهای فخرآفرین ولایت بدخشان گردید ، مستقیم شهید در مسیر مبارزه و جهاد ده ساله اش مشکلات و تکالیف زیادی را با جبین گشاده ورضامندی قلبی تحمل نمود ، اما همهٔ فشارها و صعوبت های زندگی ودوران جهادکوچک ترین اهمال وسستی درعزم واراده آهنین این فرزند دلباخته تغییر نیاورد ، نسبت مهارت وتخصص خوبی که درفن جنگ ورهبری مجاهدین داشت ازطرف قوماندانی جبهه البدرا رکود رحساس ترین منطقه که با قرارگاه عمومی روسها در - میدان هوایی بدخشان ودشت "قرغ" فاصله چندانی نداشت من حیث مسئول گروپ های مجاهدین تعین گردید ،وقار واخلاق نیکوی این رادمرد حماسه ساز که درمکتب جهاد رشد یافته بود ، بزرگی ئی خاصی درشخصیت اسلامی اش افزوده بودکه به حق درخوروجود صالح او بود .

درجریان ده سال جهاد بی امان خود به صدها عملیات پیروزمندانه را برضد

روسهای وحشی وعمال مزدور آن انجام داده است که مایه فخر همه فدائیان راه خدا (ج) است .

سرانجام بتاریخ ۱۸ر۴ر۶۷ حین وخروج قوای روسی ازولایت بدخشان ، شهید مستقیم با مجاهدین تحت قومنده اش عملیات وسیعی را بالای عساکر شکست خوردهٔ روسها براه انداخت ،درین عملیات قهرمانانه ۲۰ تن عساکرروسی مرداروسلاح های دست شان ،بدست مستقیم شهید قرارگرفت .بعد از چندین ساعت برخوردتن به تن ،ناگاه مورداصابت مرمی دشمن قرارگرفت ،ودر آخرین دقایق عمرش ضربات کارگری را برقلب دشمن سفاک واشغالگر وارد آورد روحش شاد، راهش مستدام باد

شهید عبدالحمید د حکم خان زوی د پکتیکا ولایت د نا زیوا لوسیمې وسیدونکی چی د ۱۳۴۰ کال په وا یلوکی په یوی متدینی کورنی کی وزیږیده .

شهید عبدالحمید دوسله وال جهاد له پیل څخه وروسته ددښمن په مقابل کی اکثروعملیاتوکی مستقیمه ونډه اخیستی او پدی دوران کی یې زیات فتوحات نصیب شوی چی بالاخره دروان کال د تلی د میاشتی په ۱۲ مه نیټه ددښمن سره په مخامخ نښته کی د شهادت لوړ مقام ته ورسید .

انا لله وانا الیه راجعون

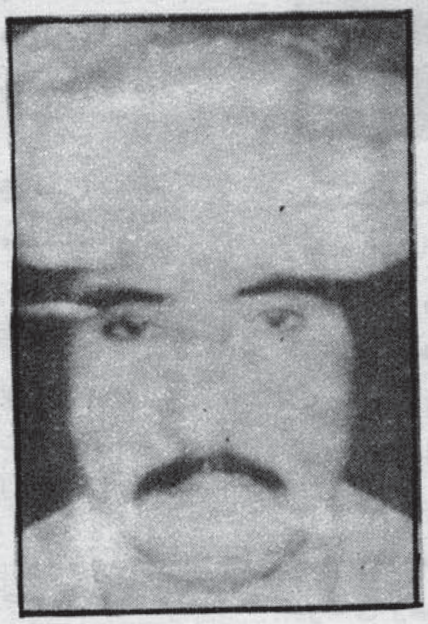

شهید محمد مالک :

شهادت پایان زندگی وفرجام راه حیات نیست بلکه مسیرتکاملی حرکت به سوی الله (ج) است .راهیست که انسان های وارسته آگاهانه آنرا انتخاب میکنند شهادت مرگ تحمیل شده ازجانب دشمن نیست بلکه حیات جاویدانی است که شهید دربرابر سپردن جان درراه خدا (ج) بدست می آورد .

درطول جهاد مسلحانه برعلیه استعمار روس درافغانستان عزیزکمترخانواده ئی را میتوان یافت که لااقل یکی ازاعضای خویش را درین راه مقدس ازدست نداده باشد . چه بسیارخانواده هائی که چندین جوان برومند خویش را درراه حاکمیت اسلام وقرآن شهیدداده ند که خانوادهٔ شهید محمد مالک ازآن جمله خانواده های پر افتخار است .

محمد مالک فرزند حاجی قلندر ۳۰ سال قبل درقلعه لقمان درسیزده کیلومتری غرب شهرکابل بدنیا آمد تحصیلات خود را درلیسه محمودطرزی به پایان آورد در روزگاریکه کفروظلمت برفضای پاک وطن سایه انداخت ازصنف دوازده فارغ گردید وبنابر احساس مسئولیت ادامه تحصیل را صلاح ندانسته واردمدرسه جهاد وپیکار برعلیه تجاوزگران روس گردید .مالک شهیدنه سال دوش بدوش برادران مجاهد خویش درمرکزکابل ضربات شدید برپیکر دشمن واردآورد ازجمله عملیات بالای خاد نمبر ۵ واقع علاءالدین که طی آن دهها تن ازاعضای خاد کشته شدند وعملیات بالای ریاست میخانیکی درقلب شهرکابل بمب گذاری های پیهم درمراکزوطن فروشان درداخل شهرکابل ازآن جمله است شهید مالک درسال ۱۳۶۱ به اتهام ترورودتن ازسربازان روس دستگیروبعد ازشکنجه های فراوان به پانزده سال زندان محکوم شد . وی درزندان نیزازکار و فعالیت بازنه ایستاد وسرانجام بعد از تحمل پنج سال زندان آزادگردید .

مالک شهید بمجرد آزادی بدیار هجرت شتافت وبعدازسپری نمودن مدت کوتاهی در فامیل ، مشتاقانه به سنگرباز گشت وسرانجام این اسطوره مقاومت وایثار در ۳۱ سرطان ۱۳۶۷ در اثر بمباران انتقام جویانهٔ روسهای سفاک به درجه رفیع شهادت نایل آمد .

انا لله وانا الیه راجعون

یوه‌کورنی اوپنځه‌شهیدان :

شهیدمولوی احمدالله "ظریفی"

شهیدمولوی احمدالله "ظریفی د رازمحمدزوی دلغمان ولایت دعلیشینگ ولسوالی دنجیلودغریی اوسیدونکی چی په‌یوه دینداره اومذهبی کورنی کی زیږیدلی وٶ ابتدایی زده‌کړه‌یی تر شپږم ټولگی پوری دننگرهارولایت دشمرخیلوپه‌ابتدایی ښوونځی کی ترسره‌کړه څرنگه نوموړی ورووردینی علوموسره زیاته علاقه درلوده نوکله‌چی‌کمونستان قدرت ته‌ورسیدل نوموړی ورورپه‌وسله وال جهادلاس پوری کړدخلورکاله‌مسلسل جهادځخه وروسته دکمونستانودزیات فشارپه‌اساس دخپلی کورنی سره‌پاکستان ته‌مهاجرشوادلته بیانوموړی وورر- خپلی دینی زده‌کړی ته‌ادامه‌ورکړه او تقریباً (۷) کاله‌یی دزده‌کړی دوره‌اوږ. ده شو.

ظریفی په‌صرف، نحوه، منطق دقرآنکریم په‌ترجمه اوتفسیرکی زیات مهارت درلود دده‌دلیاقت اوتجربی له‌کبله‌چی یی درلوده‌داستاد په‌صفت توظیف شو او خلکوته‌به‌یی تدریس کاوه‌بالاخره‌د۱۳۶۸ کال دثوردمیاشتی په۱۷ مه‌نیته‌دکوچینی اخترپه‌دوهمه ورځ دشهادت لوړی درجی ته‌ورسید.

اناللـه‌واناالیه‌راجعون

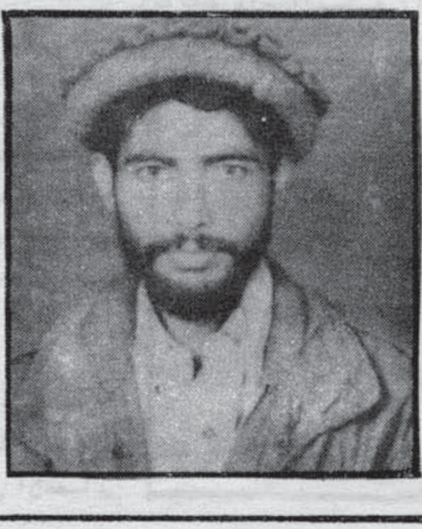

شهیدمحمدالله :

شهیدمحمدالله‌مشهورپه‌باشی دلغمان ولایت دعلیشنگ ولسوالی دنجیلودکلی اوسیدونکی چی په‌یوه‌دینداره‌اوغریبه کورنی کی زیږیدلی دحزب دفعالو او سرتیرومجاهدینوځخه ودغه ورورهم دخپلوکاکاگانوشادمحمد اوملامحمد غوندی قربانی ورکړه‌د څوکالومسلسل اودوام داره جهادځخه وروسته‌دیو تعدادخاینانواواسلام‌دښمنه‌کسانولخوا په‌شهادت ورسید.

اناللـه‌واناالیه‌راجعون

شهیدشادمحمد :

شهید شادمحمد دلغمان ولایت د علیشنگ ولسوالی دنجیلواوسیدونکی چی په‌یوه‌دین پاله کورنی کی زیږیدلی نوموړی وروردکمونستانو دقاتلانو ځخه شمیرل کیده شپه‌اوورځ دمجاهدینو په‌خدمت کی وٶ بالاخره‌په۱۳۵۸ کال د کمونستانولخوادخپل ورورملامحمدسره یوځای ونیول اودعلیشنگ دنجیلوپه قلعه‌نومی ځای کی یی ژوندی ښخ کړل.

اناللـه‌واناالیه‌راجعون

شهید ملامحمد :

شهید ملامحمد دلغمان ولایت دعلیشینګ ولسوالی دنجیلو دقریې اوسیدونکی چې په دین دوسته کورنی کی زیږیدلی په خپله سیمه او منطقه کی دښوا خلاقو نمونه وه څرنګه چې نوموړی وروردکمونستانو دسر سختو دښمنانو څخه ودملحدینو دا یجنټانو لخوا دخپل وروړشاد محمد سره یوځای ونیول شو او بیا په ۱۳۵۸ کال دعلیشنګ دنجیلو په قلعه نومی منطقه کی ژوندی ښخ کړل شو .

انالله وانا الیه راجعون

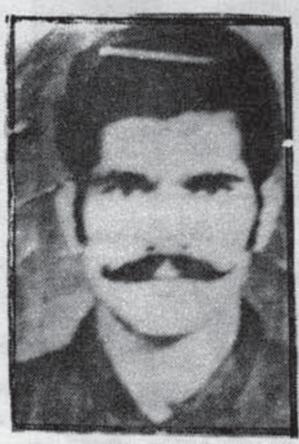

شهید فدا محمد :

شهید فدا محمد دلغمان ولایت دعلیشنګ ولسوالی دنجیلو دکلی اوسیدونکی چې د اسلامی انقلاب دفدا ئیانو څخه شمیرل کیده او نوموړی شهید دخپلی کورنی پنځم شهید دی بالاخره دخوکاله وسلهوال جهاد څخه وروسته دشهادت لوړی درجې ته ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

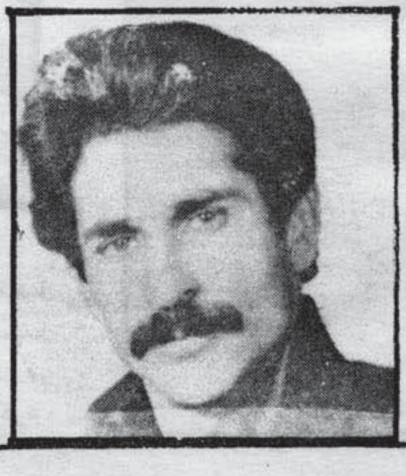

ـ شهید سر معلم عبدالقوی :

برادر مجاهد شهید سر معلم عبدالقوی "متین" فرزند میرزا سراج الدین مسکونه قریه نبو ولسوالی اندراب ولایت بغلان در ۱۳۵۶ به حیث مسئول تنظیم و دعوت توظیف گردید نامبرده وظایف محوله خودرا بدرستی وصداقت تعقیب می نمود در طول مبارزه دریک نبرد با عمال روس دستگیر وبه شهادت رسید .

انالله وانا الیه راجعون

ـ استاد ذکرالله "کوچی" به کاروان نور پیوست :

روز پنجشنبه مورخ ۱۳ برج اسد بود که همپای با خنده زرین خورشید قافله سالار دیگری به کاروان عظیم شهدا پیوست وشمعی بر مزار شهید دیگری افروخته شد ودرجوار خانواده های ماتمزده خانواده ء دیگری در ماتم نشست ، در خیل یتیمان ، یتیم دیگری افزوده گشت ودزمره هزاران پدرکمرشکسته ،مادر داغدیده ،کمری پدر خفته در بستر بیماری شکست وقلب مادر موی سفیدی داغدار شد .

هزاران چشم اشکریزان وهزاران هزار قلب درتپان شد . ضجه وناله ء وفریاد ازهر کوی وبرزن پیچیده ورااه به سوی فلک گشود .

آری ! این بار کمونستهای وحشی فاجعه دیگر آفریدند وخون مظلوم دیگری را ـ بجرم دفاع ازدین وشرف وعزت وناموس ووطن ریختاندند وبا ریزش قطرات گوهرین خون این سپاهی عزیز اسلام نهال انقلاب شکوفان وپایه های استبداد لرزان گردید .

او استاد ذکرالله (کوچی) فرزند کاکا

عبدالشکورمیباشدکه درسال ۱۳۳۵درقریه
غزنی خیل ولسوالی محمدآغه ولایت لوگر
دریک خانواده متدین وموءمن چشم
بجهان بازکرد. دراوان کودکی جهت فرا
گیری علوم اسلامی به مسجدروآورده شش
سال داشت که پا به مکتب نهاد. درسال
۱۳۵۰ به لیسه محمدآغه شامل وبعدازفراغت
ازلیسه شامل پوهنځی علوم گردید. در
سال ۱۳۵۷ با امتیازآنکه درچوکات کدر
علمی پوهنتون بحیث استادجذب گردد
تحصیلات عالی خویش راتمام بخشید.
پیروان مکتب انسان دشمن کمونیزم
تحمل استادرادرکدرعلمی کرده نتوانسته
وی بحیث استادفزیک ریاضی درلیسه
محمدآغه توظیف گردید. چندی بعدنسبت
خلای شدیدعلمی دردانشگاه "پوهنتون"
به موجودیت استادان ورزیده چون استاد
ذکرالله شهید احساس گردیده باردوم به
کدرعلمی پوهنتون دعوت شدتا بدین اساس
ضعف علمی که دراثردستگیری وبزندان
کشانیدن استادان مسلمان دردانشگاه
ایجادگردیده بود رفع کرده بتوانند.
استادزمینه رابرای مبارزه وبیداری
جوانان درساحه دانشگاه نسبت ازهرجای
دیگربهترتشخیص داده بودبه دانشگاه رفت
ولی آنچه مزدوران توقع داشتندبه هدف
شوم شان نایل آمده نتوانستندوبا استاد
سرمخالفت رابرداشتند، استادکه حلقه
مبارزه راهرروزتنگ ترمی یافت، وظیفه
راترک گفته درسنگرهای خونین جهاد
شتافت.

اومدت ۹ سال تمام درسنگرهای فخر
آفرین جهادعلیه سپاهیان ستم مردانه
رزمیدشب هادرشهراه کابل - گردیز
ماین کداری می نمودوروزها باشجاعت
وسرشاری خویش برسنگرهای روبه
زوال دشمن یورش می بردوخود درپیشا
پیش شان قرارمی گرفت.

قراریادداشت های عملیاتی، استاد
شهیددر (۱۴۲) عملیات جنگی سهم فعال
داشته وضربات کوبنده بردشمن واردآورده
هنگامیکه استادبدرجه رفیع شهادت نایل
گشت. اناللهواناالیه راجعون
کمونیست های مزدورشهادت این
رادمردحماسه سازراجشن گرفته وسه مرتبه
ازکشته شدن این معلم مدبروفرمانده
قهرمان ازطریق رادیویادآورگردیدند

مادرحالیکه شهادت این سپه سالاررشید
اسلام رابه ملت قهرمان وشهیدپرور
خویش تبریک عرض نموده ازخداوندبزرگ
استدعا میداریم که به برکت خون شهدای
عزیزمان انقلاب اسلامی ما رابه پیروزی
رسانیده وروزی رافرارساندکه آرمان -
شهدای ماتحقق یابد.
آمین یارب العالمین

-. شهیدفصیح الله دملافصیح الله زوی
دباک علاقداری دځاځی میدان ولسوالی
اوسیدونکی په ۱۳۴۱ کال کی زیږیدلی
لمړنی، ثانوی اومنځنی زده کړه یی د
باک په لیسه کی ترسره کړی د۱۳۵۷ کال
دغوایانودغوبل نه وروسته دجهاد په فکر
کی شوپه ۱۳۵۸ کال یی په وسلوال جهاد
لاس پوری کړ څو په ۱۳۶۰ کال کی دشهادت
لوړ مقام ته ورسید.
اناللهواناالیه راجعون

- شهیدمحمدا صغر:
برادرشهیدمحمداصغرفرزندمحمدافضل
۲۹ سال قبل ازامروزدرمنطقهٔ واصل
آباد ولسوالی چهاردهی ولایت کابل در
یک خانواده متدین چشم بدنیا بازکرد،

باروی کارآمدن دولت مزدورودست
نشاندهٔ روس درافغانستان درصف سپا-
هیان موءمن حزب اسلامی قرارگرفته،
ضربات مهلک رابرایادی دشمن واردکرد
بالاخره این مجاهدراه خدا (ج) درمنطقه
میدان دریک برخوردرویاروئی باخصم
دبون به درجه رفیع شهادت نایل گشت.
اناللهواناالیه راجعون

-. شهیدخوشرنگ:
شهیدخوشرنگ دحاجی گل محمدزوی د
وردگو ومیدان ولایت دسیدآباد ولسوالی
دجغتو علاقداری دکلانده په کلی کی ۱۳۳۷
کال کی زیږیدلی خپل لمړنی تعلیمات
یی دسیمی په ښوونځی کی اوثانوی
تعلیمات یی درحمن بابا په لیسه کی
بشپړکړی دی.
نوموړی شهیددکمونستی کودتا دراتلو
سره سم په وسلوال جهاد لاس پوری کړی
اودکفرپه مقابل کی دریدلی.
شهیدخوشرنگ سربیره په کفارودهغوی
دحامیانو ومستکبرینو نه سخته کرکه
درلوده بالاخره په ۱۳۶۶ کال داستکبارد
پلویانولخوا په شهادت ورسید.
اناللهواناالیه راجعون.

شهیدغلام علی :

شهیدغلام علی فرزندغلام سخی درسال
۱۳ درقریه ایشان ولسوالی خان آباد
یت کندزچشم بەجهان کشودوبەآمدن
وکـــــران روسی دست بەجهاد
لحانه زددراکثرحملا کەبـالای
من انجام داد ازخودشهامت وفدا
ری زیادنشان میدادوضربات کوبنده
پیکردشمن خون آشام واردمی نمود.
لاخره بعدازبیست بهارزندگی دراول
ه مبارک رمضان سال ۱۳۶۵ بەمقام
لای شهادت نایل گردید.
انالله واناالیه راجعون

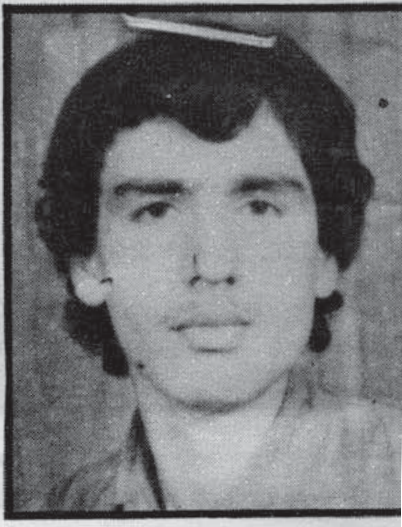

شهیدقاضی امین الله "ارشاد"

شهیدقاضی امین الله "ارشاد" د
یدا دزوی دغزنی ولایت دمقرولسوالی
ردقلعەدکلی اوسیدونکی چەپە ۱۳۳۷
پەیوه دیندارەکورنی کی‌زیږیدلی
نوموړی دعمرپەاتم (۸) کال دغازی
محمدپەابتدائیه ښوونځی کی شامل
۱۳۵ دلوړی زدەکړی لپارەدکابل
یت داما م ابوحنیفه (رح)پەمدرسەکی
ل شوپه ۱۳۵۷ کال دنوموړی مدرسی
پەاولەدرجەفارغ شو.شهیدقاضی
شاد" دعالی تحصیلاتولپارەدشرعیاتو
وهنځی کی شامل اودشوردننگینی‌کودتا
سم ئی نوموړی پوهنځی پریښوداوپه
وطەولسوالی کی ئی دروسی مزدورانو
قابل کی پەعملی جهادلاس پوری کړ.
۱۳۶۰) کال دجبهی دمسئولینولخوا
لی کمیتی دمسئول پەحیث انتخاب
وخلورکالەئی پەپورەامانت داری او
ص نوموړی ورسپارل شوی وظیفه سرته
ولـه د ۱۳۶۴ کال راپدی خوادتعلیم
ربیی مسئول کړشوشهیدقاضی "ارشاد"

نەیوازی پەمسلح جهادکی برخەدرلوده
بلکەپەژبه اوقلم بەیی کم‌دخلکوافکار
اواذهان روسانه کول پە۱۳۶۷ کال د
میزان پەمیاشت کی دمین پەاثرچه
دروسی مزدورانولخواښودل شوی —
لومړی زخمی اوځوساعتەورستەپەشهادت
ورسیده.
اناللەواناللەراجعون

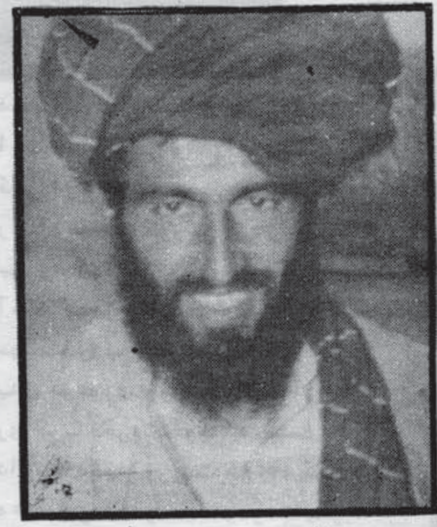

شهیدشاه محمد :

مجاهدحماسه سازبرادرشهیدشاه محمد
فرزندسخی محمد کەدرسال ۱۳۳۸دردامان
یک فامیل دین دوست ومجاهدپرور در
ولایت پروان دیدەبەجهان بازکـــرد
نامبرده درسال ۱۳۵۸ بخاطر درهم
کوبیدن نیروهای کفروالحاد اسلحه
بردوش کشید وتاآخرین رمق حیات —
دلیرانەوعاشقانه ازسنگرهای نبور
پاسبانی نمودتااینکەبتاریخ ۶۵/۵/۵
دربین شگەجاجی دریک عملیات بالای
متجاوزان وحشی بدرجه رفیع شهادت
نایل آمـــد.
اناللەواناالیەراجعون

شهیدمستەگل ځدراڼ :

شهیدمسته گل ځدراڼ دمرحوم‌رسولخان
زوی چی پەکال ۱۳۱۸ دپکتیاولایت د
ځاځی اریوب ولسوالی دمحرم‌دکلی په
یوەدیندارەکورنی کی سترگی غړولی.
کلەچەپە ۱۳۵۸ کال کی دځاځی اریوب په
ولسوالی کی دحزب اسلامی افغانستان
پەتحریک سرەعملی جهادپیل شونوموړی
قهرمان شهیددکفرا والحاد دمقابلی
لپارە ځان چمتواوپەوسلەوال جهادئی
لاس پوری کــړ.
ځرنگەچەدخدای پە مینه مست داسلامی
جهادوغزاسرەپورەمینەلرلەدځمکنیوپه
غونډاوولسوالی باندی دحملواویرغلونو
پەوخت کی بەئی برخەاخیستەاوتل بەئی
دجهادوشهادت ستاینەکولەهمدا وەچه د
کلی نوروکسانوسره دجهادمینه اوجذبه
ژوندی کیدەاوپەجهادکی ئی برخه
اخیستله .بالاخرەپه ۱۳۵۸ کال دلړم
پەمیاشت کی دی اودەوراەسردارخان
چەدیوی مرچلی څخەئی غوښتل پەدښمن
حملەوکړی دتکبیردنعری پورتەکولو
سره سم دملحددښمن لخواپەهاوان —
ولگیدل چی پەنتیجەکی سردارخان چی دبدن
غوښەئی ټوټی ټوټی وەدخدای(ج)پەفضل
سرەجوړشواوداسلام پەمینەمست مستەگل
چەدتکبیرنعرەئی لانەوەپورەکړی خپل
روح خدای تەتسلیم اودشهادت لوړ
مقام ئی پەبرخەشودغەورودځاځی اریوب
دولسوالی دلوموړنیو شهیدانودجملی څخه
وءاوخپل تاریخ یی کورنی اوملت ته
پەزرین لیک پریښود.
اناللەواناالیەراجعون

– شهید غلام غوث :

برادر غلام غوث شهید ولد عبدالرحمان مربوط ولایت میدان درسال ۱۳۵۸ به جهاد مسلحانه دست زد که بالاخره درمیزان سال ۱۳۶۶ به شهادت رسید .

راحش پردوام باد .

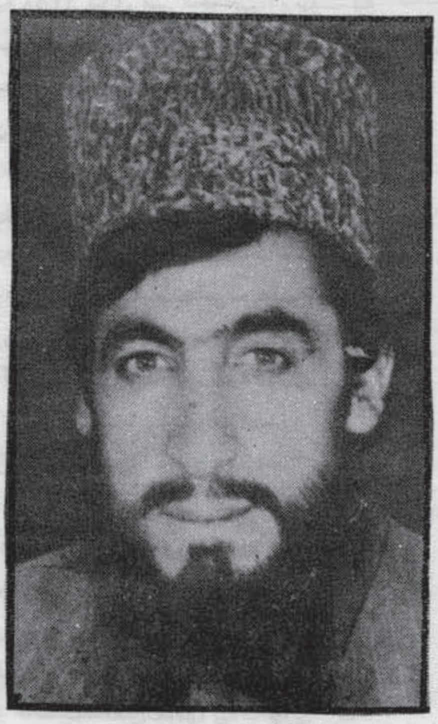

شهید غلام رسول خان :

شهید غلام رسول خان "ثابت" دعبد – الرشیدخان زوی دپروان ولایت دتگاب ولسوالی دقلعه صالح په کلی کی په ۱۳۳۰ کال کی په یوه دیندار ه کورنی کی زیږیدلی ده خپل تحصیلات ئی تر دارالمعلمین پوری په عالی توگه سرته رسولی دی په ۱۳۵۱ کال کی دغازی محمد عثمان په لیسه کی دښوونکی په حیث وټاکل شو په ۱۳۵۰ کال کی دتحریکی ورونوسره یوځای شو دتحریک دمشرانو په مشوره هغه په ۵۷ کال کی پاکستان ته مهاجر شو ، وروسته هغه دجهاد لپاره د پکتیا ولایت ته داخل شو ودا سدالله پتک سره ئی زیاتی همکاری وکړی وروسته له هغی ثابت صاحب دځارنوال محمدبشیرتر مشوری لاندی دپروان په نیت کنړته لاړ ، د هغه ځای نه دتگاب ولسوالی ته داخل شو دیوی علاقه داری ترفتح کیدو وروسته مجاهدینو په ولسوالی حمله وکړه چه په نتیجه کی ئی په ۵۸ کال دحمل په میاشت کی ثابت صاحب داجل داعی ته لبیک ووایه او دشهیدانو دکاروان سره یوځای شو .

اناللـه وانا الیه راجعون

شهید عبدالشکور دسلطان جان زوی د ننگرهار ولایت دکامی ولسوالی دقلعه آخند دکلی اوسیدونکی چی په یوه دیندار ه او مذهبی کورنی کی زیږیدلی ابتدایی زده کړه یی ترا ووم ټولگی پوری دقلعه آخند په متوسطه کی ترسره کړه کله چی کمونستان په افغانستان کی قدرت ته ورسیدل نوموړی وروروپه وسله وال جهاد لاس پوری کړ بالاخره دخوکاله مسلسل او دوام دار جهاد څخه وروسته د۱۳۶۸ کال د حمل په ۱۶ نیټه دکمونستانو سره په یوه مخامخ جگړه کی په شهادت ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

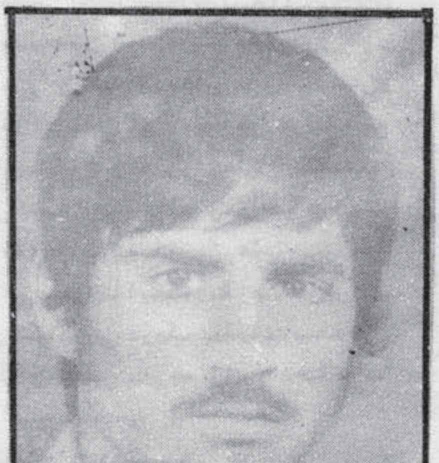

شهید محمد عزیز :

شهید برادر محمد عزیز فرزند حاجی محمد یحی درسال ۱۳۴۲ درقلعه مراد بیگ ولسوالی شکردره ولایت کابل دریک خانواده مومن دیده بجهان گشود ، باورود قوای وحشی و تجاوزگر روس که متعلم صنف دهم بود با برادرش یکجا مکتب را ترک گفته بمبارزه درپهلوی برادر قهرمان ومبارز ما شهید عبدالبصیر رحمن یار (شفیع الله) پرداخت وبمنظور تقویه مجاهدان آزاده دو میل سلاح شخصی ایکه داشتند درخدمت جهاد گذاشت .

موصوف دراواخر سال ۱۳۵۹ بحیث معاون قومندانی نظامی گروپ اخلاص تعیین – گردید .

سرانجام بتاریخ ۲۸ر۶ر۶۰ در اثر لشکر کشی وحشیانه روسها به همراهی مزدور سر شناس منطقه مامور "غوشو" باسه تن از فرزندان عزیز اسلام جام شهادت را برلب کشید وبمقام شامخ شهادت پرگشود .

روحش شاد یادش گرامی باد .

شهید عاشورگل :

دشهید عاشورگل دزرگل زوی په ۱۳۶۶ کال دځاځیو ولسوالی دهاشم خیلو سیمی دروکیانو کلی په یوه دیندار ه کورنی کی زیږیدلی دیرمتدین او دغوره اخلاقو څښتن و دشوروی دکرغیړنی کودتا څخه وروسته یی په وسلوال جهاد لاس پوری کړ د۱۳۶۶ کال دزمری دمیاشتی په ۲۲ نیټه دشهادت لوړ مقام ته ورسید .

انالله وانا الیه راجعون

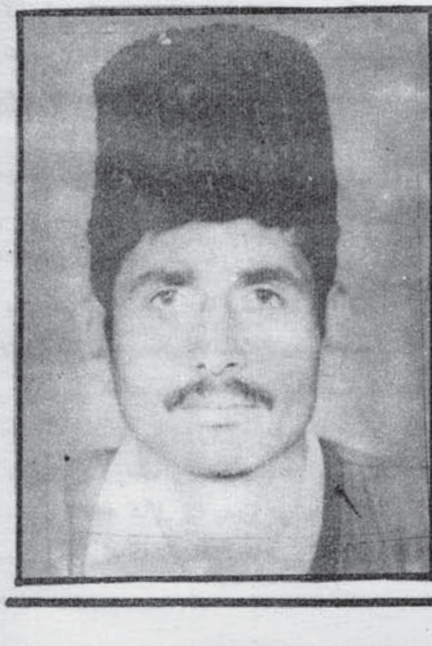

شهیدحضرت گل خان :

شهیدحضرت گل خان ولدمحمدگل مسکونه قریه یکودل برکی راجا ولایت لوگر در سال ۱۳۴۴ چشم به جهان گشود وبا به قدرت رسیدن نوکران روسی درکشور برادرشهید دست به جهاد مسلحانه زدتا بالاخره به عمر ۲۴ سالگی به تاریخ ۴ ثور ۱۳۶۷ دریک برخوردبا سه تن دیگرا زهمرزما نش شهید شد .

روحش شادویا دش گرامی بـاد

شهیدمرزا محمد :

شهیدمرزا محمدولد نورمحمدمسکونه قریه تره خیل ولسوالی ده سبزولایت کابل درسال ۱۳۴۱متولدوبا به میان آمدن رژیم کمونیستی شروع به جهادنمودسر انجام بعدازچندسال جهادمسلحانه در یک برخوردروباروئی بتاریخ ۱۵ر۵ر۶۷ درمنطقه سنگ آب به درجه شهادت نایل گردید.

انا لله وانا الیه راجعون

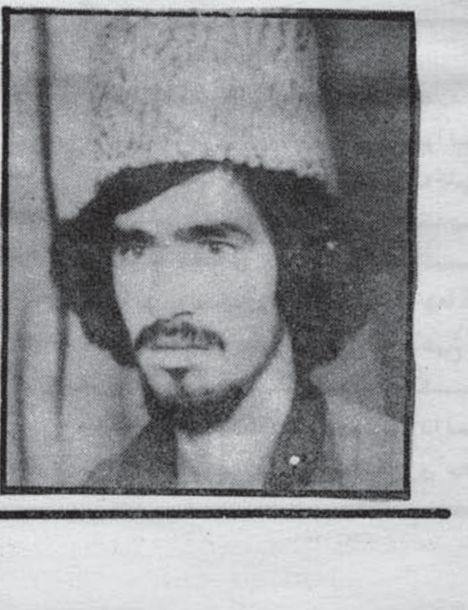

ــ دیگرنوجوان

دنگوغرونوزمری، دقافلوسالار، داسلامی انقلاب ریښتنی پاسدار، دمورچلونو سپاهی، دخیرکوټ فاتح ، دافغانستان اسلامی حزب دپکتیکا ولایت دکتـــواز ولسوالی درحمت حوزی معاون اودچریکی گروپ قوماندان ځوان اوقهرمان غازی شهیدسیدشهزاده (اخی) دمولوی سید غلام دستگیرزوی دبکخیلوپه کلی کی په ۱۳۴۰ه ش کال په یوه متقی اودیندارە کورنی کی زیږیدلی و، نوموړی شهید وروږخپل دآرمانو، اوامیدونوځوند په نوموړی سیمه کی بناء کړ، شهیدورور خپل پروازپه تعلیمی اوجهادی سنگر باندی درلود، خپلەابتدائی ثانوی ، او بـــاکلوریا تحصیلات ئی دکتواز دسلیمان بابا په لیسه کی پەاعلی درجه سرته ورسول په ۱۳۵۴ کال کله چه دشپږم ټولگی زده کونکی و ، داسلامی تحریک په کاروان ورگډ اوپه نه ستړی کیدونکی مبارزه ئی پیل وکړ. شهیدورورپه یوکم عمرپه ۱۳۵۷ کال کله چه دغوائـــی د انقلاب په نوم دویرنغاره وغږیده ــ نوموړی ورورد روس دغلامانولخوا دزندان تورو چولـــو تەولیږل شودزندان څخه لەخلاصی وروسته لەخپل پلار سره یو ځای هجرت تەمجبورشو، په ۱۳۵۸ کال ئی دخپلی ایمانی جذبی اوالهی مسئولیت په بناء خپل دموراوپلاردخوږی مینی نه گوښه اودگومل دغره نه ئی دالله (ج) درضا اودالحاددنابودی لپاره عملی مسلحانه جهادشروع کړاوددین اوقرآن سره دپیاوړی مینی ئی دسمی او غره له کاڼوا وبوټوسره خپل نوکان ووهـل او هیڅ ډول سرو، تودو، مزلو، دسیـو ، هجرتو، اودزندەگی باخوالودواه مخه ونه نیوله په هرځای اوهرسنگرکی داسفامت درایت ،اطاعت ،اخوت اوشجاعت نمونه ؤو ، شهیدورورنه یوازی په کتواز کـی بلکه پەاورگون ،دپکتیکا ولایت مرکزشرنه دوازیخوا ه ولسوالی، دغزنی ولایـت ترگان ، شلگر ، اوقره باغ کی هم په سختوعملیاتوکی فعاله ونډه لرله .

ورورپه وازیخواکی دگلشاه کوټ په نـوم سرحدی پوسته چه پکښی ۱۲۸ او ۱۲۹ نمبر کندکونه ځای په ځای و، دهمدی ورور د بی ساری فداکاری سره فتحه شوه خودا چه الله تعالی (ج) خپل منلی بنده گـا ن

دآزموینت ته وروسته ځان ته وربولی هغه و، چه د۱۳۶۷ ه ش کال دسنبلی په اوله نیټه چه دخیرکوټ دلیوااولویی ولسوالی دمحاصری نوولسمه (۱۹)ورځ چه له ۱۳۶۷ کال دسنبلی له (۱۹) تاریخ سره سمون خوری دماذدیگر په (۴) بجوچه ددښمنـو قوتونوترمنځ دتوپوغږمبهاردنیلی آسمان لمنی اودزیږلمرپه امیدواره روبه زوال شعاوباندی دتوروویځوپه شان خپل پیځولونه وغوړول اودزمکی اوآسمان ویش سره نه کیدل. نوموری ورورا خی شهیداوځان ئی حق ته وصل کړ .

انالله وانا الیه راجعـون

خاطره : کله چه حوان شهیدسیدشهزاده"اخی" دخیرکوټ دفتحی لپاره دکافردښمن په مستحکموبرجونودزمری په حیرمخامخ ور روان و، راکټ په اوږه اوداشعاربه ئی لوستل :

چینه کړه راکته په خونخواردښمن
څه ورځه لگیږه په غدارد ښمن
داسره ملحدان دی د قرآن نه منی
اوروربا ندی بل کړه په کفاردښمن
ستاشرنگی چه جوړشی کفارتیښته کړی
ستاپه ټک اوټوک سره دشوار دښمن
زیږراکټه پوره کړه د(اخی)آرمان
سرئی ورته مات کړه دمکاردښمن

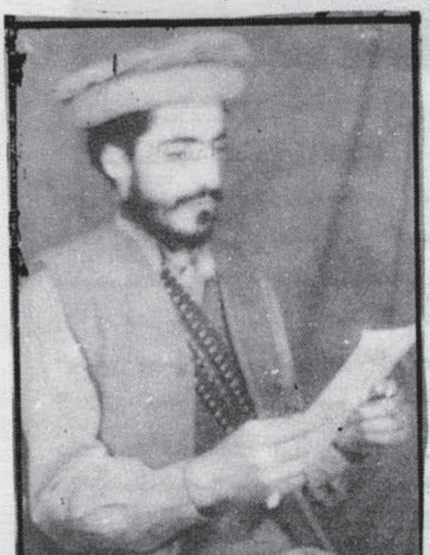

شهیدبسم الله خان :

شهیدبسم الله خان درسال ۱۳۶۵ه ش درقریه شیرپورولایت کندها رچشم به دنیا کشودتعلیمات ابتدائی رادرآن جا به پایان رسانیدوبعداً درحربی پوهنځی کابل شامل شدوبعدازتحصیلات به وظیفه توظیف شد وبعدازچندسال کاردوبه

ترکیه اعزام شدو بعداز تحصیلات از ترکیه به کشور عزیز عودت نمودو به وظیفه ادامه داد در حالیکه به رتبه دگرمنی رسیده بود بنا بر توطئه محبوس شدو مدت هفت سال را در زندان سپری نمودو بعداز رهائی به منطقه آبائی خود برگشت شهید بسم الله خان بنا بر احساسات پاک شان حین وقوع کودتای ننگین کمونیستی دست به جهاد مسلحانه زدتا بالاخره به تعهدش وفا کرد ودر برخورد رویا روئی با دشمنان اسلام جان شیرین خودرا از دست داد.

انا لله وانا الیه راجعون

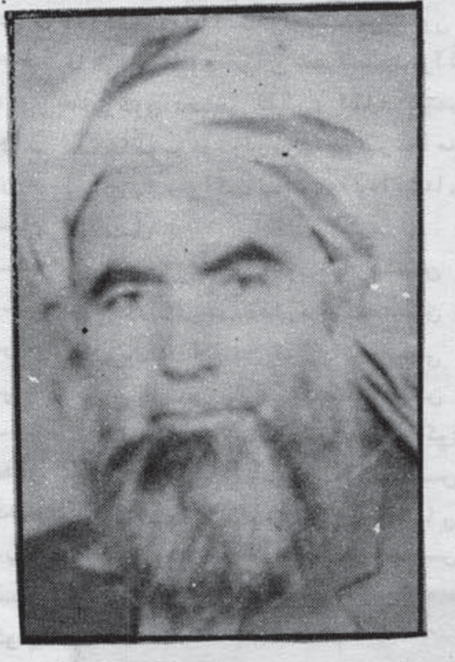

ـ شهید ملاعبدالله :

شهید ملاعبدالله فرزند عبدالرزاق ۶۲ سال قبل دریک خانواده متدین ومؤمن درقریه حاجی پیک ولسوالی شکردره ولایت کابل دیده بجهان گشود.

او بعداز سن ۷ سالگی به تعلیم علوم اسلامی پرداخت ، ودرراه رشداندیشه اسلامی لحظهٔ آرام نداشت .فرزندانش را با ایدلوژی اسلامی آراست .

درهنگامیکه مزدوران بدنام اندیشه سخیف کمونیزم به اریکه قدرت تکیه زد ملاصاحب عبدالله برمبارزه برخاسته و باعث تشویق فرزندان ومردم منطقه اش بجهاد مسلحانه گردید.

درجریان جهاد مقدس ۵ مرتبه منزل مذکور توسط روسها ومزدوران دون همت اش ویران گردیده ودوباره به اعمار آن گماشت . جهاد وهمکاری با مجاهدین را نسبت به هجرت ترجیح داد.

بتاریخ ۵ سنبله ۱۳۶۰ برای استقرار نظام اسلامی ووا ژگونی رژیم بیدادگر کمونیزم یک فرزندخویش بنام عنایت الله را قربانی دادودرسال ۶۱ برادرش به اسم عبدالرحمن جام شهادت را بسرکشید وفعلا" تمام فامیلش مصروف جهاد می باشند.

وخودبعداز خدمات شایسته به اسلام و مسلمین بتاریخ ۱۴ حمل ۱۳۶۷ بعد از اداء نماز عشا ساعت ۸ بجه شب درمسجد قریه خویش از طرف روسهای وحشی بمقام والای شهادت پرکشود.

روحش شاد یادش گرامی باد

شهیدحیات الله :

برادرشهیدحیات الله فرزندحاجی محمدعالم درسال ۱۳۳۲ دریک خانواده متدین درروستای بالا دوری ولسوالی پلخمری ولایت بغلان به دنیا آمد .بعداز تکمیل دورهٔ تحصیلات ابتدائی شامل لیسه زراعت بغلان گردید.

شهیدحیات الله دردوران تحصیل درلیسه زراعت با برادران عضوتحریک اسلامی افغانستان آشنا شدوهمراه باآنان بصورت منظم به مبارزه برعلیه رژیم حاکم وگروه های ضداسلامی سهم فعال گرفت وی ازسال ۱۳۵۲ ببعدیکی ازاعضای پرتحرک تحریک اسلامی بودودردوبرخورد که بین خلقی ها وپرچمی ها ازیکطرف وجوانان مسلمان ازطرف دیگردرلیسه زراعت بغلان رخ دادسهم گرفت ودرلست افراد مسلمانی بودکه باید از لیسه اخراج می شدند.

بعدازکودتای ننگین هفت ثوربرادر حیات الله به جهادمسلحانه برضددشمنان اسلام روآوردودرقیام مردم مسلمان ولسوالی پلخمری اشتراک نموده به همین جرم مدتی را درزندان سپری کردبعد از رهائی اززندان دوباره به صف برادران مجاهدآمددرین موقع جهاددرولایت بغلان گسترش بیشتریافته بودوقوماندانی گروپ سیارحوزهٔ وحدت به وی سپرده شد برادرحیات الله وگروپ تحت فرماندهی اش ضربات محکمی برپیکردشمن واردکرد، ازجمله عملیات مهم برادرشهیدعملیات برشرکت سپین زرشهرکهنه بغلان است و ترورعده ئی ازمزدوران دشمن نیزتحت قوماندهٔ برادرشهیدحیات الله صورت گرفت .

حیات الله شهید درصف جهادشخصی خیرخواه مسلمین درجهت وحدت صف وایجاد الفت ومحبت میان مسلمانان بود ودرین راه زحمات زیادی را متحمل گردید بالاخره در۲۷ رمضان سال ۱۳۶۶ درقریه شهاب الدین درنتیجهٔ یک کمین گیری ناجوانمردانه ازطرف دشمنان اسلام به مقام والای شهادت نایل آمد.

انا لله وانا الیه راجعون

شهیدافسرخان :

شهیدافسرخان دبندی زوی چه په ۱۳۳۷ کال دپکتیا ولایت دځمکنیوولسوالی د دردرم علاقه داری دمیرحسن په کلی کی زیږیدلی نوموړی ډیرزړورا ومتدین شخص و په کال ۱۳۵۸ کی ئی د روسانو په مقابل کی وسله وال جهاد پیل کړ دجهاد په دوران کی ئی دهیڅ رنګه قربانی ()وسربښند نی څخه ډډه ونکړه نوموړی شهیدد کاپیسا په ولایت دالصبح په حوزی کی په پوره ایمانداری جهاد.

وکړچه وروسته بیا پکتیا ولایت ته راغی دپکتیا ولایت دځاځی اریوب مجاهدینو سره په ملاتړکی دروسانوسره په یوه مخامخ جگړه کی دوری دمیاشتی په ۱۵ مه نیټه دشهادت لوړمقام ته ورسید.

انالله وانا الیه راجعون

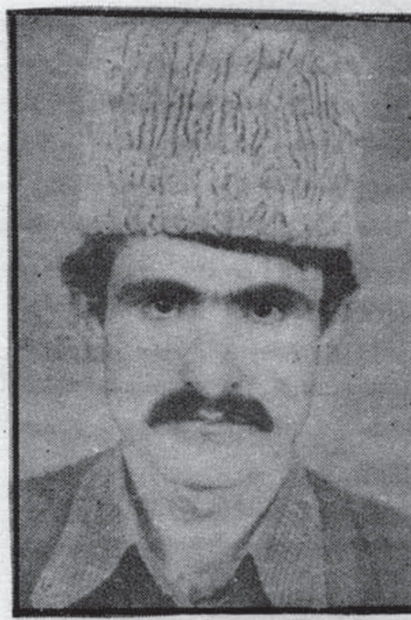

شهیدعبدالکریم جان :

شهیدعبدالکریم جان دفتح محمد زوی دبلخ ولایت دشولگری ولسوالی دجنگعکی په کلی کی زیږیدلی لمړی زده کړه یی د سیمی دپیکاند.ی په ښوونحی کی اومنځنی زده کړه یی سرته نه وه رسولی چی کمونستی کودتا صورت ونیو، دشوردکودتا نه وروسته یی دجهادصف ته ودانگل اوپه جهادیی لاس پوری کړ دجهاد په اوږدوکی ددولت لخوا ونیوشوا وددونیم کاله بندنه وروسته بیرته جهادته راغی ثوپه ۱۳۶۴ کال د شهادت لوړمقام ته ورسید.

انالله وانا الیه راجعون

شهید محمدآصف :

شهید محمدآصف فرزندبرومندقاضی عبدالرحیم درسال ۱۳۴۱ درقریه کتب خیل ولسوالی محمدآغه ولایت لوگردر یک فامیل متدین چشم به جهان گشود. بعدازسپری نمودن دوران کودکی درسال ۱۳۴۷ شامل لیسه محمدآغه ودرسال۱۳۵۸ ازصنف دوازدهم لیسه نادریه فارغ التحصیل گردید.

شهید محمدآصف نظربه احساس عالی که دربرابردین وعقیدهٔ اسلامیش داشت، درسالیانیکه هنوزازمکتب فارغ‌نگردیده بود، افتخارارتباط باحوزهٔ مرکز حزب اسلامی افغانستان راکسب نمود وتمام دساتیری راکه ازطرف مسوولین حوزه مذبوربوی سپرده میشد، باکمال جسارت وشکیبائی به منصهٔ اجراء میگذارد ولی دشمن مکارهمیشه همچوسراپای لشکریان ابلیس درکمین مسلمانان پاکدل بوده، وی رادرجریان فعالیت وظیفوی دستگیروراهی زندان پلچرخی ساخت وبعدازگذشتن مدت ۴ماه حبس وتقبل زجرها ومشقت های فراوان دوباره رها گردید.

مدتی راکه وی مانند سائرهمرزمانش درزندان گذرانیده نه تنها وی راازتعهدش درراهی زدودن بساط ظلم وبی عدالتی واعلاء کلمه الله، روگردان نتوانست بلکه عزم وارادهٔ وی رادررا ه نیل به این امرمقدس بیش ازبیش راسخ تر گردانید. تااینکه کاسه صبرش لبریز شده دیگرنتوانست دربرابرعملکردهای غیرانسانی وافکارمنحط خلقی ها پرچمی هاکه برتاروپودجامعه اسلامیش سایه افگنده بودبی تفاوت بماند. از اینروبلا درنگ غرض ادای رسالت ایمانیش دربرج جوزای سال ۱۳۶۰ وارد سنگرداغ جهادی ولایت لوگرگردید، دست به جهادمسلحانه زدومدت هشت سال متواتر رادراداى این وجیبهٔ مقدس درچوکات گروپ داکترمحمدولی ناصری سپری نمود.

وی دراضافه ازیکصدفعالیت جهادی عملا" شرکت ورزیده که ازمثال های برجسته آن فتح ولسوالی محمدآغه بردست پرتوان مجاهدین جبهه خندق صورت گرفت وی نیزشرکت داشت وجسارت وشجاعت بی شایبهٔ ازخودنشان داد. همچنان درجریان مدت جهادیش دربرخوردبایک قطار قوای متجاوزروسی که به سوب ولایت پکتیا درحرکت بود، جراحت قابل ملاحظهٔ درناحیه وجهه برداشت. ولی باآنهم درنتیجهٔ مجاهدات خستگی ناپذیرش تعداد کثیری ازتانک ها، موترهای نفربر و سائروسائط جنگی دشمن راطعمه حریق نموده وتعدادقابل ملاحظهٔ تاراج گران روس خون آشام ومزدوران حلقه بگوش آنهارا راهی جهنم ساخته وتعدادهنگفت مهمات وسلاح های مختلف النوع دشمن را بغنیمت درآورده است.

تااینکه بناء برتقدیرالهی بتاریخ ۵ ر ۶ ر ۶۷ دریک عملیاتیکه بالای غند قوای ملحددشمن واقع بنی شیرافگان صورت گرفت، ووی وظیفهٔ تنظیم قوتها رانیزبرعهده داشت، جام شهادت رابر سرکشید.

روحش شادباد دست حق یارش باد

انالله وانا الیه راجعون

شهیداحمدشاه :

شهیداحمدشاه دحبیب شاه "ملنگ" زوی دارگون دلویی ولسوالی دسروخی په کلی کی زیږیدلی په اوکلنی یی دشور کودتا رامنځ ته شوه په ۱۳۵۷ کال کی دکورنی سره پاکستان ته مهاجرشوا و-ددته خیلودشهیدضابط خان په لمړنی ښوونځی کی دبنی راتلونکی په هیله شامل کړای شودا تم ټولگی له دفارغیدو نه وروسته دبنوه دالفتح په لیسه کی شامل اولسم ټولگی ته په دریمه درجه بریالی شودخپلی ایمانی جذبی په اساس به یی دری میاشتی رخصتی د جهادپه سنگرکی تیرولی ددی عادت سره سم په ۱۳۶۷ کال کی سنگرته ولاړ، دارگون

په شمالي ختیزه خوا کی دسیدنیک بین له یوی مرچی څخه چی دوحدت جبهی لخوا ددښمن دځپلو په مقصد تینګه شوی وه ده هم دځپلی غوښتنی سره سم له نوموړی مرچی څخه دځپل ماشین مرمی په دښمن وا ورولی ځو دځپلو دوو ملګرو سره په داسی وخت کی چی لوی اخترته ۸ ورځی پاته وی په شهادت ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

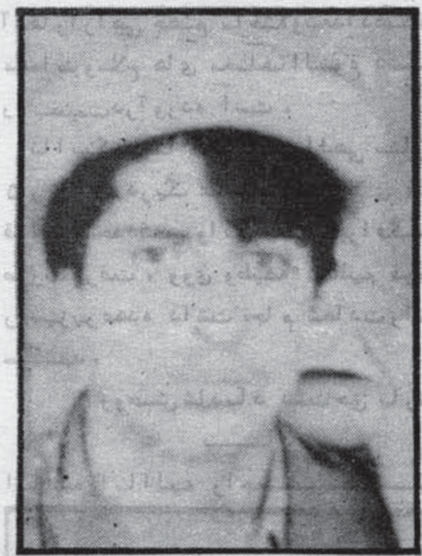

شهیددولت :

شهیددولت دعبدالکبیرزوی دپکتیکا ولایت دزاولودکلی اوسیدونکی چی د ۱۳۴۱ کال په اوبلوکی په یوه متدینه او دیندا ره کورنی زیږیدلی دروسانو دیرغل سره سم ئی په وسله وال جهادلاس پوری کړ او پدی دوران کی یی دمجاهدینو دیوه کندک دنده هم پرمخ بیوله .شهیددولت دجهاد په دوران کی زیاتی اتلولی په میراث پری ایښی او بالاخره دروان کال دتلی میاشتی په ۱۲ مه نیټه ددښمن سره په مخامخ نښته کی په شهادت ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

شهید سیدعالم آغا :

سی وهفت سال قبل درسرزمین مردخیز وقهرمان هرات این مهدعلم وعرفان در یک خانواده روحانی ومتدین طفلی دیده به جهان گشودکه نام گرامی اش را سید عالم نهادند . سیدعالم دردوران کودکی علوم ابتدائی رانزدپدرش به انجام رسانیدوبعداً واردفقرالمدارس هرات شدپس ازمدتی ادامه تحصیل به مدرسه جامع هرات منتقل گردید درآن وقت بودکه ملت موءمن وستمکش افغانستان باافکارواردات کمونیزم پنجه نرم می نمودندسیدعالم حسینی همچودیگر همقطارانش راه نجات رادرپرتواسلام و مبارزه علیه جریانهای الحادی جستجو می نمودسیدعالم حسینی همیشه اطرافیان خویش رابه بزرگی وعظمت اسلام ومنطق قرآن توصیه می نمودچنانچه خودش به قاری قرآن کریم شهرت یافت وقرآن کریم واصول تجویدرانزداستادبزرگوارش قاری عبدالحمیدکه ازقراء مشهوروقت بودبه نحوه احسن فراگرفت موصوف دربین اطرافیانش برحسن خلق ورفتارنیک شهرت داشت وهمیشه سمبول وحدت درمیان برادران مدرسه بود .وی درسال ۱۳۴۸با برادران نهضت آشنائی پیداکردپس از آنکه کودتای مزدوران روسی درکشور صورت گرفته وابرسیاه کمونیزم برمیهن عزیزماسایه افگندسیدعالم حسینی بنابر احساس مسئولیت ایمانی ووجیبه شرعی خویش بنابرشجاعت ودرس که ازمکتب انسان سازاسلام آموخته بودتعدادی ازبرادران واقوام خویش راعلیه حکومت کمونستی بسیج نمودودرقیام (۲۴)حوت ۱۳۵۷ فعالانه شرکت کردوپس ازآن که حکومت کمونستی دوباره براوضاع مسلط شدوی موردتعقیب قرارگرفت بافامیل خویش راه هجرت راهمچوجد خویش بسر گزیدگرچه دولت ملحدوقت پدر، برادران وچندین تن ازاقارب ودوستان اش رابه زندانها انداختندوبازهم مانع ادامه راه کسه همانا جهادوهجرت بودشده نتوانستند . پس ازهجرت به ایران دوباره به جبهه شتافت واولین کلیدفتح قریه بیجاقی وکبابیان بدست وی گشوده شد . وی همیشه عاشق سنگربودبعدازیک سال فعالیت های موءثردرسنگربنابه در خواست برادران به حیث مسئوول اطلاعات وارتباطات درشهرمرزی تایبادتوظیف گردیدومدتی زیادعلاوه برتلاش وجهاد ومقاومت دردفتروسنگردوباره به حیث قوماندان قرارگاه حضرت محمدرسول الله درموسی آباد انتخاب گردیدبازهم چون دژمستحکم باقامتی رساتربه مقابل قوای روسی استوارایستاد . زمانیکه در محراب قرارمی گرفت با دیده های گریان ازخداوند(ج) شهادت رادرراه آرمان والای اسلامی تقاضا می نمود. بلی اوبه آرزویش رسیدوما راتنها گذاشت وبتاریخ ۲۶ دلوسال ۱۳۶۴ که قرارگاه شان ازهوا وزمین مورد آتش بی رحمانه روس ها قرار گرفت بعدازسه شبانه روزمقاومت وجنگ رویاروبی سیدعالم شهید مورداصابت گلوله توپ دشمن قرارگرفت وبایاران چند روح پرفتوحش برآشیان جنت آرام گرفت .

انا لله وانا الیه راجعون

شهیدسید محمد :

شهیدسید محمد "درویش" دسیدشیر محمد آغازوی په ۱۳۵۱ کال دوردګوولایت د جغتوعلاقدارۍ دشادا نودکلی په یوه دیندا ره کورنی کی زیږیدلی اودپنځو کالوپه عمریتیم شو . دمشروروراوسپین سری مورتربیی لاندی یی دکلی دملا صاحب څخه په زده کړه پیل وکړ وروسته یی دحزب اسلامی په صف کی ځای ونیو او په جهادیی پیل وکړ دټولوستونځو او تکلیفونو په مقابل کی یی پوره صبر درلود .

په هغو عملیاتوکی چی دغزنی دجهادتو لخوا درامک په پوستوسرته ورسیدل وروسته لدی چی دښمن ته یی ډیرزیانونه واړول

ددښمن دهاوان په مرمی ولګیداودشهادت
لوړمقام ته ورسید .
انالله وانا الیه راجعون

– شهیدورورنورمحمد درمحمد زوی
دپکتیا ولایت دځکمنیوولسوالی دساقی
خیلو په کلی کی په ۱۳۴۱ کال کی زیږدلی
دشوروی دکودتا سره سم یی جهاد پیل کړی په
ډیرو عملیاتوکی یی برخه اخیستی خود
۱۳۶۶ کال دسنبلی په ۲۳ نیټه دشهادت
لوړمقام ته ورسید .
انالله وانا الیه راجعون

شهید برادرصوفی حیات الله :
برادرصوفی حیات الله فرزند محمد
عثمان درسال ۱۳۳۲ درقریهٔ بهلول
صاحب (رح) مربوط مرکزولایت غزنی در

یک خانوادهٔ دین پرست چشم به جهان
هستی کشود .
ازبدو جهاد مسلحانه وبه قدرت رسیدن
ایادی کفروالحاددست به مبارزه وجهاد
زدکه به اثرلیاقت وکاردانی که داشت به
صفت معاون گروپ الفتح تعین وبعداز
به شهادت رسیدن برادرقهرمان توکلی
شهیدقوماندانی گروپ را به عهده گرفت
ومدت هشت سال این مسئولیت را بدوش
داشت ودرطول جهاد هشت سالهٔ خویش
فتوحات زیادی را نصیب شدوبالاخره در
سال ۶۷ ۱۳ درنزدیکی فرقه ۱۴ دریک بر
خوردرویاروبی جام شهادت رالبیک گفت
روحش شادویادش گرامی باد

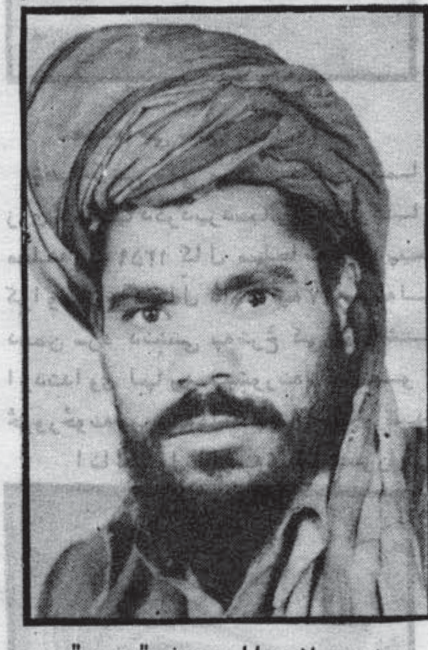

– شهیدملاعبدالمعروف "زبیر"
برادرشهیدملاعبدالمعروف فرزند
عبدالروف بای ، ۲۷ سال قبل دریکی
ازروزهای بهاری دردامان کوه پایه
های لاجوردین بدخشان درقصبه "گلکی"
درایم دیده به جهان هستی بازکرد طبق
معمول علوم متداوله رانزدامام مسجد
فراگرفت ، درهفت سالگی شامل مکتب
متوسطه "ثابت " گردید ، صنوف مکتب را
بااشتیاق ذایدالوصفی یکی پی دیگر
دنبال نمود ، بعداز فراغت ازمکتب
مذکورشامل مدارس دینی شد ، کتب دینی
وفنونیات رانزداستادان دانشوروبزر
گوارمنطقه به پایان رسانیده درعلم
تفسیروترجمه مهارت خاصی عایدحالش
شدهمزمان باکودتای ننگین هفت ثور
۱۳۵۷ یکجا با برادران قهرمان چون
شهیدسیدحسن "نصر" شهید "عطائی" برادر
مجاهدعبدالعزیز "رامی" ، شهیدملا

عبدالجلیل ، شیخ القرآن مولوی
عبدالبصیر طرح تاسیس یک جبهه نیر و
مندرا ریختند ، باهمت ودلاوری خاصی ،
اساس قیام مسلحانه برضدنیروهای
بیگانه را درقسمت مرکزی ولایت
بدخشان پی ریزی کردند ، طول نکشیدکه
جهادشکل وسیع وهمه جانبه تری به خود
گرفت وهمین پا برهنه گان شهادت شعار
رادرصدراجتماع انسانی ثبارزداد ،
سلاح ومهمات زیادی دربرخوردباعساکر
دشمن بدست شان قرارگرفت .
ملاعبدالمعروف شهیددرطول ده سال
انقلاب اسلامی منحیث برازنده ترین
چهرهٔ جهادی درمرکزبدخشان قدبرافراشت
درهرعملیات بالای دشمن باعلاقه مندی
وشوروشوق بی پایان حصه می گرفت سال
۱۳۶۱ غرض تجهیزوا کمالات نظامی به
پشاورآمدکه با توقف کوتاه دوباره به
سنگرش برگشت ، پیش ازدوسال را در
جبهه شهیدانجنیرحبیب الله میرجهاد
ولایت تخارگذشتانده است که مجاهد
دیارتخارخاطره های فراموش نشدنی ازوی
به خاطردارند ، ملاعبدالمعروف شهید در
طول مسئولیت جهادی خودکوچکترین
اهمال وسستی را روانداشته ، پیوسته
کوشیده است تادرکم ترین فرصت کارهای
بزرگ ودرخورتوجهی را انجام بدهد ، سر
انجام این سپاهی راه جهاددرروز دوم
عیدقربان ۱۳۶۷ طی توطئه جنایت بار
درقریه "کته قشلاق" آغاشقانه سرداد ،
وعروس شهادت را به برکشید .
روحش شادویادش جاویدان باد
۶۷ – شهیدیارمحمدمجاهد :
برادرشهیدیارمحمد ۲۹ سال قبل درقریه
دره باغ درایم مرکزولایت بدخشان در
خانوادهٔ خداپرستی دیده بجهان گشود
باآغازجهادمسلحانه درکشوردرصف سپا
هیان جان برکف حزب اسلامی افغانستان
قرارگرفت ، باجراءت مندی واخلاص
عمیق درعملیات ها شرکت می نمود ، او
باسلاح دست داشته اش (راکت)
همیش مراکزدشمن زبون را موردآتش باری
قرارداده ، ضایعات وخسارات فراوان را
به دشمن واردآورده است ، شجاعت ودلاوری
اش درصحن کارزارکه به حق خاصهٔ دلیر
مردان است سرانجام اورا به پای مرگ
کشاندودریک برخوردبا دشمن سفاک وخون

آشام درسال ۱۳۶۶ به‌شهادت رسید،
انالله‌وانا الیه راجعون

. شهیدنوری :

شهیدنوری دلعل گل زوی دپکتیا د ځاځي آریوب ولسوالی دحسن خیلو اوسیدونکی د۱۳۴۲ کال په‌اوائلوکی زیږیدلی دکمونیزم غیرمذهبی خلقی کودتا نه‌وروسته یی په‌جهاددپیل وکړاو دیرېریالی‌توپونه یی ترلاسه‌کړی خود۱۳۶۷ کال دجنګ‌ابش په ۲۴ نیټه‌دیوه‌مین دچاودنی‌له‌امله‌په شهادت ورسید.

انالله‌وانا الیه‌راجعون

شهیدسیدهیبت شاه :

شهیدوروسیدهیبت شاه دسیدمحمد وزیرزوی په ۱۳۴۸ کال دوردګودجغتو علاقداری ذساداتوپه‌کلی کی زیږیدلی د خپل کورنی نه‌یی دینی زده‌کړه‌پیل کړه وروسته‌په ۱۳۴۸ کال دغازی محمدجان‌خان په‌لیسه‌کی شامل شودشوردکودتا نه‌وروسته یی زده‌کړه‌پرینبوده‌اوپه‌جهادیی پیل وکړ په‌ډیروعملیاتوکی یی ونډه‌واخسته اود ۱۳۵۸ کال دجدی په ۱۵ نیټه‌په‌شهادت ورسید.

انالله‌وانا الیه‌راجعون

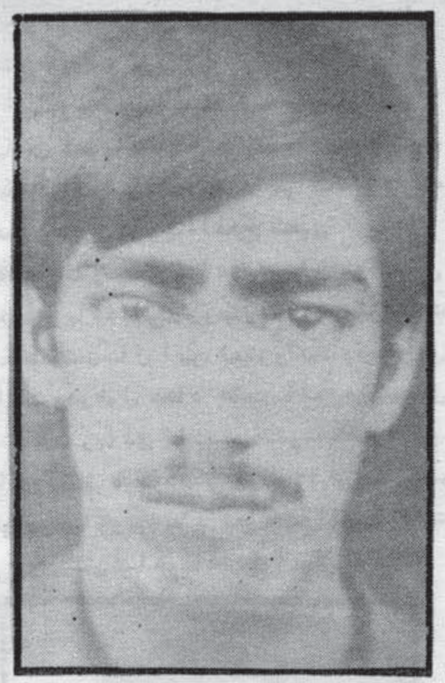

شهیدحاجی سخی مرجان :

شهیدحاجی سخی مرجان دحاجی کمال زوی دپکتیا دګردیزدسیاری قرارګاه مجاهدوپه ۱۳۵۹ کال مسلحانه‌جهاددپیل کړاوپه ۱۳۶۶ کال داسد په ۲۷ نیټه‌له دښمن سره دنښتی په‌ترځ کی ټپی شو اودتداوی لپاره پېښورته‌نقل شو د ځوورځونه‌وروسته‌هلته‌په‌شهادت ورسید.

انالله‌وانا الیه‌راجعون

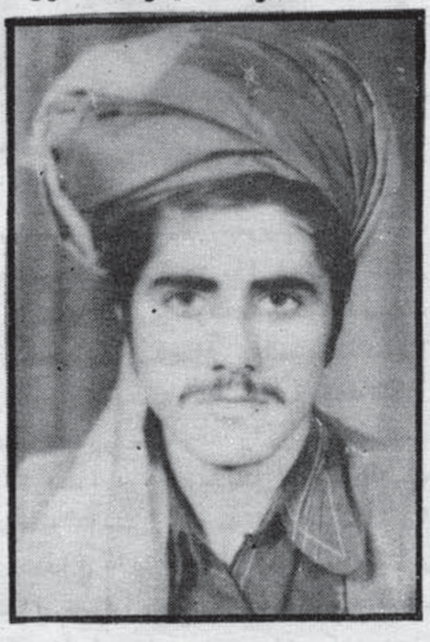

ـ شهیدقهرمان انجنیرجلال الدین:

برادرگرامی وشهیدانجنیرجلال الدین فرزندعبدالمحمدسالها قبل دردهکده دوآبی ازمضافات ولسوالی سروبی‌ولایت کابل درخانواده مسلمان ومتعهدی دیده بدنیا بازکرد، درسال ۱۳۴۵ شامل مکتب ابتدائیه "هودخیل" گردیدبددر پهلوی دروس مکتب به‌فراگیری علوم دینی نیزعلاقه زیاددا شت، درشکوفائی بذرهای استعدادوتربیه‌هرچه بهتر آن شهیدمحمداضعروشهیدقاری محمداعظم‌که ازقافله‌سالاران نهضت شکوهمنداسلامی کشورمحسوب می شدند عطف توجه عمیق ودلسوزانه مبذول داشته‌اند، شهید انجنیرجلال الدین درسال ۱۳۵۱ شامل تخنیک ثانوی کابل گردید، درجریان تحصیل افتخارعضویت نهضت اسلامی افغانستان نصیبش شد، موصوف درهمه جلسات وتظاهرات، باتحرک ونشاط خاصی حصه میگرفت. همزمان باکودتای بدفرجام هفت ثور ۱۳۵۷ شهیدانجنیر جلال الدین راه‌هجرت درپیش گرفت و در سال ۱۳۵۸ بنابرلزوم دیدمقامات ذی صلاح حزب به‌صفت همکارتخنیکی ستدیوئی نمبر (۱) رادیوی حزب اسلامی افغانستان توظیف گردید، دربازتابی وانعکاس اهداف والای جهادکه‌راه‌بقای انسانهای مؤمن درآن نهفته ومضمراست یکجابا برادران مجاهدش شهیدا ستادطالوت "موحد"، استادفرهاد، برادرمبشرو برادرجالدنقش فعال وبرازنده‌ء راایفاء نموده اند.

شهیدانجنیرجلال الدین همیش اصرار می ورزیدتا به‌زادگاهش (کابل) شتافته مسئولیت جهادی اش رادرآنجا را دامه دهد، درفتح غنداسمار ولایت کنرها مستقیماً شرکت نموده، قهرمانی های درخورتوجهی ازخودبه‌یادگارگذاشته است، شهیدانجنیرجلال الدین جهت رسانیدن آوازحق طلبانه ونجات بخش جهادبه‌کوشش هموطنان مسلمان ما در اواخرسال ۱۳۵۹ به‌ولایت زابل اعزام گردیدکه‌با موفقیت وظیفه‌اش راانجام داد، درسال ۱۳۶۰ به‌ولسوالی ده‌سبز ولایت کابل رفت ودرنقش یک سپاهی متعهدوهدفمندمسئولیت های ایمانی اش راباکمال افتخارانجام داده‌با سپری نمودن دوماه درجبهه ولسوالی ده‌سبزروی مشکلی به‌پشاورآمدودرسال ۱۳۶۷ غرض اجرای پروگرام خاصی به ولایت وردک، میدان اعزام گردیدند. درعملیات مذکورسهم فعال وبرازنده‌ء راایفاء نمود، متعاقب آن ازطرف تنظیم ولایتی کابل به‌صفت قوماندان نظامی ولسوالی ده‌سبز تعین گردید، درسال ۱۳۶۲

نظربه استعدا دومهارت کافی که درامور
عسکری ونظامی داشت رسما" ازطرف مقام
امارت حزب بحیث آمرجبهه ولسوالی ده
سبزتوظیف شد. شهیدانجنیرجلال الدین
همیش مراکز مهم دشمن را موردحمله قرار
میداد. سفارت روسها درکابل ،مکروریان
تپه تاجبیک ،میدان هوائی خواجه رواش
وارگ ریاست جمهوری به اثرحملات پی هم
اوشدیدا" خساره مندشده اند، همچنان
این رادمردحماسه سازوقهرمان درعملیات
که بتاریخ ۲ر۱۰ر۱۳۶۶ بالای پوسته
های ولسوالی چهارآسیاب براه انداخت
همه پوسته های ولسوالی مذکوررا فتح
وغنایم بی شماری ازآن بدست آورد .در
عملیاتی که بتاریخ ۲۰ر۱۰ر۶۳ تحت
قومنده وی بالای ارگ ریاست جمهوری
مکروریان ،کمیته مرکزی مزدوران روس
ووزارت مالیه صورت گرفت ،تلفات
زیادی به دشمن واردآمدکه همه خبرگذاری
های جهان نیزآنرا تائیدکردند. طی
عملیاتی موء ثردیگریکه درسال ۱۳۶۵غرض
نکوهش وتقبیح کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ به

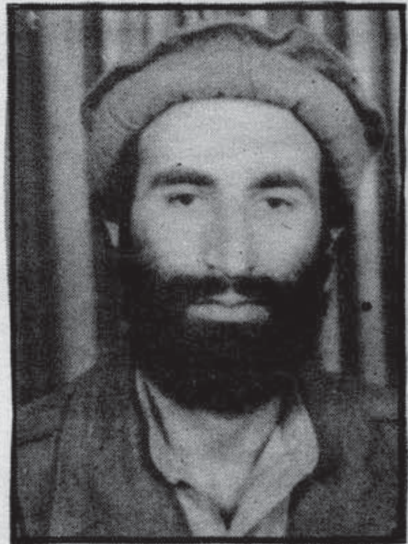

اجراء درآوردتعمیررادیواستیشن ، —
زندان پلچرخی ، قوای راکت ،استیشن
ملی بس کلا" صدمه دیده وتلفات جانی
به دشمن واردآمد، دراواخرسال ۱۳۶۵این
رادمردنامی میدان جهادبخاطرکسب
هدایت ازمقام رهبری حزب وهمچنان
جهت احوال گیری ازفامیل مجاهدین
که درجریان جنگ به شهادت رسیده اند
رهسپارپشاورشد، همزمان با آمدن شهید
انجنیرجلال الدین به پشاور ،روسها به
قصدتسخیرسنگرهای مجاهدین درجاجی به
یک تهاجم گسترده وخطرناک دست زدند.
انجنیرجلال الدین شهیدبدون معطلی به
غندالفتح رفت تا درین معرکه وجنگ حصه
بگیرد ،بالاخره درآخرین روزهای ماه ثور
۱۳۶۶ به اثرفیردستگاه ۴۱ دشمن
به شهادت رسید، شهادت اوبزرگترین
ضایعه است درسطح جبهات جهادی ولایت
کابل ، اورفت اما کارنامه های و
خالصانه اش دردل زمان وزمانه ها تلالؤ
ودرخشش خواهدیافت .

روحش شادویادش گرامی باد

شهیدحضرت الدین دسعدی زوی د
لغمان ولایت دگلدارام اوسیدونکی چی په
یوه دینداره اومذهبی کورنی کی زیږیدلی
دنیکوا خلاقوله کبله ئی زیات شهرت
درلودکله چی کمونستان په افغانستان
کی دروسانوپه کمک قدرت ترلاسه کړنو
موږی وروروپه وسله وال جهادلاس پوری کړه
اوبالاخره په خپله هم ۱۳۶۳ کال دحوت
په نهمه نیټه دروسانوسره په یوه مخامخ
جګړه کی دشهادت لوړی درجی ته ورسیداو
خپل زرین تاریخ ئی ملت اوکورنی ته
دیادګار په توګه پریښود .

انا لله وانا الیه راجعون

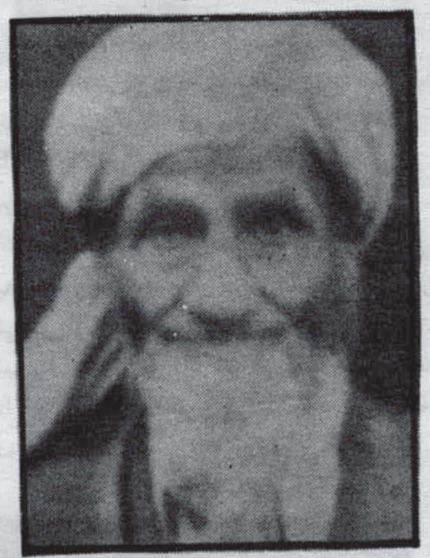

شهیدا میرمحمد :

شهیدا میرمحمدحاجی اعظم زوی د
پکتیکا دولایت دخیرکوټ دلوئی ولسوالی
دسه ګانی دکلی اوسیدونکی چه په ۱۳۴۵
کال په یوه متدینه په همدی کلی کی فانی
دنیا ته راغلی دتره کی دوحشیانه کودتا
نه وروسته په ورکتوب کی ئی په ۱۳۶۱ کال
دهم سنګره مجاهدینوسره مسلحانه جهاد
پیل کړ په ۱۳ تعرضاو په ډیرودفاعی
عملیاتوکی یی برخه اخستی ده ،نوموړی —
خدای بخښلی مجاهد دجهادپه سنګرکی د
شجاعت اودلاوری کی خاص رول لاره آخر
دکټواز "خیرکوټ" دلوئی ولسوالی په
تعرضی عملیاتوکی چه په ۱۹ر۶ر۶۷ نیټه
دخپل عمرپه ۲۲ کال دمازدیګر
په پنځوبجو دیوی پوستی دفتحی نه
وروسته په دوهمه پوسته دتعرض شدیدزخمی
شو، کله چه دتداوی دپاره پشاور "جرمنی"
هسپتال ته راوړشو په ر نیټه په
جرمنی هسپتال کی په شهادت ورسیداود
خپل دوهم وروروشهیدحاجی اخترجان سره
یوځای دفن شو. انا لله وانا الیه راجعون

شهیدانجنیرغلام سخی"احمدزی "

سال ۱۳۳۰ خورشیدی بودکه دردامنه کوه
پایه های مردخیزهندوکش کودکی که آثار
جهادوپیکاردرچهره اش نمایان بود در
فامیل متدین دردره شاداب سرخ ولسوالی
سرخپارساه ولایت پروان دیده به جهان
گشود ،واسم عزیزش را غلام سخی نهادند.
برادر" احمدزی " درسن هفت سالگی
شامل لیسه حبیبیه کابل گردیده ،مدت
چندسال رادرآنجا وبعدا" بدلیسه سرخپار
ساه شامل گردید.

درسال ۱۳۴۹ ازصنف ۱۲ فارغ گردیده
وبعدازسپری نمودن مدتی شامل دانشکده
"پوهنځی" انجنیری دانشگاه پوهنتون
کابل گردیددرسال ۱۳۵۸حینیکه جهادمسلحانه
شروع گردیدنامبرده دانشگاه را ترک گفته
به صف جهادگران مسلمان درپهلوی برادر
شهیدځارنوال عبدالروف "حجت" به جهاد
مسلحانه پرداخت . نامبرده درفتح
ولسوالی سرخپارساه ،کندک محاربوی
چهارده ، ولسوالی سیاه گرد،علاقه داری
قاقشال ، سالنگ ودشت پروان که شدیدا"
مجروح گردید، سهم فعالی داشت .
درسال ۱۳۶۶ مسئولیت نظامی جبهه

ابوذرغفاری بدوش سپرده می شود بــا
امانت داری کامل وپایمردی راست قامت
وظیفه را بپایان می رساندتا اینکه به
تاریخ ۱۷ حوت ۱۳۶۶ درفتح ولسوالـی
سیاهگردغوربندبه درجه رفیع شهادت نایل
آمده بسوی علیین خدا پرکشود.
روحش شادویادش گرامی باد.

۶ـ شهیدخوشحال خان :

شهیدخوشحال خان ولدفخرالدیـــن
مسکونه موقراشغان ولایت لغمان درسال
۱۳۵۸ جهادمسلحانه راشروع نمودودرجریان
جهادخدمات ارزنده را درکشوربخــون
خفته انجام دادبالاخره به عمر (۲۵) -
سالگی بتاریخ ۸ر۶ر۶۷ جام شهادت را
نوشیدوبه زندگی ابدی پیوست.
انا لله وانا الیه راجعــون

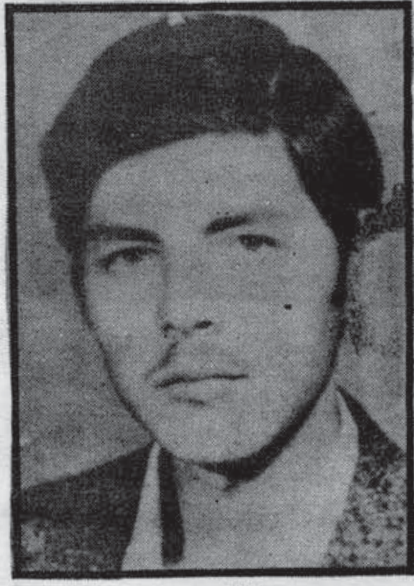

شهیدرحمت الله :

کوردلان بی وجدان بازهم فاجعـــه
آفریدندوفرزنددیگرازپاکان مرزبوم
دیارغیرت وعزت رابه شهادت رسانیدند.
قوماندان رحمت الله شهیدفرزنــد
علی الله ساکن قریه بهلول(رح) مربوط
مرکزولایت غزنی دریک خانواده مسلمان
وبی بضاعت چشم به جهان هستی کشود.
قوماندان رحمت الله شهیدشخصیت برجسته
نهضت پرافتخاراسلامی افغانستان در
مدت ۹ سال جهادفتوحات متعددی را -
نصیب شده وتکالیف زیادی را متقبل شد
وبه اثرصداقت وایمانداری که داشت،
همیشه موردستایش همسنگران خویش قرار
میگرفت که به زودترین فرصت مسئولیت
گروپ الله اکبربه عهده اش سپرده شدکه در
طول جهاد ۹ ساله خودمخلصانه کارکرد
مظلومانه زیست ومظلومانه به شهادت
رسیـــد.
شهادت این بزرگ مردقهرمان سایر
سنگرداران حسینی رادرماتم نشاند.
برادرقوماندان رحمت الله شهیدبـه
اساس پلان که داشت داخل فرقه ۱۴ غزنی
شده که قبل ازرسیدن به هدف به اثــر
توطیهٔ ملحدین نابکاربتاریخ ۳ر۳ر۱۳۶۷
همرا با برادرقوماندان حیات الله
جام شهادت رالبیک گفت.
اناللهوانا الیه راجعــون

شهیدعجب خان :

شهیدعجب خان دآزادخان زوی دپکتیا
ولایت دسری کلا اوسیدونکی چی د۱۳۴۴
کال په اوایلوکی په یوی متدینــی او
دینداری کورنی کی وزیږیده.
شهیدعجب خان دروسانودیرغل سره سم
په وسله وال جهادلاس پوری کړاوپه دوران
کی یی زیات افتخارات داسلامی انقلاب
لپاره وګټل چی بالاخره دمتاخان علاقه
داری دفتحی په ترڅ کی دشهادت لوړمقام
ته ورسیـــد.
انا للهوانا الیه راجعــون

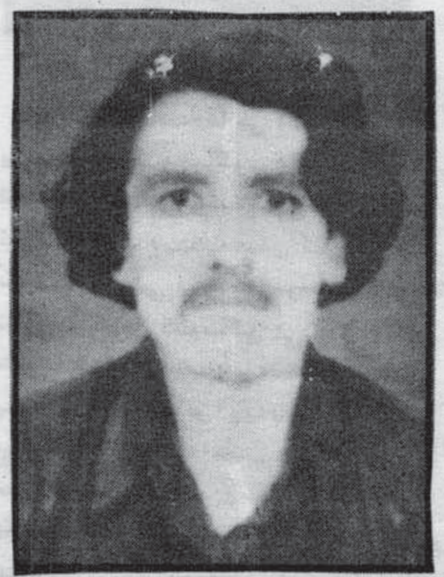

شهید فرهاد :

برادرفرهاددخان "فروتن "فرزنــد
سخی داددرقریه شینه ولسوالی سرخپارساه
ولایت پروان درسال ۱۳۵۲ تولدگردید.
دوران طفولیت را دردامان فاملیش
سپری نمودوازایام کودکی علاقه خاصــی
درفراگیری علوم اسلامی درنزد علمای جید
منطقه سپری نمود. موصوف حینیکــه
کمونستان درافغانستان به سراقتدار
می رسد باصفوف مجاهدین پیوست وازسال
۱۳۵۸ به اینسو به جهادمسلحانه علیــه
ملحدین ومنافقین دست زد درطــول
تقریباً ده سال جهادلحظهٔ هم سلاح را
ازشانه اش بدورنگذاشته درعملیات های
متعددی چون فتح کندک چهارده ،سیاگرد
عملیات درمناطق مختلف دشت پــروان
ولسوالی پغمان مستقیماً سهم فعـال
داشت.
برادرفرهاددخان بالاخره به تاریخ ۸
عقرب ۱۳۶۶ دربرخوردرویاروئی درمنطقه
غوربندبه شهادت رسید.
اناللهوانا الیه راجعون

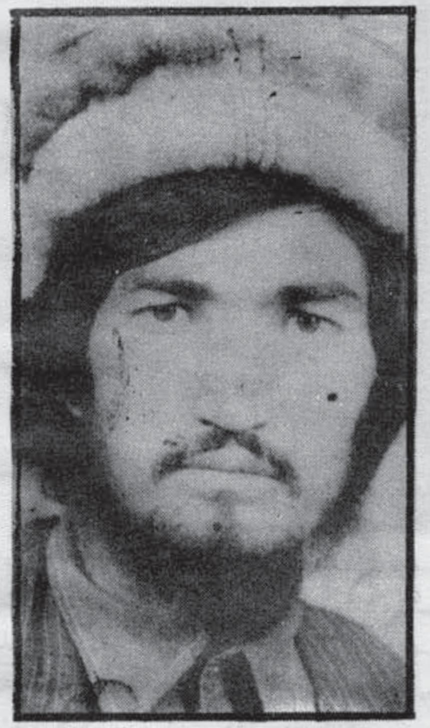

شهیداحمدشاه :

شهیداحمدشاه دمعلم صاحب فتح شـاه
زوی دپکتیکا دسرروخی کلی اوسیدونکـی
په ۱۳۴۸ کال کی په سرروخه کی پیــدا
شوی او په ۱۳۵۵ کال دسرروخی په متوسطه
کی شامل شوی له دری کلنی زده کــړی
وروسته دشوردکرغیرنی کودتا وروسته له
خپل کورنی سره پاکستان ته مهاجرشوی
پاته زده کړه یی دشهیدضابط خان پـه

متوسط کی ترا تم ټولگی پوری ددته
خیلوپه‌سیمه‌کی ترسره‌کړه او بیا ـــ
دالفتح لیسی په‌نهم ټولگی کی شامل
شودرخصتی په‌شپاوورځوکی په‌یی دجهاد
گرم سنگرته‌ځان رسولولدی امله‌دی ځل
هم درخصتی په‌وخت کی جهادته‌لاړاو د
ارگون په محاصره‌کی یی فعاله‌ونډه ـ
واخسته څوناڅاپه دټانک په‌مرمی‌ولگید
او په‌شهادت ورسید.

انالله‌وانا الیه راجعون

شهیدسهل خان :

برادرسهل خان ولدمحراب خان در سال ۱۳۲۸ درولایت بغلان متولدودریک برخوردبا روسهای وحشی درسال ۱۳۵۸به مقام شهادت نایل گردید.

روحش شادویادش گرامی باد

شهیدعبدالمالک :

برادرشهیدعبدالمالک مشهوربه‌فریدون فرزندڅارنوال عبدالخالق مسکونه ولسوالی اندراب ولایت بغلان ،درسال ۱۳۴۷ تولدیافت ،مکتب ابتدائیه‌وثانوی رادرولسوالی اندراب به‌پایان رسانیده متعاقبآن به‌ولایت کابل رفت وبقیه تحصیلاتش رادرآنجابه‌اتمام رسانید ،در سال ۱۳۶۲ درصف سپاهیان مؤمن حزب اسلامی قرارگرفت ،طی پنج سال جهاد مسلحانه ده‌هاعساکرروسی ودولتی رارهسپارجهنم ابدی نموده‌است ،دریکی ازروزهای سال ۱۳۶۷ توسط یک نفرملیشه به‌شهادت رسید.

انالله‌وانا الیه‌راجعون

شهیدمعلم محمدهاشم :

اینباخبرشهادت ازفرمانده‌نامور و آموزگارآگاه ورزمنده‌شهرشیرخدا (ج) است.

فرمانده‌که‌شب وروزچون موج ناآرام بودودرسنگرهای نوروپیکاربا قلب داغدروارمانی جهت حاکمیت عدل الهی می رزمید، تااینکه‌روح ملکوتی اش پر وازخونین کرد.

اسم این فرمانده قهرمان هاشم است‌که متخلص به"فیصل" بود.

هاشم شهید۲۷ سال قبل ازامروزدردامان عبداللطیف درقریه‌آدینه مسجدولسوالی چهاربولک ولایت بلخ دیده‌بجهان پر آشوب بازنمود. ازآوان طفولیت استعداد سرشاروچهره باوقارش ازآینده‌درخشان نویدمیداد، همین بودکه‌والدینش او راشامل مکتب ابتدائیه بلخی نمودند تاباشدوی روزی مرد روزگارشود.

موصوف دردوران تحصیل شاگردممتاز صنفش محسوب میگردیددر۱۳۵۴ ازآنجا فارغ ومتعاقبا" شامل لیسه‌نوبهاربلخ گردید، وبااخذنمرات عالی درسال ۱۳۵۹ تحصیلات خویش راذرآنجابه‌اتمام رسانید هنگامیکه روسهای‌ملحددرسرزمین اسلامی ومردخیزماهجوم آوردند ،معلم‌هاشم‌شهید علیه آنان ملت زجرکشیده‌خویش رابه مبارزه‌وقیام واداشت وباشروع جهاد مسلحانه جهت ادای فریضه‌دینی وکوبیدن سنگرهای‌کفروکمونیزم دست به‌قبضه‌سلاح بردوتاپایان عمرلحظه‌ئی سنگرگرم‌پیکار راترک نکردادردمدت هشت سال پیکارش دربیشترازِ (۱۵۰) معرکه‌خونین وکفرشکن شرکت نمود یک کارنامه آنراطورنمونه دراینجا متذکرمیشویم .

بتاریخ ۲ ر۴ر۶۶ تحت قوماندهٔ این پیکارگرراهخدا (ج) رزمنده‌گان اسلام شاهراه‌عمومی بلخ وجوزجان رادرقسمت قریه کوشکک بررخ کاروان روسها و روس پرستان مسدودنمودند که‌درنتیجه نبردخونینی بوقوع پیوست دراین معرکه خونبار (۵۳) عراده موترویک عراده تانک دشمن طعمه حریق گردیدوسه‌عرادهٔ موتر کوماز، هشت سلندره‌وکرازبه غنیمت گرفته شد.

وازسپاهیان‌اسلام‌هریک‌عبدالرحمن ومحمد الله مسکونه‌قریه‌شیشه‌خانه‌جراحت بر داشتند.

"فیصل" شهیددرمعارک نبردچندین بار زخم برداشت و یک چشمش رانیزشهیدداد رنج ها محرومیت ها وزخم ها اورانه تنها درتعقیب هدف مقدس (جهاددرراه خدا (ج))بازنداشت بلکه اوراصمم‌تر ساخت اوکه‌نمونه‌کامل تقوی ،ایثارو فداکاری درراه خدا (ج) بودمیگفت :

" باخدای خودپیمان بسته‌ام تادر راه اوسرندهم دست ازمبارزه‌وجهادبرنمی دارم " چنانچه بروفق مرامش به‌شهادت رسید.

ماموراسحاق رزمنده‌معروف والگوی مقاومت وتقوی که‌معاون اوبودسالهارا درکنارهم گذشتانده‌بودنددرسنبله‌سال

گذشته دریک نبردخونین‌دربرابر روسهای ملحدشهیدگردیده‌بودهاشم این مردحماسه وجهادکه‌چهره‌باوقاروقامت رساداشت از اخلاق حمیده‌وعالی اسلامی برخوردار بود سرانجام اوگوهرنایابی راکه‌سالها در تلاش آن بوددریافت ودر۶ سنبله ۱۳۶۷ – حینیکه شاهراه عمومی بلخ – جوزجان رابررخ روسهای زبون ونوکران پست فطرت شان درقسمت قریه‌گورتپه مسدود نموده‌بودسینه‌ظفرآفرین آن موردا صابت مرمی دشمن نابکارقرارگرفته وبه‌فیض شهادت نایل گردید .

انالله‌وانا الیه راجعون

– شهیدمحمداحسان :

شهیدمحمداحسان فرزندقاضی محمد ظاهردرسال ۱۳۵۰ درقریه‌کتب‌خیل ولسوالی محمدآغه ولایت لوگردریک خانواده متدینی چشم به‌جهان گشود . وی ازهمان آوان طفولیت دارای سجایای اخلاقی وبرخوردار بودوازهنر ومورد توجه‌خاص پدردانشمندش قرارداشت واو راتحت تعالیم ابتدایی دینی قرارداد وهمچنان درکسب تعالیم اسلامی‌ازعلمای جیدمحل نیزبهره‌گرفت .

محمداحسان شهیدرا درست درسال ۱۳۵۱ شامل مکتب ابتدائیه کتب خیل نمودند چون محل وظیفه‌پدرش همیش درتغییربود وبه‌همین سبب محمداحسان شهیددروس مکتب رادرمکاتب مختلفه‌فراگرفت زمانی درمکتب محراب الدین شهرکابل وزمانی درمکتب لشکرگاه ولایت هلمندوبالاخره درمکتب کارته‌سه‌شهرکابل به‌دروس‌خویش ادامه‌داد . وی درجریان تحصیل ازجمله ممتازترین ومهذبترین و شاکربشمار میرفت ، همه‌همصنفانش وی رادوست می داشتند .

با به‌وقوع پیوستن کودتا ءسیاه وننگین ثورولشکرکشی روسهای وحشی به‌کشورعزیز ما شهیدمحمداحسان خواست تا به‌دروس خویش ادامه دهدتصمیم گرفت تا بخاطر اعلای کلمة الله‌وآزادی میهن ازدست وحشیان روسی به‌جهادمسلحانه‌بپرداز د همان بودکه‌درسال ۱۳۵۹ به‌جهادمسلحانه اش تحت فرماندهی سپه‌سالارموء من ودلیر برادرمجاهدشهیدداکترمحمدولی(ناصری) درجبهه‌ء خندق ولسوالی محمدآغه آغاز نمودوتالحظه‌ء شهادت صادقانه رزمید . اوهنگامیکه به‌محیط هجرت پا نهاد درصددتقویت سنگر فکری می پرداخت می توان اورا عاشق قلم و

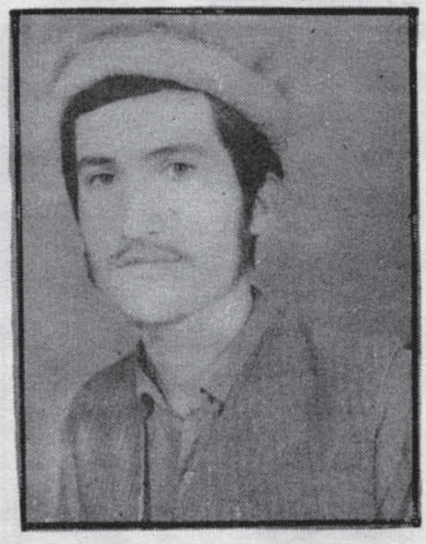

کتاب وشمشیرخواند .

محمداحسان شهید همانطوریکه‌درمدرسه شاگردممتازبود درمکتب جهادنیزلقب قهرمانی راکسب نموده‌بود .

اودرهمه‌امورجهادی ازجنگ تعرضی‌علیه سنگرهای روبزوال دشمن گرفته‌تا پهره داری وترصد وظایف مختلفه‌لوژیستکی وارتباط بامردم می کوشید تاازدیگران سبقت جوید . اوهمیش قرآن می خواند نمازشبانه برپامی داشت وجبین عجز بربارگاه الهی می سایید .

شهیدمحمداحسان درسال ۱۳۶۴ دریک برخوردرویاروبی علیه‌روسهای وحشی درقریه کتب‌خیل با چندتن ازمجاهدین جراحت برداشتند .

محمداحسان شهیدجهت تداوی به‌پشاور فرستاده شدوبعدازصحتیاب شدن دوباره به‌جبهه‌ء برگشتندوتاروزشهادت پیگیرانه به‌جهادمسلحانه شان ادامه دادند .

شهیدمحمداحسان نظربه‌امانتداری و دیگرخصایل عالی اسلامی که‌دروجودش دیده‌می شودمسئولیت امورمالی رابه عهده‌اش گذاشته‌بودند بالاخره محمد احسان به‌تاریخ ۸ر۸ر۱۳۶۷ دراثرانفجار ماین ضدپرسونل به‌درجه‌ء رفیع شهادت نائل گردیدند .

روح شان شادویادشان گرامی باد

شهیدحاجی غوث‌الدین :

شهیدحاجی غوث‌الدین ولدحاجی نور الدین ازسردره‌ء فندقستان ولسوالی غوربند بوده‌است درسال ۱۳۵۸ به‌جهاد مسلحانه خودشروع نموده ،شخصیت سرشار ازروحیه والای اسلامی بوده ،شهامت دلیری شجاعت وغیرتش دربرابرملحدین ونوکران حلقه بگوش روسی همواره‌مورد تائیدهمسنگرانش بود .

نامبرده درعملیات بالای ولسوالی غوربند سهم به‌سزائی راگرفته‌وبالاخره بتاریخ ۲۰ر۲ر۱۳۶۶ دریکی ازبرخورد های دشمن جام شهادت رانوشیده‌وجهان فانی راوداع گفت .

انالله‌وانا الیه راجعون

شهیدعبدالقدیر :

استاد عبدالقدیر" جهادمل "فرزند محمدعلی درسال ۱۳۳۶ دریک فامیل متدین ودیندارد رقریه‌شینه‌ولسوالی سرخپارسا ولایت پروان چشم به‌جهان کشوددرسال ۴۲ شامل مکتب ودرسال ۱۳۵۵ باموفقیت کامل لیسه رابه‌اتمام رسانیدومدتی وظیفه مقدس معلمی را درولایت ارزگان وبعداً درابتدائیه

سرخپارسا انجام داد.
هنگامیکه ایادی کفر به اریکه قدرت
تکیه زدند وظیفه را ترک نمود و به جهاد
عملی دست زد و دوشادوش برادر مجاهد
څارنوال عبدالروف شهید فعالیت می
نمود دربسیاری ازعملیات ها سهیم
بود علاوه ازولایت پروان در دیگرولایات
همجوار اشتراک داشت.
بالاخره بتاریخ ۵ ثور ۱۳۶۴ درحال دفاع
از تعرض متجاوزین به شهادت رسید.
انا لله وانا الیه راجعون

۷۴ – شهید استاد محمدزمان :

استاد محمدزمان فرزند محمددین در یک خانواده متدین درقریه قطندرولسوالی سرخپارسا ولایت غوربند درسال ۱۳۳۱ چشم به جهان کشود و بعدازتحصیلات درسال ۱۳۵۵ بدرجه عالی ازلیسه فارغ گردید و به صفت معلم درولایت بامیان انتخاب گردید با به میان آمدن حکومت مزدور روسی وظیفه را ترک گفته به صف مجاهدین پیوست وازطرف مردم به صفت مسئول جبهه قطندرتعین گردید در بنیارعملیات سهم به سزایی داشت وازطرف دیگر درنظم مجاهدین خیلی ها می کوشید وچندین مدرسه را تاسیس نمودتا اینکه درعقرب ۱۳۶۳ دریکحمله ناجوانمردانه متعرضین به شهادت رسید.
روحش شاد ویادش گرامی باد

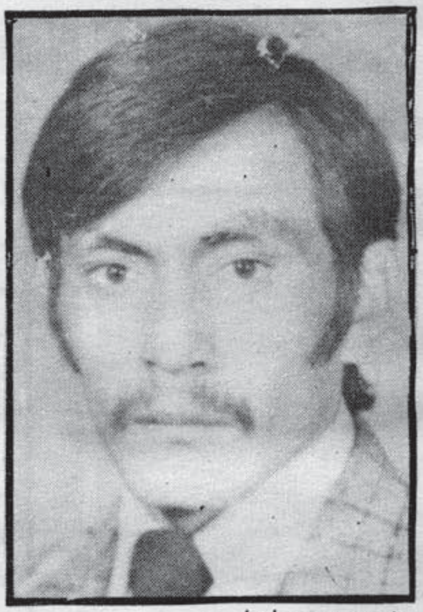

شهید محمدجلیل :

شهید محمدجلیل د محمدیوسف زوی د کابل دچارآسیاب ولسوالی دموسهی اوسیدونکی په ۱۳۴۵ کال کی زیږیدلی، دکلک عزم اوټینګ ایمان څښتن وکله
چی کمونستان قدرت ته ورسیدل په وسلوال جهاد یی لاس پوری کړ ګڼ کمونستان یی جهنم ته وسپارل څوپه ۱۳۶۷ کال دسنبلی دمیاشتی په نهمه نیټه دملحدینوسره په یوه نښته کی په شهادت ورسید.
انا لله وانا الیه راجعون

شهید بابرخان :

شهید بابرخان درسول خان زوی دپکتیا دموسی خیلوولسوالی اوسیدونکی دمنګلو دمرزاګی دګروپ یوتکړه مجاهدودجهاد پیل نه یی دملحدانو په خلاف جهاد پیل بالاخره د۱۳۶۷ کال دسنبلی میاشت کی دذښمن دطیارو دبمبارد له کبله په شهادت ورسید.
انا لله وانا الیه راجعون

شهید عبدالمتین :

شهید عبدالمتین دغلام رسول زوی د خان آباد ولسوالی کی زیږیدلی، لمړنی زده کړه یی ترپنځم ټولګی پوری د
ایشانتوپ په لمړنی ښوونځی کی سرته رسولی اوډغوره اخلاقو څښتن و، له وړوکتوب څخه یی له خپلومجاهدوورونو سره دجهادپه ګرم سنګرکی شپی اوورځی تیرولی په ۱۳۶۵ کال دکمالاتولپاره پاکستان ته راغی اوله څه وخت وروسته دجهاد سنګرته ستون شو په ډیروعملیاتو کی یی برخه اخستی وروسته داسددمیاشتی په ۱۷ نیټه په ۱۳۶۷ کال کی دچهبل دخترانوپه کوڅه کی له دښمن سره په مخامخ جګړه کی په شهادت ورسید.
انا لله وانا الیه راجعون

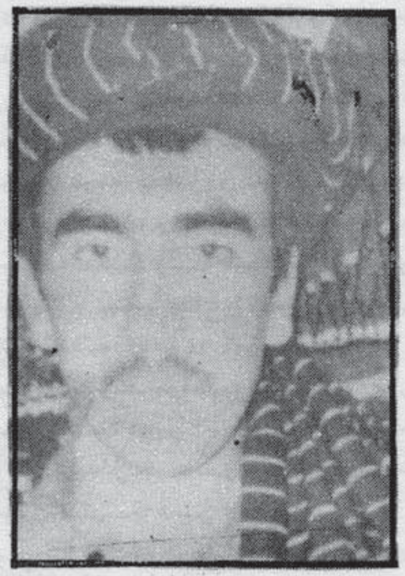

شهید څارنوال عبدالعزیز :

شهید څارنوال عبدالعزیز فرزند حاجی ملابابه یکتن ازپیشگامان نهضت اسلامی کشور درسال ۱۳۲۸ درقریه مارمل مزارشریف دیده بجهان گشود دوره طفولیت اش را دردامان پرعطوفت پدرومادرخویش سپری نمود. درسن هفت سالگی شامل مکتب ابتدائیه نارمل گردید وبدرجه اول سندفراغت راازابتدائیه مذکوردریافت نمود بعدازفراغت جهت پیشبرد تحصیلات ثانوی شامل لیسه باخترگردید.
شهید مذکورواجدشخصیت اسلامی، اخلاق حسنه واداب خوب معاشره بوده همه مردم بالخصوص اقارب نزدیک شان ازوی خیلی راضی بودند. هم چنان همدوره های مکتب و استادان درهمه جا ازوی به نیکوئی یادآوری میکردند.
څارنوال عبدالعزیز بعدازفراغت تحصیلات ثانوی نظربه لیاقت واستعدادی که داشت به صفت مامور در ۱۳۴۵ درولسوالی نهرشاهی توظیف گردید، بعدازچندسال ماموریت بدعوت اسلامی پرداخت و در

هراجتماعی که حضورمی یافت آنرا بـــه اسلام دعوت میکرد.

بعد از شرفعالیت خستگی ناپذیرشان توسط حکومت داود دستگیروبا برادرخـــود عبدالقادرتوانا دریک وقت به زنـدان افگنده شدبعدازرهائی زندان سلسلـه کارخودرا تعقیب نموده جهت اخذ دستور و مشوره به نزدبرادران تحریکی به زنـدان دهمزنگ می رفت هرکاررا به هدایت شهید انجنیرسیف الدین "نصرتیار" انجام میداد همه وقت دربا ره. هرکاری با وی تماس می گرفت ومطابق دستوروبرنامه وی عمل می نمودچندی نگذشت که ځارنوال مکرراً توسط حکومت مزدوردادودستگیر ورهسپارزندان گردیددولت پوشالی وقت بعدازانجام لت وکوب وفشارها نتوانست برهدف برسد فلهذاوی دوباره اززندان رهاگردیده عازم ماربل گردیددرماربل دست به تشکیل وسیع جبهه اسلامی زده ویک قرارگاه منظم جهادرا تاسیس نمودواین قرارگاه به فاصله ۲۵ کیلومتری جنوب شهرمزارشریف موقعیت داشت همه امورا به مشوره مجاهدین انجام میدادوخواستار وحدت بودازتفرق بیزاربودوکوشش میکردبین مجاهدین اخوت وبرادری – مستحکم گردد. بالاخره درسال ۱۳۶۱یک قوای خیلی بزرگ باسازوبرگ فراوان وطیارات بی شماربا شرکت خودبا ختهگان بطوروحشیانه به قرارگاه مجاهدین حمله نموده بعدازهشت شبانه روزجنگ رویــا روئی ځارنوال با قوماندان عبدالرحمن وقوماندان جمعه وقوماندان قربان به کاروان شهدا پیوست.

روح شان شادویادشان گرامی باد

شهیدځارنوال امین الله:

شهیدځارنوال امین الله درسال ۱۳۳۵ درخانواده متدین درقریه قبچاق ولسوالی شولگره ولایت بلخ چشم به جهان گشود حینیکه هفت مین بهارزندگـی را سپری نموده بودشامل لیسه احمدالله شدوبعــد ازتحصیلات به عسکری سوق داده شدودردوران عسکری بانهضت اسلامی آشنا شد درزمان به میان آمدن حکومت مزدورروسی درولسوالی شولگره بحیث ځارنوال تعین وظیفه می نمود و درهمان وقت مردم آن ولسوالی را علیه دستگاه کمونیستی ودولت کفربه قیـام آماده ساخت وبه جهادمسلحانه دست زد ودربسیاری ازعملیات سهم بسزایی داشت تا بالاخره در۲۷ رمضان ۱۳۶۱ به فیض شهادت نایل گردید.

انا لله وانا الیه راجعون

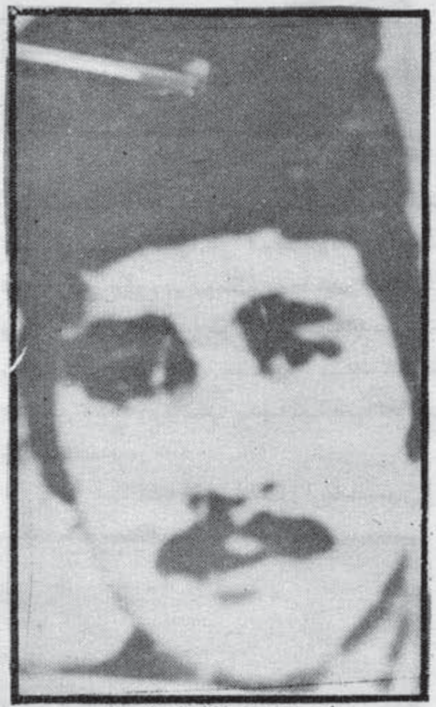

برادرشهیدمیرخلیل الرحمن:

شهیدمیرخلیل الرحمن "انصاری"ولد میرعبدالشکورانصاری مسکونه قریه قلعه حاجی صاحب ولسوالی ده سبزولایت کابل که درسال ۱۳۴۱ دریک فامیل متدین چشم به جهان کشود درسن هفت سالگی شامل مکتب ابتدائیه قریه شیخوگردیـد و تحصیلات خویش را درآنجا به پایان رسانید درسال ۱۳۵۷ بعدازینکه کودتای هفت ثور بمیان آمدیکجا باسایربرادران خویـش برضدملحدین دست به مبارزه مسلحانه زد درعملیاتهای متعددبرعلیه دشمنان اسلام اشتراک ورزیدبالاخره دریک عملیـات رویاروی درقریه بندیخانه ولسوالــی ده سبزبتاریخ ۱۵ اسد سال ۱۳۶۷ بعداز آنکه چندین تن روسهاوغلامانشان را روانه جهنم ساخت خودش نیز جام شیرین شهادت نوشید.

روحش شاد یادش گرامی باد

شهیدقاسم گل:

شهیدقاسم گل دلعل گل زوی دپکتیا ولایت دځاځی میدان ولسوالی داغندزی دکلی اوسیدونکی په ۱۳۴۷ کال کـی زیږیدلی تر۱۳۵۸ کاله په عملی جهـاد کی برخه اخستی وه ډیرزړوراوتـل مجاهدو د۱۳۶۶ کال په تاریخی جګړه کی دځکمنیوولسوالی که په شهادت ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

۵۶ – شهیدولی گل دپکتیا دځاځی میدان دولسوالی داغندزی کلی اوسیدونکی په ۱۳۵۸ کال کی بی په عملی جهادپیل وکړ دجوزا په ۱۴ نیټه په ځاځیوکی دجګړی په ترڅ کی په شهادت ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

شهید داکتر عبدالوکیل :

شهید داکتر عبدالوکیل داخند زاده زوی دوردگوا ومیدان ولایت دجلریز علاقه د اری دموسی خیلوا وسیدونکی دښوا خلاقو، پوره تقوی درلودونکی په ۱۳۵۹ کال یی مسلحانه جهادلاس پوری کړی وپه ۶۶ کال دزرمت په دښته کی دروسانولخوا په شهادت ورسید.

انا لله وانا الیه راجعون

شهید ملاعبدالظاهر " حق شناس "

برادرگرامی شهید ملاعبدالظاهر "حق شناس" ۳۰ سال قبل درفامیل مؤمن وخدا پرستی درقریه "آب باریک" ارگومرکزولایت بدخشان چشم بجهان گشود، والدین بزرگوارش همین که توان حرف زدن وخواندن رادرا ومشاهده نمودند، بیدرنگ پایش را به مدرسه کشانیدندتا درس خدا شناسی وآزادمنشی فرا گیرد. با به قدرت رسیدن آیادی دون همت روس بر سرنوشت ملت مسلمان افغانستان، ملاعبدالظاهرشهید درصف رزم آوران حزب اسلامی قرارگرفت وتا آخرین دقایق عمردرراه تحقق اهداف والای جهادوحاکمیت دین خدا (ج) تلاش ورزید، شهید ملاعبدالظاهر در مسیرمبارزه وجهاد تکالیف جانکاه وجان فرسایی را با جبین بازووسعت صدر متحمل شد، درسال ۱۳۶۲ درراس یک کاروانی به پشاورآمد، با توقف کوتاه درپشاوراز طریق شاه سلیم به معیت برادرمجاهد دانشی آمرجبهه البدرارگورهسپار سنگر های غرورآفرین بدخشان گردیدکه در مسیرراه درحصه "سنگ لیچ" ازمربوطات علاقه داری زیباک باسایرمجاهدین که تعدادشان بالغ بر پنجصدنفربودند به کمین روسها برخوردندکه درنتیجه با ۲۰ نفرازمجاهدین ازین معرکه جان به سلامت برد، حق شناس شهیددراموراداره وتنظیم مجاهدین مهارت خاصی داشت، روی همین ملحوظ ازطرف شورای رهبری جبهه البدربه صفت قوماندان یکی از گروپ ها توظیف گردید، تواضع وخلق نیکویش بیش تر ازپیش اورا نزدمجاهدین محترم وگرامی قرارداده بود، این سپاهی راه خدا (ج) توسط عدهٔ جنایت کار وکوردل درحالیکه دربستر مریضی افتیده بود، شبانگاه اختطاف شد، بعدازتعذیب وشکنجه زیادی که قلم ازتذکار آن ننگ دارد، مظلومانه به شهادت رسیدو با شهادت خویش یکبار دیگرخط سرخ شهادت وایثار را دردل تیره گی ها !! حیات جاویدان بخشید.

انا لله وانا الیه راجعون

شهیدجمال الدین "انیق" :

برادرشهیدجمال الدین "انیق" فرزند ملاعبدالخالق درسال ۱۳۳۲ دردهکدهٔ برلاس چنار ارگومرکزولایت بدخشان در یک فامیل متدین تولدیافت درسن هفت سالگی شامل مکتب ابتدائیه برلاس چنار گردید، با فراغت ازصنف ششم مکتب مذکور شامل مدارس دینی شد، هشت سال عمرش به تحصیل علوم دینی درمدارس مختلف ولایت بدخشان سپری شد، همین که غلامان روس زمام اموركشوررا بدست گرفتند. شهیدجمال الدین "انیق" همه چیزرا کنار گذاشت وبرای آزادی میهن وکشوراسلامی اش ازلوث کثیف ایادی روس مۍ اندیشید، همزمان باتابش فجرنجات بخش جهاد مسلحانه درکشور کمرجهاد بربست ودوشادوش سایرمجاهدان ورزم آوران، به جان نثاری آغازید.

شهیدجمال الدین "انیق" یکی ازمعروف ترین فرماندهان جبهه البدرارگومرکز ولایت بدخشان به شمارمیرفت اوقیادت بیش ازدوصدنفرمجاهدآماده رزم را به عهده داشت. "انیق" شهیدطی پلانهای مثمریکه وقتاً فوقتاً به منصهٔ اجراء درآورده است، به صدها عساکرروسی را رهسپار جهنم ابدی نمود، سلاح های دست داشته شان را به غنیمت گرفته است شهادت اوضایعهٔ بزرگیست که به زودی جبیره نخواهدشد.

شهیدگرامی "انیق" سرانجام درفصل زمستان سال ۱۳۶۶ دریک برخوردبادشمن کینه توروجنایتکار سینه پاکش مورد اماج رکبارقرارگرفت.

روحش به سوی علیین صعودنمود.

روحش شادویادش گرامی باد

۶۹ ـ شهیدعزت الله "صداقت یار"

برادرشهیدعزت الله "صداقت یار" فرزندحاجی قره خان درسال ۱۳۳۳ درقریه برلاس چنار ارگومرکزولایت بدخشان دیده بجهان گشود، موصوف تحصیلات ابتدائیه را درمکتب ابتدائی قریه برلاس به پایان رسانید، نسبت مشکلات وبعدکانون های علمی نتوانست تحصیلات متوسطه وعالی رادنبال نماید، بناءً افتخارشمولیت مدارس دینی منطقه راکمائی کرد، چند سال رادرراه کسب علوم ومعارف اسلامی سپری کرد، درسال ۱۳۵۶ توسط حکومت وقت جلب وبه اردوسوق داده شد هنوزیک سال ازدورهٔ احضارش دراردو سپری نشده بودکه ایادی روس طی کودتایی برا ریکهٔ قدرت تکیه زدند، عزت الله شهیدبا شناخت که ازوضع سیاسی کشور داشت، حضوردراردورا تحریم نموده به زادگاهش بدخشان برگشت ودرآنجا با دستیاری سایربرادران مجاهدش علم مبارزه وجهادرا برضددولت دست نشانده روس برافراشت، درسال ۱۳۶۰ نسبت اخلال گری عدهٔ فسادپیشه وجانی که نمی خواستندحزب اسلامی دربدخشان جبهه داشته باشد، با عدهٔ مجاهدین رهسپار پشاورشدبعدازتجهیزواکمال مجدداً عازم سنگرهای جهادی ولایت بدخشان گردیدو مسئولیت اسلامی اش را درقبال جهاد بدون کم وکاست ازسرگرفت بالاخره این فرزانه فرزندانقلاب شکوهمند اسلامی دریک برخوردبادشمن بدرجه رفیع شهادت نایل گشت.

انا لله وانا الیه راجعون

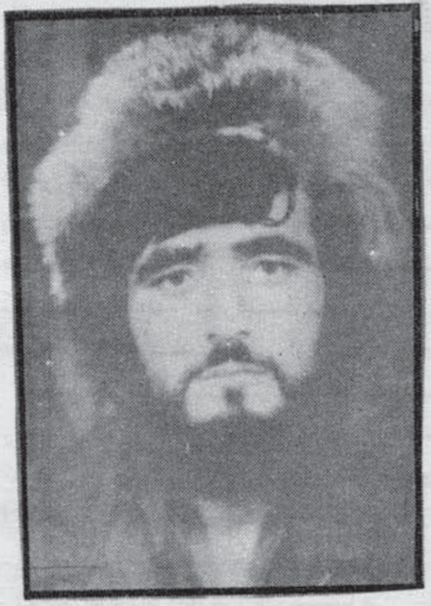

شهیدحاجی سلیمان :

شهیدحاجی سلیمان دحاجی پاینده خان زوی دپکتیا ولایت دزرملی ولسوالی دکوتی خیلو اوسیدونکی ونوموړی وروز د۱۳۵۸ کال له وا ئلونه چی په زرمت کی دملحدینو په خلاف وسلوال عمومی قیام پیل شو په جهاد کی ونډه درلوده په زرمت کی دروحانی بابا قرارګاه غړی اودمالی چارومسئول و، په ۱۳۶۶ کال یی جهادته دمهاجرینو دتشویق لپاو دیوی ترافیکی پیښی په ترڅ کی داجل داعی ته لبیک ووایه .

انا لله وانا الیه راجعون

شهیدفتح محمد حاجی فیض محمد زوی دپکتیکا ولایت اوسیدونکی و، دنهه کاله مودی جهاد په اوږدوکی دوفادار او مخلص شخص په حیث پیژندل شوی په ۱۳۵۷ کال کی دثورد کودتا نه وروسته یی ستمدستی په جهاد لاس پوری کړل کله چی په ۱۳۶۵ کال کی دوحدت حوزه جوړه شوه د چریکی قوماندان دنده وروسپارل شوه په ډیر و عملیاتو کی یی ونډه واخسته چی بالاخره په ۱۳۶۷ کال کی دتاج محمد قوماندان ترقوماندی لاندی دارګون په محاصره کی دا ویشتلو دنده وروسپارل شوه اودروان کال دجوزا د میاشتی په ۲۴ نیټه دزیکا ویک ویشتلو په حال کی چی ددښمن پوستی یی تر اور لاندی نیولی وی دهاونګ دمرمی په ذریعه په شهادت ورسید .

انا لله وانا الیه راجعون

ـ شهید داکتر محمدیوسف :

اینبار سخن از خموشی فروغی است که روزگاری هشت سال قبل ازامروزدرزمره اولین طلیعه گان خورشید جهاد برافق های مظلوم دیار بلخ نمایان گشت . آری ! اوسالهای درازمشتاقانه رزمید وحقاکه اوتوانست باشمع شب افروز جهاد اسلامی زوایای ظلمتکده ها را منور سازد ولی دریغا که سرانجام روزی هزاران فرسخ بعیدازآن سرزمین ، دردیار هجرت وبی سرپناهی ودرتنهای مظلومیت به شهادت رسید .

برادرعزیز بیاتاازشرح حال زندگی این ابرمردتاریخ کشورصفحه را بگشاییم ومیخوانیم که دوکتورمحمدیوسف دردودمان محترم وکیل محمدایوب سی و دو (۳۲) سال قبل ازامروزدرسرزمین تاریخی آدینه مسجد درساحه ولسوالی چهاربولک بلخ تولدگردید ،تعلیمات ابتدائی اش درآنجا اکمال یافت و او غرض تعلیمات ثانوی به لیسه باختر مزارشریف شامل شده وازصنف ۱۲ آن لیسه نیزموفقانه فارغ گردید محمدیوسف به کمک وتشویق پدرعلم پرورش تصمیم اکمال تحصیلات عالی رااتخاذنمود بدبختانه قسمتی ازآنها درسرحدات آزاد وزیرستان جاگرفت ،این دشمنان جامعه اسلامی ویاران فسادکینه را بااحکام عدالت اسلامی ونافذین قهرمان آن چون داکتریوسف ویارانش دردل جاداده نتا داکتریوسف آن سپاهی بی باک راه خدا (ج)بدون اطلاع ازوجودشان درخانه در جوارایشان سکونت می گزینداینجاست که دزدان ،خادستان وچپاولگران در کمین آن شده وقتی اورا غیرمسلح می یابند درحالیکه آذوقه راازبازاراعظم ورسک بصوب خانه حمل مینمایدازعقب موردرگبارجبونان بزدل قرارگرفته وقلب مملوازآرمانش در ۹ سنبله ۱۳۶۷ غرقه بخون گردید .

انا لله وانا الیه راجعون

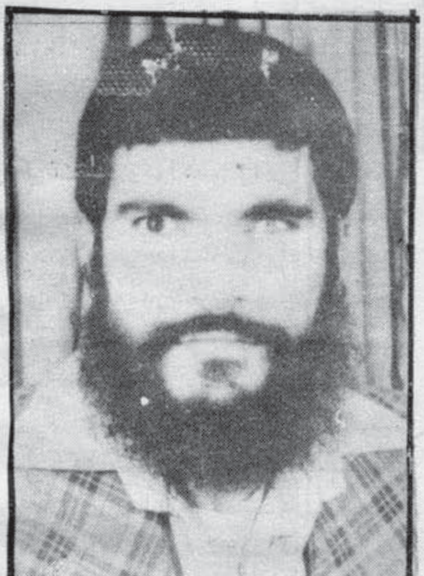

بسم الله الرحمن الرحيم

وعن أوس بن أوس رضي الله عنه قال : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم :

(ان من افضل ايامكم يوم الجمعة ، فاكثرو على من الصلاة فيه فان صلاتكم معروضة على) فقالوا : يا رسول الله ! وكيف صلاتنا عليك وقد أرمت ؟! قال يقول بليت ، قال : (ان الله عزوجل حرم على الارض اجساد الانبياء .)

(رواه ابوداؤد باسناد صحيح)

ترجمه : (از أوس بن أوس رضي الله عنه روايت شده است كه رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند : ـ همانان روز جمعه از بهترين روزهاي شما است پس در آن برمن زياده درود فرستيد زيرا درود شما برمن عرضه مي شود . گفتند يا رسول الله چگونه درود مابرشما عرضه مي شود درحاليكه استخوانهايت پوسيده شده . فرمود خداوند اجساد پيامبران را برزمين حرام كرده است (يعني جسد شان پوسيده نمي شود) .

* خوانندگان گرامی مجله شفق !

نظر به بعضی مشکلات نشراتی از دنبال نمودن خاطرات برادر مبارزمان محترم قاضی صاحب محمود الحسُن صرف نظر شد، امید که دیگر در انتظار نشر آن نباشید.

* درین شماره‌یی از مجله نتوانستیم مضامین دنباله دار دیگر را تعقیب کنیم در شماره آینده‌ء مجله منتظر آن باشید...

(اداره)